رس

باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت:	۱۱۰۴۲
رده‌بندی دیویی	۱۳۳۹ و ۵۷۴ گ ۲۹۷/۴۱۷۲ مرجع ☐
سرشناسه:	گلستانه اصفهانی احمد علی، - ۱۳۲۰.
عنوان قراردادی:	الوسائل
عنوان:	الوسائل فی اثبات الحق وازهاق الباطل
شرح پدیدآور:	
کاتب:	جواد بن عبدالغنی جبری تاریخ کتابت:
محل نشر:	[بمبئی] ناشر: مطبعه جبری تاریخ نشر: ۱۳۳۹ق
صفحه شمار:	۲۱۴ ص مصور ☐ درسی ☐ گراور یا افست ☐
زبان:	فارسی ابعاد: ۲۱×۱۳/۵ نوع خط: نسخ
روش تهیه:	وقفی ☑ اهدایی ☐ خریداری ☐ ارسالی ☐
واقف:	محمدتقی بوکالت مرحوم سبط تاریخ ثبت: مرداد ۱۳۴۷
یادداشتها:	در انتها تقریظ و خاتمه الطبع آمده است.
موضوع(ها):	۱. شیعه - عقاید. ۲. مهدویت. ۳. امامت.
شناسه(های) افزوده:	الف. جبری، جواد بن عبدالغنی، کاتب. ب. محمدتقی، واقف. ج. عنوان.
فهرستنگار:	شیبانی تاریخ فهرستنگاری: خرداد ۸۸

صفحات ۱۱۶ بجلد

[illegible]

۴۶۲۱

اسیدزدایی شد
۸۸/۲/۳۰

۲۹۷/۴۵۱
۳۸۴۲۶

آستان قدس

کتابخانه آستانقدس

اسم کتاب وسائل در اثبات الحق و ازهاق الباطل — فارسی

مصنف سید محمد علی گلستانه
مؤلف

خطی
چاپی سنگی نسخ بخشی

سال چاپ یا تحریر ۱۳۳۹ ق عدد اوراق ۲۲۰ ۱۱

جزء کتب عقائد شماره

شماره عمومی ۴۰۶۹۰ شماره قبض

واقف سید محمد تقی بولکات مرحوم [illegible] تاریخ وقفنامه ۱۳۴۷

طول ۲۲ عرض ۱۴

۲۱۶ صفحه

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازیابی شد

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازیابی شد

هذا كتاب الوسائل في اثبات الحق ورد الباطل

سال ۱۳٤۸ خورشیدی
بازبینی شد

کتاب الوسائل

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی توحد بالجود والجبروت وتفرد بالملک والملکوت
ونحمده علی ما انعم علینا من منه واحسانه ونشکره علی ما تفضل
علینا من جوده وامتنانه فسبحان الذی ارسل الرسل اتماما
لحجته علی خلقه واوضح بهم السبل اکمالا لعظیم نعمته وجعل
محمد المصطفی ص خاتم رسله علی کافة بریته فصلی الله علیه و
علی الاطائب من عترته البررة الاتقیاء واهل الصفوة و
الاجتباء امناء الله فی بلاده وحججه علی عباده سیما بقیة الله الذی
محیی لاحکام المقدسة الاسلامیة والحافظ لنوامیس
شرایع الربانیة والمتجلی بسحاب وجهه الاقدس عن سحاب
الغیبة الالهیة سلطان العصر وناموس الدهر آیة الله العظمی
وحجة الله الکبری ومثل الله العلیا نور الله الظاهر الجلی ومظهر الله
الباطن الخفی خاتم الاوصیاء الامام القائم الولی مولانا
حجة ابن الحسن العسکری ولعنة الله علی مخالفیهم ومبغضیهم و
منکریهم من الآن الی یوم القیمة **اما بعد** غرض از تحریر
این رساله وجیزه آنست که چون بر هر فردی از افراد مکلفین عباد

واجب است

سبب تألیف کتاب

واجب است که اصول دین واصول مذهب خود شان را بدانند
از روی دلیل و برهان و به نظر تحقیق و تدقیق بقدر فهم
خود شان اجتهاد کنند که سبب اطمینان و یقین ایشان بود شد با
معرفت بخالق و پیغمبر و امام خود هم رسانند که بهیچوجه من
الوجوه شک و تزلزل از دین و مذهب خود نداشته و هم نرسانند
بوساوس شیطان و حیله و تدلیس هر فرقه باطلی که ایمان
ایشان زایل شود و بتقلید پدران و پیشروان و متقدمین خود
متابعت و مشایعت ننمایند چنانکه خدای تعالی
در کلام مجید میفرماید وکذلک ما ارسلنا من قبلک فی قریة
من نذیر الا قال مترفوها انا وجدنا آبائنا علی امة وانا علی
آثارهم مقتدون خدای تعالی در مقام مذمت این گونه بندگان
میفرماید وچونکه مشاهده میکنیم مسلمانان عالم را کلهم اقرار
بشهادتین دارند بوحدانیت حق سبحانه وتعالی و بنبوت و رسالت
خاتم الانبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه وآله ومتمسک میباشند
بقرآن مجید و بیک قبله نماز میگذارند لیکن در مذهب اختلاف
بسیار دارند و در عقاید با یکدیگر مخالفند و هر یک مدعی حقیت
مذهب و اعتقاد خود می باشند و مذاهب دیگران را باطل دانند
و شبهه نیست که همه مذاهب اسلام بر حق نیستند از جهة اختلاف
عقاید آنها زیرا که جمع متنافیین و متناقضین محالست و حق
و باطل مثل نور و ظلمت هر دو با هم جمع نشوند بناء علی هذا
این ناقابل خاک راه سالکان مسالک شرع مبین محمد علی سمی
الاب الموسوی الملقب بگلستانه محض درک فیض عظیم

بازبینی شد

این رساله وحقیر را بفهم غیر مستقیم وعدم ذوق سلیم تحریر می
نمایم براهین عقلیه ودلائل قطعیه در طیّ چند مقدّمه
با نضمام نقل اخبار وروایات مستفیضه متّفقه تمام فرق
مسلمانان از کتابهای متقدّمین با اختصار مطالب عالیه
وبیّنات وافیه ودلایل کافیه وبراهین ظاهره که خالی از تعصّب
مذهبی واغراض فاسده نفسانی بوده باشد بکلمات فارسی
بعون الله وتوفیقه ثابت می نمایم مذهب حقّه را که راه عذری
از برای مذاهب باطله نباشد وحجّت قاطع وبرهان ساطع
باشد بر همه مذاهب وامیّد است انشاء الله تعالی که اخوان ایمانی
وضعفای ملّت شریعت پناهی بهره مند شوند ونامیدم این
رساله را بوسائل فی اثبات الحق وازهاق الباطل **مقدّمهٔ
اوّل** بعد از آنکه براهین عقلیّه ودلایل قطعیه ظاهر
وهویداست که ذات واجب الوجود یگانه وبی شریک ومستجمع
جمیع صفات وکمالات ومبرّی ومنزّه از جمیع نواقص است ویقین
نمودیم که خدای متعال حکیم وخبیر ولطیف میباشند ودائم التّدبیر
که خود سبحانه وتعالی جمیع ممکنات ومخلوقات سیّما بنی آدم را
از روی حکمت ومصلحت خلق فرموده ومنوط بغرض صحیحی
بوده از راه لطف واحسان در حق آنان مرحمت فرموده وآنچه
اصلح وانفع از برای بندگانست بهمان قسم مقرّر فرموده است
واز روی حکمت کلّ موجودات را خلق فرموده مختلفة الحقایق و
متفاوتة الهیاکل وانها را عبث وبی فائده ولغو خلق نفرموده
کما قال الله عزّ وجلّ افحسبتم انّما خلقناکم عبثاً ودر سوره انبیا

فرموده وما خلقنا السّموات والارض وما بینهما لاعبین
وبملاحظه صلاح عباد خود ونظام عالم وشناختن خلایق خالق
خود را واطاعت وفرمان برداری ایشان ذات اقدس او ورساندن
آنان بمقام عالی ودرجات حیات باقی بتدبیر اخروی را واز جهة
دارا شدن مکارم اخلاق را وانتظام امور سیاسات ومدنیات
واکرام معاش ومعاد شان مرتّب باشد ومعطّل ومعوق ومختل
نباشد وهرج ومرج درمیان خلایق نباشد ورشته اساس گسیخته
نشود واتیان باوامر الهی نمایند واجتناب ودوری از نواهی
نمایند ومطیع وفرمانبرداری معبود خود نمایند که نقض غرض
اصلی حضرت سبحانه نگردد بر همین جهات پیغمبران وامامان فرستاد
که ایشان حجّت بالغه باشند وواسطه بین خالق ومخلوق بوده
باشند که ایشان دارای جنبهٔ ملکوتیّت ونورانیّت باشند
ودارای جنبهٔ بشریّت هم باشند که افاضهٔ خالق با ایشان شود و
آنها بخلایق برسانند وهدایت وارشاد وتنبیه نمایند مردم را وتبلیغ
خلایق باشند وبرسانند بخلایق احکام مکلّفه آنانرا که خداوند
تعالی از روی حکمت ایشانرا مکلّف نموده باحکام وواجبات
ومحرّمات وطهارات ونجاسات ومزاوجات ومعاملات کلا
طراً اجزاءً تعلیم خلایق نمایند وامر معاش ومعاد مردم منظّم
باشد وامر مواریث وقضایا وجنایات مختل نماند وهرج ومرج
در انفاس واعراض واموال احدی واقع نشود ورفع ظلم وضرر
ونقص وتعدّی از ایشان بنمایند ورفع اختلاف ونزاع و
جدال از خلایق بنماید وانها را براه راست بکشانند واز

ضلالت وگمراهی وشرک وکفر باز دارند پس بعد از این بیانات
میگوئیم بالضروره من العقل والنقل محقق وثابتست وصریح
وواضح است وجوب وجود پیغمبران وخلفا وجانشینان پیغمبران
در همه زمانها وهمه اوقات که در هیچ زمان وهیچ عصر عقل
حاکم است که ممکن نیست زمین بی حجت وبی امام باشد که اگر
نباشد خلایق حجتی دارند در قیامت بخالق متعال مؤید این
بیانست قوله تعالی فی سوره طه ولو انّا اهلکناهم بعذاب من قبل
لقالوا ربّنا لولا ارسلت الینا رسولاً فنتّبع ایاتک پس میگوئیم
خداوند حکیم رؤف مهربان پیغمبران فرستاده وازبرای ایشان
خلفا وامامان معیّن فرموده است که در هر زمان وهر عصر
حجت بالغه ازبرای خلایق خود قرار داده است چنانکه فرموده
قل فلله الحجّة البالغة یعنی بگو ای محمّد که ازبرای خداست حجة
بالغه پس معلوم شد از حضرت ادم ابی البشر تا خاتم النبیّین
محمّد صلی الله علیه واله هر زمان که پیغمبران از دار فانی دنیا
بدار باقی اخرت ارتحال نمودند خلیفه ازبرای خود معیّن نمودند
که حفظ شریعت او را بنمایند وراه نمای خلایق باشند تا انکه
پیغمبری بعد مبعوث شود بر همین قسم بوده است تا انکه پیغمبری
ختم شد بوجود اقدس حضرت رسول ص پیغمبر ما مسلمانان
وبعد از ان پیغمبری نخواهد امد تا روز قیامت وشریعت
ودین وقوانین واحکام وقران او باقی میباشد الی یوم القیمة
وبالضروره من العقل والنقل که همه دینها نسخ گردیده ومنحصر
شده است دین حق روی همه زمین بدین اسلام بدلایل کثیره

که غرض مؤلف اثبات او نیست در این ورقه خلاصه کتابی
که بغیر این قران مجید هم از جانب خداوند بر خلایق نخواهد امد
وناسخی نخواهد امد وتغییری در دین انحضرت نخواهد شد
واحکام وفرایض وسنن ومحلّلات ومحرّمات واوامر ونواهی
انحضرت باقی خواهد بود تا روز قیامت وپیغمبر اخر الزمان
هم افضل واشرف بر همه پیغمبران پیش از او می باشند بدلایل
بسیاری منجمله اینکه همه دینها وشریعتهای پیغمبران نسخ شد
وهمه کتابهای اسمانی نسخ شد ونسخ نشدن دین وشریعت
این حضرت ونسخ نشدن کتاب انحضرت دلیل است بر اشرفیت
وافضلیت انسرور وحق سبحانه وتعالی در قران مجید در سوره
بقره فرموده تلک الرّسل فضّلنا بعضهم علی بعض منهم من کلّم الله
ورفع بعضهم درجات ومخصوص است که وجود اقدس پیغمبر اخر
الزمان را برد بمعراج بمقام قاب قوسین او ادنی وتکلم نمود
باخدای خود پس ثابتست اشرفیت انحضرت بر انبیاء که پیش
از انحضرت بودند وچونکه جمیع مسلمانان روی زمین مقرّ و
معترف اند بنبوت ورسالت خاتم النبیین صلی الله علیه
واله لذا مؤلف زیاده بر این بیان در مقام اثبات نبوت انحضرت
نیستم که ثابت کنم نبوت خاصه را **مقدمه دوم** چونکه
پیغمبری ختم شد بوجود اقدس محمد ابن عبد الله صلی الله علیه
واله وزمان حیات ان بزرگوار بعد از بعثت مدت زمان
کمی بود ودر این قلیل زمان کتابی که قران مجید باشد ازبرای
خلایق اورد وشریعت واحکام وسنن ودر هر امری مقرر فرمود

اختلاف مذاهب
واجبات ومحرمات

ومحرمات وحلال وحرام واحکام از جانب حق سبحانه وتعالی
بیان فرمود وبعد از رحلت سید کاینات جمع مردم تازه دین
اسلام اختیار نموده واحکام الهیه را بعضی فهمیده وبعضی
نفهمیده وقرآن مجید هم درمیان ایشان بوده اما غامض و
مشکل وصاحب وجوه وتاویلات وبینات ومحکمات ومجملات
ومتشابهات وعام وخاص ومطلق ومقید وناسخ ومنسوخ
وکنایات واشعارات که هر یک از امت مرحومه بنوعی وبنحوی
میفهمیدند واحکام اصول وفروع را هر یک از قرآن درک
نمینمودند که اخذ مسائل ضروریه خود نمایند وهیچیک از
ایشان نبود که عالم ببواطن وتفسیر وتاویل قرآن باشد بغیر وجود
اقدس امیر المومنین علی ابن ابیطالب ع که هر وقت صحابه
کبار حضرت رسول الله در احکام مشکله مبتلا میشدند رجوع
بحضرت امیر المومنین ع مینمودند که در این خصوص در کتب
قاطبه مسلمین عامه وخاصه مذکور است واحدی انکار
ندارند ملخص آنکه بعد از رحلت حضرت رسول ص اختلاف
بسیاری بین امت رسول الله واقع شد از جهة امامت وخلافت
جمع بسیاری خلیفه برای رسول خدا معین نمودند بدون
تنصیص وتعیین از حضرت رسول واو هم متصدی ومتولی امر
خلافت شد وجماعتی هم نهایت اهتمام در استحکام امر
خلافت او نمودند که در کتب علماء عامه بتواتر مسطور است
وعمل بسنن حضرت ختمی مرتبت نمودند چنانکه خلیفه اول
ابوبکر بود مکرر اعتراف نموده است که من بسنت رسولخدا

عمل نمیکنم ونتوانم نمود اخبار بسیاری از اهل سنت نقل
شده است منجمله احمد بن حنبل که یکی از ائمه اربعه ایشانست
در کتاب مسند خود روایت کرده است از ابی بکر انه قام علی
منبر بعد وفات النبی ص بشهر فقال الحان قال ولئن اخذتمونی
بسنة نبیکم ما اطیقها انه کان معصوما عن الشیطان وکان
ینزل علیه الوحی ودر کتاب هروی وابن ماهویه وصواعق
ابن حجر روایت می کنند از ابوبکر که گفت اند قال افتظنون انی
اعمل بسنة رسول الله اذا لا اقوم بها ملخص معنی عبارت ابوبکر این است
که گفت اگر گمان کنید که من بسنت رسولخدا عمل خواهم نمود طاقت
نخواهم آورد زیرا که آنحضرت معصوم بود از شیطان زیرا که
من نتوانم عمل بسنت او نمایم ملخص آنکه بعد از رحلت ابوبکر خلافت
معین شد بر عمر بن الخطاب بتنصیص ابی بکر وبعد رحلت خلیفه
دویم بوصیت عمر وامر او بشوری از شش نفر امر خلافت مقرر شد
بعثمان ابن عفان بنابر نقل علماء عامه که در کتب ومؤلفات
خودشان نقل نموده اند منجمله ابن اثیر وابن عبد البر در
استیعاب وتاریخ بلاذری وابوعثمان الجاحظ وزمخشری درکتاب
فاضل القضاة وهروی درکتاب جمع الغریبین ومحمد بن جریر
طبری وموفق ابن احمد وغیر ایشان هر یک بسندهای خود
مفصل ذکر نموده اند که حاصل این اخبار آنکه چون ابولؤلؤ
بخنجر دو سر که قبضه آن در وسط بود مجروح نمود عمر بن الخطاب
را وجزم نمود موت خود را شش نفر را بشوری قرار داد علی وعثمان
وطلحه وزبیر وسعد ابن ابی وقاص وعبد الرحمن بن عوف وهر که را

اول نقص وقدحی نمود عمر امیر مؤمنان را وبعد گفت از این شش
نفر اگر پنج کس اتفاق کنند گردن آن یک نفر را بزنید که مخالف است
واگر چهار نفر اتفاق کنند گردن آن دو نفر را بزنید که مخالف است واگر
سه نفر بر یک رأی باشند وسه نفر بر رأی دیگری باشند نظر نمایید
که عبدالرحمن عوف در میان کدام است بقول او عمل کنید ملخص
آنکه روایت شوری مفصل است مؤلف آخر خبر را ذکر میکند که
عاقبت الامر بر طبق نقل اخبار سه فرقه شدند وچون عبدالرحمن
داماد عثمان بود گفت منهم از حصه خود گذشتم وبعلی گفت با
تو بیعت میکنم بکتاب خدا وسنن شیخین ابابکر وعمر حضرت فرمود
من قبول میکنم بکتاب خدا وسنت رسول الله عمل کنم بعد بعثمان
گفت بهمین طریق عثمان جواب داد قبول می کنم بکتاب خدا و
طریقه وسیره شیخین سه دفعه بعلی گفت وحضرت بهمان طریق
جواب داد وسه مرتبه بعثمان گفت وعثمان قبول کرد پس با او بیعت
نمود وخلافت او معین شد غرض مؤلف از نقل خبر شوری فی
الجمله عبادات آخر بود که نقل از کتابهای عامه نمودم که معلوم
شد هر سه خلیفه عمل بسنن رسول خدا نمینمودند مؤلف وقایع
بعد از رحلت پیغمبر خاتم را از نقل کتابهای علماء
اهل سنت وجماعت واهل سیر وتواریخ ومحدثین
ایشان نقل وذکر میکنم که محل تامل وتردید وسوء ظن کذب وافترا
نباشد واز بسیاری اخبار بقلیلی اخبار اکتفاء نمودم لیکن این خبر را
که سبب حرقت قلب مؤمنین ومسلمین است مناسب دانستم نقل
کنم که اگر جماعت شیعه را هیچ دلیلی نباشد از برای بطلان شوری مگر

همین اخبار موثقین ومحدثین اهل سنت ثقفی ومسعودی وصاحب
کتاب تقریب المعارف است که نقل می کنند از امیر المؤمنین ع
که انه قال علی ابن ابیطالب ع ثم ان عمر هلک وجعلها شوری وجعلنی
سادس ستة کسهم الجدة وقال اقتلوا الاقل وما اراد غیری فکظمت
غیظی وانتظرت امر ربی ترجمه فرمایش حضرت اینکه بدرستیکه
گفت علی ابن ابیطالب ع پس عمر هلاک شد وعذاب اخروی برای
خود خرید وامر بشوری نمود وقرار داد مرا ششمی از آن شش نفر
مثل سهم جده در ارث وعلاوه گفت بکشید کمتر از ایشان را که
یعنی مخالف باشد واراده نداشت عمر مگر آنکه من کشته شوم و
من کظم نمودم خشم وغضب خود را فرو بردم وصبر کردم و
انتظار امر پروردگار خود دارم مؤلف گوید پس بفرموده
آنحضرت که خود اهل خلاف که همه مسلمانان از عامه وخاصه
باشند اورا صادق ومعصوم می دانند که حضرترا مطابق آیات
قرآن که مبرا از دروغ وخلاف گوئی بوده اند عمر بن الخطاب را
مطعون ومحیل ومزور ومدلس دانسته اند که همه مدعای
او از این امر شوری کشته شدن حضرت امیر مؤمنان بوده است
العاقل یکفیه الاشاره ملخص آنکه هنگام کشتن عثمان
صحابه کبار اجماع نمودند بقتل او وچنانکه روات اهل سنت
نوشته اند در کتابهای ایشان نقل نموده اند که کبار اصحاب
پیغمبر ص همه تفسیق خلیفه سیم را نمودند وشهادت بر ظلم و
تعدی او دادند وهمه امت واصحاب وانصار اجماع کردند
بر کشتن عثمان واحدی از مسلمین انکار قتل او نکرد وهمه

مورخین اهل سنت روایت کرده اند و از نقل اخبار اختلاف
است در اجماع کشتن او بعضی گفته اند ده هزار کس بوده اند
بعضی نوشته اند پانزده هزار کس بوده اند بعضی مورخین نوشته
اند بیست و پنجهزار کس بوده اند در قتل او بعضی مدعی شده اند
که همه اسلام داخل اند بجهت آنکه با اتفاق در کشتن عثمان
نمودند یا ترک یاری او نمودند و راضی بکشتن او بودند و در
کتب اهل سنت از محدثین و مورخین مثل اعثم کوفی نوشته اند
که ام المؤمنین عایشه در حین قتل عثمان اراده حج بیت الله
نمود و هر قدر مروان الحکم التماس کرد که خلایق را از کشتن عثمان
باز دارد گفت دوست دارم که عثمان از میان جوالی نمایند و او را
در دریائی اندازند تا هلاک شود و ابو یعقوب از علماء معتزله
باسناد خود نقل میکند که حریص ترین خلق بر کشتن عثمان که
خلایق را ترغیب و تحریص مینمود عایشه بود و از نقل اخبار عامه
آنکه حضرت علی بن ابیطالب ع در اجماع بخلافت ابی بکر داخل
نبود با وجود آنکه آنحضرت را بعنف و جبر کشان کشان بمسجد رسول
الله آوردند و بیعت نمود لکن در اجماع بر کشتن عثمان داخل
بوده است چنانکه گفته اند آنحضرت فتوی بر قتل عثمان داد و
بعضی از عامه گفته اند که حضرت کراهت از قتل او نداشت و راضی
بقتل او بود مؤلف گوید تعجب است که فحول علماء اهل سنت چون
ابن عبد البر و طبری و اعثم کوفی و مدائنی و واقدی و سائر
علماء عامه در کتاب های خود نقل کرده اند که بعد از کشتن عثمان
سه روز اهل مدینه و اکابر صحابه پیغمبر جسد او را در مزبله -

انداختند و خلایق را منع می کردند از بیرون آوردن جسد او از
مزبله و غسل و نماز و دفن او را نمودند تا آنکه مروان حکم با
سه نفر ملازمین او شبانه نعش او را از مزبله بیرون آوردند
و مردم که مطلع شدند نعش او را سنگ باران کردند و حضرت امیر
علیه السلام مردم را منع نمود و فرمود که او را دفن کنند و در تاریخ
اعثم کوفی است نوشته که در وقتیکه نعش او را بیرون آوردند
سگها یکپای او را خورده بودند خلاصه مؤلف گوید بنای حقیر
ابداً نبوده بر طعن و سب احدی از متقدمین سیما صحابه
کبار و نخواسته ام از نزاکت خارج شوم و قصوری ندارم بمناسبت
اخبار نویسی از روی واقع الامر بعد از تصریح خود علماء و محدثین
و مورخین اهلسنت مؤلف نقل نمودی و از عجائب قدرت نمائی حضرت احدیت
جل شانه میباشد که در کتب معتبره خود شان نقل کرده اند
هر چند متاخرین در این زمان مشاهده نمودند افتضاح و رسوائی
خود را در کتب جدید چاپ مصر بعضی را اخراج نموده اند اینهم
مزید افتضاح است که در تمام عالم کتب خطی و چاپ بسیار است و
کتب چاپ بمبئی موجود است ممکن نیست محو و نقل کلام ایشان خلاصه بعد از
قتل عثمان بتفصیلیکه از اخبار عامه ذکر شده است همان مردم
و صحابه پیغمبر ص بعد از فراغ کشتن عثمان اجماع کردند بر خلافت
علی ابن ابیطالب علیه السلام و با آنحضرت بیعت نمودند **تنبیه**
مؤلف گوید کسانیکه با اجماع اهل سنت حضرت امیر المؤمنین را
خلیفه چهارم میدانند چگونه ممکن است که اجماع مردم در خلافت
حضرت امیر معتبر و حجت باشد و در قتل عثمان اجماع همان مردم که قتل

او کاشف از کفر است و یا معصیت او که موجب قتل او بوده است
حجت و معتبر نباشد و او را خلیفه سیم دانند حقیقت قضیه عجیب است
برای هر کس که اندک شعور داشته باشد در خصوص اجماع بر قتل
عثمان و اجماع بر خلافت حضرت امیر تصور نماید چگونه ممکن
است جمع متضادین که اعتقاد بخلافت حضرت امیر مؤمنان ع
و خلافت عثمان داشته باشند زیرا که ممکن نیست جمع میان دو
خلیفه نمودن بر حقیت هر دو و چونکه از اخبار تابعین عثمان از
اهل عامه که ذکر شد قطعی است که باعث قتل او قبح او است
لا اقل پس لازم اید بطلان او و حال انکه اهل سنت هر دو را
متفق خلیفه میدانند و بقاعده این اتفاق محال است و ممکن
نیست در حقیقت جمع بخلافت هر دو و با انکه شرط بدانند اجماع علما
دلیلی است بر واضح بر فساد مذهب انان هر که باشد ملخص
انکه بعد از کشته شدن عثمان اجماع بر خلافت حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام نمودند و در زمان خلافت انحضرت هم
جمع مخالفت نمودند متابعت معویه را نمودند باین نحو که
بعد از کشته شدن عثمان طلحه اراده خلافت نمود برای
خودش و بسیار حریص بود و شجاعان عرب هم با او بودند
و در زمان بعد از او خود نافذ الحکم بود و کذلک زبیر هم بهمین
قسم سر کشید بجهت خلافت و چون امر خلافت بانها نصیب
نشد و از دست طلحه و زبیر بیرون رفت رخنه عظیم در امر خلافت
امیر المؤمنین نمودند و عایشه را بعراق بردند بر بهانه خون
عثمان و فتنه جنگ جمل واقع شد و خون چندین هزار نفر

مسلمین ریخته شد و این مقدمه و تدبیر شد از برای جنگ
صفین اگر جنگ جمل واقع نشده بود معویه جرئت نمینمود
بر مخالفت حضرت امیر ع چونکه بوهم اهل شام انداخت که
علی فتوی بقتل عثمان داد و با عایشه ام المؤمنین هم محاربه
نمود و طلحه و زبیر را که از اهل بهشت بودند علی کشت پس
گوئیم فساد جنگ صفین هم از جنگ جمل برخاست و از فساد
جنگ صفین فساد خوارج نهروان متولد شد و بعد فتنه
عبد الله زبیر برپا شد و نفاق مروان و سلسله این امور و خلافت
هر یک از بنی امیه و بنی مروان حادث شد و خلافت یزید
علیه الهاویه و قتل سید جوانان اهل بهشت فرزند رسولخدا حضرت
ابی عبد الله الحسین واقع شد همه اینها از شجره خبیثه اختلاف
است در امر خلافت و تعیین خلافة الله و خلافة الرسول
بدست مردم که خودشان خلیفه و امام برای خودشان اختیار
کنند خواه قابل خلافت باشد خواه نباشد و بهمین قسم
بود امر خلافت مدت پنجاه سال بعد از کشته شدن عثمان
و لقب سنت و جماعت را برای مردم معویه و یزید گذاشتند
چنانکه شیخ عسکری که از اجله علمای مخالفین است در کتاب
زواجر خود می نویسد که معویه سالی را که با حضرت حسن ابن علی صلح
نمود عام سنت نامید و ابن عبد ربه که از اکابر محدثین عامه
است در کتاب عقد میگوید چون معویه مصالحه نمود با امام
حسن انسال را سال الجماعت نامیدند و ابن بطه در کتاب
معروف بابانه روایت میکند که حجاج گفت سنت و جماعت

بجهت آن گفتند که در سال چهلم مردم مجتمع شدند بر معویه
وهم گویند بعضی گفته‌اند که اول کسیکه سنی گفت یزید ابن
معاویه بود وکرا بسی میگویند بجهت این اسم سنی را قرار داد
که چون وارد نمودند سر مبارک حضرت ابی عبدالله الحسین ع
را اذن عام داد وهر که از آن در داخل میشد او را سنی گفتند
واکثر علماء اهل سنت ومورخین اینان نقل نموده‌اند که جهت
این نسبت سنت وجماعت آنستکه چون بنی امیه امر کردند مردم را
واصرار نمودند بر سب نمودن علی بر همین جهت او را سنت نامیدند
تا آنکه میان مردم وعوام مشهور شد انتهی کلام بعض علماء اهل
سنت پس از این بیان معلوم شد که این لقب از مبتدعات
ومخترعات معویه ویزید - وبنی امیه است پس حادث بدعت
وهر بدعت ضلالت وهر ضلالت هالک واهل آن در آتش است
بقصد یو خلیفه دویم عمر بن الخطاب چنانکه در کتاب صحیح بخاری
در کتاب علم مذکور است ملخص آنکه در مدت پنجاه سال بعد
از کشته شدن عثمان بهمین قسم امر خلافت وریاست و
امارت بر خلایق بدست خلفاء جور از بنی امیه وبنی مروان
بود وقلیلی مردم در خفاء از زمان رحلت حضرت رسول الله
بر بعد اطاعت مینمودند وپیروی داشتند از خانواده عصمت
وطهارت عترت رسول الله که اهل بیت رسالت وو حی و
تنزیل بودند که حضرت مولی الموالی امیر المومنین علی ابن ابیطالب
وفرزندان آن بزرگوار صلی الله علیه وعلیهم اجمعین تا زمان شان ودر هر
عصری از اعصار در زمان هر یک از ایشان اصحاب خاص از

علماء وفضلاء وموثقین بودند خدمت آن بزرگواران مثل
ابوذر ومقداد وعمار وخذیفه وجابر انصاری و ابو
حمزه ثمالی ومفضل وهشام ابن الحکم وابو بصیر وامثال اینها که
مردم از ایشان اخذ مسائل واحکام وسنن حضرت رسول را
مینمودند واین فرقه اطاعت وفرمان برداری ائمه اطهار عترت
حضرت خاتم النبیین ص مینمودند در معالم دین ودنیای
خود واحادیث هر یک از ائمه را انتشار می دادند وعقائد این
جماعت فرموده های امیر المؤمنین ع وفرموده های آنحضرت
فرموده های حضرت رسول الله بود واز فرموده های پیغمبر ص در
احکام وسنن تجاوز ننمودند الی حین زماننا هذا که در اصول
وفروع دست بدست از سابقین بلاحقین رسیده است وتخلف
از سنن حضرت ختمی مرتبت ص ننموده‌اند ودر همه اصول وفروع
خود از حضرت امیر ع واولاد آنحضرت اخذ نموده‌اند وآنها هم
از حضرت رسول ص وحضرت رسول از جبرئیل وحضرت جبرئیل
از حق سبحانه وتعالی خلاصه غرض مولف اختلافات امت
بود بعد از شهادت حضرت امیر چنانکه صاحب کتاب ملل
ونحل گفته است که اهل سنت در اواخر ایام صحابه اختلاف نمودند
جمع اطراف سعید جهنی وغیلانی ودمشقی ویونس اسواری
جمع شدند که ایشان منکر قدر بوده‌اند وخیر وشر را اضافه بحق
میدانستند وحسن وقبح را مساوی واراده خود را بر اراده حق
غالب دانند بعد حسن بصری کوس اغوی انداخت وبیرق
وسواس افراشت تابعین او را اشعری گویند وبعد از آن واصل

ابن عطا جمعی را بدور خود جمع نمود ولوای وسواس میان مردم
انداخت وتابعین او معتزله گویند وابو علی جبائی تابع
عبد الله کلابی شد مؤلف گوید که هریک از اینها اعتنائی
با اهل بیت اطهار ننمودند واز کاشفان حقایق ودقایق و
خزانهٔ علوم ربانی مفسران قران وخانواده وحی ورسالت خود
ها ایشان را دور کردند وخلایق را بضلالت انداختند خلاصه
طایفه تابعین محمد کرام شدند که اثبات جسم از برای خدا می
کنند طایفه تابعین احمد حنبل اند در اثبات شباهت و
حلول از برای خدا قائل اند فرقه تابعین یونس اند عبادت
را موجب بهشت ندانند واینها شش طایفه مرجیه نامند
اینها اگر با وجود ایمان کفر را مضر ندانند دیگر فرقه تابعین
احمد ابن حافظ اند تناسخ قائل اند وحضرت عیسی را در قیامت
محاسب خلق میدانند وطایفه مشهور بمجهولیه اند که بعضی از
صفات خدا را قائل اند طایفه تابعین یزید ابن معویه اند
طایفه حلولیه که میگویند خدا در دل عرفا است یا در پسرهای
ساده رو حلول نموده است وطایفه اتحادیه هستند گویند خدا
با عرفا متحد شده است چون شیر وشکر طایفه از ایشان واصلیه
اند که گویند عارف بعد از انکه ریاضت کشید وصل بخدا
میشود بعد محتاج بعبادت نیست طایفه گویند در ظاهر و
باطن واشکار معصیت خدا مباحست طایفه گویند لواط
با پسران وزنا نمودن با زن شوهردار مباحست واغلب
اهل سنت فعلا براین مذهب اند طایفه قائل اند بوحدت

وجود وتعدد موجود وگویند خدا مثل دریاست وموجودات
مثل نم دریا میباشند وطایفه گویند خدا از برای عرفا ظاهر میشود
واز برای مرشد جلوه ظهور مینماید بعضی گویند خدا جسم است
ودر روز قیامت پای خود را در جهنم میگذارد دان پر میشود و
میگوید قط قط وغیر ذلک چنانکه حمیدی در جمع بین الصحیحین
نقل کرده است وبعضی خدا را صاحب خر دانسته اند که بران
خر سوار شود در هر شب جمعه وبر اسمان محلی یه چنانکه رازی
در کتاب نهایة العقول مینولیسد واز برای صورت ثابت نموده
اند شبیه صورت ادم چنانکه در جمع بین الصحیحین است وبعضی
گریه جایز دانسته اند چنانکه رازی در کتاب تانیس التقدیس
میگوید که بعضی از ایشان اعتقاد نموده اند که خدا گریست
بر اهل طوفان نوح وهم دران کتاب میگوید که خداوند حکم
کرد بین خلقش بر پشت خوابید یکپای خود را بر بالای پای
دیگر انداخت وسلیمان ابن مقاتل در کتاب اسماء میگوید
که خدا را درد چشمی عارض شد ملئکه بعبادت خدا رفتند
واین روایت را نسبت برسول خدا می دهد وهکذا عبارات
دیگران کتاب ها نوشته اند که کفریات انها را مؤلف نقل
نمودن سبب مؤلف نقل نخواهد نمود زیاده براین زخرفات
وکفریات این طایفه عامه را نقل نمودن سبب کدورت
قلب وتضیع عمر است ملاحظه کنید که دین وشریعت پیغمبر ص
صلوات الله علیه را امت چگونه مبدل بکفر نمودند که
کفار زمان جاهلیت این عقاید فاسده را داشتند ملاحظه

کنند مسلمانان نسبت باشرف الانبیاء سید المرسلین که خداوند در اکثر آیات قران مجید مدح آنحضرت را مینماید و میفرماید وما ینطق عن الهوی این مسلمان که خود را امت مرحومه میدانند و اهل سنت و جماعت هستند چگونه نسبت شک و میل بزنا و اقدام بلهو و شنیدن بغنا بسرور کاینات و اشرف مخلوقات داده اند چنانکه در بخاری و جمع بین الصحیحین مذکور است مؤلف را شرم آید که عین عبارات اقوال آنها را در این ورقه بنویسیم ملخص آنکه مذهب اهل سنت بر مذاهب اربعه قرار گرفت که احداث مذهب ایشان در زمان ابوجعفر منصور دوانقی که هشتاد و پنج سال بعد از رحلت سید کاینات بود وضع شد و جعل مذاهب اربعه حادث است بفاصله مدت زمان بعد از رحلت سید انبیاء و خلفاء راشدین قرار گرفته است چون زمان منصور در محضر حضرت امام بحق ناطق جعفر ابن محمد الصادق ع حوضه درس جمعیت بسیاری حاضر میشدند و از اصول و فروع برای ایشان میفرمود و بالاگرفت مذهب امامیه که مشهور شد بمذهب جعفری هم مردم احادیث از آنحضرت میشنیدند و علم میاموختند از آنجمله بود ابوحنیفه ابن نعمان ابن ثابت و مالک ابن انس و چون منصور خلیفه در آن زمان بود اجتماع خلق را در خدمت آنحضرت دید واهمه کرد که مبادا مردم را میل بآنحضرت بهم رسد ابوحنیفه و مالک را امر نمود که گوشه گیرند و دوری از حضرتش جویند و احداث مذهبی کنند

غیر مذهب آنحضرت و عطایا و انعامات و علوفه‌ها و وظایف‌ها بجهت کسانیکه نزد این دو نفر میرفتند قرار داد پس اول ابوحنیفه رأی و قیاس و استحسان را جعل نمود و فتواهای شنیع داد و بعد از آن مالک احداث مذهبی نمود غیر مذهب ابوحنیفه و از عقب او محمد ابن ادریس شافعی پیدا شد و مذهبی غیر آن دو مذهب اظهار داشت و در آخر احمد ابن حنبل آمد و مذهبی غیر مذاهب ثلاثه وضع نمود و او شاگرد شافعی بود و سفیان ثوری و داود اصفهانی و اسحق ابن راهویه پیدا شدند نیز آنها هم هر یک مذهبی در فروع احداث نمودند اما مذهب این سه نفر اخیری زود بر هم خورد تابعین انسه مذهب از هم متفرق شدند و قرار گرفت مذهب قاطبه اهل سنت بر چهار مذهب که تا کنون زماننا هذا اهل سنت بچهار مذهب اند و ایشان که ائمه اربعه باشند برای قیاس و استحسان فتوی دادند و بظاهر قران عمل نمودند و همه روسای سنت منحرف شدند چنانکه بر بیان سابق الذکر بعضی شریک برای خدا اعتقاد نمودند و بعضی از ایشان خدا را مجسم دانستند و بعضی مشبه دانند و عصمت را در انبیاء شرط ندانند بعضی وحدت وجود قائل شدند بعضی شان حلولی شدند و تمام اینها را مؤلف از کتابهای معتبر موثق آنان نقل نمودم و افترا و کذب نسبت بآنها نبستیم شخص منصف تامل و تصور در اخبار این طوایف اهل سنت نماید که اینک در کتب ایشان از صحاح سته که بطبع بمبئی در دست است بردارد و ملاحظه کند از اول کتاب تا آخر

هر چیز را نمی بینند مگر جهل آن آشکار است مثل آنکه نسبت به
اشرف مخلوقات داده اند که شیاطین فریاد شیطان زدند
و آنحضرت منع نفرمود ایشان را تا آنکه عمر وارد شد و نهی
کرد ایشان را آنحضرت فرمود که عمر مردیست که باطل را دوست
ندارد و دیگر نقل نمودند که رسول خدا شک نمود در پیغمبری
خود و فرمود هیچوقت بر من وحی دیر نشد مگر آنکه گمان کردم
که بر عمر نازل شده ملخص آنکه چون بنای این رساله بر اختصار است
جمله را نقل نمودم و اتفاق همه اهل سنت است که امام
و خلیفه باجماع یا قهر یا غلبه واقع میشود من جمله ملا سعد
در شرح مقاصد گفته است که یجب طاعة الامام عالما کان
او جاهلا او جائرا و صاحب کتاب فصل الخطاب از علمای
حنفی مذهب تعمیم داده است بسوی مطلق سلاطین و
ملوک که میگوید نزد ما اهل سنت حکم سلطان جائر حکم
سلطان عادل است و اطاعت او واجب است بر خلق و اسفراینی حنفی
در کتاب ینابیع گفته است که ینعقد الخلافة و الامامة
بالبیعة و بالاستخلاف و بالشوری و بالقهر و بالاستیلاء
و لو کان فاسقا او جاهلا او عجمیا مناسب این مقام مؤلف
حکایتی نقل نماید گویند فاضل دوانی علیه الرحمة صاحب
حاشیة التقدیم تدریس میفرمود تا رسید باین حدیث
من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة فرمود
بتلامذه محضر درس خود مراد از امام زمان خود که نشناختن او سبب
کفر و ضلالت باشد شیعیان می گویند در عصر و زمان

در اختلاف مذاهب ۲۳

ما مهدی ابن الحسن عجل الله فرجه نعم میباشد پس شما علماء
اهل سنت چه می گوئید در حدیث متفق علیه که گفتند
تلامذه العالم جلیل ما بمتابعت متقدمین مذهب خود
میگوئیم مراد از امام در این حدیث سلطان عصر است هر که
باشد العالم فرمود بنا بر مذهب شما اهل سنت پس سلطان
زمان شما ها فعلا شاه اسمعیل صفویه است و او شیعه
مذهب است و شما ها می گوئید خدا واجب کرده است بر ما
ها اطاعت او را و حال آنکه بقول شما ها رافضی است پس
واجب است اطاعت او بر شما ها و او فعلا میگوید و امر میکند
شما ها را بترک این مذهب و داخل مذهب شیعه شوید پس واجب است اطاعت
او و قبول امر او شما را پس تلامذه مخالفین ملزم شدند و ساکت
نمودند از درس و قسم خوردند که بعد ها عود بمحضر العالم
ننمایند عقاید مذاهب مختلفه و اتفاق منها بخلفای اربعه
که ابوبکر و عمر و عثمان و علی و متابعت همه ایشان بمذاهب اربعه
حنفی و مالکی و شافعی و حنبلی را بطریق اجمال و ایجاز بیان نمودم
در این مقدمه از همه جهت **مقدمه سیم** آنکه بعد از رحلت
رسول خدا صلی الله علیه و آله قلیلی از امت خلیفه و جانشین
پیغمبر خدا را حضرت مولی الموالی امیر مؤمنان علی ابن ابیطالب
دانستند و متابعت و پیروی او را نمودند در خفا در مشکلات
و احکام الهی از آنحضرت اخذ مینمودند و در هر مسئله
از اصول یا فروع محتاج شدند از او سؤال مینمودند
هر چند خلفا هم هر مشکلی را که نمی دانستند باو وا میماندند با

که مخالفین ایشان هم اعتقاد با ایشان هم رسانیدند و مذهب تشیع اختیار
نمودند که فعلا بحمد الله تعالی در این زمان که امام دوازدهم حضرت حجة
ابن الحسن صلوات الله علیه در پرده غیبت از جانب خداوند میباشند ملیونها و کرورها
خلایق مذهب شیعه اختیار نموده اند ملخص آنکه در مقدمه دویم
چونکه عقاید فرق اهل سنت را ذکر نموده ام مناسبت دانستم در این
مقدمه سیم هم عقاید و اعتقاد مذهب امامیه اثنی عشریه کثرهم الله
را بیان نمایم که این طایفه حقه از روز رحلت سید کاینات محمد مصطفی
صلی الله علیه و آله الی زماننا هذا تابع احکام و سنن حضرت رسول الله
میباشند و دوازده نفر اولاد آن سرور را ائمه هدی علیهم السلام را امام و خلیفه و
جانشین پیغمبر میدانند و در احکام و اصول و فروع بفرموده های
ایشان عمل میکنند و در عصر و زمان هریک از ائمه اطهار علیهم السلام اصحاب
خاص فاضل و عالم موثق نزد هریک اماماًن بوده اند تا زمان
حضرت حجة عجل الله تعالی فرجه که در غیبت صغری آن سرور هم عثمان
ابن سعید عمروی و محمد ابن عثمان و حسین ابن روح و علی ابن محمد سمری
از نواب آن حضرت بودند که احوالات هریک را علماء اهل سنت
در کتابهای خودشان نوشته اند و عقاید این جماعت شیعه از
حیث اصول و فروع بتمامه فرموده های ائمه اثنی عشر میباشد و
تخطی و تخلف از روایات و اخبار مستفیضه ائمه اطهار نمینمایند
و برای و قیاس و استحسان از پیش خود عمل نمیکنند و در احکام و
فرایض و سنن قواعد و قوانین در دست دارند که بهمان دستور
عمل میکنند اولا روایتی که نسبت بهریک از امامها داشته باشد
عرض بکتاب الله و سنن حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله

بیان در خصوص طریق استنباط احکام بطریق شیعه

میدارند هرگاه یکی از آنها مخالف شد طرح مینمایند چنانچه
مضمون احادیث کثیره هم هست و هرگاه مخالف با کتاب الله و
سنن آن بزرگوار نبود ملاحظه نمایند هرگاه مخالف اجماع باشد
یا آنکه اعاظم علماء از متقدمین عمل بآن ننموده اند باز طرح میشد میشد
والا ملاحظه سند را نمود از این مینمایند و هرگاه معارض داشته باشد
ملاحظه صحیح و موثق و ضعیف و مجهول و مشهور و غیر مشهور
مینمایند چنانکه با هم این ملاحظات مطابق شد علماء امامیه
استنباط حکم الله را در آن نمایند در غیبت امام عصر عجل الله تعالی
فرجه بشیعیان برسانند و اگر مطابق با این قواعد مذکوره نشد
طرح کنند آن خبر را و معنی طرح عمل ننمودن بآن خبر است بهمین موازین
بفرموده های ائمه هدی علیهم السلام و از پیش خود عمل نمیکنند و برای و قیاس و
استحسان عمل نمیکنند و خدا را ازلی و ابدی میدانند و غیر او را حادث
و ممکن میدانند و نعوذ بالله از برای خدا تعالی جسم قائل نیستند و شبیه
از برای ذات اقدس او تصور نمیکنند و خدا را قادر و فاعل بر جمیع ممکنات
میدانند و خدا را عادل میدانند و ظلم و کار قبیح از او صادر نمیدانند
که آنچه میکند حسن و لطف و از روی حکمت است و لغو و عبث کاری
نمیکند و علم او عین ذات اوست و ازلی است و عجز و نقص در وجود
او نیست و افعال بندگان منسوب بخود شانست قدرت و حیات
را خالق عطا نموده است بخلق لیکن خودهاشان فاعل مختارند اطاعت
کنند یا مخالفت کنند عبادت کنند یا معصیت نمایند مطیع را ثواب
می دهد عاصی را عقاب میکند همه انبیا را محض ارشاد و هدایت خلق
فرستاده است و خلفای پیغمبران را از جهة حفظ شریعت و ترویج دین و

وارشاد و هدایت مقرر فرموده است که در مقام لطف خلایق بی رئیس
و سرخود نباشند و هرج و مرج نشود و از راه لطف در حق بندگان خود
زمین را در هیچ زمانی خالی از حجة و امام نمیگذارد و اعتقاد شیعه
آنستکه پیغمبران و خلفای ایشان اشرف و اعدل و اعلم همه خلایق اند
و خطا و معصیت از ایشان صادر نمیشود و چنانکه پیغمبری ختم شد بمحمد ابن
عبد الله صلعم و دین و شریعت آنحضرت باقیست تا روز قیامت و کتاب
او قران مجید باقیست تا روز قیامت امام و حجة در همه زمانها هم میباشد
تا روز قیامت که مبین و مفسر قران است و حافظ شریعت است و حوزهٔ اسلام
بوجود او برپاست و مجری احکام و سنن حضرت ختمی مرتبت است و معلم
اصول و فروع دین برای خلق و مجری احکام و آداب و سنن و قضایا و
عقودات و معاملات و مناکحات و مواریثات است که امام مبین اینها است
که در جمیع امور دین و دنیای خلایق راه نما و هادی و مقتدا و پیشوا
میباشد و وجود خلیفه و امام من الضروری دین از ضروری است و تصریح در
روایات متفق علیه بین جمیع امت است که سابق اشاره شد که من مات
و لم یعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیه و مضمون حدیث مستفیضه
متفقه همه فرقه مسلمین است که حضرت رسول صلعم فرمود انی تارک فیکم
الثقلین که صریح است در هر زمان امام با کتاب الله باید باشد
تا روز قیامت که انشاء الله مفصل شرح اینخبر را با راویان اسناد ذکر
خواهم نمود در محل خود و روایات کثیره متواتره که مشتمل است براینکه در هیچ
عصری و زمانی ... زمین خالی از حجة نیست بعضی روایا است که
لساخت باهلها انشاء الله بعضی اخبار منقوله در ان خصوص بنقل
علماء اهل سنت تحریر خواهم نمود ملخص آنکه مجملی بود از عقاید مذهب

مقدمهٔ چهارم

شیعه **مقدمهٔ چهارم** قطع نظر از عقاید مسلمین و اختلاف
مذاهب و دعوای حقیت هر مذهبی مذهب خود را از اتفاق نقل اقوال
همه امت همین قدر محقق و ثابت شد که در هیچ زمان زمین خالی
از حجة و امام نیست و از اخبار متواتره عامه و خاصه هم ثابت شد که
که اطاعت امام واجبست و مخالفت او حرام است و مؤید این اخبار است
آیهٔ شریفهٔ قران که اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولو الامر منکم که خداوند
واجب نموده و امر نموده بندگان را اطاعت اولو الامر را بمانند و
اطاعت اولو الامر را مثل اطاعت خود مقرر داشته است پس اولاً
میگوئیم که امام را که پیشوا و مقتدای خلایق است بچه وصف بشناسیم
و در لغت و اصطلاح چه معنی نموده اند و اوصاف او بچه طریق است که
شناسائی مردم تا بشد و اوامر و نواهی او را اطاعت بنمایند پس گوئیم امام در لغت
بمعنی مقدم است و فی المجمع البحرین و الامام بالکسر علی فعال الذی یؤتم
به و فی القران انی جاعلك للناس اماما ای یؤتم بك الناس فیتبعونك
پس امام بحسب لغت معنی آن مقتدای خلق است که متابعت او کنند
در اقوال و افعال و اعمال یوم ندعوا کل اناس بامامهم ای بمن ائتموا به
و معنی امام در اصطلاح همه مسلمانان عالم و همه فرق و مذاهب متفق اند تعریف
باین نوع کرده اند که الامامة هی الریاسة العامة الالهیة خلافة عن
رسول الله فی امور الدین و الدنیا بحیث یجب اتباعه علی کافة الامة
یعنی امامت عبارت است از رئیس بودن بر جمیع خلق و مقتدی
و پیشوا بودن بر ایشان در جمیع امور دین و دنیا بنیابت
و خلافت از جانب رسول الله بنحویکه واجب باشد بر تمام امت رسول
الله متابعت آن امام مؤلف گوید تعجب است که این تعریف از برای

در بیان تحقیق معنی امامت

امامت اتفاق شیعه وسنی میباشد وحال آنکه هیچ یك از خلفا غیر خانواده عصمت وطهارت که اهل بیت رسول الله باشند این امور یکه در مفهوم این تعریف امامت معتبرست در انها نبوده ست زیرا که میگوییم این تعریف مشتمل است بر الفاظ که بحسب اصطلاح محدودات برای وجنس وفصل که معنی امامت است پس لفظ تعریف از ریاست عامه بمنزله جنس است که شامل جمیع ریاسات حقه وباطله است وبقید الهی فصلست وخارج میشود جمیع ریاسات از جهلاء دار الغرور وریاسات قهر وغلبه وتلبیسات فساق وفجار چرا که از قید ریاست الهیه منتسب این مفهوم سلطنت حقه الهیه حضرت مالك الرقاب است که بهیچوجه مستند بسلطان ظلم وجور وفسق در حقوق اموال وانفاس واعراض مسلمین وخلایق تصور نمیشود وبقید لفظ عن رسول الله خارج شد خلافت بخود بستن یا خلافت نصب نمودن امام به اتفاق مسلمین یا خلافت او بیعت مردم بدون تعیین وتنصیص رسول الله پس چنین خلافت بدون استخلاف نبی ص از قید خارج شد بلکه ظاهر این قید چنین است که اصل استخلاف از رسول خدا باشد بامر حق سبحانه وتعالی چه ریاست الهیه بعنوان خلافة الرسول صورت نبندد مگر به تعیین وتنصیص وتخلیف رسول اکرم ص والمراد بامور الدین والدنیا کما فی بعض العبارات وفی بعض العبارات اقامة الدین وحفظ حوضة المسلمین بحیث یجب اتباعه علی کافة الامر که در بعض عبارات محققین ورؤساء ملت از علماء عامه مذکور است چه آن معنی

ظاهرست که بوجود امام اقامه دین وحفظ بیضه وحوضه مسلمین شود بر نحو قانون شریعت سید المرسلین بر طبق احکام صادره الهیه وحفظ ناموس طریقه ربانیه وحفظ مصلحت دینیه وحفظ نظام عالم بنوع مسلمین بوده باشد در سیاسات منقوله مقرره عن رسول الله از حدود وتعزیرات وتعلیم احکام از عبادات ومعاملات وحکمت عملیه در اخلاق واصول دیانات بر وفق آنچه پیغمبر خاتم ص فرموده ومقرر داشته است از جانب خدا از کتاب الله وسنت او وکلا طرا کما هو حقه پس میگوییم باین تعریف متفق علیه مستخلافت وامامت حقه واقعیه صادقیه ابدا صورت نیز بود وحقیقت پیدا نمی‌نماید وصادق نباشد مگر آنکه امام صاحب اوصاف وکمالات ربوبیه باشد بدانکه اشرف واعلم وازهد واعبد خلایق باشد وصاحب عصمت وطهارت ومستجمع جمیع صفات حسنه بوده باشد بناء علی ذلك احقر مجید وجه اثبات می‌کنم بدلایل واضحه وبراهین قاطعه عقل ونقل وجود امام را که متصف باشد باین تعریف که از برای امام نموده اند وجه اول بطریق اختصار آنستکه از روی قاعده لطف الهی در حق عباد ونظر باینکه خداوند جمیع افعالش بر وجه حسن وحکمت ومصلحت است پس از روی قاعده لطف وفعل نیکو که آنچه اصلح وانفع است بجا آورد تا کارهایش در نظام عالم عمل نماید در تکوینیات وتکلیفیات بر وجه تمامیت زیرا که لطف از خدا در حق مخلوقش واجب است وترك لطف موجب نقض غرض الهی است که بهمان وجوب لطف سبب شد بعد از جعل تکالیف عباد ارسال رسل وانزال کتب

در بیان شرایط امام بعقیده امامیه

وتعیین و نصب حجت و امام در همه زمانها که هادی خلایق باشند
و تکالیف و اصول و فروع دین انها را تعلیم نمایند پس گوئیم چیزی
که بر بندگانش در مقام لطف نیکوتر باشد از انعمل میاورد و الا
اگر در حق عباد خود بمقتضای لطف و فعل حسن عمل ننماید لازم
میاید چیزی که پست تر است مقدم دارد بر چیزی که خوب تر است
و این بحکم عقل قبیح است چونکه مقتضی موجود است و مانع مفقود
اما مقتضی موجود فلوجود المصلحة و اللطف و الاحسان فی حق العباد
و اما عدم المانع پس ان واضح است بوجود القدرة علی الله و وقوع
الفساد و رفع الضرر عن الخلایق و رفع الجهل و عیوب النفسانیة
العباد پس بر همین بیان مختصر میگوئیم البته اصلح و انفع و افید بحال
بندگان ضعیف از جهت امر نظام دنیا و معاش و تکالیف مامور به ایشان که خداوند
عالم در همه زمانها پیغمبران و خلفا و حجت ها انتخاب کند و برگزیند که هادی و
راه نمای بندگانش باشند وجه دویم بعد از انکه بدلیل عقل و نقل ثابت شد
که زمین در هیچ وقت خالی از حجت نیست میگوئیم بدلیل عقل باید ان پیغمبر و خلیفه
او اشرف حسب و نسب باشد و برتری داشته باشد بر خلق و منزه و مبرا از جمیع الام
و اسقام و انجاس بوده باشد زیرا که امام و مقتدای خلایق اگر حرامزاده یا فاسق و
دروغگو یا فاجر یا ظالم یا جاهل یا دنی باشد باعث نفرت و بی میلی مردم از او خواهد
بود و هکذا اطمینان بقول او حاصل نشود و مردم زیر بار اطاعت او نروند و
ما ضعفای ملت که بکهزار و کسری زمان است بعد از رحلت خلفا کرام و ندیده ایم
اثار او و فحص از احوال انها را از نقل روایات و اخبار و کتابهای متقدمین از محدثین
و مورخین نموده ایم متفق علیه امت است که احدی از صحابه کبار حضرت رسول و غیر
صحابه نبوده و نیامده است بپایه حسب و نسب و اخلاق حمیده و صفات حسنه که مجمع جمیع صفات

کامله حمیده و اخلاق پسندیده ایشان و منزه بودن ایشان از جمیع الام و
اسقام و انجاس که طاهر و مطهر و منزه اند علاوه بر نقل اخبار و اتفاق
مسلمین ایه قران شریف شاهد ایشانست که انما یرید الله لیذهب
عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا که اجماع همه امت است
و نزول ایه در شان حضرت امیر ع و فاطمه و حسن و حسین و اولاد
عظام حسین نازل شده و احدی را جرئت انکار این کلام نیست که این
ذوات مقدسات طاهر و مطهر و منزه از ارجاس و کثافات ظاهری
و باطنی میباشند و دلیل است در شرافت حسب ایشان که علمای اهل
سنت روایت نموده اند منجمله ایشان مثل قاضی بیضاوی که
متصلب در تسنن است سخن حق بر قلم و زبان او جاری شده مولف
ترجمه کلام او اکتفا کنم در تفسیر ایه شریفه لا ینال عهدی الظالمین گفته
این ایه خطاب بحضرت ابرهیم شد که بدرستیکه امامت امانت از
خدا تعالی است عهد ایست از خدای تع که ظالم صلاحیت او را
ندارد و این استخراج نیست که از امانت و عهد خدا خاص پاکیزگان
و پرهیزکاران از خلایق است دلیل بر عصمت انبیا از کبایر پیش از بعثت
انها و بدرستیکه فاسق صلاحیت امامت را ندارد انتهی کلامه
حشره الله مع اولیائه و سعدی که از علماء اهل سنت است گفته است
مراد از عهد نبوت و خلافتست که نمیرسد باولاد تو که ظالم باشند و
قرا گوید مشرک امام خلق نمیشود چون شرک از هر ظلمی عظیم تر است
ان الشرک لظلم عظیم مولف گوید بعضی از خلفا را نسبها ایشان از
کتاب های پیروان و مطیعان ایشان در کتاب تحفه اثنی عشریه
نوشته ام که قصوری بر ما نیست از خود محدثین و مورخین اهل

سنت نقل نموده اند احقر هم نقل قول ایشانرا نموده ام خلاصه
روایت متواتره است از فریقین عامه و خاصه در خصوص خلقت نور
محمد و علی و اولاد ان ایشان منجمله محمد ابن جریر طبری شافعی که از اجلاء
علماء اهل سنت است متبع القول و موثق نزد همه عامه است که نووی
شافعی رجال موسوم بتهذیب الاسماء و خطیب بغدادی صاحب
کتاب تاریخ بغداد شرحی مفصل تعریف و تمجید و توصیف اورا
مینمایند که جامع علوم و عارف باقوال الصحابه بوده است ملخص
انکه همین محمد جریر طبری بسند خودش از معاذ ابن جبل روایت کرده
است که رسولخدا فرمود که حق سبحانه و تعالی خلق نمود مرا و علی و فاطمه
و حسن و حسین را قبل از خلقت دنیا بهفت هزار سال عرض کردم
یارسول الله در انوقت شماها در چه مکان بودید فرمود در قدام
عرش الهی تسبیح و تهلیل و تقدیس مینمودیم خدا را تا انکه نور ماها را
در صلب حضرت ادم قرار داد و از اصلاب اباء و ارحام امهات طاهره
و مطهرات همه بودند منتقل میشدیم تا انکه در صلب عبد المطلب
قرار گرفتیم انوقت خدا ان نور را بدو قسمت نمود نصفی در صلب
عبد الله پدرم و نصف در صلب ابوطالب عمم قرار گرفت من از
عبد الله خارج شدم و علی از ابوطالب خارج شد و از نور من دخترم
فاطمه خارج شد و از نور علی حسن و بعد از انچه از نور علی بود
خداوند او دادرا و اولاد حسن قرار داد و از نور من حسین را خارج نمود
و انچه از نور من بود درا و اولاد حسین قرار داد پس ائمه از اولاد من
اند و عترت من اند و از نور من اند که در صلب حسین قرار گرفته
اند و اینحدیث شریف مستفیضه را باسناد متعدده اهل سنت

نقل نموده اند منجمله حموینی که از اجله علماء اهل سنت است باسناد
خودش روایت کرده است از سلمان فارسی رضی الله عنه که گفت
شنیدم از پیغمبر خدا که فرمود من و علی افریده شده ایم چهارده هزار سال
پیش از خلقت ادم صفی الله از نوری از جانب عرش و خدا را تسبیح
میکردیم و اورا ببزرگی و عظمت یاد میکردیم پس ادم را افرید و ما به
اصلاب طاهره و بارحام مطهره منتقل شدیم تا انکه بصلب عبد المطلب
واقعشدیم نور ما از انجا بدو قسمت شد نیمی در پشت پدرم عبد الله
قرار گرفت و نیمی در پشت عمم ابوطالب قرار گرفت پس من از نیمه عبد الله
خلق شدم و علی از نیمه ابوطالب خلق شد و چند نام از نامهای خود
حق سبحانه و تعالی جدا ساخته است خدا محمود است و من محمد و خدا
عالی است و برادرم علی است و خدا فاطر است و دخترم فاطمه و او
محسن است و دو پسرم حسن و حسین اند و نام من در دیوان رسالت
و نبوت بود و نام علی در خلافت و امامت و شجاعت پس من پیغمبر
رسولخدا ایم و علی شمشیر خدا است ایضا ابن مغازلی شافعی باسناد خود
از جابر انصاری روایت کرده است که پیغمبر خدا فرمود حق تعالی پارچه
از نور افرید و فرود اورد اورا در صلب حضرت ادم جای داد و
از صلب بصلب اورد تا انکه انرا بدو نیم نمود در صلب عبد الله قرار
داد و نیم در صلب ابوطالب پس من را بمنصب نبوت اشکار کرد و
علی را بمنصب خلافت و امامت ملخص انکه روایات بسیار از
اهل سنت است در خصوص شرافت خلقت انوار مقدسات
و از خاصه بحد یکه تواتر است و اجماع امت منعقد است براینکه
اباء و اجداد بزرگوار رسولخدا و ائمه هدی همه مسلمان و موحد

بوده اند یا پیغمبر بوده اند یا آنکه خلفاء پیغمبران بوده اند تا بالا برود
برسد بحضرت آدم و پدر عالیمقدار حضرت علی ابن ابیطالب بعد از
پدر خود عبد المطلب از اوصیاء حضرت خلیل الله بوده و مادران
هر یک از ائمه همه عفایف و نجیبات و محترمات و موحدات بوده اند
در زمانیکه نور ائمه در رحمهای مادران بود و نبود احدی غیر ذوات
مقدسات از همه خلایق که بمقام و مرتبه ایشان برسد شرفاً و از
حسب و نسب و علو مقام چنانکه انساب ایشان در کتاب اهل سنت
ثبت و ضبط است وجه سیم از اوصاف امام آنستکه امام باید
معصوم باشد و عقل قطعی حکم می‌کند در وجود امام عصمت را به
دلایل چند اول آنکه پیغمبران و خلفاء آنان که امامان و حجت بالغه
الهی میباشند برای خلایق باید بصفت اکمل و اتم در محسنات باشند
و منزه از صفات رذیله باشند که احدی از خلایق بمرتبه اعلی انها نرسد
والا تخصیص ندارد امامت و پیشوای خلایق باشند زیرا ترجیح
بلا مرجح لازم آید و راه عذر بر خلایق از عدم اطاعت ایشان بموقع آید
دویم آنکه انبیا و خلفای انها امین و حجت بالغه الهی میباشند
و این مرتبه رفیعه با ارتکاب مخالفت و عصیان جمع نمودن نخواهد
شد و خداوند علیم خبیر حکیم کسی را که اعتماد نداشته باشد و
مغضوب او باشد حجت خود و ولی خود و اولو الامر بر خلایق قرار
نمیدهد دلیل سیم آنکه مرتبه رسالت و امامت و ولایت عقل
حکم میکند که قابل کسی میباشد که عقل کامل و غالب بر جمیع قوای
نفسانیه و حیوانیه او باشد و همه قوای طبیعیه او مطیع و مقهور
عقل او باشد و عقل حکم می‌کند کسیکه رئیس خلایق باشد که مجری

قانون و شریعت الهی باشد و خلایق باید مطیع و فرمانبردار او باشند
در اوامر و نواهی اگر کاذب و دروغگو باشد بر ذات اقدس الهی قبیح است
و سزاوار نیست نصب چنین امامی را زیرا که خلایق را اعتمادی
بگفته‌های او و اوامر او نیست و اطاعت او را نخواهند نمود و لطف
الهی واجب است و موقوف است که خداوند شخصی را واسطه میان
خود و خلقش گذارد که راه عذری بر خلایق نباشد دلیل چهارم
آنکه ولی و امام که حافظ دین و شریعت هستند باید معصوم از زلل و
خطا باشند و متصف باشند بملکه عصمت زیرا که موهبت عظمی
الهی است محقق حفظ ناموس شریعت و اجرای احکام الهی قوی
و واجب است با آنکه در عرف مال و عیال را بدست شخص امین
متدین میسپارد چگونه خلاق عالم جل شانه انفاس و اعراض
و اموال و دین و شریعت همه خلایق را بدست عاصی و خاطی و اميگذارد
و عقل حاکم است بر وجوب عصمت امام که عمداً یا سهواً یا خطاءً حکمی
از احکام الهی را تغییر ندهد بلکه افعال و اقوال او همه بر طبق شرع
باشد و مخالف غرض الهی معمول ننماید فسقی از او صادر نشود که
موجب حدود الهی یا تعزیر باشد و خلایق مکلف میباشند
وجوباً بنهی از منکر و هم مکلف باشند وجوباً اطاعت او را بین محذور
واقع شوند که وجوب اطاعت و هم وجوب نهی از منکر او و لذا عقل
حکم می‌کند عصمت امام را فخر رازی از اجله علماء اهل سنت است در
تفسیر آیه اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولو الامر گفته است که این آیه
شریفه دلالت می‌کند بر عصمت صاحبان امر که جایز نیست خطا از
او و گفته است اگر چنین باشد لازم می‌آید که هم امر باطاعت انها

باشد وهم نهی از اطاعت آنان زیرا اطاعت آنان در محرمات
حرام است و گفته است در تفسیر کونوا مع الصادقین که خدا امر فرموده
با صادقین باشند خلایق همان معصومین اند که اطاعت ایشان هم
واجب است و خدا در آیه تطهیر از عصمت آنها خبر داده است و این آیات
دلالت می کند بر خلافت حضرت امیر ع و فرزندان او وجه چهارم
آنستکه امام باید عالم بهمه علوم و احکام و تفسیر بواطن قرآن بوده باشد
که شرط است در وجود امام و خلیفه علمیت او بر خلایق عصر او که
از همه خلایق اعلم باشد تا آنکه قائم شود بوجود او امر دین و تعلیم نمودن
او خلایق را باحکام تکلیفیه شان از فرض و ندب و سنن و اصول
و فروع و مسائل مشکله و از حلال و حرام و جواب از سؤالات مشکله
همه مردم بدهد بلکه جواب سؤالات همه فرق از یهود و نصاری مطابق
توریة و انجیل و غیرهما کلاً و جزءاً اطراً بتواند دهد و الا چنین نباشد
نتواند حفظ دین و شریعت و حوضه اسلامیان نماید پس اگر اعلم نباشد
یا جاهل باشد یا عالم بهمه احکام الهی نباشد یا عاجز از رد جواب زنادقه
و کفار باشد پس در این صور مذکوره محتاجست بر امام دیگری و
اگر او هم چنین باشد محتاجست ایضاً بامام دیگری تا آنکه امامی
باشد که متصف باشد بر اعلمیت پس همین است تسلسل که ممکن
نیست انتهائی که بغیر رجوع باعلم نماید و علاوه از قاعده رد تسلسل
میگوئیم عقل حکم میکند مقدم بودن فاضل را بر مفضول که اگر مفضول
مقدم شود بر فاضل قبیح است و دیگر آنکه اگر امام عاجز باشد و
جاهل باشد و نتواند جواب سائلین شریعت خود را با شرایع منسوخه
ادیان و ملل را بدهد سبب هتک و زوال شریعت اسلام

وجه چهارم

خواهد شد و دیگر آنکه از برای مسلمین توقیف در اعمال و تکالیف
آنها خواهد شد مؤلف وجوه مذکوره سبق را اصلاً قصور نمودم که همه
این وجوه و دلایل عقل حاکم است بر اینکه امام باید اعلم خلایق باشد
و اگر تصور شود البته وجوه بسیاری دیگر هم دلیل بر مقصود خواهد
بود احقر محض عدم تطویل در این رساله تعقیب نمیکنم اما اثبات
نقلی بر مقصود اولاً کلام الهی جل عزه در قرآن میفرماید افمن یهدی الی
الحق احق ان یتبع امن لا یهدی الا ان یهدی و اما اخبار کثیره نبوی
از فریقین است بر اعلمیت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و اولاد طاهرین
انسر و ائمه اطهار و مؤلف در کتاب تحفه بسیاری نقل نموده در این
رساله بیک خبر اکتفا می کنم که صاحب کتاب سیر الصحابه از فحول علمای
اهل سنت است از حذیفه ابن اسید روایت میکند که رسول خدا فرمود
الائمة بعدی من عترتی عدد نقباء بنی اسرائیل تسعة من صلب الحسین
اعطاهم علمی و فهمی فلا تعلموهم فانهم مع الحق و الحق معهم که حضرت رسول ص
فرمودند ائمه بعد از من از عترت من اند بعدد نقبای بنی اسرائیل
که دوازده نفر بودند ائمه هم دوازده اند نه نفر ایشان از صلب حسین میباشند
که خداوند عطا کرده است بایشان علم مرا و فهم مرا پس تعلیم ندهید
ایشان را بلکه از ایشان تعلیم بگیرید پس بدرستیکه ایشان با حق اند
و حق هم با ایشانست و اخبار در خصوص ائمه اطهار بسیار است که روح
القدس تعلیم ایشان می کند و اخبار بسیار حتی از علماء است که همه
ایشان در شکم مادرهای ایشان و هنگام تولدشان قرائت فرموده اند
و اعلمیت و افضلیت حضرت امیر ع را احدی منکر نیست بلکه بعد از رحلت
رسول الله بعضی از یهود آمده بخدمت خلفای مشایخ سؤالات نمودند

وانها نتوانستند جواب سؤالات یهود دهند رجوع بحضرت امیر ع نمودند و جواب دادند تمام در کتابهای اهل سنت نقل نموده‌اند احقر هم در کتاب تحفه نقل اهل سنت را تحریر نموده ام اکثر وقایع از اینها است خبر در این رساله اکتفا میکنم یوسف قطان که از علماء و مفسرین اهل سنت است در تفسیر خود گفته است که سدی گفت در نزد عمر بن الخطاب نشسته بودم که کعب بن اشرف و جماعتی از یهودان آمدند سؤال نمودند از عمر بن الخطاب از آیه قرآن وجنة عرضها کعرض السماء والارض عمر گفت من نمیدانم از حضرت امیر مؤمنان سؤال کن و حضرت امیر جواب یهود را دادند پس خدا نازل نمود در شان آنحضرت نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون و ثعلبی و شهرستانی از حضرت امیر روایت کرده‌اند که فرموده مائیم اهل ذکر که در قرآن خدا فرموده است و ثعلبی در تفسیرش از حضرت صادق ع و کذا از حضرت امیر مؤمنان روایت نموده است همین خبر را و علامه حلی در کتاب کشف الحق از تفسیر محمد ابن موسی شیرازی که از رؤساء علماء اهل سنت است دوازده تفسیر استخراج نموده روایت کرده است بسند خود که آیه فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون در شان محمد و علی و یازده فرزندان آنحضرت نازل شد که ایشانند اهل ذکر که خدا فرموده از ایشان باید سؤال کنند که اهل نبوت اند و معدن رسالت اند و محل آمدن و رفتن ملئکه اند و محل وحی الهی میباشند در اعلمیت حضرت امیر ع احدی انکار ننموده است و حضرت رسول الله اظهار اعلمیت آنحضرت را فرموده چنانکه ترمذی محمد ابن علی حکیم که از اکابر علمای اهل سنت است در شرح رساله فتح المبین روایت کرده است که رسول خدا ص فرمود عالم ترین از امت من علی ابن ابیطالب ع است و در اخبار مسلم بین الفریقین است که

حدیث نبوی در اعلمیت حضرت امیر ع

حضرت

حضرت امیر ع اعلم بکتب سماوی بود از توریت و انجیل و زبور و صحف بوده است و اقرء از همه انبیاء سلف بوده است در کتب منزله بر خود ایشان و ثعلبی و ابن ابی الحدید و مالکی و طبری و قاضی میبدی و ابو نعیم حافظ و ابو الحسن واقدی همه از علماء و محدثین اهل سنت اند روایت نموده اند باسناد خودشان که رسول خدا علی ابن ابیطالب ع را به سینه خود چسپانید و فرمود پروردگار من مرا امر کرده است که خود را بتو نزدیک کنم و ترا از خود دور نکنم و علوم خود را بتو تعلیم کنم و ترا سزاوار است که حفظ نمائی و فراموش نکنی پس بعد از آن این آیه نازل شد از خدا و تعیها اذن واعیه و همین علماء نقل نموده اند که پیغمبر تعلیم نمود بعلی ابن ابیطالب هزار باب علم را و از هر بابی هزار باب دیگر علم مفتوح شد و همین روایت هم غزالی در باب علم لدنی حضرت امیر روایت کرده است و روایت متواتره از علماء عامه است که پیغمبر خدا فرمودند انا مدینة العلم و علی بابها متفق علیه فریقین است پس میگوئیم مؤید دلیل امامت شد من حیث العقل والنقل اعلمیت امام و حجة و خلیفه زمان مؤلف محض شاهد بر ادعای خود چند خبری از حال خلفای کبار نقل میکنم محض برهان که مؤید بر ادعای خود ما است از کتاب فحول علمای اهل سنت منجمله صاحب کشاف در تفسیرش و حمیدی در جمع بین الصحیحین روایت نموده اند که روزی عمر بن الخطاب بالای منبر رسول الله خطبه میخواند گفت هر که بر مهر زن خود از چهار صد درهم زیاده مهر نماید او را حد میزنم و آنچه از چهار صد درهم افزوده باشد داخل بیت المال میکنم پیره زن جاهلیه برخواست و گفت ای خلیفه کلام تو اولی بقبول است یا کلام خدا عمر گفت کلام خدا پیره زن گفت خدا در قرآن مجید فرموده است و آن

اخبار علماء در کیفیات خلفاء

ان اتیتم احدیهن قنطارا فلا تاخذوا منهن شیئا یعنی اگر داده باشید زنان را
مال بسیاری پس نگیرید از ایشان چیزی که داده اید عمر گفت کلکم افقه
من عمر حتی المخدرات فی الحجرات یعنی جمیع شما ها فقیه تر و دانا ترید
از عمر تا انکه پرده زنان در خانها یا زنان در حجله ها زمخشری صاحب
تفسیر کشاف که علماء اهل سنت است گفته است بعد از این رسوائی
عمر اصحاب خود را سرزنش نمود که از من میشنوید سخنان باطل
را در منبر میگویم و منع مرا نمیکنید تا انکه مرا رسوا کند زنی حمیدی در جمع
حمیدی در جمع بین الصحیحین نقل کرده که عمر حکم نمود بسنگسار
کردن زنی که حامله بود حضرت امیر منع نمود عمر را از این حکم
که اگر زن گناه کار است تو را با طفل در شکم او چه کار است ایضا
احمد ابن حنبل از حسن بصری روایت میکند که عمر حکم نمود برجم
دیوانه حضرت امیر فرمود ای عمر دیوانه را خدا مکلف نساخته
و قلم تکلیف بر مجنون نیست تا عاقل شود عمر در این موارد میگفت
لولا علی لهلک عمر ایضا حمیدی در جمع بین الصحیحین در مسند عمار
یاسر اورده که مردی در زمان خلافت عمر ابن الخطاب نزد او امد
و گفت من جنب شده ام و ابی نبود که غسل کنم مرا چه باید کرد عمر جواب
او را گفت هرگاه اب نیابی نماز نخوان معذور کی عمار حاضر بود
گفت ای عمر یاد می اید تو را در سفر یکدفعه و ما هم بودیم و اتفاق هر دو
جنب شدیم و تو نماز نخواندی و من تیمم نمودم بهمه بدن او در خاک
مالیدم و نماز خواندم و بعد خدمت حضرت رسول رسیدیم حکایت
را عرض کردیم حضرت از تیمم من تبسم فرمودند و تعلیم فرمودند
تیمم را بما ها عمر گفت فراموش نموده بودم مؤلف گوید معلوم میشود

بیان بعضی احکام خلفاء

خلیفه دویم ایه شریفه قران را هم نخوانده بودند وان لم تجدوا ماء
فتیمموا صعیدا طیبا و کذلک بسیاری از علماء اهل سنت نقل
نموده اند در کتاب خود که شخصی سؤال نمود از ابوبکر میراث کلاله
را ابی بکر گفت برای خود عمل میکنم اگر حقست که گفته ام از جانب خدا
شده و اگر باطلست که گفته ام از جهت متابعت شیطانست تا
انکه انشخص از حضرت امیر مؤمنان سؤال نمود انحضرت فرمود
معنی او با رای خود چه کار است و خدا معنی کلاله را صریحا فرموده
پس فرمود کلاله خواهر و برادر از مادر است و ایضا فخر رازی گوید گفت
ابوحنیفه که ابوبکر بعوض دست راست دست چپ دزد را قطع نمود بر همین جهت
منهم فتوی میدهم که دست چپ دزد را قطع کنند مؤلف گوید دست
چپ دزد دفعه اولی خلاف اجماع طرفین است از همه مسلمین خلاف
محض نماند این چند خبر نقل شد اخبار متکاثره در کتاب تحفه اثنی
عشریه ذکر نموده ام پس گویم بعد از این بیانات امامت و خلافت لایق
و درخور کسیست که دارای اشرفیت و افضلیت و اعلمیت و همه صفات
مذکوره باشد نه هر که را جمعی اطراف او جمع شوند بیعت کنند با او خلیفه
الله و خلیفة الرسول و امام و هادی خلق باشد در صحیح بخاری
مسلم که از کتب معتبره اهل سنت است و ثانی قران میدانند او را
مسطور است که عمر بن الخطاب در وقت خلافت ابی بکر ابن ابی قحافه
میگفت کانت بیعة ابی بکر فلتة وقی الله المسلمین شرها فمن عاد
الی مثلها فاقتلوه یعنی عمر میگفت بیعت کردن با ابی بکر ناگهانی از
روی خطا و بی تامل واقع شد نه انکه تدبیری و تعقلی در ان کرده شد
باشد نگهدارد خدا بسبب کرم خودش مسلمانان را از شر و بدی او

پس اگر کسی بعد از این عود و رجوع کند بمثل این دفعه در بیعت نمودن
پس بکشید انکس را مؤلف گوید تقصیر بر احقر نیست توضیح کلام شیخرا
مینمایم که از این سخن عمر لازم میاید که خطای او و خطای ابی بکر
بشراکت بوده است چونکه مرتکب شدند هر یکی از این دو نفر اشخاص
چیزیرا که موجب قتل و کشتن است بگفته و فتوی خود عمر نعوذ بالله من
الشیطان الرجیم وجه پنجم طریق اثبات امامت که باید امام دارای
اوصاف کمالیه باشد از جهة شناختن او این است که اتیان معجزه نماید
چرا اینکه امامت تالی مرتبهٔ نبوت است و برهان بر صدق او است
زیرا که نبی و رسول آورنده شریعت اند و امام و خلیفه حافظ و نگاه
دارنده شریعت و مجری احکام الهی میباشند پس بنا بر این دلیل و برهان
میگوئیم امامهای دوازده گانه که بعد واحد دعوی امامت نموده‌اند
و هر یک از ایشان چه بسیار معجزات و کرامات و خارق عادات از جانب
ایشان صادر شده که علماء و محدثین و مورخین عامه و خاصه مؤالف
و مخالف در کتابهای ایشان نقل نموده اند علاوه انکه بعد از رحلت
ایشان از قبور منوره شان الی زماننا هذا که هر یک ما ها هم در عصر
و زمان خود مشاهده نموده ایم مکرر صادر شده است از قبیل شفای
امراض مزمنه و کور و عاجز و افلیج و غیرهم از همه امراض که اطباء
از عهده علاج بر نیامده و از همه جهت مأیوس شده‌اند بتوسل بقبور ایشان
نمودند فوری بینا و صحیح و سالم بوده اند از این قبیل معجزات بنوعی
اشکار میباشد که نتوانسته اند مخالفین هم انکار کنند و صدور
معجزاتیکه از وجود مبارک ائمه هدی در کتابهای شیعه تمام ثبت
و ضبط و نقل شده لا تعد و لا تحصی است بلکه در کتابهای اهل

وجه پنجم

سنت هم بسیاری نقل نموده اند چنانکه مؤلف در کتاب مختصر از
نقل کتابهای علماء عامه تقریبا پنجاه خبر نقل نموده ام که نوشته اند
صدور معجزات هر یک از ائمه را مفصلا منجمله کیفیت تکلم فرمودن
حضرت امیر المؤمنین ع با خورشید و جواب دادن خورشید و سلام
نمودن با نحضرت و رد شمس که برگشتن خورشید بعد از غروب او
بجهة ادای نماز و تکلم هر یک از ائمه با حیوانات و خضوع و خشوع
سبع و درندگان از قبیل شیر و غیره با ایشان و رفتن حضرت
امیر ع با بعضی صحابه که خصوصا خلفاء شیخین هم بوده اند با آن حضرت
بمقام اصحاب کهف و سلام نمودن اصحاب کهف بخطاب امامت
در حق حضرت امیر ع و گفتگوهای آنان و اخبارات واقعه بعد را
هر یک خبر دادن ایشان و اراده نمودن بعضی خلفاء جور بنی امیه
و بنی عباس بقتل ایشان و از جهة اعجاز ایشان بمحضر الخلیفه خاضع
و ذلیل شدن خلفا نزد ایشان و ضمانت آهوان و بعضی حیوانات
و ادخاع آنان و اشاره فرمودن حضرت علی ابن موسی الرضا ع به
نقش شیر در پرده و فوری نقش شیر مجسم عظیم الجثه شدن
در مجلس مامون خلیفه عباسی و آن شخص معاند جو دلی حیا را پاره
پاره نمودن و تمام او را خوردن که از همه عظام و لحوم و دماء نجس
کثیفه او چیزی نماند و بدرک رفت و بعد باشاره حضرت عود کند
بر همان نقش در پرده این مجملا ترا مؤلف گوید بعد از بیان وجوه خمسه
سبق الذکر و البیان که بطریق اجمال و اختصار و الاشاره تحریر رفت
فتبین الخلافه و الامامه بوجوه الخمسة الائمه الابرار الاطهار
و لهم صلوة الله الملک المتعال مختصرا انکه معرفت بحال این ذوات

در اثبات صدور معجزات ائمه

پس اگر کسی بعد از این عود و رجوع کند بمثل این دفعه در بیعت نمودن
پس بکشید انکس را مؤلف گوید تقصیری بر احقر نیست توضیح کلام شیخرا
مینمایم که از این سخن عمر لازم میاید که خطای او و خطای ابی بکر
بشراکت بوده است چونکه مرتکب شدند هر یکی از این دو نفر اشخاص
چیزیرا که موجب قتل و کشتن است بگفته و فتوی خود عمر نعوذ بالله من
الشیطان الرجیم وجه پنجم طریق اثبات امامت که باید امام دارای
اوصاف کمالیه باشد از جهة شناختن او این استکه اتیان معجزه نماید
چرا اینکه امامت تالی مرتبه نبوت است و برهان بر صدق او است
زیرا که نبی و رسول آورنده شریعت اند و امام و خلیفه حافظ و نگاه
دارنده شریعت و مجری احکام الهی میباشند پس بنابر این دلیل و برهان
میگوییم امامهای دوازده کانه ع بعد واحد دعوی امامت نمودند
و هر یک از ایشان چه بسیار معجزات و کرامات و خارق عادات از جانب
ایشان صادر شده که علما و محدثین و مورخین عامه و خاصه مؤالف
و مخالف در کتابهای ایشان نقل نموده اند علاوه آنکه بعد از رحلت
ایشان از قبور منوره شان الی زماننا هذا که هر یک ما ها هم در عصر
و زمان خود مشاهده نموده ایم مکرر صادر شده است از قبیل شفای
امراض مزمنه و کور و عاجز و افلیج و غیرهم از همه امراض که اطباء
از عهده علاج بر نیامده و از همه جهت مأیوس شده توسل بقبور ایشان
نموده فوری بینا و صحیح و سالم بوده اند از این قبیل معجزات بنوعی
اشکارا میباشد که نتوانسته اند مخالفین هم انکار کنند و صدور
معجزاتیکه از وجود مبارک ائمه هدی در کتابهای شیعه تمام ثبت
و ضبط و نقل شده لا تعد و لا تحصی است بلکه در کتابهای اهل

سنت

سنت هم بسیاری نقل نموده اند چنانکه مؤلف در کتاب بحر از
نقل کتابهای علماء عامه تقریبا پنجاه خبر نقل نموده ام که نوشته اند
صدور معجزات هر یک از ائمه را مفصلا منجمله کیفیت تکلم نمودن
حضرت امیر المؤمنین ع با خورشید و جواب دادن خورشید و سلام
نمودن بانحضرت و رد شمس که برگشتن خورشید بعد از غروب او
بجهة ادای نماز و تکلم هر یک از ائمه با حیوانات و خضوع و خشوع
سبع و درندگان از قبیل شیر و غیره با ایشان و رفتن حضرت
امیر ع با بعضی صحابه که خصوصا خلفاء شیخین هم بوده اند با آن حضرت
بمقام اصحاب کهف و سلام نمودن اصحاب کهف بخطاب امامت
در حق حضرت امیر ع و گفتگوهای آنان و اخبارات از واقعه بعد
هر یک خبر دادن ایشان و اراده نمودن بعضی خلفاء جور بنی امیه
و بنی عباس بقتل ایشان و از جهة اعجاز ایشان بمحضر الخلیفه خاضع
و ذلیل شدن خلفاء نزد ایشان و ضمانت اهون و بعضی حیوانات
و ادخاع آنان و اشاره فرمودن حضرت علی ابن موسی الرضا ع به
نقش شیر در پرده و فوری نقش شیر مجسمه عظیم الجثه شدن
در مجلس مأمون خلیفه عباسی و آن شخص معاند جوو بی حیا را پاره
پاره نمودن و تمام او را خوردن که از همه عظام و لحوم و دماء نجس
کثیفه او چیزی نماند و بدرک رفت و بعد باشاره حضرت عود کند
بر همان نقش در پرده این مجملا ترا مؤلف گوید بعد از بیان وجوه خمسه
سبق الذکر و البیان که بطریق اجمال و اختصار و الاشاره تحریر رفت
فتبین الخلافه و الامامه بوجوه الخمسه الائمه الابرار الاطهار
و لهم صلوة الله الملک المتعال مختصرا انکه معرفت بحال این ذوات

مقدسات اوند و خلقت ایشان الی آخره و کمالات نفسانیه و اوصاف
مستحسنه و ولایت مطلقه هریك از ایشان بمقدار استعداد
خلایق نیست و نخواهند هم ساییند که ادراك از حیثیت شرافت وجود
شریف ایشان نمایند و حقیقت این امور علی ما ینبغی خارج از عهده
مردم است چنانکه خبر مشهور متفق علیه امتست که حضرت رسول الله
فرمود یا علی نشناخت مرا بغیر خدا و تو نشناخت تو را کسی بغیر خدا و
من ما هاماً باید اعتراف بعجز از معرفت واقع ایشان نمائیم زیرا که ذوات
مقدسه ائمه هدی صلوة الله علیهم اجمعین بشر اشرف وجودهم و خلقهم
و صفاتهم و حالاتهم و تصرفاتهم و قیامهم و قعودهم فوق طاقت
بشر است که همین معنی معجزه اعلی است از برای علما و فضلای صاحبان
عقول بلکه میگویم عقول عقلای عالم عاجزاست در حقیقت معرفت
باین بزرگواران مقدمه پنجم میگوئیم از روی دلیل و برهان اجتهاد نمودیم
و اعتقاد نمودیم و یقین حاصل شد بوحدت ذات واجب الوجود و ثبوت
همه پیغمبران که همه بحق و از جانب خداوند متعال آمده بودند بمحض
ارشاد و هدایت خلق و ختم شد نبوت و رسالت بمحمد ابن عبدالله
که بعد از این بزرگوار پیغمبری نخواهد آمد تا روز قیامت و دین و
شریعت انسرور باقی خواهد بود الی یوم القیمة و در مقدمه سیم
و چهارم بیان نمودیم بدلیل و برهان عقل که باید بعد از رحلت
پیغمبر آخر الزمان هم خلفا و امامان در هر عصری و زمانی باشند که
حفظ شریعت و دین اسلام نمایند و مروج احکام و مبین قوانین
اسلام و شریعت باشند و تعریف امام و خلیفه را نمودیم با شرایط
لازمه امامت بر پنج وجه عقلی بر برهان قطعی به بیانات و اصحه

مقدمه پنجم

الدلالات بطریق ایجاز و اختصار و بعد اختلاف مذاهب اسلام
را بیان نمودیم و از بین مذاهب بدلیل قاطع و برهان ساطع
اثبات نمودیم که بعد از رحلت سید کاینات امامت و خلافت
را خاص ذوات مقدسات اهل بیت اطهار حضرت مولی الموالی
امیر مومنان مولای متقیان علی ابن ابیطالب و یازده نفر اولاد ان
انسرور ع میباشد که بدلایل عقل بوجوه بسیاری که امامت حصر
و اختصاص دارد بر همین ائمه دوازده گانه و احدی از صحابه کبار
لایق و درخور این منصب جلیل ریاست الهیه نیست و موید همین
مطلب است اکثر آیات شریفه کلام الله مجید که در کتاب تحفه
اثنی عشریه اضافه بر یکصد آیات شریفه قرآن را از کتابهای اهل
سنت نقل نموده ام که قائلین و معترفین اند نزول آیات شریفه را
در حق امیر المومنین و اولاد آن انسرور که دلالت تام دارد بر امامت
و ولایت این بزرگواران لذا مولف در این رساله محض تیمن و تبرك
بچند آیه شریفه اکتفا مینمایم از جمله آیه شریفه اطیعوا الله و اطیعوا
الرسول و اولوا الامر منکم که خداوند متعال اطاعت اولوا الامر را
تالی و قرین اطاعت ذات اقدس خود و رسولش مقرر فرموده است
چنانکه در مقدمه چهارم نقل شد فخر رازی از اجلاء علما است
شان نزول آیه شریفه را در حق اهل بیت رسول الله ذکر کرده و
اظهار داشته که دلالت بر عصمت ایشان دارد و من جمله آیه شریفه
کونوا مع الصادقین که این آیه را هم فخر رازی و دیگران علما اهل
سنت گفته اند خداوند امر فرموده است خلایق را که با صادقین
باشند همان ائمه معصومین اند که اطاعت ایشان را واجب

نموده است ودر آیه تطهیر از عصمت ایشان خبر داده است ومنجمله
آیه شریفه فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون که امر نموده خلایق را
از احکام دین خود وقوانین شریعت ومشکلات از قرآن را سؤال
از اهل ذکر نمایند چنانکه ثعلبی از مفسرین عامه است ودر تفسیرش
گفته اهل ذکر امیر المؤمنین است ویوسف قطان هم در تفسیرش و
شهرستانی در کتاب مفاتیح وحافظ ابو نعیم روایت کرده اند که
که حضرت رسول الله ص فرموده اند اهل ذکر اهل بیت من میباشند
مؤلف گوید نصوص جلی وخفی در خصوص امامت وخلافت ائمه
هدی ص از حضرت رسول الله بسیار است در این رساله مختصره
به همین سه آیه مذکوره در این مورد اکتفا نمودم واخبار نبوی را
از خاصه وعامه اگر شخص میخواهد جمع کند کتابها خواهد شد بنابر
مطلب چند خبر متفق علیه همه امت از علماء خاصه وعامه محض
حجة بر خصم وصدق دعاوی خود نقل میکنم از انجمله از اخبار و
روایات مستفیضه متفقه که اکثر علماء اهل سنت ومحدثین ایشان
ذکر کرده اند از جمله آنها موفق شیرازی وصاحب کتاب شرف النبی
وزمخشری وترمذی میباشند واحدی انکار نکرده است که حضرت
رسول ص فرمودند ستفترق امتی علی ثلثة وسبعین فرقة فرقة ناجیه
والباقون فی النار ترجمه حضرت رسول الله ص فرمودند زود باشد
امت من متفرق شوند بر هفتاد وسه فرقه یك فرقه از میان این فرقها
رستکار وناجی واز اهل بهشت است وباقی هفتاد ودو فرقه هالك
ودر آتش جهنم میباشند مؤلف گوید از این خبر شریف حضرت رسول
صلی الله علیه وآله معلوم میشود این مذاهب مختلفه بعد از رحلت

آیات قرآن که نصوص بر خلافت

آنسرور به هر یك از این مذاهب ادعای حقیقت مذهب خود را
مینمایند همه اینها حق نیستند بلکه تمام باطل وعاطل وهالك اند
بغیر یکفرقه زیرا که صادق امین وما ینطق عن الهوی فرقه حقه
ناجیه رستکار را زیاده از یك فرقه نفرموده است پس گوئیم
بقرینه داخله وخارجه از عین خبر آنکه حضرت رسول الله ص
کل امت خود را تقسیم بهفتاد وسه فرقه نموده است که هفتاد ودو
فرقه ایشان را باطل واهل جهنم فرموده ویك فرقه را در میان
همه امت خود رستکار واهل بهشت قرار داده است کانه
بصورت واقع ونتیجه انحصار در دو فرقه نموده است یکی منفرده
حقه ویکی مشترکه باطله پس بعد از این بیان میگوئیم عند التفحص
ملاحظه میکنیم اکثر واغلب مذاهب مختلفه امت بعد از احکام
ضروریه مثل تصدیق بکتاب الله وصوم شهر رمضان
ونماز پنجگانه ونافله وتوجه بقبله کعبه معظمه ووجوب حجة
الاسلام وغیره که متفق در صورت میباشند لیکن در سیرت
مختلفه اند مثل ارکان وافعال واجزاء وشرایط ومقدمات
نماز واحکام طهارات ونجاسات وعقودات ومزاوجات دائم
ومنقطعه ومناسك حج ودر مقام تنزل الوهیت از صفات ذاتیه
وصفات فعلیه وصفات کمالیه وصفات صلبیه مختلف
العقاید میباشند در اصولشان ولیکن متقارب بایکدیگرند
ومناسبتی وقرابتی واتحادی بایکدیگر دارند در منشا ومأخذ
ومبدء که کانه فی الاصاله والمآل قریب بهم میباشند اگرچه در
بعض مسائل اصول وفروعشان مخالف هستند وبعد از فحص در

کتب واقوال وعقاید مذهب شیعه امامیه اثنی عشریه ملاحظه
میکنیم از جماعت قلیل مخالف ومباین کلی ومتفرد وجداگانه اند در ماخذ
ومنشأ از همه این فرقه ها تصدیق کتاب الله را هر چند موافق اند
لیکن مذاهب عامه اکثرا یا بتر تفسیر بظاهر میکنند بغیر از مذهب
حقه که تفسیر قرآن را از مفسرین خانواده وحی وتنزیل سئوال واخذ می
کنند در فرایض واستقبال بکعبهٔ معظمه موافق اند لیکن با عامه
در مسائل واجبه ومندوبه وشرایط خارجه وداخله مخالف اند
در طهارت وغسل اعضاء ووضوء ومسح ان وکذلک
وعقودات وطهارات ونجاسات ومزاوجات مخالف اند
ودر خصوص توحید ذات وصفات مخالف اند بنوعی که در سابق
عقاید انها را مؤلف نقل نموده واین مطلب معلوم هر کس است که
کتابهای اصول وفروع عملیه این مذاهب را دیده وملاحظه نموده
تنبیه مؤلف گوید قرینه قطعیه از قرائن دالّه خود این مذهب
این حدیث شریفست که واضح وثابتست دعوای ناقابل که این فرقه
ناجیه از این هفتاد وسه فرقه متضاد ومتخالف ومتباین است که
فرقهٔ ناجیه حقه یکه ومنفرده از همه این فرقه ها میباشد از اصول و
فروع که کل احکام اصول وفروع خود را اخذ از اهل بیت رسالت
نموده اند واز پیش خود نه اصول ونه فروع عمل نمیکنند واز تفسیر قرآن
برای وقیاس واستحسان عمل نمیکنند بهمان نشانی که در سابق ذکر
شد ولی بعد از تحقیق وفحص میگوئیم فرقه های جداگانه از اهل سنت
ایشان قائل ومعتقد بخلفای اربعه ابی بکر وعمر وعثمان وحضرت
علی ابن ابیطالب میباشند واکثر ایشان در فروع تابع مذاهب اربعه

میباشند

میباشند حتی بعض فرقه های امامیه غیر اثنی عشریه هم مثل جماعت
بهره هندوستان که شش امام را معتقد اند در فروعشان تصور
میکنیم جمع نموده اند بین مذهب شیعه ومذهب عامه در وضوء
وطهارت ومسائل نماز وکذلک زیدیه که تابع ابوحنیفه میباشند
لیکن مذهب واحد شیعه بهیچ وجه موافق در فروع با مذاهب عامه
نیستند پس باین بیانات واضحة الدلالات می گوئیم چونکه حضرت
رسول الله ص مذهب حق را حصر بیک فرقه نموده اند پس باید با آن
فرقه در حقیقت فرقه دیگری هم نباشد واگر شریک باشند فرقه
متحده جداگانه نخواهد بود وناجی بیش از یک فرقه خواهد بود
واین بر خلاف صریح خبر است وصدق خبر وما ینطق عن الهوی
بغیر این فرقه حقه شیعه صدق نمیکند زیرا که من جمیع الوجوه
جداگانه ومنفرده میباشند وغیری با این فرقه شراکت ندارد پس
منحصر شد بهمین فرقهٔ ناجیه ومؤید بیان مناسبت بطریق
اجمال فهرست مانند عقاید واقوال باطله را بیان کنم که معتقد
بخلفای اربعه میباشند نقل کنم که بعض مؤمنین که رجوع بکتابهای
ایشان ننموده اند مستحضر شوند بعقاید فاسدهٔ این جماعت ومتقن
ومحکم شوند بعقیده صحیحه حقه اثنی عشریه وطلب مغفرت نمایند
برای ابا خود وتشکر کنند وسجدات حضرت معبود متعال جل شانه
تقدیم نمایند که بطریق مستقیم هدایت یافته اند وبذیل مکرمت و
عنایت ظل ظلیل هادیان حق لوجه بالغه کامله الهی متوسل میباشند
وبحبل الله المتین متمسک وبسفینه نجات اهل بیت راکب اند
صورت مذاهب عامه این است پانزده فرقه ایشان معروف ومشهور

باشاعره اند اول ایشان تابعین ابی الحسن علی ابن اسمعیل اشعری اند دوم کرامیه اند تابعین ابی عبد الله ابن کرام اند سیم حنابله تابعین احمد ابن حنبل اند چهارم یونسیه تابع یونس نمیری اند پنجم تومنیه تابعین ابی معاذ تومنی اند ششم عبیدیه تابعین عمرو ابن عبید اند هفتم عنانیه تابعین عنان کوفی اند هشتم ثوبانیه تابعین ابی ثوبان مرجی اند نهم صالحیه تابعین صالح ابن عمرو اند بدانکه شش طایفه اخیری ایشان را مرجیه هم خوانند که با وجود ایمان کفر را مضر ندانند دهم قصوبیه تابعین قاضی عبد الجبار استرابادی اند یازدهم جعفریه تابعین جعفر ابن هرمه اند دوازدهم هذیلیه تابعین ابو الهذیل همدانی اند سیزدهم ضراریه تابعین ضرار ابن عمرو اند نفی قدرت حادثه از خدا می کنند چهاردهم تابعین حسن نجار اند پانزدهم جهمیه تابعین جهیم ابن صفوان اند که در اخر خلافت بنی امیه کشته شد بود این پانزده طایفه معروف باشاعره هستند که خیر و شر و افعال خلق را بخدا دانند شانزدهم جبائیه تابعین ابی علی جبائی اند هفدهم مرداریه تابعین ابو موسی ملقب بمردار اند هیجدهم نظامیه تابع نظام ابن نظام ابن سیار اند نوزدهم خیاطیه تابعین ابی الحسن خیاط بغدادی اند بستم حافظیه تابعین احمد ابن حافظ اند قائل بتناسخ و مایل بمذهب نصاری میباشند بیست و یکم جاحظیه تابعین عمر بن بحر جاحظ اند بیست و دوم مرهسیه تابعین مرسی واصل اند بیست و سیم هشامیه تابعین هشام ابن عمرو اند بیست و چهارم معمریه تابعین معمر سلمی اند قائل بنفی صفات خدا اند بیست و پنجم تمامیه تابعین ابو تمام نمیری اند بیست و ششم واصلیه تابعین واصل ابن عطا بصری اند قدری

بیان عقاید هفتاد دو فرقهٔ باطله

مذهب اند

مذهب اند بیست و هفتم مجهولیه اند که قائل ببعض صفات خدا اند این دوازده فرقه اخیری هم معتزله اند قائل اند که خدا خلق نمود خلایق را و جمیع امور را بخود شان وا گذار نمود بیست و هشتم معبدیه تابعین معبد ابن عبد الرحمن اند بیست و نهم زیدیه تابعین زید ابن معویه اند سی ام رشیدیه تابعین رشید طوسی اند سی و یکم شعیبیه تابعین شعیب ابن محمد اند سی و دوم میمونیه تابعین عبد الکریم عجرد اند سی و سیم صفریه اند سی و چهارم تابعین زیاد اند سی و پنجم شیبانیه تابعین شیبان ابن سلمه اند سی و ششم ثعالبه تابعین ثعالبة ابن عامر اند سی و هفتم مکرمیه تابعین مکرم ابن عبد الله اند سی و هشتم حمزیه تابعین حمزه اند سی و نهم حفصیه تابعین حفص ابن مقدام اند چهلم خلیقیه که از خوارج کرمانند چهل و یکم مکرانیه اند که اینها هم خیر و شر را از خدا دانند چهل و دوم حازمیه تابعین حازم ابن محمد ماضی اند چهل و سیم عاذریه تابعین غالب ابن شاذل اند که خود را در ترک واجبات که جاهل باشند معذور میدانند چهل و چهارم قیسیه تابعین قیس اند چهل و پنجم ازرقیه تابعین ابی راشد اند که اهواز و کرمان و فارس را تسخیر نمود چهل و ششم محکمیه که در جنگ نهروان بودند و خروج بحضرت امیر مومنان نمودند چهل و هفتم وعیدیه این بیست و یک فرقه اخیری را خوارج گویند که عثمان و علی را سب مینمایند چهل و هشتم مالکی اند که اینها را گویند که تابع مالک ابن انس اند چهل و نهم حنفی اند که تابع ابی حنیفه نعمان ثابت اند عراقین حنفی گویند اینها را پنجاهم شافعی هستند که تابع محمد ابن ادریس شافعی اند پنجاه و یکم حنبلی هستند که تابع احمد ابن حنبل اند پنجاه و دوم

فهرست مذاهب اهل سنت وعقاید ایشان

تابع شعبان ثوری اند پنجاه وسیم تابع اسحق ابن راهویه شدند پنجاه
وچهارم تابع زهری شدند پنجاه وپنجم تابع ابن المبارک شدند که
بعد از زمان کجا این سه فرقه متفرق شدند پنجاه وششم حلولیه اند
که گویند خدا و در دل عرفا می باشد پنجاه هفتم اتحادیه هستند که گویند
خدا با عرفا متحد میشود پنجاه وهشتم واصلیه اند که گویند عارف بعد
از ریاضت بخدا واصل میشود پنجاه نهم ملامتیه اند که انهام ترکب شدن
بمعاصی را مباح دانند شصتم مباحیه اند زنا ولواط وهم معاصی را
مباح میدانند که فعلا اکثر عامه بر این اند شصت ویکم وحدتیه قائل
اند بوحدت وجود وکثرت موجود شصت ودوم [illegible] قائل اند بوحدت
وجود وتعدد موجود از هفت طایفه معروف ومشهور بصوفیه اند
شصت وسیم مغیریه اند تابعین مغیرا بن سعد اند که خدا را مرکب از
بیست وهشت جزء دانند شصت وچهارم کاملیه اند تابعین ابی
کامل اند نبوت وامامت را از باب تناسخ شیئ واحد دانند شصت وپنجم
سنانیه اند شصت وششم خطابیه اند که علی را خدای بزرگ دانند واو
را خدای کوچک دانند شصت وهفتم علیائیه اند تابعین علیا ابن
ذراع اسدی اند که علی را بر محمد ترجیح می دهند وهرچند این سه طایفه
معروف بغلات اند لیکن در فروع تابع مذاهب اربعه هستند شصت وهشتم
سلیمانیه اند که تفضیل مفضول را بر فاضل دهند شصت ونهم
رزامیه تابعین رزام راعی اند هفتادم بنانیه اند تابعین بنان ابن
سمعان اند که قائل بحلول اند هفتاد ویکم جارودیه اند هفتاد و
دوم صالحیه اند تابعین حسن ابن صالح اند این پنج فرقه اخیری
هرچند حضرت امیر ع خلیفه بلافصل می دانند لیکن امامی غیر اثنی

در حقیقت مذهب شیعه بروایات حضرت رسول

عشریه میباشند تمام فرق مذکوره اختلاف مذاهب در اعتقادات
از حیث اصول باهم دارند لیکن در فروع قریب بهم کانه متحد اند
هرچند در بعضی بعضی مسائل مختلف اند ملخص آنکه بعد از آنکه تفحص
نمودم بر اقوال واعتقاد این هفتاد ودو فرقه از کتابهای ایشان اگرچه
در بعض مسائل اصول ودر بعضی مسائل فروع اختلاف دارند و
منحرف گردیده اند از طریقت وشریعت سید المرسلین ص چه در
توحید وچه در نبوت وچه در امامت ومقصر وعاصی اند هر کدام
بسوی جهتی از راه گمراهی عقاید باطله پیش گرفته اند ومتمسک شده اند
بر اشخاصی که ذکر اسامی ایشان شد بتمامه هر کدام بسوی جهتی بضلالت
وگمراهی افتاده اند واز حجج بالغه وخلفای حقه وهادیان راه مستقیم
واهل بیت اطهار وخانواده وحی وتنزیل ومفسران قران دست بر داشته
اند وعلاوه روایات مستفیضه متفقه امت از اهل سنت وشیعه
در کتب معتبره نقل نموده اند که رسول خدا این جماعت اثنی عشریه را
بصفت شیعه موصوف فرموده است ومعین فرموده که این فرقه ناجی و
از اهل بهشت میباشند ومؤلف در کتاب تحفه چهل روایت نبوی
از نقل کتابهای اهل سنت جمع نموده ام در این رساله بده حدیث اکتفا
مینمایم حدیث اول صاحب صواعق که از متعصبین اهل سنت است
بسند خود روایت کرده است قال النبی ص یا علی انت واصحابک وشیعتک
فی الجنة یعنی یا علی تو واصحاب تو وشیعه تو در بهشتند حدیث دویم
موفق شیرازی مشاهیر محدثین اهل سنت در تفسیر خود از تفاسیر تابعین
مرفوعا روایت می کند که بعض صحابه از رسول خدا ص از این ملت ناجیه
سؤال نمودند که کدام فرقه رستگارند قال النبی هم علی وشیعته یعنی پیغمبر خدا

احادیث نبوی در تخصیص فرقه ناجیه باثنی عشریه

فرموده است ایشان علی و شیعیان اویند که فرقه ناجیه میباشند
حدیث سیم در کتاب شرف النبی روایت کرده است که حضرت رسول ص
هفتاد و سه فرقه امت را فرمودند برای علی ع بعد امیر ع سؤال نمود یا
رسول الله فرقه ناجیه کیانند حضرت رسول ص فرمود المتمسک بما
انت و اصحابک حدیث چهارم جمهور مفسرین اهل سنت و صاحب
صواعق در ذیل آیه اولئک هم خیر البریه از ابن عباس روایت کرده
است که چون این آیه نازل شد گفت رسولخدا ص هم انتم یا علی و شیعتک
تاتی یوم القیمه راضین مرضیین و یاتی اعدائک غضابا مقمحین
یعنی ایشان که اولئک هم خیر البریه شما هستید ای علی و شیعه تو می
آیند در قیامت مراد در حالتیکه راضی و مرضی و خشنود و دشمنان
تو می آیند در قیامت مراد در حالتی که مغضوب و سیه روی باشند
و این حدیث شریف را حافظ ابو نعیم هم نقل نموده است حدیث پنجم
خوارزمی که از فحول علمای اهل سنت است روایت می کند باسناد
خودش از رسولخدا ص که از جمله فقرات روایت اینستکه رسولخدا
ص فرمود که در معراج رفته بودم گفتم ای جبرئیل این درخت برای کیست
گفت برای پسر عمت امیر مؤمنان علی ابن ابیطالب ع چون خدا امر نماید
مخلوقین را که به بهشت روند میاورند شیعیان علی را تا آنکه نزد
این درخت میرسانند آنگاه بر ایشان میپوشانند زیورها و
جامه های نیکو و سوار میشوند ایشان بر اسبان ابلق و منادی
ندا می کند که ایشان شیعیان علی ابن ابیطالب می باشند که
صبر نمودند در دنیا بر اذیتها پس امروز کرامت خدا به ایشان
رسید حدیث ششم در حلیة الاولیاء از کتب علمای اهل سنت

روایت میکند باسناد خودش که رسولخدا فرمود بعلی ابن ابیطالب ع
یا علی انک و شیعتک فی الجنه یعنی یا علی بدرستیکه تو و شیعیان
تو در بهشتند حدیث هفتم ابن ابی الحدید از صاحب حلیة الاولیا
روایت کرده است و در فضایل احمد ابن حنبل و خصایص نطنزی نیز
مذکور است این روایت که حضرت رسول الله ص فرمود هر که خواهد
زندگانی او مثل زندگانی من باشد و مردن او مثل مردن من باشد و
در جنت عدن که خدا تع بدست قدرت خود از غرس نموده که منزل
مرا است او هم ساکن شود باید که بعد از من ولایت و امامت علی را اختیار
کند و پیروی کند امامان و اوصیاء مرا که فرزندان من اند بدرستیکه
ایشان عترت من اند و از طینت من خلق شده اند و فهم من و علم من
را خدا نصیب و روزی ایشان کرده است پس وای بر جمعی از امت من که
تکذیب ایشان کنند و دور از ولایت و امامت ایشان بگردانند و میان
من و ایشان را قطع کنند و رعایت مرا در حق ایشان نکنند خدا شفاعت
مرا به ایشان نرساند مؤلف گوید ای مسلمانان از روی انصاف این خبر
شریف را ملاحظه کنید که روایت از فحول علمای اهل سنت که پیغمبر
خدا فرموده اند که بعد از من از امت من هر که اختیار کند ولایت و امامت
عترت و اولاد ان مرا که اوصیاء و امامان من میباشند محل و مقر او
در بهشت عدن نزد من است پس وای بر جماعتی که تکذیب ایشان نمایند
غرض حضرت تکذیب امامت ایشانست و میان من و ایشان را قطع
کند غرض حضرت فاصله بین حضرت و ایشان بیندازند حقیقه صریحست
در ادعای جماعت حقه امامیه حدیث هشتم زمخشری که از جمهور
علمای اهل سنت است روایت کرده است باسناد خودش که رسولخدا

فرموده است این امت من هفتاد و سه فرقه شوند هفتاد و دو فرقه از ایشان
در آتش خواهند بود و یک فرقه از ایشان در بهشت خواهند بود و ایشان
کسانی میباشند که خدای تعالی درباره ایشان فرموده است وممن خلقنا امة
یهدون بالحق وبه یعدلون و ایشان علی و شیعیان علی میباشند که
هدایت یافته اند بحق حدیث نهم ابوبکر شیرازی که از اعیان و روسا
اهل سنت است بسند خود از قتاده از حسن بصری روایت میکند
در خصوص آیه شریفه وان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه الی آخر آیه
گفته است خدای تعالی میفرماید این طریق علی ابن ابیطالب است
و طریق و اولاد اوست که طریقی هست مستقیم راست و دینی هست
مستقیم پیروی ایشان کنید فاتبعوه ومتابعت ایشان نمائید
و چنگ با ایشان زنید ومتمسک شوید که راهی هست واضح و روشن
و حق و در آن کجی و اعوجاجی نیست حدیث دهم موفق ابن احمد بسند
خود از انس ابن مالک روایت کرده است که رسول خدا ص فرمود که چون
روز قیامت شود علی ابن ابیطالب را بهفت نام و اسم صدا و ندا کنند
یا صدیق یا دال یا عابد یا هادی یا مهدی یا فتی یا علی برو و تو و شیعیان
خود را ببر همراه خود بسوی بهشت عدن بیحساب مؤلف گوید چون
غرض اختصار در این رساله بود اکتفا نمودم بر همین ده حدیث
شریف که تثبیتا للادعاء والحجة علی رد الخصم مقدمه ششم آنکه بعد

مقدمه ششم

از پنج مقدمه مذکوره **مقدمه ششم** تخصیص امامت و خلافت بر
ذوات مقدسه دوازده نفر از عترت حضرت رسول الله نصوص
و جلی از قرآن مجید و احادیث نبویست در کتابهای فریقین مخالف
مؤالف لیکن احقر منحصر میکنم بنقل کتب علماء اهل سنت خود دلیل

بر ادعای فرقه امامیه باشد محض الزام بر خصم که متفق علیه کل امت است
و حجة تام است بر خلافت و امامت ائمه اثنی عشر ص منجمله خبر متواتر
که اکثر علماء و محدثین علمای اهل سنت در کتابهای خودشان نقل
نموده اند از انجمله احمد ابن حنبل روایت کرده است از ابی سعید خدری
و در صحیح مسلم و در مناقب خوارزمی و در جمع بین صحاح سته عبدری
و اکثر کتابهای جمهور اهل سنت و از اخبار متواتره است از عامه
و خاصه حدیث ثقلین منجمله مسلم در کتاب صحیح خود روایت میکند

بیان ثقلین روایت

از زید ابن ارقم که قال رسول الله انی تارک فیکم الثقلین ان تمسکتم بهما
لن تضلوا بعدی ابدا کتاب الله و عترتی یعنی بدرستیکه میگذارم در
میان شما امت دو چیز سنگین اگر شما تمسک جستید باین دو چیز
گمراه و بضلالت نخواهید افتاد بعد از من هرگز یعنی هیچ زمانی و
آن دو چیز کتاب خدا و عترت منند بعد در همان کتاب مسلم است
که راوی زید ابن ارقم میگوید که عترت و اهل البیت کیانند یا زنان
حضرت هم هستند زید گفت قسم بخدا که زن مدتی در خانه با مرد است
آنگاه او را خارج میکند پس عترت رسول الله کسانی هستند و اولاد
های او هستند که خدا صدقه را بر ایشان حرام نموده است و در خبری
دیگر احمد ابن حنبل گوید که بعض اصحاب ما روایت کرده اند از اعمش
که حضرت رسول الله ص فرمود که ببینید چگونه با ایشان رفتار خواهید
نمود بعد از من در خبری از عامه آنست که دو چیز بزرگ میگذارم
میان شما امت بعد از خودم که مادامیکه بان دو چیز تمسک جوئید
هرگز گمراه نشوید وان دو چیز بزرگ یکی از دیگری بزرگتر است کتاب
خداست و آن ریسمانی است که کشیده است از آسمان بسوی زمین

واهل بیت من اند واین هر دو از یکدیگر جدا نمیشوند تا وارد شوند بر
من لب حوض کوثر مؤلف گوید معلوم هر کس است که امامیه اثنی عشریه
از اول خلافت ایشان تا اکنون در همه اعصار متمسک بوده اند بکتاب
خدا و عترت رسول ص ائمه هدی صلوة الله علیهم اجمعین در همه امور
دین و دنیاشان از اصول و فروعشان بخلاف هفتاد و دو فرقه دیگر
انها متمسک بصحابه بخصوص ثلثه و فقهای عامه در اصول و
فروعشان پاینده اند و از اهل بیت رسول الله چنان دور اند که هر
کس تفقد و فحص در کتابهای ایشان نماید می بیند اخبار و روایات
واحادیث اهل سنت منتهی میشود سندش اکثر و اغلبش به ابو هریره
با وجود انکه حمیدی در جمع بین الصحیحین در حدیث صد و ششم
متفق علیه از مسند ابو هریره روایت میکند که گفت بعبد الله فرزند
عمر ابن الخطاب که ابو هریره روایت میکند از رسول خدا که هر کس همراهی
کند جنازه را اجر او یک قیراط است پس پسر عمر گفت که ابو هریره از این
دروغها بسیار میگوید دروغ گفتن او را علماء عامه بسیار نقل نموده
اند بجعل اخبار نبوی میانه اصحاب بسیار گفته اند و خود او هم
اقرار داشت و دیگر سند ایشان به انس ابن مالک میرسد که پس است
در قدح او که بدعای امیر المؤمنین مبروص شد زمانی که او را ابتهادت
طلبیدند و او دروغ گفت که فراموش کرده ام حضرت نفرین در حق
او فرمودند و دیگر سند ایشان بعبد الله عمر میرسد که با امیر المؤمنین
بیعت نکرد و با یزید بیعت نمود و جعل اخبار می نمود منجمله گفت
شنیدم از حضرت رسول که هر که تخلف کند از جماعت مسلمین بدعتی
است و قتل او لازم است و هم با حجاج خواست بیعت کند بجهت

جرح سند احادیث عامه است

عبد الملک حجاج راضی نشد پای خود دراز نمود و گفت تو کسی هستی
که با علی بیعت نکردی اکنون قابل این که با پاهایم بیعت کنی چنانکه در
کامل ابن اثیر و غیر آن از تواریخ ثبت است دیگر سند ایشان بعایشه
ام المؤمنین میرسد و پس است در حق او که خروج نمود بر خلیفه رسول الله
حضرت امیر ع باتفاق فریقین و بخاری در احادیث صحیحه از رسول خدا
نقل کرده است که حضرت فرمودند الفتنة تخرج من هنا من حیث یطلع
قرن الشیطان یعنی فتنه بیرون می اید از اینجا و از انمکان که بیرون
می آیند و طالع میشوند پیروان شیطان و تابعان او و بید اشاره بخانه عایشه
نمودند دیگر سند ایشان بسمرة ابن جندب میرسد که ابن ابی الحدید
نقل کرده است معویه صد هزار دینار فرستاد از برای او و با او که گفت ایه
من الناس من یعجبک قوله فی الحیوة الدنیا را در شان علی نقل کند
و صد هزار دینار هم داد که ایه و من الناس من یشری نفسه ابتغاء
مرضات الله در شان ابن ملجم قاتل علی نقل کند قبول کرد و پس ای منصف
با ایمان ملاحظه کن که شیطان چگونه جمیع را غافل نموده است که پشت
نموده اند از خانواده عصمت و طهارت که وحی الهی در خانه ایشان و جد ایشان
نازل شده و متابعت در اصول و فروع خود بمثل اینجماعت مذکوره
نموده اند کفی فی هذا الرسالة پس گوئیم تخصیص خبر نبوی بفرقه شیعه
اثنی عشریه میشد که جمیع اعمال و اقوال ایشان محللات و محرمات حتی
واجبات و مندوبات و مکروهات و سنن و آداب و اخلاق کلا
طراً جزءاً بفرموده های ائمه اطهار اهل بیت رسول الله میباشد و متمسک
بذوات مقدسات ایشان اند بفرموده سید کائنات که در خبری
از نقل عامه است که حضرت رسول فرمودند میگذارم میان امت

دو چیز نفیس که اگر تمسک جویید بانها که کتاب خدا و اولاد من اند هرگز گمراه نخواهید شد و من المعلوم که این خطاب بحاضرین زمان رسول الله نبوده است بلکه خطاب صراحت دارد بعد از رحلت ان سرور که شامل غائبین است تا روز قیامت و از این جهت است که فرمود لن تضلوا بعدی چونکه لن حرفیست که نفی ابد میکند و این صورت نپذیرد مگر انکه همیشه امام باشد زیرا که قران دائمی است و اهل بیت رسول الله ص با قران باید بوده باشند و جدا از هم نخواهند شد تا روز قیامت که وارد شوند بر حوض کوثر بر حضرت رسول ص برطبق فرموده حضرت رسول و ما ینطق عن الهوی پس میگوییم چنانکه قران تا روز قیامت باقیست وجود امام هم دائما باید باقی باشد و زمین در هیچ زمان خالی از حجت زمان نباشد زیرا که قران بتنهائی کفایت از برای امت نمیکند از جهت انکه صریح خبر تمسک بهر دو میباشد قران و عترت باهم چونکه عترت حضرت رسول ص اهل بیت وحی تنزیل اند و مفسر قران و مبین رموزات قران اند و باهم توام هستند تا قیامت از جهت احتیاج خلایق از احکام شرعیه تکلیفیه شان و این مطلب پر واضح است که تفسیر قران و احکام ان ناسخ و منسوخ و مطلق و مقید و عام و خاص و مجمل و مبین تمام در نزد حضرت مولی الموالی امیر مؤمنان ع و یازده فرزند انسرور بوده و میباشد و شاهد بر ادعاء احقر که مصدق مطلبست روایتی میباشد که ابن حجر در صواعق نقل کرده است از طبرانی از ام السلمه که گفت شنیدم از رسول خدا ص که می فرماید علی با قرانست و قران با علیست از هم جدا نمیشوند تا در حوض کوثر نزد من ایند و نیز ابن مردویه

این مضمونرا بطرق متعدده روایت کرده است و در کتاب فردوس الاخبار از حضرت رسول ص روایت کرده است که فرموده خدا رحمت کند علیرا که خداوند حق را باو گردانیده است هرجا که او بگردد حق باوست و از مخالفین انکار از این اخبار و روایت ننموده اند و مطابق خبر ثقلین اکثر علماء اهل سنت باسناد متعدده نقل اخبار نموده اند از انجمله مسلم در صحیح و خوارزمی در مناقب همچنین در کتاب جمع بین الصحیحین و جمع بین الصحاح سته و غیر این کتابها هم نقل نموده اند علاوه روایتکه از زید بن ثابت نقل شده است صریح در خلافت حضرت امیر المؤمنین ع است چنانکه ابن شاذان در کتاب مناقب مائه از طریق اهل سنت از زید ابن ثابت روایت کرده است که رسولخدا فرمود انی تارك فیکم الثقلین کتاب الله و علی ابن ابی طالب ع افضل لکم من کتاب الله لانه مترجم من کتاب الله یعنی پیغمبر خدا فرمود بدرستیکه من میگذارم میان شما امت غیر از کتاب خدا بجهت اینکه علی ع مترجم قرانست و من المعلوم عند المسلمین که هم متفق اند در اعلمیت حضرت امیر ع از خلایق چنانکه ترمذی محمد ابن علی حکیم از اکابر علمای عامه میباشد در شرح رساله فتح المبین روایت کرده است که رسولخدا ص فرمود علی ابن ابیطالب عالمترین امت من میباشد و در کتابهای فریقین مذکور است که حضرت امیر ع اعلم بکتب سماویه بوده از کتاب توریة و انجیل و زبور و صحایف انبیا و اقرء از خود پیغمبران و انبیا بوده از کتاب منزل بر خود انها مولف گوید بنای احقر در این رساله اختصار است لیکن از بسیاری

در دو حدیث [illegible] علی ابن ابیطالب ع افضل [illegible] است

و روایات از کتابهای علماء اهل سنت از نظر میگذرانم و نقل
نمیکنم از صد خبر بیک خبر اکتفا می کنم محض اثبات ادعای خود لیکن در
این خصوص اکتفا میکنم بهمین خبر که شیخ ابراهیم حموینی از فحول علما
اهل سنت میباشد در کتاب فرائد السمطین از سلیم ابن قیس
هلالی روایت کرده است که حضرت رسول الله ص بعد از آنکه
فرمودند انی تارك فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی الی اخره عمر بن
الخطاب خشمناك و غضبناك شد و از جای برخواست و عرض
کرد ای رسول خدا همه اهل بیت تو چنین میباشند پیغمبر ص فرمود همه
اهل بیت من چنین نمیباشند بلکه عترت من که اوصیاء من اند
اول ایشان برادر من و وصی من و خلیفه من علی ابن ابیطالب است
و بعد از او فرزندم حسن است و بعد از او فرزندم حسین است و بعد از
او نه نفر از اولاد حسینم میباشند هر یك بعد دیگری تا آن زمان که
وارد شوند بر من در حوض کوثر و ایشان هر یك گواهان خدایند
در روی زمین و حجتهای خدایند بر خلق و ایشانند خزانه های
علم و معدنهای حکمت خدائی بدانید هر که ایشان را اطاعت کند
خدا را اطاعت کرده است و هر که مخالفت و معصیت و انکار
ایشان نماید مخالفت و معصیت و نافرمانی خدا را نموده است
تنبیه مؤلف گوید همین خبر و نقل پیروان و مریدان و مطیعان
خلیفه پر واضح و آشکار است غضب و خشم خلیفه و معلوم است
که جای غضب و خشم هم داشت از جهة قصد مخالفت که از اول
داشت بر غصب خلافت سرور اولیا و ظهور هم رسانید مقصد
و خیالات او هنگام رحلت حضرت رسول ص که آنحضرت قلم

در غضبناک شدن عمر

و کاغذ طلب نمودند و فرمودند بنویسم چیزی را که بعد از من گمراه نشوید
و بضلالت نیفتید حضور را در نمود قول و کلام و فرمایش حضرت
رسول الله ص را با اقبح و ارذل عبارات که ان الرجل لیهجر ای
مسلمین تصور نمائید باین کلام که آیا کسی این لفظ را بدنی در
ذل مردم حضورا میگوید که انیم ده هزیان و بی شعور کلام میگوید
که نسبت بوجود اقدس عقل اول و عقل کل در شان شریف
او ذات واجب الوجود آیهٔ شریفه نازل فرموده است و تصدیق
کلام او را فرموده است و ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی
یوحی لیکن چونکه معلوم بود حضرت رسول الله ص از خلافت
را میخواست بنویسد که بعد از خودش اختلاف و ضلالت و
گمراهی میان امت واقع نشود و مخالفه و قصد و غرض خلیفه بود
چنانکه بعضی از اهل سنت هم تصدیق دارند که عمر میدانست
حضرت رسول ص چه خواهند نوشت باین لفظ مستهجن رد
فرمایش رسول اکرم را نمود ملخص آنکه مکرر هم از این تقریر
و بیان نمائیم مقصد اصلی را از اخبار نبوی از نقل کتابهای
عامه در خصوص نصوص جلی بر خلافت ائمه اثنی عشر صلوات
الله علیهم اجمعین منجمله خبر متفق علیه است که دلالت تام
دارد بر خلافت ائمه طاهرین خبر سفینه است چنانکه ابن مغازلی
شافعی از فحول علماء اهل سنت به پنج طریق این حدیث را ذکر
میکند و شیخ ابراهیم حموینی نیز به یك طریق نقل کرده است و علی
ابن احمد مالکی در فصول المهمه و ابو المظفر سمعانی در کتاب
فضایل الصحاح و ابن اثیر که از اعاظم اهل سنت است در نهایه

کتاب خود نقل کرده و جمعی بسیار که از ایشان که بحد تواتر رسیده
که حضرت رسول ص فرموده مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح من رکبها
فقد نجی و من تخلف عنها فقد هلك و غرق ترجمه فرمایش پیغمبر
مثل اهل بیت من مثل کشتی نوحست هرکس متابعت ایشان نمود
نجات یافت و هرکس مخالفت از ایشان نماید و ترك نمود انها را
هلاك خواهد شد و بعضی ذکر نموده اند اخر روایت انکه در کردن
میزنند و در جهنم اندازند مؤلف کوید از این خبر ثقلین و خبر سفینه
با قرار اکثر علما و محدثین اهل سنت بلکه متفق علیه امت حضرت
امیر مؤمنان و یازده فرزندان او سرور ابناء رسول الله عترت معصومین
انحضرت امام و خلیفه و هادی و پیشوای خلایق بودند هریك
از ایشان بعد از پدرشان واحدًا بعد واحد و هریك از این بزرکواران
در عصر و زمان خود ها شان اظهار و دعوی امامت خود را نمودند
و اعلم و افضل و ازهد و اشرف همه خلایق هم بودند پس هرکس در
زمان ایشان متابعت نمود و مخالفت ایشان را نمود مطابق حدیث
شریف و ما ینطق عن الهوی هالك و در اتش جهنم خواهد بود و
حدیث شریف ستفترق امتی علی ثلاث و سبعین فرقه بهمان
استدلال که سابق ذکر نمودیم در اتش جهنم خواهند بود و از این
اخبار و روایت متفقة الطرفین دانسته شد که همه خلایق باید
متمسك شوند و متابعت نمایند و پیروی خانواده عصمت و
طهارت عترت رسول الله را نمایند و با انها باشند که صدیقان
میباشند و در جمیع مشکلات از احکام تکلیفیه و لجبات و
محرمات و اتیان با وامر الهی و ترك از نواهی و قضایات و جنایات

و در اصول و فروع خود کلا اطرا سؤال نمایند از خانواده وحی و
تنزیل که وجود شریف هریك از این ذوات مقدسات عالم اند
بر تفسیر و تاویل قران که هریك ایه منسوخ شده یا نشده و از متشابهات
هم نیست و تخصیص هم بان برنخورده است و مقید هم نیست و مسلم
عند الفحص در تشخیص هریك از این امور رجوع باید خلایق
بر ائمه اثنی عشر صلوات الله علیهم نمایند و احدی از مسلمین نتوان
قیاس با ایشان نمود که قطره از بحار انوار فضل و علم و زهد و تقوی
و شرافت از حیث حسب و نسب و عبادات و کرامات و صدور
معجزات و تقرب بخدا و رسول خدا داشته باشد با این بزرکواران
یا انکه هر اریك مقام و منزلت ایشان را داشته باشد مقدمه ششم

مقدمه ششم

در بیان ایات قران که دلالت دارد بر امامت حضرت امیر مؤمنان
و اولاد امجاد ان بزرکوار ایات بسیار است مؤلف اکتفا میکنیم بچند
ایه شریفه در قران مجید منجمله فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم
لا تعلمون یعنی سؤال کنید از اهل ذکر اکر نمیدانید
و مراد از اهل ذکر عترت حضرت رسول ص میباشند و ذکر قران است
چنانکه خدای تعالی میفرماید نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون
پس اهل ذکر کسانی هستند که عالم بر تفسیر و تاویل قران میباشند
و ایشان ائمه هدی میباشند چنانکه علامه حلی رحمة الله علیه
در کتاب کشف الحق از تفسیر محمد ابن موسی شیرازی فحول مفسرین و
محدثین اهل سنت است و از دوازده تفسیر استخراج نموده است
و روایت کرده از ابن عباس ایه فاسئلوا اهل الذکر محمد و علی
و حسن و حسین استخراج نموده است و روایت کرده از ابی عباس

آیه فاسئلوا اهل الذکر محمد و علی و حسن و حسین میباشند که ایشانند
اهل ذکر و علم و فضل و بیان قرآن پس از این اخبار معلوم شد که
خداوند در قرآن خلایق را امر فرموده است که سؤال از ایشان
نمایند و من المعلوم حق سبحانه مردم را امر می فرماید در احکام
تکلیفیه و در اصول و فروع و اوامر و نواهی الهی بایشان چونکه ایشانند
هادیان و پیشوایان خلایق و امام بر حق و مبین قرآن و حافظ شریعت
و هادی بر خلایق اند چنانکه حافظ ابونعیم اصفهانی از مشاهیر
محدثان عامه در کتاب ما نزل به القرآن بچندین سند از ابن
عباس روایت کرده است که چون آیه شریفه انما انت منذر
و لکل قوم هاد نازل شد حضرت رسول ص دست مبارک خود را بر کتف
امیر مؤمنان علی ع گذاشت و گفت یا علی تویی هادی که بتو هدایت
می یابند هدایت یافتگان بعد از من و در کتاب شواهد التنزیل
از ابی برده اسلمی بهمین قسم نقل نموده است مؤلف گوید از سوق
آیه معلوم است کلمه انذار خاص وجود اقدس نبوی ص میباشد و
ظهور آیه از برای هدایت هر قومی میباشد که هدایت کند ایشان را
در هر عصری و زمانی از لفظ لکل قوم هاد حصر بوجود اقدس حضرت
رسول ص نیست چنانچه از اخبار مذکوره هم صریح است که حضرت رسول
دست مبارک را بر کتف حضرت امیر ع گذاردند و فرمودند یا علی
بتو هدایت می یابند پس میگوییم در هر زمانی برای هر قومی باید
امام و هادی باشد که آنها را هدایت کند و ثعلبی هم در تفسیرش
و عبدالله حنبل نیز در مسند خود روایت کرده اند در آیه شریفه
در شان حضرت امیر ع بهمین جهة دلالت تام دارد بر فرقه شیعه

که

مطلب

که قائل اند بوجود ائمه در هر اعصار الی یوم القیامة و مؤید همین
است آیه شریفه در کلام مجید اهدنا الصراط المستقیم که ثعلبی در
تفسیرش از مسلم ابن حیان و در تفسیر وکیع ابن جراح از سفیان ثوری از
سدی از مجاهد از عبدالله ابن العباس و ابراهیم ابن محمد حموینی باسند خود
از خیثمه جعفی و دیگران از عامه روایت کرده اند که صراط مستقیم
راه راست که مردم را هدایت و راهنمائی می کند محمد و عترت
او میباشند و منجمله آیه شریفه یوم ندعوا کل اناس بامامهم یوسف
قطان از مفسرین عامه در تفسیرش از ابن عباس روایت کرده است در
خصوص نصوص آیه شریفه حضرت رسول الله ص فرمودند چون
روز قیامت شود حق سبحانه و تعالی حضرت امیر المؤمنین و حسن
و حسین و فرزندان که از نسل حسین را مصابیح دجی را بخواند و انها را
بگوید هر یک شما خود با شیعیان خود از صراط بگذرید و بحساب
داخل بهشت شوید بعد از آن امامان فاسق و غاصب و جائر را
بطلبید و با ایشان بگوید که خود با شیعیان خود بحساب داخل جهنم
شوید منجمله آیه و ربک یخلق ما یشاء و یختار ما کان لهم الخیرة علی ابن
جعد بسند خودش از انس روایت کرده است که رسول خدا ص فرمود
خدا تعالی آدم را از گل آفرید هر نحو که خواست بعد از آن فرمود و یختار
بدرستیکه خدا برگزید و اختیار کرد مرا و اهل بیت مرا بر جمیع خلق
و مرا رسول خود گردانید و علی و اولاد آن را وصی و خلیفه و جانشین
من نمود پس فرمود ما کان لهم الخیرة یعنی من و اهل بیت من برگزیده
و اختیار کرده خدائیم بر خلق بعد از آن فرمود سبحان الله عما یشرکون
حافظ محمد ابن مؤمن شیرازی در کتاب خود که از دوازده تفسیر استخراج

کرده لیکن خودش از انس بر همین مضمون از رسول خدا روایت کرده
است ومنجمله آیه وممن خلقنا امة یهدون بالحق وبه یعدلون یعنی
علی ابن ابیطالب میخوانند مردم را بسوی حق وبه یعدلون یعنی داد میکنند
موفق ابن احمد خطیب خوارزمی از رؤساء اهل سنت لیکن خودش و
حافظ ابونعیم هم از فحول علماء عامه هر یکشان نزول آیه را در حق حضرت
امیر ع بر همین نحو تفسیر نموده اند که علی مردم را راه نمائی میکند بسوی
حق ومنجمله آیه یا ایها الذین امنوا اتقوا الله وکونوا مع الصادقین
اکثر اهل سنت مثل اخطب خوارزمی وابونعیم وابویوسف قسطلانی
وسیوطی در تفسیر منثور مشهور است وخرکوشی در شرف النبی بطریق
مختلفه روایت کرده اند که مراد از صادقین از آیه شریفه محمد و علی
واولادان ایشان اند وفخر رازی ودیگران گفته اند که مراد صادقین
که خدا فرموده است خلایق با ایشان باشند اهل بیت معصومین
میباشند که خداوند ایشان را طاهر ومطهر خلق فرموده است و آیه
تطهیر در شان ایشان نازل نمود و بدانکه خداوند در این آیه امر
نموده است مردم را که متابعت واطاعت صادقین باشند و
شبهه نیست که صادقین باید کسی باشد که صدق او قطعی باشد
چنانکه خداوند امر فرموده است در قرآن بر رسولش که خلایق متابعت
واطاعت داشته باشند و حضرت رسول الله از جانب خداوند معین
فرموده است اهل بیت خود را وچون خطابات بر امت عام است
الی یوم القیمه که شامل جمیع امت است پس گوئیم در جمیع زمانها
تا قیامت باید چنین صادقی که خداوند بندگان را امر فرموده
باید باشد واگر صادق قطعی که پیغمبر تعیین فرمود مراد نباشد

پس لازم آید که امت هر زمانی متابعت واطاعت هر کس را بخواهند
بنمایند واین بالبدیهه باطل است ومحمد جوینی از ابن عباس
واحمد ابن عبدالله ابن اسحق وابوسفیان از نافع واز ابن عمر روایت کرده اند
که کونوا مع الصادقین محمد واهل بیت اویند ودر کتاب شرف المصطفی
هم همین قسم نقل نموده است مؤلف گوید بر همه مسلمین اظهر من
الشمس است ومحقق است وشبهه نیست که اول کسانی وطایفه
که مخالفت حضرت امیرالمؤمنین نمودند واجماع بر خلاف نص خدا
ورسول نمودند بنص همین آیه شریفه که متفق علیه امت است
چه کسان بوده اند محتاج بذکر آنها نیست العاقل یکفیه الاشاره
ومنجمله آیه شریفه وان تظاهروا علیه فان الله هو مولاه وجبرئیل
وصالح المؤمنین صاحب کشف الغمه از عزالدین عبدالرزاق
محدث حنبلی واز حافظ ابوبکر مردویه او از ابن عباس وسدی
در تفسیرش وثعلبی در تفسیرش بلکه جمیع محدثان وعلماء اهل سنت
روایت کرده اند که مراد از صالحین در این آیه علی ابن ابیطالب ع
است مؤلف گوید حق سبحانه وتعالی فرماید من که خدا هستم وجبرئیل
وصالح مؤمنین یار رسول الله مددکار ویار تو هستیم
ملاحظه کنید مسلمین خداوند حضرت امیر مؤمنان اسمی از خودش
وجبرئیل قرار داد پس محل کلام نیست بتعیین الهی در همین آیه حضرت
مولانا امیرالمؤمنین اصلح واقدس واشرف همه مخلوق وامت بوده
اند بعد رسول خدا ص ومنجمله آیه شریفه انما یرید الله لیذهب
عنکم الرجس اهل البیت ویطهرکم تطهیرا احادیث معتبره مستفیضه
متکاثره از همه اهل سنت وشیعه مذهب وقاطبه مسلمین است که

که انکار آن احدی ندارد که این آیهٔ شریفه در شان علی و فاطمه
و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده و شان نزول این آیه را علماء
عامه در اکثر کتب خودشان با سناد متعدد از خودشان نقل و روایت
کرده اند مؤلف محض اختصار بطریق فهرست در این خصوص به
اختصار میکنم و نقل میکنم اسامی اشخاصیکه نقل این خبر را نموده اند
فقط اکتفا میکنم بقائلین این خبر شریف من جملهٔ از ایشان را
مثل عبد الله احمد بن حنبل از عطاء ابن ابی رباح و ثعلبی از ام سلمه
ایضا ثعلبی از مجمع ابی حمراء و جامع الاصول از صحیح ترمذی ایضا
ثعلبی از ابو سعید خدری و احمد ابن حنبل در مسند از عبد الرحمن
ایضا احمد ابن حنبل از پدرش از شداد ابن عماره و شیخ ابراهیم ابن
حموینی در کتاب فرائد السمطین از سلیم ابن قیس هلالی و جمع
کثیری و غفیری که در این ورقه مؤلف متعرض نیستم محض اختصار
و نمانه تحریر شد که خداوند عالم اهل بیت اطهار را طاهر و
مطهر و پاک و منزه از ارجاس و انجاس ظاهری و باطنی نموده به
صریح آیه شریفه که ابدا تاویل ندارد و اجماع مفسرین عامه و جماعت
است که این آیهٔ تطهیر در شان حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین
و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین نازل شد و احدی از همه
امت انکار ندارد و از الطاف خاصه خداوند متعال است که
علماء و محدثین اهل سنت را چشم و گوش آنها را بسته که همه ایشان
این احادیث را در کتب هاشان نقل نموده اند بلکه علاوه اخبار دیگر
طعن اولیاء ایشان هم بوده نقل در کتب علماء و فضلاء ایشان
نموده اند منجمله نسبت بصحابه کبار خلیفه اول که صاحب

منصب عظیم و سزاوار این مرتبه جلیل امامت و خلافت بوده است
ابن ابی الحدید از کتاب سقیفه احمد ابن عبد العزیز جوهری روایت
کرده است که بعد از رحلت سید انبیاء و تصرف نمودن خلیفه
فدک را و از ید عاملین فاطمه دختر پیغمبر خارج نمود فاطمه بمسجد رسول
الله آمد و احتجاج با خلیفه نمود جهة حقیت خودش پس از برای مردم
در مسجد رقتی دست داد و همهمه میان خلایق شد و بصدا در
امدند بعضی از صحابه رسول الله فوری ابی بکر بالای منبر رفت
و گفت ایها الناس این چه گوش دادنی است بهر سخنی این قصه
از باب روباهی می باشد که گواه او دم او باشد و او ملازم جمیع فتنه
هاست میخواهید فتنه برپا کنید استعانت میجوید از ضعیفان و یاری
میطلبید از زنان مثل ام طحال که دوست ترین اهل او بسوی او شوهر
او بود اگر میخواهم میتوانم گفت و اگر بگویم ظاهر خواهم کرد تا زمانیکه
مرا بحال خود بگذارید ساکتم چون فاطمه زهرا این سخنان سخن را
از ابو بکر شنید گریه کنان از مسجد خارج شد و بخانه خودش رفت
ابن ابی الحدید نقل کرده که من بنقیب استاد خودم گفتم که ابو بکر
این کنایه ها با کی بوده که داشت پس نقیب استادم گفت کنایه
نبود بلکه صریح بود کلام او که مرادش علی ابن ابیطالب بود من تعجب
کردم و گفتم این قسم سخنان را چگونه با علی داشت گفت بلی پادشاه
بود هر چه میخواست میگفت و هر چه میخواست می کرد چون دید که
انصار از جای بر آمدند ترسید که ایشان اعانت کنند علی را پس
نقیب گفت ام طحال زن زناکاری بود که در زمان جاهلیت به
زنای او مثل میزدند مؤلف گوید ای مسلمین ای منصفین نظر نمائید

از روی عقل و بصیرت که ذوات مقدسات اهل بیت رسالت
و وحی و تنزیل که خداوند تعالی از نور خود آنها را خلق نموده است قبل
از خلقت عالم و آدم و ایشان را افضل و اشرف و انجب همه خلایق و اخیار
نموده و ایشان را معصوم و مطهر و منزه از همه انجاس و ارجاس نموده و
محل توسل ملائکه و انس و جن بوده اند و شجره نبوت و بقای رسالت
و نور جلالت و صراط مستقیم و منهاج قویم میباشند باتفاق مؤلف
و مخالف ایشان که کتابها در فضایل ایشان نقل نموده اند و بسیار
از آیات قرآن مجید که در شئونات ایشان نازل شده است که همه علمای
اهل سنت و مخالفین در کتب معتبره خود نقل نموده اند چگونه پیروان
و تابعین خلفاء این عبارات در کتابهای ایشان نقل می کنند که احدی
این عبارت را نسبت به ادنی مردم نمی دهد و اعجب از این خبر نقل
خبریست که اکثر علماء و محدثین اهل سنت ایضاً در حق رئیس
و خلیفه خودشان می نویسند در کتب معتبره شان جمله از ایشان
مثل احمد ابن حنبل در مسند خود و صاحب کتاب هروی و ابن ماهویه
و ابن حجر صاحب صواعق و صاحب کشاف و غیر ایشان روایت میکنند
که ابی بکر می گفت ان لی شیطان یغوینی و ایضاً می گفت ایها الناس
اتظنون انی اعمل بسنة رسول الله اذا لا اقوم لها و می گفت اقیلونی
اقیلونی فلست بخیرکم و علی فیکم و عبارات دیگر هم گفته که احقر ملخص
کلمات شیخ را ترجمه میکنم اینکه ابوبکر میگفته است ای مردم من بر شما
والی شدم و از هیچیک شما ها خوبتر نیستم اگر نیکوکاری کنم مرا اعانت
کنید و اگر بدکرداری کنم را هدایت کنید و براه بیاورید چون که
مرا شیطانیست که پیوسته گمراه می کند و فریب می دهد و از راه

در راه بدر می برد ایها الناس چون مرا خشمناک دید یاد از من دور شوید
که بر شماها خشم نکنم و ضرر بموها و پوستهای شما نزنم مؤلف گوید
و نمایش خلیفه از شیطان احتمال دارد شیطان انسی بوده است که
با ایشان دائماً محشور و مأنوس و متفق بوده است خلاصه
ترجمه ایها الناس مرا امام خود ندانید که غضب من غضب
شیطانیست ایها الناس مرا واگذارید پس من خوبتر از شما نیستم
و حال آنکه علی در میان شما می باشد مؤلف گوید ثم العجب از آنکه
ملا علی قوشچی نتوانسته است اقرار صریح خلیفه که اقرار العقلاء
علی انفسهم جائز است انکار کند با تواتر اخبار که بسیار عبارات
او را در کتابها روایت کرده اند به همین جهت ملا علی خواسته است
اصلاح کند گفته است حضرت خلیفه خفض جناح می کردند و ما
حمل بر تواضع و فروتنی ایشان میکنیم مؤلف گوید ما بتفصیل قائل
میشویم که حال خلیفه از دو حال خارج نبوده یا آنکه از روی واقع
و حقیقت فرموده اند که هر کسی ابصر بحال خودش می باشد و یا
آنکه دروغ فرموده اند و مالک از ستم نمودن و دروغ گفتن نداشته اند
و ایشان طریق خفض جناح را نمیدانسته اند زیرا آنکه اگر طریق خفض
جناح می دانستند خوب بود وجود اشرف و اقدس شاه اولیا
را و وجود مقدسه مطهره فاطمه زهرا سیدة نساء العالمین را به سیر
بر و باه وزن فاحشه نکنند خوب انصاف کرده است تفتازانی که از
اعاظم و اکابر اهل سنت است حشره الله مع اولیائه حق سبحانه و
تعالی حق را بکلام و قلم او جاری نموده است در کتاب شرح مقاصد
گفته است که آنچه واقع شد بین صحابه بعد از رحلت سید کائنات

در خصوص خلافت آنحضرت از محاورات و مشاجرات بر وجهی که
نقل و روایت نموده‌اند اصحاب احادیث و تواریخ و مذکور است بزبان
موثقین دلالت می‌کند بر اینکه بعضی از این اصحاب رسول الله از
طریق حق بیرون رفته‌اند و رسیده‌اند بحد ظلم و فسوق و سبب و
باعث آن و خروج آنها از حقد و حسد و شدت دشمنی آنها بوده است
با بعضی و طلب ملک و ریاست و میل بلذات و شهوات بوده است
زیرا که نه این است که هر صحابی معصوم باشد و نه هر کس که ملاقات
نمود پیغمبر را صاحب صلاح و خیر باشد تا آنکه تفتازانی می‌گوید
اما در خصوص آنچه وارد شد ظلم و ستم بر اهل بیت پیغمبر آخر الزمان
پس چنان ظاهر است که مجال برای انکار آن نیست و شناعت و قباحت
آن بحدی رسیده است که مشتبه نمیشود بر احدی و نزدیکست که شهادت
دهند بآن ظلم و ستم بر ایشان گوسفندان و بهایم و بگریند بر آن
اهل آسمانها و زمینها و فرو ریزد کوهها و بشکافد سنگها
و بدی عمل ایشان بماند مادامیکه سالها باقیست پس لعنت خدا
بر کسانیکه مباشرت نمودند و با آن راضی شدند و یا سعی نمودند در
آن و عذاب آخرت شدیدتر و باقی‌تر است انتهی کلام تفتازانی
مؤلف گوید اگر چنین باشد که از خود علماء عامه می‌گویند پس ما هم
و تمام مسلمانان روی زمین هم میگوئیم آمین یا رب العالمین
ملخص آنکه ما ضعفاء امت از مسلمین که بعد از هزار سال و کسری
بعد از رحلت پیغمبرمان واقع شده‌ایم و درک فیض حضور رسول الله
صلی الله علیه و آله و خلفاء راشدین و ائمه طاهرین و اصحاب
سید المرسلین را ننموده‌ایم و طالب حق هستیم و از باطل هستیم و عقل

هم

هم حکم نمیکند بحقیت فرقه از این فرقه‌ها که اختیار کنیم آن فرقه را زیرا
که ترجیح بلا مرجح لازم واقع شود و جمع بین عقاید حقه و باطله هم
ممکن نیست بناء علی ذالک طریق صحیح مستقیم همین است که رجوع
کنیم بنقل اخبار و روایات و احادیث متفق علیه کل امت که احدی
از همه مسلمانان انکار نداشته و از آن طریق حکم کنیم بمذهب حقه
و دلیل بر حقیت اتفاق کلمه مسلمین متقدمین است از نقل کتابهای شان
از تفسیر کتاب الله و از روایات نبوی پس بیان لازم است اکتفی کنیم
بنقل اخبار عامه که اکثر و اغلب اند ذکر اخبار بر آنها نمائیم که اتفاق
شیعه امامی اثنی عشریه هم باشد با ایشان لذا در مقدمه پنجم
نقل نمود مؤلف روایات مستفیضه متفقه الطرفین ستفترق امتی
الخ که حضرت رسول الله فرمودند امت من هفتاد و سه فرقه
میشوند بعد از من هفتاد و دو فرقه هالک و در آتش جهنم اند و
یک فرقه ناجیه و در بهشت اند و استدلال نمودیم حصر فرقه ناجیه
را بشیعه اثنی عشری و مؤید آن دلیل روایات متفقه نبوی را نقل
نمودیم که احدی از مسلمین انکار نداشت که خلافت حقه و امامت ثابت
شده بدلایل و براهین عقل و نقل بانضمام اخبار نبوی بتخصیص
وجود اقدس مولی الموالی امیر المؤمنین ع علی ابن ابیطالب داده شد
و یازده نفر اولاد طیبین طاهرین آن سرور که عترت رسول الله صلی الله علیه و آله اند
چنانکه از کتابهای علماء خاصه و عامه و مؤلفات ایشان در فضایل
و مناقب ائمه اطهار و کیفیات احوالات حضرت حجة الله امام زمان
عجل الله فرجه که تالیف شده و ذکر اسامی کتب و روایات ایشان
که بخواهد خاصه در این ورقه درج نماید کتاب کثیر الحجمی خواهد شد

فضلا انکه نوشته شود بیانات هر یک از فرق مسلمانان ابلکه مسلم
از واضحاتست در نزد قاطبهٔ امت از عامه و خاصه از فضایل و
مناقب و نصوص نبوی و آیات شریفه در قران و صدور معجزات
از هر یک از ائمه اطهار چه در حیاتشان و چه بعد از مماتشان قبور منورشان
و قائلین بوجود حضرت مهدی ع از عامه و خاصه و کسانیکه تشرف
لقای فرح بخشانه انحضرت را نموده اند بعد از ولادت السرور و
چه در زمان غیبت صغرا و چه در زمان غیبت کبری الی زماننا
هذا نتوان احصا نمود و در چندین کتاب ممکن نیست نقل و ضبط
و نوشته شود حقیقة در احوالات هر یک از ائمه اطهار سیما امام
دوازدهم روح العالمین له الفداء عقول عقلا و افهام علماء قاصر
است از ادراک قلیلی از مراتب ایشان چه که بعضی چنین بعقل
ناقص وصف نموده اند که ائمه اطهار نور خدایند و رحمت و فضل
الهی اند و رکن ایمان میباشند و اولوا الامر و ولی خدایند و خزینه
علم نامتناهی پروردگارند و نور آسمانها و زمینها اند و هادی
خلایق اند و شاهد افعال امت اند و شفعاء قیامت اند و مطاع
و واجب الاطاعه مردم اند و دافع مشکلات و مهمات اند و قضا
کننده حوائجات جمیع مسلمانانند و برطرف کننده اختلافات خلایق
اند و آیت خدا و قدرت الله اند و مجموعه حکمت و ینبوع علم اله
و محل توسل ملائکه و انس و جن میباشند و وارث انبیاء و رسل
و خلیفة الله و خلیفة الرسول اند و حجت بالغه الهی و برگزیده
شده حضرت رب العالمین اند مهبط جبرئیل و هادی سبیل و
گمراهان را دلیل اند و صراط مستقیم و شریک قران عظیم میباشند

امامت ائمه اثنی عشر بیان

و مترجم و مبین قران مجید اند و معدن تنزیل و مقصد تاویل و
شجره نبوت و منتهای فتوت و معنای عدالت و مروج شریعت و
حقیقت طهارت و عصمت و بقای رسالت و تالی نبوت و نور
جلالت و شرافت و صاحب حسب رفیع و نسب منیع و افضل و اعلم
و اشجع از همه خلایق میباشند ایشانند سبیل سلسبیل و صراط
مستقیم و منهاج قویم و ذکر حلیم و در جبر کریم و سید علیم و کاشف
حقایق و عالم بدقایق اند و عالم هم کتابهای آسمانی از توریه
و انجیل و زبور و صحایف پیغمبران میباشند و اثار انبیاء نزد
ایشانست مانند عصای موسی و پیراهن ابراهیم و یوسف و
انگشتر سلیمان و عمامه و زره و شمشیر و نعلین حضرت رسول
الله و ابرها و بادها و کواکب و حیوانات جمیعا مسخر و فرمان
بردار ائمه میباشند و ملک با ایشان تکلم مینماید و روح القدس
بر ایشان نازل میشود و تمام اوصاف مذکوره فعلا از برای
امام العصر و الزمان حجة ابن الحسن صلوات الله علیه و علی ابائه
جمع است و ممکن نیست از برای امت که بتوانند احصا کنند اوصاف
ذوات مقدسات را چگونه ممکن است تعریف کسی را نمایند
که انها را نشناخت احدی غیر خدا و رسول خدا عقل ها و فهم
ها قاصر است از ادراک ذوات مقدسات ائمه هدی صلوات
الله علیهم اجمعین و کیف هم الکواکب العلویة المشرقة من شمس
عصمة الفاطمیة فی سماء العظمة المحمدیة و الاغصان النبویة
النابتة فی الدوحة العلویة و الاسرار الالهیة المودعة فی
هیاکل البشریة و الذریة الزکیة و العترة الهاشمیة الهادیة

المهدیه قال الله تعالی فی شانهم اولئك هم خیر البریه مجملا
انکه در احادیث مستفیضه معتبرهٔ اهل سنت و شیعه نقل شده
که ارواح ائمه راشدین از انوار مقدسه حق سبحانه و تعالی
خلق شده و بدنها و اجساد مطهرات ایشان از طینت عرش
خلق شده اند و در ارحام طیب و طاهره قرار گرفته اند و چون
چهل روز می گذرد در رحم مادرهاشان روح بر ایشان دمید
میشود پس سخن مردم را میشوند و می فهمند و در رحم هاء مادر
هاشان سخن می گویند و تسبیح و تهلیل الهی مینمایند و تلاوت
قران می کنند چنانکه به اخبار متواتره حالات هریك ایشان
در کتب معتبره نقل شده منجمله حالات حضرت بقیة الله
روحنا فداه که در رحم مادر سورهٔ قدر خواندند و بعد از تولد
السرور بسجده رفتند و کلمه شهادت خواندند و در دست پدر
عالیمقدارش توریة و انجیل و زبور و قران خواندند و احوالات
دیگر انحضرت که تمام در کتب متقدمین ثبت و ضبط و نقل
شده است ملخص انکه در خصوص اثبات امامت ائمه اثنی عشر
در کتاب تحفه اثنی عشریه مفصل و مشروح بیان نموده ام بدانکه
تواتر اخبار و روایات از رسول خدا ص نصوص جلی و خفی در خلافت
ائمه اثنی عشریه حتی باسامی شریفه هریك و القاب مبارکه ایشان
و امهات ایشان را پیغمبر خدا فرموده اند در کتب صحاح اهل سنت
ثبت و ضبط است و علاوه ایات شریفه کتاب الله که حق سبحانه و
تعالی برگزیده ایشانرا از همه خلایق و اطاعت ایشانرا واجب فرموده
است مثل ایه اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولوا الامر منکم متفق الفریقین

عامه است که در شان حضرت امیر المؤمنین و اولاد طاهرین
انحضرت نازل شده است و خداوند تعالی اطاعت و فرمانبرداری
ایشانرا واجب نموده است مثل اطاعت ذات اقدس خود و رسول
اکرمش و هکذا ایات بسیاری که در این رسالهٔ مختصره مولف ذکر
نموده ام پس بنا علی هذا بیانات مذکوره و جمع اقوال اخبار مسلمین
اظهر من الشمس است خلافت و امامت ائمه هدی ال رسول الله ص
و این مرتبه عظیم در خور قامت اعلی هریك از ذوات مقدسات
و لایق هر کس ولی الحسب و النسب نیست و چنان واضح و اشکار است
حقیقت ایشان که دشمنان ایشان با همه عداوت که داشتند و خلفای
جابره که هریك ایشانرا در زمان خودشان به انواع ظلم و جور با ایشان
معامله مینمودند که نور خدارا خاموش کنند بعضی را نموده اند
با وجود انکه معجزات و کرامات و خوارق عادات پیوسته بظهور
میرسید که در کتب علماء عامه و خاصه نقل نموده اند و هریك از
ایشان با وجود دشمنی شان مقر و معترف اوصاف حمیده این ذوات
مقدسات بوده اند و چون میگفتند الملك عقیم لوای مخالفت و
عداوت را می افراشتند مؤلف بیك نقل خبر از ایشان در این رساله
اکتفا می نماید که شاهد دعوی احقر است که در کتاب مودة القربی
که مولف او از علمای اهل سنت است نقل نموده که روزی معویه
ابن ابی سفیان با یزید پسرش و عمرو بن العاص نشسته بودند
که مال بسیاری از محلی اورده بودند ناگاه معویه گفت هر کس یك شعر
بذا هه گوید این مال ها از ان اوست ان دو نفر گفتند اول تو
بگو معویه بداهه گفت خیر البریه بعد احمد حیدر فالناس ارض

والوصی سماء یعنی بهترین خلایق بعد از پیغمبر خدا حید راست که نسبت مردم باو مانند زمین است بر اسمان و نسبت حضرت ما بند اسمانست بزمین پس عمر و ابن عاص گفت لمناقب شهد العدو بفضله والفضل ما شهدت بر الاعداء یعنی هر اینه مناقب و فضیلتهای حضرت امیر المؤمنین انستکه دشمنی مثل معویه شهادت بفضل و بزرگی او بدهد و فضل همین است که دشمن شخص شهادت بفضل کسی بدهد با وجود دشمنی با او پس یزید علیه اللعنه گفت للمحه شهدت بها ضرّاء والحسن ما شهد بر الضرّاء یعنی خوش منظر و شهادت دار کسیکه هوی اوست در امر خلافت و ریاست و خوبی و نیکوئی این است که هووی انکس شهادت بدهد بخوبی انکس خلاصه فضایل و مناقب حضرت امیر ع و اولادان انسرور ممکن نیست احدی از عهده بر اید زیرا که احدی نشناخت کما هو حقه ایشانرا بغیر خدا و رسول خدا ص کتاب فضل تو را اب بحر کافی نیست که ترکنی سر انگشت و صفحه بشماری

مقدمه ششم

بعد از استدلال باخبار متفقة الطرفین که در مقدمات سابقه نقل شد و دلالت مینمود بر اثبات امامت و خلافت دوازده امام و بقای امام تا روز قیامت پس ثابت شد وجود شریف حضرت بقیة الله که امام دوازدهم میباشند بهمان ادله یا براهین عقلیه مذکوره علاوه در این مقدمه میگوئیم ایضاً منجمله از علماء عامه از عبد الله ابن عمر روایت می کند که حضرت رسول الله فرمودند من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیه یعنی کسی بمیرد و نشناخته باشد امام زمان خود را یعنی اطاعت و پیروی امام زمان خود را نکرده

مقدمه ششم

باشد بمیرد بمردن جاهلیت و کفر و بعضی از عامه و خاصه این نوع روایت کرده اند که حضرت رسول ص فرمود من مات و لیس فی عنقه بیعته الامام مات میتة الجاهلیه و بعضی دیگر در کتب خودشان باسناد خود روایت کرده اند من مات و لیس فی عهده امام الخ که حاصل این روایات متفقه این است که حضرت رسول ص فرمودند کسیکه از امت من بمیرد نشناخته باشد امام زمانش را و یا انکه نباشد در گردن او بیعت و عهد امام زمانش مرده خواهد بود مردن کفر و جهالت پس میگوئیم بهر حال بنا علی ذلک الاخبار خلافت و امامت که مفهوم روایاتست شخص مکلف مسلم اگر معرفت و شناسائی با امام زمان خود نداشته باشد کافر و بی ایمان است و این مطلب متصور نخواهد شد مگر انکه گوئیم معرفت بر امام زمان مثل معرفت بخدا و پیغمبر خواهد بود که از اصول و ارکان دین خواهد بود که اگر کسی معترف بحق ان نشود مثل انستکه اقرار و اعتراف برسول خدا ننموده است چنانکه نشناختن رسول خدا موجب خروج اسلام است بفرموده سید انبیا پس نشناختن امام زمان هم خروج از اسلام است و من المعلوم از بعضی روایات فی عنقه عهد و بیعته و فی بعض الروایات فی عنقه عهد امام چونکه اضافه نمودن امام را بسوی عهد و زمان و واقع شدن عهد و بیعت او در گردن مردمان دلیل و شاهد است بر اختصاص کل زمانها بموجود بودن امام حی زیرا که بیعت و عهد و عقد موقوف است بوجود امام هر زمان و پر ظاهر است که غرض از معرفت پیروی و اطاعت ان امام زمانست و مؤید این اخبار است روایت مشهور متواتر بین الفریقین که پیغمبر خدا فرمودند فی خلف من امتی

روایات نبوی که هر عصری و زمانی خلایق بیعت امام زمان داشته باشند

عدل من اهل بیتی و نیز روایت متفقه است لا یزال الدین قائماً حتی
تقوم الساعه و یکون علیهم اثنی عشر خلیفه و بعضی روایات اضافه
عبارت ان من قریش است جمله این روایات را محمد ابراهیم حموینی
از سعد ابن وقاص و بعضی را از عبد الله ابن عمر او و دیگران محدثین
روایت و نقل نموده اند پس روی هم رفته در این مقدمه میگوئیم هیچ
فرقه از هفتاد و سه فرقه امت رسول الله خاتم الانبیاء که در همه
زمانها امام و خلیفه را معرفت و پیروی داشته باشد که دارای
تعریف و توصیف امامت باشد که الامامة هی الریاسة الالهیة
عن رسول الله الخ که در مقدمات سابق مشروحاً بیان شده
بغیر فرقه حقه شیعه امامیه اثنی عشریه نیست که در هر زمان و هر عصر
از زمان رحلت سید کائنات ببعد متمسک بوده اند و پیروی
و تبعیت نموده اند هر یک از ائمه اثنی عشر عترت رسولخدا را در زمان
خودشان تا آنکه بعد از رحلت حضرت امام حسن عسکری امام
یازدهم که دویست و پنجاه و پنج بعد از هجرت بود امام و حجة زمان
و خلیفة الله و خلیفة الرسول ص و ولایت کلیه و ریاست الهیه و
امامت حقه بنص حضرت رسول الله و ائمه یازده گانه علی حضرت
سلطان الزمان و خلیفة الدوران و قطب دائرة الامکان
وجود اقدس حضرت بقیة الله فی السموات و الارضین امام العصر
و الزمان الحجة القائم الغائب المنتظر حجة ابن الحسن العسکری ع و
علی آبائه میباشند و میگوئیم طریق حقیت و صدق فرقه شیعه
بعد از براهین ظاهره و اخبار متفقه بس است همین چند خبر مذکوره
که متفق علیه موالف و مخالف و همه فرق مسلمین اینست که ثبوت اقتضا

خلو زمان از امام لساخت الارض باهلها که زمین فرو میرود
با اهلش پس گوئیم واجب است که امام دوازدهم حضرت مهدی حجة
ابن الحسن عجل الله تعالی فرجه موجود و حی بوده باشد و امام زمان
باشد بطریق قیاس استثنائی گوئیم که اگر حجة ابن الحسن ع نباشد لازم
آید خلو زمان از امام یا بطلان قول صادق مصدق و یا بطلان
انحصار ائمه اثنی عشر بتواتر اخبار نبوی لیکن چون خلو زمان و بطلان
اجماع و اتفاق کل مسلمین بر اخبار و ما ینطق عن الهوی هر دو محال
نتیجه دهد که حجة ابن الحسن امام زمان حی و موجود است و بدلیل
دیگر گوئیم امت حضرت رسول ص در این زمان ما هاسه فرقه میباشند
فرقه قائل بوجود امامیکه منصوص عن الرسول و معصوم باشد نیستند
و فرقه قائلند بوجود امام که حیات دارد و قائم است و معصوم و غائب است
و منصوص از جانب خدا و پیغمبر خدا می باشد و او هم وجود اقدس
حضرت حجة ابن الحسن العسکری صلوات الله علیهما می باشد و چون
بمقدمه سابقه ثابت شد امتناع خلو زمان از امام بر طبق
اخبار مذکوره السبق پس قول فرقه اولی باطل و ضال شد و چون
عصمت واجب شد بدلیل عقل و برهان و نقل اخبار و روایات
شریفه منجمله کونوا مع الصادقین و اثبات عصمت در حق امام بدلائل
متقنه در مقدمات سابقه پس باطل شد قول فرقه دویم پس
گوئیم ثابت و محقق شد قول فرقه سیم که فرقه شیعه امامیه باشند
زیرا که اگر این فرقه هم باطل باشد لازم باشد اتفاق امت مرحومه
بخطا و خروج حق از میان امت و این هم باطلست بالضروره و
بالاتفاق پس گوئیم این مذهب سیم حق باشد و حجة ابن الحسن ع

هم امام و پیشوائی و هادی خلایق بوده باشند و چون ثابت شد
بدلایل ثلثه وجود امام عصر پس میگوئیم کسی اگر از مخالفین شبهه
کند از جهة طول عمر حضرت بقیة الله انهم بهیچوجه جای شبهه نیست
چونکه اگر بگویند ممتنع عادیست اینزمان جواب گوئیم اولاً از مقوله
خارق عادات است که حواوش در غیر انبیا هم ثابت است بتقریر دیگر که اشد
و ثابت شده است و ثانیاً میگوئیم طول عمر امام زمان مثل طول عمر و
بقای حضرت عیسی ابن مریم و حضرت الیاس و حضرت خضر است
و نیز مثل معمرین بشر که مورخین نقل نموده اند از حضرت ادم و حضرت
نوح و سالم ابن نوح و حضرت ادریس و صالح و لقمان اکبر که یکهزار و نهصد
و هشت سال عمر داشت و از جمله ضحاک و فریدون و دیگر رجال و جمع
کثیری از معمرین دینار احقر در کتاب مختصر نقل نموده ام در این رساله
مختصره کافیست و تعجبست که علماء اهل سنت قائل بوجود ابدان و رجال
الغیب میباشند و چون بوجود امام که از راه لطف واجب است وجود
او تامل و شبهه میکنند و لیکن احقر قائلین بوجود اقدس حضرت حجة
ابن الحسن ع را از علماء اهل سنت که در کتابهای ایشان نقل نموده اند
تولد انحضرت و حیات انسرور و غیبت انسرور را در همین رساله نقل و
تحریر خواهم نمود و اما از جهة غیبت انحضرت کسی گوید که وجوب وجود امام
زمان در هر زمان لطفست و لطف وقتی متحقق شود که امام زمان ظاهر
باشد و الا چه فرق باشد میان انکه غایب باشد یا موجود نباشد
و یا اینکه موجود باشد لیکن متصرف در امور نباشد جواب گوئیم
اگر چنانکه امام ظاهر باشد و کسی اطاعت او را نکند هیچ شکی نیست
که قدحی در لطف بودن امام حاصل نمیشود پس گوئیم غایب بودن امام

[illegible]

هم هرگاه سبب غیبت او خوف از دشمنان و یاری نکردن و نصرت
ننمودن رعیت باشد ضرری بر لطف بودن امام نخواهد بود زیرا
که عدم نصرت و یاری نکردن رعیت در این صورت بمنزله عدم اطاعت
است و فائده این لطف باین ظاهر میشود که هرگاه امام موجود و غایب
باشد هر اینه تعذیب خدا مر عاصیان را است که اینها سبب غیبت
امام شده اند و از جانب ایشان سبب غیبت او می باشد پس تعذیب
الهی مر ایشان را قبیح نیست چنانکه در صورت انکه امام ظاهر باشد
و مردم اطاعت امام را نکنند تعذیب خدا مر عاصیان را عقلا قبیح
نیست بخلاف انکه امام اصلا نباشد چه در این صورت لامحاله
تعذیب عاصی قبیح است بسبب انکه حجت خدا بر خلق تمام نخواهد
بود و اگر گویند شما که مدعی هستید امام معصوم است پس واجبست
بر او ظهور و قیام بامر امامت و اقامت شرایع و ترک واجب از معصوم
ممتنع است پس جواب گوئیم سبب غیبت امام هم از طرف رعیت است
بنابر نصرت ننمودن ایشان امام را پس بنابر تقدیر گوئیم جماعتی
از رعایا که نصرت و اطاعت ایشان مبذول نیست و اطاعت
امام زمان نخواهند نمود بر تقدیر ظهور امام نسبت بر مخالفین است
که چنانکه شاهد دعوی احقر انستکه در هر زمانی از ابا کرام و پدران
عالیمقدار این سرور از ائمه اطهار که بودند اینجماعت مخالف بودند
و اطاعت ایشان را ننمودند بلکه رو از انها گردانیده و متمسک شدند
در اصول و فروع خود بمذاهب اربعه یا رؤساء مذاهب که بطریق
فهرست در مقدمات سابق ذکر شد و بلکه علاوه گوئیم که اطاعت
خلفا جور را نمودند پس خیر است در ظهور حضرت حجة ابن الحسن هم

[illegible]

متابعت نخواهند نمود چنانکه متابعت پدران او را هم ننمودند اما نسبت بشیعیان و پیروان و معتقدان خود که در همه اعصار در زمان هر امامی از آباء آنحضرت مطیع و فرمانبردار بوده اند و اخذ مسائل دین و دنیای خود را از وجود اقدس هر یک از ائمه هدی مینمودند بلکه در زمان غیبت صغرای این بزرگوار هم اخبار احکام و سنن از ناحیه مقدسه بتوسط نواب حضرت حجة الله رسیده است تمام را در کتب خودها شان درج احادیث پدران آنحضرت ثبت و ضبط نموده اند و اتیان اوامر و نواهی ایشان را نموده اند و مثل غیبت آنحضرت از نظرهای مردم مثل آن مثل روشنائی و انتفاع خلایق است در روز از خورشید چنانکه مردم نفع و فائده میبرند از خورشید زیر ابر هم چنین مر شیعیان را انتفاع و فائده هست و فیوضات آثار در شامل حال شیعیان است از وجود اقدس آنحضرت در زمان غیبت کبری و صبر مینمایند بر حرمان ملازمت امام زمان خود و شبانه روز و همه اوقات و هر ساعت منتظر فرج آقا و مولای خود هستند و در هر عصر و هر زمان شیعیان و محبان انسان اشک حسرت می ریزند جهة غیبت و محرومی از فیض حضور ساطع النور آنحضرت پس گوئیم لطف هم معد و مهیاست بجهة این فرقه ناجیه امامیه شیعه در غیبت امام خود شان و نیز لطف در حق فرقه شیعه بسیار است که همیشه منتظر فرج هستند و اجتناب می نمایند از قبایح اعمال و مبذول دارند افعالی را که مرضی امام زمان میدانند و در گرفتاری های صعب و حاجت های عظیم خود شان متوسل بامام زمان می شوند و آنحضرت فریاد رسی مینمایند و بنظر شفقت و رحمت توجه با ایشان مینمایند که بتواتر نقل در

کتابهای فرقه شیعه از علما و محدثین فرقه امامیه شده و اشخاصی که درک حضور و لقای فرج بخشانه مولای خود نموده اند تمام در کتاب های شیعیان نقل شده کتابهای کثیر الحجمی است و بعد از همه این بیانات کافیه ظاهره و تحقیقات متقنه و اسناد دلالات قاطعه بر وجود فایض الجود امام عصر و الزمان چند آیات قرآن مجید که دلالت بر وجود اقدس او دارد غیر آیاتیکه مشترک بوده از برای دوازده امام ع است که تخصیص بوجود اینسر ورد دارد و اخبار که در کتاب توریه و انجیل و زبور و صحایف انبیا ذکر شده است که تخصیص بوجود اقدس خاتم الاوصیا امام زمان خود دارد و اخبار و روایات فرموده های حضرت رسول الله به اتفاق همه فرقه مسلمانان عالم که بنصوص و تخصیص بوجود حضرت داده شده است در چهار فصل مؤلف بیان میکند اولا آیات شریفه **منجمله** از آیات شریفه که دلالت تام دارد بوجود اقدس امام زمان ع این شریفه لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امنا جمله علما و مفسرین اهل سنت بلکه جمهور از ایشان منجمله حافظ ابونعیم از ابن مسعود نقل نموده است که این آیه شریفه در شان حضرت امیر مؤمنان است و روایت می کند از ابن مسعود که این تصریحیت بخلافت چونکه از برای بعضی که خلافت بوده اول حضرت آدم صفی الله که خدا فرموده است انی جاعل فی الارض خلیفة دویم از برای داود که فرموده است انا جعلناک خلیفة فی الارض سیم برای علی ابن ابیطالب بود که فرموده است لیستخلفنهم فی الارض ترجمه آیه شریفه این است یعنی هر آینه خلیفه می گرداند خدا ایشان را

در زمین

در زمین همچنانکه خلیفه کردانید اینچنان کسانیرا که پیش از ایشان
بوده اند و هرآینه تمکین و قوت میدهد از برای ایشان دین ایشانرا
بنوعی که پسندیده است از برای ایشان یعنی دین اسلام و بان راضی
شدند و هرآینه بدل میدهد ایشانرا پس از خوف و ترس ایشان
امنیت از دشمنان یعنی که همه خلایق پرستش کنند مرا در زمان خلافت
او و شریک نسازند چیزیرا با من در عبادت که همه موحد شوند و
عبادت من نمایند مؤلف گوید این عبادت دلالت تام بوجود حضرت
حجة الله امام عصر عج دارد و اشاره است بدولت حقه الهیه زیرا که اما
ظاهر است حضرت در زمان خلفاء جائر تابع بودند و خائف و تقیه
از مخالفین داشتند و احکام الهی را خفاء بر اصحاب خاص خود
فرمایش میمودند و جهه غیبت امام زمان بکراه او این است
که اطاعت و بیعت احدی را ننموده باشند و نخواهند نمود و را
دیگر آنکه خداوند حکیم خبیر علیم وجود اقدس او را در خزینه خود
ذخیره نموده است که در آخر الزمان که روی زمین پر از ظلم و جور
شود و ظلمت کفر عالم را بکیرد و موحدین خائف و ترسان باشند
از کفار و اشرار و فساق و فجار که نتوانند مؤمنین اظهار ایمان
خود را بنمایند و احکام الهی از میان مردم برود تا آن زمانی
که حق سبحانه و تعالی اراده و مشیت او قرار کیرد و غیبت حجة خود را
ظاهر کند و خلیفه روی زمین را آشکار نماید پس گوئیم این شریفه
اشاره بان زمانست که دلالت دارد بوجود اقدس حضرت مهدی
که خداوند می فرماید هرآینه مؤمنین که در شکنجه و آزار کفار
و مشرکین و فجار و فساق میباشند قوت و قدرت ندارند که عبادت

بیان تفسیر آیهٔ لیستخلفنهم که دلالت تام دارد بوجود امام عصر عج

خدای خود کنند هرآینه در زمان ظهور و خلافت ظاهریه آنحضرت
تبدیل می نماید خوف و ترس آنها را با امنیت و قدرت می دهد
بایشان بنوعی که پسندیده است ایشانرا یعنی دین اسلام را که تمام موحد
باشند و پابند شریعت اسلام باشند و خوف از احدی نداشته
باشند که همه خلایق در زمان خلافت ظاهریه آنسرور پرستش کنند
خالق خود را و مؤید و مفسر این شریفه روایات از حضرت رسول الله
صلی الله علیه و آله است که متفق علیه کل امتست که بیان واقع و علائم
ظهور آنحضرترا فرموده اند در آخر این شریفه استکه و من کفر بعد
ذلک فاولئک هم الفاسقون یعنی هر که از خلافت امام زمان کفر ورزد
و ورزید و اطاعت آنسرور را ننمود و مخالفت نمود ایشانرا فاسقانند
و حضرت حجة الله فساق و کفار را از روی زمین برطرف خواهد نمود
و آیه دیگر که دلالت تام دارد بوجود اقدس ولی عصر آیه کریمه و جعلها
کلمة باقیة فی عقبه که کلمه را تفسیر بامام نموده اند منجمله آیه فتلقی
آدم من ربه کلمات که مفسرین از عامه و خاصه منجمله ابن مغازلی
شافعی از ابن عباس روایت می کند که کلمات که القاء شد بحضرت
آدم گفت خدایا سؤال می کنم از تو بحق محمد و
علی و فاطمه حسن و حسین که مرا رحم کنی و توبه مرا قبول کنی و در اخبار
کثیره وارد شده کلمه باقیه حضرت حجة عصر است منجمله اخبار بوجود
مبارک آنحضرتست فی کتاب اکمال الدین عن ابن عصام که روایت
می کند از کلینی علیه الرحمه و او از قسم ابن علاء و از اسمعیل ابن علاء
از ابن حمید و از ابن قیس و از ثمالی و از علی ابن الحسین زین العابدین
روایت کرده است که آنحضرت فرمود این شریفه اولوا الارحام بعضهم

اولی بعض در شان ما دوازده نفر امام نازل شده که کلمهٔ باقیه از ما مهدی ما میباشد که امام و حجت خدا است تا روز قیامت در عقب ذریه پدرم حسین ابن علی علیهما السلام مقرر داشته است که تا روز قیامت حجت و امام زمانست و بدرستیکه قائم ما را دو غیبت است یکی از یکی اطول و مدت غیبت دوم او بحدی طول کشد که بیشتر از مردم از اعتقادیکه بوجود او دارند برمی گردند و در اعتقادی که باو دارند ثابت نمیمانند مگر کسانیکه یقین ایشان قوت داشته باشد و معرفتشان صحیح باشد و کامل بوده باشند در حق امام خود و در نفسهای خود بچیزهائیکه ما حکم می کنیم تنگی نیابد و بما اهل بیت تسلیم بوده باشند مؤلف گوید بملاحظهٔ اختصار این رساله کفایت نمودم بر همین دو ایه شریفه زیرا که دلالت تام دارد بوجود اقدس امام زمان و آیات مشترکه در مقدمه رساله نقل شد **فصل دوم** در خصوص اخبار و روایات از حضرت رسول الله نصوص خلافت و امامت دوازده تن معصومین و تخصیص بوجود اقدس شاه اولیا خاتم الاوصیا حجة الله امام زمان از کتب مخالفین بنقل علماء و محدثین که حجت قاطع است **منجمله** حدیث اول حدیث شریف معراج نبی اکرم که بقول علماء اهل سنت باسناد خودشان نقل کرده اند مثل شیخ ابراهیم حموینی و احمد خوارزمی و موفق ابن احمد مکی و صاحب کتاب مقتضب الاثر و صاحب کتاب کنز الخفی هر یک ایشان و غیر ایشان روایت کرده اند مؤلف محض ثبوت دلیل دعاوی خود اخر روایات را عین عبارت کلام ایشان را ترجمه می کنم که پیغمبر خدا فرمودند که خداوند در لیلهٔ معراج فرمود ای محمد صلعم بدرستیکه من آفریدم

حدیث اول

نور او علی و فاطمه و حسن و حسین را و نه نفر امامان اولاد حسین را از نور خود و عرضه داشتم ولایت و امامت هر یک را بر اهل آسمانها و زمینها پس هر که قبول نمود در نزد من از مؤمنانست و هر که انکار نمود و قبول نکرد از کافران است ای محمد اگر بنده از بندگانم عبادت مرا کند تا آنکه مثل خیک پوسیده گردد آنگاه بیاید نزد من و انکار داشته باشد ولایت هر یک شما را نمی آمرزم او را تا آنکه اقرار کند بولایت و امامت هر یک ای محمد صلعم دوست می داری که ایشان را ببینی عرض کردم بلی بار الها ای پروردگار من حق سبحانه و تعالی فرمود نظر کن بطرف راست عرش چون نظر کردم دیدم علی و حسن و حسین و علی ابن الحسین و محمد ابن علی و جعفر ابن محمد و موسی ابن جعفر و علی ابن موسی و محمد ابن علی و علی ابن محمد و حسن ابن علی و مهدی ابن الحسن صلوات الله علیهم اجمعین را که مهدی آخری ایشان در میان ایشان مثل ستاره درخشنده بود پس خدای تعالی فرمود ای محمد صلعم ایشان حجتها و امامان خلایق و اوست مهدی که خروج کند از عترت تو قسم بعزت و جلال خودم که این مهدی حجتی است که واجبست بر دوستان و انتقام کشنده است بر دشمنان احقر ترجمه اخر روایت را نقل نمودم و همین مضامین معتبره در کتب متعدده عامه ملاحظه شده **منجمله** دور ستی واحد هر دو روایت می کنند از ابن عباس که رسول خدا فرموده دوازده نفر از عترت من خلیفه می باشند و مالک این امر میشوند پس مهدی اولاد یازدهمی من خروج کند **منجمله** محمد ابن جریر طبری شافعی روایت می کند از ابو سعید خدری که شنیدم از رسول خدا صلعم که بحسین ابن علی فرزندش

حدیث دوم

حدیث سیم

می فرمود یا حسین انت الامام اخ الامام تسعة من ولدك ائمة الابرار تاسعهم قائمهم پس عرض کردم یا رسول الله بعد از شما چند نفر امام اند فرمود دوازده نفر نه نفر اینها از صلب حسین می باشند **منجمله** *(حدیث چهل و دوم)*

قاضی ابو الفرج بغدادی بسند خود از ابن عباس روایت کرده است که رسولخدا فرمود علی با حق است وحق با علی است وعلی خلیفه است بعد از من وهر کس از امت من بعلی متمسک شد نجات یافت وهر کس تخلف ورزید از وی گمراه شد واوست که مرا غسل می دهد وکفن می کند واو ادا می کند قرض مرا واوست پدر دو سبط من حسن وحسین که بیرون می اید از صلب حسین نه امام که اخر ایشان مهدی عم از امت است **منجمله** *(حدیث چهل و سیم)*

حموینی بسند خود از ابن عباس روایت کرده است که رسولخدا فرمود که من سید پیغمبرانم وعلی ابن ابیطالب سید اوصیا است واوصیاء من بعد از من دوازده نفر اند که اول ایشان علی است واخر ایشان مهدی است **منجمله** *(حدیث چهل و چهارم)*

منجمله در جمع بین صحاح سته از سنن ابی داود وصحیح ترمذی روایت کرده است از عبد الله ابن مسعود که رسول خدا فرموده اگر باقی نماند مگر یکروز هر اینه خدا بلند کند یکروز را تا انکه بیرون اید مردی از اهل بیت من که اسم او واسم من واسم پدرش اسم پدر من است فرزندم میباشد وزمین را پر کند از عدل وداد چنانکه پر شده باشد از ظلم وجور **منجمله** *(حدیث چهل و پنجم)*

ثعلبی در تفسیرش که از علماء عامه است در اینه انا لننصر رسلنا والذین امنوا فی الحیوات الدنیا ویوم یقوم الاشهاد روایت کرده است از ام شریك که رسولخدا صلعم فرمود قائم فرزند من خروج میکند وعیسی از اسمان فرود می اید وعقب سر فرزندم مهدی نماز می کند **منجمله** در جامع الاصول از صحیح بخاری ومسلم وابو داود *(حدیث چهل و ششم)*

وترمذی روایت می کنند از ابو هریره که گفت رسولخدا صلعم فرمود که بحق انخدا ینکه جانم در دست قدرت اوست که نزدیك است نازل شود فرزند مریم که حاکم عادل است در عقب فرزندم مهدی باشد پس چلیپای نصارا را بشکند وخوکها را بکشد وجزیه را بر طرف کند وچیزی قبول نکند بغیر دین اسلام وچندان مال را فراوان کند که بهر که مال دنیا دهند قبول نکند وحاجت نداشته باشد پس رسولخدا صلعم فرمود چگونه خواهید بود که امام شما از خود شما باشد مهدی فرزندم در وقتیکه نازل شود فرزند مریم **منجمله** *(حدیث چهل و هفتم)*

ابو داود وترمذی روایت کرده اند از ابو سعید خدری که حضرت رسول الله فرمود ند ظهور کند از فرزندان من که گشاده پیشانی وکشیده بینی میباشد وزمین را پر کند از قسط وعدل وداد چنانکه مملو شده باشد از ظلم وجور وهفت سال بعد از ظهور پادشاهی کند **منجمله**

صاحب کتاب ینابیع که از علماء عامه است باسناد خود از انس ابن مالك روایت کرده است که گفت نماز خواندیم صبحی را با پیغمبر خدا صلعم بعد از نماز رو بما نمود وگفت ای معاشر اصحاب من کسیکه دوست بدارد اهل بیت مرا محشور خواهد شد با من وکسیکه بچسبد ومتمسك شود باوصیاء من بعد از من پس بتحقیق متمسك شده است بریسمان محکم خدا اینها عروة الوثقی اند پس ایستاد ابوذر وگفت کیانند اهل بیت تو یا رسول الله که متمسك با ایشان شویم وامامان بعد از تو کیانند فرمود رسولخدا شماره اینها مطابق نقبای بنی اسرائیل دوازده اند پس گفت هر یك از ایشان فرزندان من اند واهل بیت من اند ونه نفر از ایشان از صلب حسینم میباشند ومهدی قائم اخر ایشان است *(حدیث چهل و هشتم)*

حدیث یازدهم

منجمله صاحب نصوص روایت می‌کند از ابو هریره که او گفت گفتم رسول‌خدا ص بدرستیکه از برای هر پیغمبری وصی بوده و سبطی بوده است پس کیست وصی و سبط شما پس ساکت شدم و اراده نکردم که بمن جواب دهد پس برگشتم محزون پس چونکه ظاهر شد حزن من بر آنحضرت گفت اذان بگو یا اباهریره از جانب من پس اذان گفتم و گفتم پناه می‌برم بخدا از غضب خدا و غضب رسولش پس رو بمن کرد رسول‌خدا فرمود یا اباهریره بدرستیکه خدا مبعوث نمود چهار هزار پیغمبر و بود از برای ایشان هزار وصی و هشت هزار سبط پس قسم بآنکسیکه جان من بید اوست که من بهترین پیغمبرانم و وصی من بهترین اوصیاء پیغمبرانست و سبطان من بهترین اسباط پیغمبرانند پس فرمود علی وصی من است و حسن و حسین دو فرزندم دو سبط این امت‌اند و بدرستیکه اسباط بودند اولادان یعقوب و بودند دوازده مرد و بدرستیکه اولادان و اوصیاء من بعد از من که امامان‌اند دوازده نفرند از اهل بیت من علی ابن ابیطالب اول ایشان است و سر سبط ایشان محمد است که آخر ایشان مهدی این امتست آنچنانیکه نماز می‌کند در عقب او عیسی ابن مریم آگاه باشید اگر متمسک شوند بر ایشان امت من پس بتحقیق که متمسک شده اند بریسمان خدا

حدیث دوازدهم

منجمله ۱۲ شعبی که از جمله منحرفین از حضرت امیرالمؤمنین است و از علماء عامه است نوشته است که روایت ما و روایت اکثر اهل اسلام نیز اینست که پیغمبر ما فرموده است لابد است از خروج فرزندم مهدی ع از اولاد فاطمه دختر ما و ظاهر خواهد شد پس پر می‌کند زمین را از عدل و داد چنانکه پر شده باشد از غیر مهدی از ظلم

و جور سید ابن طاوس گوید این حدیث را جماعتی از رجال حدیث و گفته علماء عامه در کتابهای ایشان نقل نموده اند

حدیث سیزدهم

منجمله ۱۳ در کتاب مستدرک بر صحیحین تالیف ابوعبدالله حاکم بر اسناد خود او ابوسعید خدری روایت کرده است از رسول‌خدا که فرمود نازل میشود در امت من در آخر الزمان بلاهای شدید از سلاطین ایشان که هرگز از آن شدیدتر بلائی دیده و شنیده نشده است تا آنکه جهان بااین فراخی بر ایشان چنان تنگ شود و زمین پر از ظلم و جور که ستم شود و هیچ مؤمن از ظلم ظالمان ملجا و پناهی نیابد که باو پناه برد پس برانگیزاند خدای تعالی مردی را از عترت من پس بعد از ظهور او پر می‌کند زمین را از عدل و داد چنانکه پر شده باشد از ظلم و جور که همه راضی میشوند خلافت او را ساکنین زمین و زمین نگاه نمیدارد دانه‌های خود را و همه را بیرون میاندازد و نگاه نمیدارد آسمان بارانهای خود را و پی در پی میبارد و نمایند دران نعمت‌ها هفت سال تا نه سال و آنهائی که در حیات اندازد و می‌کنند و تمنی مینمایند اموات و مرده‌های خود را در آن ایام که کاشکی زنده بودند و از این همه نعمتهای الهی را درک مینمودند

حدیث چهاردهم

منجمله ابن ماجه از ابوسعید خدری روایت کرده است که رسول‌خدا فرمود در آخر الزمان ظاهر شود فتنه‌ها بعد مردی از اهل بیت من آید که او مهدیست عطاهای او گوارا میباشد و گفته این حدیث حسن است

حدیث پانزدهم

منجمله حموینی بر اسناد خود از عبایة ابن ربعی از عبدالله ابن عباس روایت کرده است که رسول‌خدا فرمود من سید انبیایم و علی ابن ابیطالب سید اوصیاء است

واوصیاء من بعد از من دوازده نفر میباشند اول ایشان علی است
واخر ایشان مهدی است از اولاد من **منجمله** دورستی واحمد
علماء عامه اند بسند خودشان روایت کرده اند از ابن عباس که رسول خدا
فرموده است دوازده نفر خلیفه وامام وجانشین من میباشند
بعد از من از آل منند ومالک این امر میشود اخر ایشان مهدیست
که خروج می کند در اخر الزمان **منجمله** ابراهیم حموینی بسند خود
از ابن عباس روایت کرده که رسول خدا فرموده یا علی بنویس انچه را
که بتو میگویم حضرت امیر عرض کرد یا رسول الله اندیشه مینمائی
که فراموش کنم فرمود نه چونکه من از خدای تعالی سؤال کردم که ترا
حافظ کرامت فرماید و نسیان از تو زایل کند ولیکن بنویس
بجهة شریکان خود باشد عرض کرد یا رسول الله شریکان من کیانند
فرمود ائمه از اولاد تو می باشند که بسبب ایشان حق سبحانه امت مرا
از باران سیراب می کرداند ودعای ایشانرا مستجاب مینماید و
بواسطه ایشان خداوند بلاها را از مردم دفع می نماید ورحمت
خود را از اسمان بایشان نازل می نماید اول تو هستی یا علی دویم
ایشانست اشاره بامام حسن نمود وسیم ایشان است اشاره
بامام حسین نمود پس فرمود نه نفر از اولاد حسینم میباشند
از فرزندان حسین اند **منجمله** صاحب نصوص باسناد خود
از سلمان فارسی نقل نموده که گفت سلمان خدمت رسول الله
بودیم در حالتی که خطبه میخواند وصحابه حاضر بودند پس رسول
خدا فرمود ای معاشر خلایق بدرستیکه من از میان شما رحلت
میکنم وشما باز مانید ونزدیکان هر یک شما برسانند بدو ها

حدیث ششم

حدیث هفتم

حدیث هشتم

واعقاب

واعقاب هر یک سلسله بکرکه وصیت میکنم شما را در عترت خودم
بخیر ونیکوئی رفتار نمائید واگاه باشید که برای شما بدعتها است پس
بدرستیکه هر بدعتی ضلالتست وگمراهی واهل ان در اتش اند
ای معاشر مردم هر زمان که مفقود شد خورشید بچسبید ومتمسک
شوید بماه وهر زمانیکه ماه مفقود شد بچسبید ومتمسک شوید
بفرقدین پس هر زمانیکه مفقود شد فرقدین بچسبید ومتمسک
شوید بستاره های روشنی دهنده وطلب مغفرت میکنم از خدا
از برای خودم برای شما پس فرود امد از منبر ودرود وثنای بجهت
خدا بر رسول وال رسول سلمان میگوید متابعت نمودم با رسول
خدا تا انکه داخل شد در خانه عایشه پس منهم داخل شدم بر ان
حضرت وعرض کردم ای رسول خدا پدر ومادرم فدای تو باد شنیدم
که فرمودی که مفقود شود خورشید وماه وفرقدین وستاره ها چه
چیز عرض شما می باشد از این ها پس حضرت رسول ص فرمود که من
خورشیدم یا سلمان وعلی ماه است پس هر زمانیکه من از میان
شما بروم متمسک شوید بحسن وحسین که فرزندان من میباشند اما
ستاره های روشنی دهنده پس ایشان نه نفر اولاد صلب فرزندم
حسین میباشند ونهم ایشان مهدی فرزند من است که هدایت میکند
خلق را پس حضرت گفت ایشانند همگی اوصیاء من وخلفای من و
جانشینان من میباشند بعد از من وهر یک ایشان امامانند
ومنزه وپاکیزه اند مطابق شماره وعدد اسباط یعقوب وحواریان
عیسی ابن مریم که دوازده نفر بوده اند پس گفتم یا رسول الله قسم
می دهم ترا بر ایشان که نام ایشانرا برای من بگو حضرت رسول ص فرمود

اول اینها که سید و آقای ایشان است علی ابن ابیطالب و بعد دو سبط
من که حسن و حسین میباشند و بعد از حسین علی محمد باقر واسع علم
پیغمبران پس از او پسرش صادق جعفر است و پسر او کاظم هم نام موسی
ابن عمران است و پسر اوست علی که کشته خواهد شد بزمین غربت و پسر
علی محمد است و پسر او علیست و پسر او حسن است الحجة القائم المنتظر
پس بدرستیکه راست گویانند و ایشان عترت من اند از گوشت
من اند و از خون منند علم ایشان علم من است و حکم و امر ایشان
حکم و امر من است پس ای سلمان کسیکه اذیت کند ایشانرا مرا اذیت
کرده است پس نیستم از برای آنکس شفاعت کننده نزد خدا و ندحافظ
ابونعیم که از جمله محدثین مشهور موثق علمای اهل سنت است چهل حدیث
از صحاح نقل و روایت کرده است که همه مشتمل اند بر صفات و حالات
واسم و کنیه حضرت حجة ابن الحسن عجل الله تعالی فرجه و از جمله ان
احادیث روایت می کند از علی ابن هلال که از پدرش روایت کرده
است و ایضا ابو مظفر سمعانی در کتاب فضایل خود روایت کرده
بر اسناد خودش از ابو هرون عبدی او از ابو سعید خدری که
روایت نموده اند فاطمه زهرا بخدمت رسول خدا آمد و آنحضرت
مریض بود چون فاطمه ضعف پدر خود را مشاهده کرد گریه نمود در
حالتی که گریه در گلوی او پیچیده و اشکش بر رخسارش جاری شد
رسول خدا مشاهده نمود فرمود ای فاطمه سبب گریه تو چیست
عرض کرد ای پدر میترسم بعد از تو مارا خار و ذلیل نمایند و
مرا ضایع گذارند حضرت رسول ص فرمود ای حبیبه من فاطمه
مگر نمیدانی که خدا مطلع شد و نظری بجانب زمین کرد و پدرت

را اختیار نمود پس او را مبعوث گردانید برسالت خودش پس بعد
از آن نظری دیگر کرد بزمین و شوهرت را برگزید به امامت و خلافت
و بمن وحی فرمود که تو را به او تزویج کنم و من تو را به او تزویج کردم حلمش
از همه مسلمانان افزون تر و علمش از همه مردم بیشتر و اسلام او از همه
سابق تر و بدان من تو را به او تزویج نمودم فاطمه بخندید و خشنود شد
بعد از آن حضرت رسول الله فرمود ای فاطمه خدای تعالی به اهل بیت
هفت منقبت عطا فرموده است که به احدی از اولین و اخرین
عطا نفرموده است و احدی نیز به آنها نمیرسد منم خاتم پیغمبران و
گرامی ترین ایشانم نبی خدا و من پدر تو هستم و وصی من بهترین
اوصیاء است و محبوب ترین ایشانست نبوی خدا او شوهر تو است
و شهید ما بهترین شهداء است و او حمزه عم پدر و شوهر تو است و
از ماست آنکه دو بال خدا با و عطا فرمود که پرواز می کند در بهشت
با ملئکه بهر جا که بخواهد و اوست جعفر پسر عم پدر تو و برادر شوهر
تو است و از ماست دو سبط این امت و آنها دو فرزند تو حسن و حسین اند
که دو جوانان اهل بهشت اند و پدر ایشان بحق آن خدا اینکه مرا بحق
فرستاده است خوبتر است از ایشان ای فاطمه بحق آن خدا اینکه مرا
بحق فرستاده است که از حسن و حسین بهم خواهد رسید مهدی
این امت مؤلف گوید جهت اینکه رسولخدا ص حضرت مهدی را حسن و
حسین هر دو نسبت داد چونکه مادر حضرت باقر دختر امام حسن
مجتبی بود لذا نسبت حضرت حجة مهدی بهر دو بزرگوار است و در روایت
حافظ ابونعیم عبارت ذیل را علاوه نقل میکند که حضرت رسول ص
فرمودند که مهدی ظاهر شود در وقتی که دنیا پر از هرج و مرج شود

وفتنه‌ها ظاهر گردد وماهها بستر شود وغارتها ورند مردم بعضی
بر بعضی نه پیری رحم او ودبر کودکی ونه کودکی تعظیم کند پیری راپس
خدا برانگیزاند درانوقت فرزند من مهدی را که فتح کند قلعه‌های
ضلالت را ودلهائیکه غافل از حق باشد وقیام نماید بدین خدا
در آخر الزمان چنانکه من قیام نمودم وپرکند زمین را از عدالت
چنانکه پر از جور شده باشد ای فاطمه اند وهناک نباش وگریه
مکن که خدای عزت رحیم تر ومهربانتر است بر تو از من بسبب
منزلتیکه نزد من داری ومحبتی که از تو در دل من است وخدا ترا تزویج
کرده است بکسیکه حسبش از همه بزرگتر است ومنصبش از همه
گرامیتر است ورحیم ترین مردم است بر رعیت وعادل ترین
مردم است در قسمت بالتسویه وبیناترین مردم است بر احکام
الهی ومن از خدای خود سوال کردم که تو اول کسی باشی از اهل
بیت من که بمن ملحق شوی **منجمله** موفق ابن احمد خوارزمی که از

حدیث بیست و هفتم

معارف رؤسای اهل سنت است از سعید ابن بشیر روایت
کرده است که پیغمبر خدا فرمود یا علی من شما را بر حوض خود
وارد میکنم یا علی تو ساقی بر لب حوض خواهی بود وفرزندم حسن
دورکننده دشمنان من است از آن حوض وفرزندم حسین امر
کننده است که بفلان شخص آب دهید وعلی ابن الحسین قسمت
هرکس را از آب معین میکند ومحمد ابن علی تا شراهت یعنی خلایق
را از قبرهای ایشان بیرون آورند بصحرای محشر وجعفر ابن محمد سایق
است یعنی راننده اهل محشر است یعنی فوج فوج مردم را بجا یکاه
برد وموسی ابن جعفر محصی دوستان ودشمنانست یعنی شماره کننده

وریشه منافقین را از بیخ برکند وعلی ابن موسی زینت دهنده
مؤمنین است ومحمد ابن علی فرود آورنده اهل بهشت است وعلی ابن
محمد خطیب شیعیانست ومزوج ایشانست وحور العین را
برای ایشان خطبه کند وحسن ابن علی چراغ اهل بهشت است
ومهدی شفاعت کننده شیعیانست در روز قیامت در وقتی
که خدا اذن شفاعت نمیدهد مگر از برای کسیکه بخواهد ودوست
باشد بشفاعت کردن **منجمله** واقدی بسند خود از ابی سلمه

حدیث بیست و هشتم

روایت میکند که نزد عایشه رفتم واو را محزون یافتم در حالتیکه
که در نزد او کتابی بود که او را نظر میکرد ومیگفت صدق
رسول الله گفتم چه کتابیست ای عایشه گفت اخبار قصص وخبر
دادن بغیب است که کتابت نمودم از رسول خدا پس از او درخواست
کردم که بمن خبر دهد که بیان رسول خدا را بمن خبر دهد پس گفت
عایشه کتاب را گشود وگفت ای ابو سلمه از برای ما مشربه بود که اهل
بیت مخصوص بود که محل وحی رسول خدا بود جبرئیل نازل شد بر
آنحضرت وامر کردم اگر کسی بر پیغمبر خدا نازل شود ناگاه فرزند
حسین داخل شد بر آنحضرت وجبرئیل بآنحضرت خبر داد
از کیفیت شهادت حسین پس رسول خدا گریست وتربت مدفن
او را که خاک سرخی بود بآنحضرت داد وعرض کرد که خداوند
انتقام میکشد از دشمنان حسین بمهدی قائم فرزند او ودرآنوقت
که خداوند ظاهر نماید از حسین فرزندی که نام او علی است که
خاضع وخاشع است از برای خدا واز صلب او بیرون آورد فرزندی
که محمد است که قانت وساجد است برای خدا واز صلب او بیرون آورد

فرزندی که نام او جعفر است که ناطق عند الله وهادی است در
راه خدا واز صلب جعفر بیرون می آورد فرزندی که موسی است که
واثق بالله ودوست خدا است واز صلب موسی علی است که
وفی ورضی است واز صلب علی محمد است که مرعب بالله است
واز صلب او علی است که ولی خداوند است واز صلب علی حسن است
که مؤتمن بالله است واز صلب حسن بیرون می آید کلمه حق ولسان
صدق ومظهر حق که حجة الله علی البریه می باشد واز برای این
حجة ابن الحسن غیبت طولانیست که ظاهر میشود و دین اسلام
را او فرو می نشاند با و کفر را پس عایشه گفت این خبر را اظهار نکن
حدیث بیست و سیوم
منجمله صاحب نصوص به اسناد خودش از عمر بن الخطاب
روایت می کند که عمر گفت شنیدم من از رسول خدا ص که می فرمود
امامان بعد از من دوازده نفرند نه نفر اینها از صلب حسین
من میباشند واز ایشانست مهدی فرزندم هدایت کننده این
امت بدانید هر کسی که متمسک شود بعد از من باین دوازده
نفر امام پس بتحقیق که متمسک شده است بریسمان خدا وکسیکه وا
گذارد اینها را واگذاشته خدا را مؤلف گوید خیلی عجب است از این
امت که خودشان این روایت را از خلیفه نقل می کنند وافعال
ایشان وسلوک ایشان نوعی دیگر در حق این عترت بود که هر یک را
حدیث بیست و چهارم
واگذاشتند در هر زمان که بدست خلفاء جور شهید شدند
مثل ریحانه رسول خدا حسین ابن علی علیهما السلام یا بعضی را از زهر
کین شهید شدند یا بعضی در محبس بودند وتبعید از مدینه
جدشان شدند واخرهم بزهر شهید شدند منجمله صاحب کشف

الغمه از مناقب خوارزمی شافعی نقل می کند بسند خودش
روایت کرده است که رسول خدا ص فرمود یا علی تو ویازده فرزند
تو فتح می کند خدا امر امامت را وبشما ختم می کند امامت را
پس هر یک شما صبر کنید بر غصب غاصبان وجور دشمنان بر
درستیکه عاقبت نیکو برای پرهیزکار است یا علی شما گروه
خدائید ودشمنان شما گروه شیطان اند خوشا حال کسیکه
اطاعت شماها کند ووای بر کسیکه نافرمانی شما کند یا علی
شما هستید حجت خدا بر خلایق وشما عروة الوثقی هستید هر که بآن تمسک
نماید هدایت یابد وهر که او را ترک کند گمراه گردد واز خدا سؤال
میکنم از برای شماها بهشت را یا علی کسیکه سبقت نمیگیرد
بر شماها بسوی طاعت خدا وشماها اولی واحق هستید بطاعت
الهی از دیگران مؤلف گوید این حدیث شریف از فحول علماء عامه
ادله تامه است وحجت بالغه است بر امامت حضرت امیر ویازده
حدیث بیست و پنجم
فرزند انسرور تا حجة ابن الحسن عج منجمله ابراهیم حموینی در کتاب
فرائد السمطین از سلیم ابن قیس هلالی روایت کرده است از
حضرت رسول ص واین حدیث طولانی ومفصل است بمقدار
محل حاجت وشاهد بر دلیل نقل می کنم از این که بسند خود از
ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا ص فرمود هر کس از
امت من بخواهد بزندگی من زنده باشد وبمردن بمیرد و در
بهشت عدنی که خدا او را بید قدرت آفریده است در او ساکن
باشد باید یا علی ابن ابیطالب وصی وخلیفه وجانشین من و
اولیاء او ویازده فرزند او تولا جوید که امامان بعد از من اند

واقتدا کند بر انها که ایشان عترت منند و از طینت من افریده شده
اند و خدای تعم علم و فهم بر ایشان کرامت فرموده است وای بر کسانی
از امت من که تکذیب فضل ایشان کند وای بر امت من که قرابت
مرا بر ایشان ملاحظه نکند خدای تعم شفاعت مرا نصیب ایشان
نکرداند و همین حدیث را بعینه ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه
روایت کرده است و هم چنین صاحب کتاب حلیة الاولیاء هم
نقل کرده است **منجمله** حافظ ابن عقده در کتاب خود نقل
میکند که علماء ما و مشایخ ما روایت کرده اند که از عبد القیس
که در بصره نزد ابو ایوب انصاری رفتیم و از او شنیدیم که گفت
رسول خدا فرمود علی با حق است و حق با علی است و علی امام و خلیفه
بعد از من است و دو فرزند او حسن و حسین دو سبط من اند از این امت
و هر دو امام اند چه قیام کنند و چه بنشینند مجو خود شان که حق خود
شان از ایشان بگیرند و پدر ایشان خوبتر از ایشان است و امامان بعد
از حسین نه فرزند هر یک بعد دیگری که از صلب حسین اند که
اخر ایشان است قائم انچنانی که قیام نماید در اخر الزمان چنان
که من قیام نمودم در اول زمان پس سؤال نمودم از رسول خدا
نامهای ایشان را فرمود که در لیلة المعراج نظر کردم بر ساق
عرش الهی دیدم که بنور نوشته شده است لا اله الا الله محمد
رسول الله ایدته بعلی و نصرته بعلی و دیدم یازده اسم دیگر که
نوشته شده بود بر ساق عرش بخط نور بعد از اسم علی و ان اسم ها
حسن و حسین و سه علی و دو محمد و جعفر و موسی و حسن و حجة
عرض کردم یا الهی و سیدی اینها کیانند که گرامی داشته ایشان را

ومقرون

و مقرون نمودی اسم ایشان را به اسم خود ندا رسید که اینها اوصیاء و
امامان بعد از تو اند که حجت من می میباشند بر روی زمین فطوبی
لمحبیهم **منجمله** ابو المفضل شیبانی از محمد ابن عبد الله ابن ابراهیم
شافعی و او بسند خود از جابر ابن عبد الله روایت کرده که مؤلف
تمام خبر را من اوله الی اخره در کتاب تحفه در باب نصوص نقل
نموده ام محل حاجت این است که یکنفر از احبار علماء یهود که اسم
او جندل ابن جناده بود بخدمت حضرت رسول الله مشرف شد
و جندل بود مسئله از حضرت سؤال نمود و اسلام اختیار نمود
و بعضی از سؤالات او بود که اوصیا و خلفاء بعد از تو چند نفر اند حضرت
فرمودند دوازده نفر اند بعدد نقبای بنی اسرائیل عرض کرد یا
رسول الله همه در یک زمان واحد خواهند بود فرمودند نه بلکه
خلیفه بعد خلیفه باشند و تو ای جندل سه نفر از ایشان را
ادراک خواهی نمود عرض کرد اسامی انها را بیان فرمائید برای من
فرمود حضرت رسول صلعم بعد از من سید اوصیاء و وارث انبیا
و ابو الائمه علی ابن ابیطالب است و بعد از او فرزند او حسن است
و بعد از حسن برادر او حسین است که او را تحیات دار دنیا در زمان
امامتش یا جندل متمسک با نها باش و جهل جهال ترا مغرور
نکند و بعد از ان ایام عمر و زندگانی تو منقضی میشود و اخر زاد
تو و شرب تو از دنیا یکشربت از شیر خواهد بود عرض کرد عدد
اوصیاء و خلفاء بعد از حسین را بفرما و اسامی هر یک از ایشان
را که بدانم رسول خدا صلعم فرمود چون مدت حسین منقضی شود ولد
او علی که ملقب بزین العابدین است قائم بامر امامتست و بعد از علی

علی قائم بامامت شود محمد پسر او که ملقب بباقر است و بعد از او
قائم بامر امامت شود پسر او جعفر که ملقب بصادق است و بعد از او قائم بدبیر امر
شود فرزند جعفر موسی که ملقب بکاظم است و بعد از او قائم بامر شود
علی که ملقب برضا میباشد و پس از او قائم بامر شود محمد پسر علی که
ملقب بزکی است و پس از او هم علی پسر محمد قائم بامر شود که ملقب به
نقی است و بعد از او قائم بامر امامت شود حسن که ملقب بامین
است و بعد از او غائب خواهد بود امام خلایق جندل عرض کرد
که آن امام غایب حسن ابن علی خواهد بود رسولخدا فرمودند فرزند حسن
حجة است راوی گوید که جندل ابن جناده عمر نمود تا ایام امامت
حسین ابن علی و بعد بطایف رفت و از نعیم ابن قیس روایت کرده
که در وقت موت در نزد جندل من حاضر بودم که قدحی از شیر او را
داده شد آنرا نوشید و گفت رسولخدا بمن خبر داده است و برحمت
خدا رفت **منجمله** ابراهیم محمد حموینی علماء عامه است بسند خود
از ابو نضره روایت کرده است که حضرت امام محمد باقر در زمان
وفات خود طلبید جابر ابن عبد الله را و با او فرمود ای جابر خبر ده
مرا از آنچه مشاهده کردی بچشم خود از آن صحیفه که در دست حضرت
فاطمه زهرا بود جابر عرض کرد بلی خدمت خاتون خود شرفیاب
شدم تا آنکه او را بولادت حسین فرزند او تهنیت گویم دیدم صحیفه
از در سفید در دست دارد عرض کردم ای خاتون من این چه صحیفه
باشد فرمود این صحیفه باشد که خداوند برای پیغمبر فرستاده که
در آن اسم مبارک پدرم و علی که اسامی امامان از اولاد من است میباشد
عرض کردم از ای خاتون مرحمت کن بمن که مشاهده کنم فرمود ای

جابر اگر چنانکه مرا رخصتی بود بتو میدادم لیکن نهی شده که از بغیر رسول
خدا و اوصیاء او که ائمه می باشند دست نزنند ولی ترا رخصتی
دهم که از پشت از امشاهده بنمائی چون   از انظر نمودم دیدم
نوشته بود ابو القاسم محمد ابن عبد الله المصطفی مادرش امنه و
ابو الحسن علی مادرش فاطمه و ابو محمد الحسن ابن علی و ابو عبد الله الحسین
ابن علی مادر ایشان فاطمه بنت رسول الله و ابو محمد علی ابن الحسین العدل
مادرش شاه بانو و ابو جعفر محمد ابن علی الباقر مادرش امه عبد الله
و ابو عبد الله جعفر ابن محمد الصادق مادر او ام فروه و ابو ابراهیم
موسی ابن جعفر الثقه مادرش حمیده و ابو الحسن علی ابن موسی الرضا
مادرش نجمه و ابو جعفر محمد ابن علی الزکی مادرش خیزران و ابو الحسن علی ابن
محمد الامین مادرش سوسن و ابو محمد الحسن ابن علی الرفیق مادرش
سمانه و ابو القاسم محمد ابن الحسن الحجة القائم مادرش نرجس که در
اوست کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب که دوستان من در زمان
غیبت او ذلیل خواهند بود و خائف و مضطرب و ایشانند دوستان
من حقا و بر ایشان دفع کنم فتنه های صعب و دشوار را یعنی کفر
و ضلالت را **منجمله** قاضی ابو الفرج بغدادی از جماعتی از
شیوخ خود که اینها بسند خود از ابو هریره روایت کرده اند که من
و جماعتی از اصحاب در خدمت حضرت رسول الله حاضر شدیم
از آنجمله ابو بکر و عمر و فضل ابن عباس و زید ابن حارثه و ابن مسعود
و علی بودند که امام حسین داخل شد رسولخدا او را در کنار گرفت
و بوسید و فرمود یا حسین انت الامام ابن الامام ابو الائمه تسعه
من ولدک ائمة الابرار عبد الله ابن مسعود عرض کرد یا رسول الله

کیا نندان امامانی که فرمودی از اولاد حسین بوجود ایند حضرت
رسول سر مبارک بزیر انداخت بعد ازان بلند فرمود و کفت یا ابن
مسعود از امر عظیمی سؤال کردی ولیکن من خبر دهم ترا اگر از صلب حسین
فرزندم بیرون می اید فرزندی که هم اسم جد خود علی است و لقب او عابد
است و از صلب او بیرون می اید فرزندی که اسم او اسم من است
و شبیه ترین خلق است بمن و میشکافد علم را شکافتنی و ناطق بحق
و امر کننده بصواب است و لقبا و باقر است و بیرون می اورد از صلب او کلمه حق و
لسان صدق را ابن مسعود از اسم سؤال نمود فرمود اسم او جعفر
صادق است بعد ازان حسان ثابت داخل شد و انشاء مدحی برای
رسول خدا نمود پس ازان حضرت رسول برخواست داخل خانه عایشه
شد ما نیز بر انحضرت رفتیم که من بودم و علی و ابن عباس و رسول خدا
را قاعده این بود که اگر سؤالی از ان حضرت میشد جواب می داد
و اگر کسی سؤال نمیکرد انحضرت ابتدا بسخن نمی فرمود پس من عرض
کردم پدرم و مادرم فدای تو باد ایا خبر نمیدهی ما را به باقی خلفاء
خود از نسل حسین فرمود بلی یا ابا هریره بیرون میاورد خدا بتعم
از صلب جعفر فرزندی که نقی و طاهر که نام او نام موسی ابن عمران
است و از صلب موسی بیرون می اورد فرزندی که خوانده میشود به
رضا و او موقع علم و معدن حلم است بعد فرمود بابی المقتول فی
ارض القربة و از صلب رضا بیرون می ورد فرزندی محمد که
محمود و اطهر در خلق است و از او خارج میشود فرزند او علی که
طاهر الحسب و صادق اللهجة است و از علی بیرون می اورد حسن نقی
طاهر که ناطق از جانب خدا است و پدر حجة الله است و بیرون

می اورد از صلب او قائم اهل بیت را که با و پر کند زمین را از عدل
هنگامی که پر شده باشد از ظلم و جور و از برای اوست هیبت موسی
و حکم داود و بهاء عیسی و بعد تلاوت فرمود این ایه را ذریة بعضها
من بعض والله سمیع علیم فتامل یا طالب الحق فی هذا الروایه
روی عن ابو هریره **منجمله** این عقده از سالم ابن عبد الله بر
سند خودش از رسول خدا ص روایت کرده است که چون خداوند
تبارک و تعالی کشف فرمود از برای ابراهیم خلیل الله ع بصر و دیده
او را او نظر کرد بجانب عرش الهی پس ملاحظه نمود نوری را عرض کرد
الهی و سیدی ما هذا النور وحی شد که ای ابراهیم این نور محمد صفی
من است ابراهیم عرض کرد الهی و سیدی نور دیگر در پهلوی ان نور می
بینم وحی شد برا و که ای ابراهیم این نور علی ناصر دین منست عرض
کرد الهی نور دیگر هم مشاهده می کنم در پهلوی این دو نور است وحی
شد که این نور فاطمه حبیبه من است عرض کرد الهی دو نور دیگر
هم می بینم که در پهلوی این سه نور است وحی شد که این دو نور
حسن و حسین اند که در پهلوی نور جد و پدر و مادر ایشان واقع
شده است عرض کرد الهی نه نور دیگر می بینم که احاطه نموده اند این
پنج نور را وحی شد باو که اینها ائمه اولاد ایشانند عرض کرد الهی
اسماء این نه نفر ائمه هدی را تلقین من بفرما وحی شد باو که ای ابراهیم
اول ایشان علی ابن الحسین و محمد فرزند علی و جعفر فرزند محمد و موسی
ولد جعفر و علی فرزند موسی و محمد فرزند علی و علی فرزند محمد و حسن فرزند
علی و محمد فرزند حسن و هو القائم المهدی ص عرض کرد الهی انوار بسیاری
در اطراف و جوانب اینها مشاهده می کنم که احصا انها را نتوان نمود

وحی شد باو که همه اینها شیعیان و دوستان ایشان میباشند عرض
کرد بار الها شیعیان ایشان و دوستان ایشان بچه علامت و نشان
شناخته میشوند وحی شد بنماز پنجاه و یک رکعت بجا آورند و بلند
گفتن بسم الله الرحمن الرحیم را در نمازهای ایشان و قنوت پیش از
رکوع نمازشان و سجده شکر و خاتم بدست راست نمودن ابراهیم
عرض کرد الهی مرا هم وان من شیعته لابراهیم اذ جاء ربه بقلب سلیم
و اینحدیث را ازبوحنیفه هم نقل نموده است **منجمله** شیخ
فخرالدین شافعی که خیلی متعصب است در مذهب عامه و در
مدح خلفاء ثلثه رساله نوشته است و در آن رساله مدح
خلفاء این خبر را نقل می کنند که چون خدیجه کبری رض بفاطمه
زهرا حامله شد از غم تنهائی خلاص شد فاطمه دائما با مادر خود
خدیجه صحبت میداشت در رحم مادر و مونس خدیجه بود و این
را از حضرت رسول الله مخفی داشت تا آنکه روزی حضرت رسول
وارد شدند در حالتیکه صدای خدیجه را شنیدند که با کسی
صحبت میداشت و سخن می گفت حضرت رسول الله پرسید که
ای خدیجه با که تو حرف می زنی خدیجه عرض کرد با این طفل که
در رحم و شکم من است پیغمبر گفت ای خدیجه بشارت بدهم تو را که در
رحم تو این دختر است که حقتعم کرده است او را مادر یازده
نفر از خلفای طاهرین من و امامان بعد از پدرشان که همه اینها
از نسل من میباشند که بعد از انقضای وحی من پدرشان از خلفا
و امامان خواهند بود هر یک بعد دیگری بعد در همان رساله
مفصل حال تولد حضرت زهرا را و کیفیت تزویج او را بحضرت

امیرمؤمنان نقل می کند و کیفیت خطبه او را بعلی ع و بعد تفسیر
می کند این مرج البحرین یلتقیان را و معنی بینهما برزخ لا یبغیان و
خروج یخرج منهما اللؤلؤ و المرجان بوجود مبارک حضرت امام
حسن و امام حسین بیان می کند ترجمه تمام نقل کلام او را به
تمامه مفصلا در کتاب تحفة اثنی عشریه در باب چهل و هفتم
نوشته ام در اینجا محل حاجت را تحریر نمودم **منجمله** ابراهیم
ابن محمد حموینی بسند خودش از عبدالله ابن عباس روایت کرده
است که نعثل نام بود از علماء احبار یهود خدمت حضرت رسول
آمد و مشرف شد خدمت آنسرور و مسائل چندی از توحید از
حضرت سؤال نمود و چون آنحضرت جواب کافی وافی اثبات
توحید را برای او فرمودند بر اسلام مشرف شد بعد از تشرف
اسلام گفت فدایت شوم خبر ده مرا از وصی و جانشین خود
زیرا که پیغمبری از جانب خدا مبعوث نشده مگر از برای او
وصی و خلیفه بوده است و پیغمبر ما موسی ابن عمران یوشع
ابن نون را وصی خود کرده اند وصی تو که خواهد بود حضرت
رسول الله ص در جواب نعثل فرمود پس از من وصی و خلیفه من
علی ابن ابیطالب است و پس از او دو پسر او که فرزندان من هستند
حسن و حسین و پس از ایشان نه نفر از اولاد حسین که همه اینها
امامان نیکوکارند نعثل عرض کرد اسامی شریفه اینها را
بیان فرمائید حضرت فرمود چون حسین از دنیا گذرد پسرش
علی امام است و بعد از علی پسرش محمد امام است و پس از
محمد پسرش جعفر است که امام باشد و بعد از جعفر موسی پسر

جعفر امام است و پس از وفات موسی علی پسر موسی امام کرد و بعد از
علی پسر او محمد امام است و پس از محمد علی که پسر محمد است امام است
و پس از علی حسن امام است و بعد از حسن محمد که پسر حسن است امام
و این دوازده نفر امامان بعدد نقبای بنی اسرائیل میباشند نقل
عرض کرد اینچه فرمودی از خلفاء بعد از وجود مقدست را منهم
در کتب پیشینیان دیده ام در وصیت نامه موسی ابن عمران خوانده ام
و بعد از آن برخواست و در حضور حضرت این اشعار انشا کرد
صلی الاله ذو العلی علیک یا خیر البشر انت النبی المصطفی
والهاشمی المفتخر بک اهتدینا رشدنا وفیک نرجوا ما امر
ومعشر سمیتهم ائمة اثنی عشر حباهم رب العلی ثم صفاهم
من کدر قد فاز من والاهم وخاب من عفی الاثر اخرهم یسقی
الظماء وهو الامام المنتظر عترتک الاخیار لی والتابعون
ما امر من کان عنهم معرضا فسوف یصلی بالسقر خلاصه
مؤلف گوید از همین سی حدیث بروایات مستفیضه تمام از روات
علماء اهل سنت بر اقسام بیانات و الزام کافیه که از هر یک
تصریح و تعیین بدوازده نفر خلفاء راشدین و ائمه طاهرین
است بعضی بر اسم شریف ایشان و بعضی بر اسم شریف و کنیه و لقب
ایشان و بعضی بر اسم شریف و مادرها ایشان در هر یک از آنها
کفایت و درایت از مقصود است و حجت بالغات و دلیل محکم
است و برهان متقن است بر مخالفین ایشان فضلا از آیات کثیره
در قرآن بنقل کتب و تفسیر علماء و محدثین اهل سنت مجموع اخبار
یقین حاصل است از اخبار واضحة الدلالات فضلا از آنکه منظم

شود اخبار و روایات متکاثره متواتره از خاصه که هر از اهل کتاب بیان
شده است در خصوص نصوص در امامت ائمه هدی پس گوییم
اظهر من الشمس است برای اشخاصی که در این زمان باشند و
خالی از تعصب باشند و لجوج نباشند و تقلید آباء و متقدمین
خود نباشند از روی اسناد لال مذکوره که اتفاق همه مسلمین
باشد که مخالف در آن نباشد و اقرار و اعتراف همه مذاهب
اسلام داشته باشند در کتابهای خود از متقدمین و متأخرین
قطع و یقین حاصل است کالشمس فی وسط السماء که خلافت و وصایت
و امامت بعد از حضرت ختمی مرتبت مخصوص و مخصوص حضرت
مولی الموالی سید الاوصیاء الراشدین امیر المؤمنین علی ابن
ابیطالب و یازده نفر از اولاد طیبین و طاهرین صلوة الله علیهم
معصومین مطهرین آنحضرتست فتعین الامامه والخلافه فیهم
واحداً بعد واحد وهم حججاً علی بریته الله وانصاراً لدین الله و
حفظةً لسر الله وخزنة لعلم الله ومستودعاً لحکمة الله ومتراجمة
لوحی الله وارکاناً لتوحید الله عصمهم الله من الزلل وطهرهم
من الدنس واذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهیراً پس گوییم
بعد از این اخبار کثیره متواتره متفق الطرفین معلوم شد که
این دوازده نفر خلیفه و حجت و امام بر روی زمین میباشند
متعاقب یکدیگر و تمامی مردم زمان در تمام ازمنه الی یوم القیامه
حی و ناطق و موجود واحداً بعد واحد باید باشند چنانکه شریعت
سید المرسلین الی یوم القیامه هست چنانکه قرآن را هم الی یوم
القیامه باقی است دین اکه عزت و بقای دین مستند بوجود آن

ذوات مقدسات ائمه معصومین است بر طبق اخبار متواتره همه مسلمین
که خلفاء رسول الله دوازده نفرند و علاوه اخباری که متفق
علیه امّت است که زمین در هیچ وقت خالی از حجّت نیست که
اکثر علماء عامه و خاصه هر یک به اسناد خودشان نقل نموده اند
منجمله اکثر علماء عامه از عبد الله ابن عمر بن الخطاب روایت کرده
اند که حضرت رسول ص فرمودند مَن مات و لم یعرف امام زمانه
مات میتة الجاهلیة و بسیاری از علماء عامه روایت از حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نموده اند — باین
مضمون روایت نموده اند که لیس فی عنقه بیعة لامام و بعضی
در کتاب خود روایت کرده اند لیس فی عنقه عهد امام که حاصل
از این روایات متفقه عامه و خاصه این است که حضرت رسول
فرموده اند کسیکه از امت من بمیرد و نشناخته باشد امام زمان
خود را پس مرده است بمردن جاهلیت و کفر و ضلالت اینست و از
بعضی روایات آنکه نباشد در گردن او عهد و بیعت امام زمانش
مرده است مردن کفر بهر حال چنانچه مفصل و مشروح در سابق
بیان شد پس بناء علی ذلک الاخبار خلافت و امامت زمان
رحلت حضرت امام حسن عسکری ع الی زماننا هذا الی یوم
القیامه خاص وجود شریف اقدس مولانا صاحب العصر و الزمان
حجة ابن الحسن العسکری ع میباشد فتبین الخلافة و الحجة و الامامة
لوجوده الشریف الانور مولی کل المسلمین حجة الله و ولی الله فی
السموات و الارضین بقیة الله امام العصر و الزمان القائم
بالحق حجة ابن الحسن عجل الله تعالی فرجه **فصل سیم** در اثبات

فصل سیم در اثبات امامت امام زمان از کتب انبیا و صحایف پیغمبران سلف

وجود

وجود حضرت حجة الله و غیبت آنسرور و ظهور موفور السرور
آنحضرت نصوص و اخبار کتب سماوی توریة و انجیل و زبور و
صحایف انبیاء سلف است که استدلال بوجود اقدس آنسرور شده
منجمله در زبور حضرت داود نبی آیه چهارم در مزمور نود و هفتم
در خصوص حضرت مهدی ع میفرماید این عبارترا سبیا و غانانه
و غرافل صدق رو میشیاط مخون کبس او یعنی در آخر
الزمان بیاید کسیکه ابرها اطراف و بالای سر او خواهد بود
و عدل و انصاف مکان تخت اوست مؤلف گوید مطابق همین
عبارت زبور نقل اخبار خاصه و عامه است **منجمله** از علمای اهل
سنت در کتاب بیان از عبد الله ابن عمر ابن الخطاب روایت میکنند
که رسول خدا فرمود مهدی فرزندم ظاهر خواهد شد که در بالای سر
او ابریست و در بالای ابر منادی ندا میکند که این است مهدی خلیفه الله
و خلیفه رسول الله پس متابعت کنید او را که روی زمین را
پر از عدل و داد خواهد نمود **و منجمله** در کتاب صفیای پیغمبر
از فصل سیم از آیه نهم فرمود عبارت اوست کی از اه یوخ ال
عمیم ساقاه بروراه لیقرو اکولام بیشم ادونای لعبدوای
شخم اهاد ترجمه نموده اند علمای یهود که مسلمان شده اند
به اینکه آگاه باشید که در آن زمان آخر دنیا لب پاک خواهد
بر گردانید تا جمیع خلایق به اسم خدا یاد نموده و به یک کتف و
دوش همه خلایق عبادت خدا کنند مؤلف گوید این عبارت کمال وضوح
را دارد بر طبق اخبار فریقین که در ظهور حضرت مهدی ع جمیع
خلایق موحد شوند و خداپرست کردند و عبادت حق سبحانه و تعالی

حضرت ... ذکر علامات ظهور امام زمان و ...

نمایند و نماز جماعت بیك کتف مطابق شرع نبوی ص گذارند
و در روایات معتبره از طرفین است که حضرت عیسی ابن مریم هم از
آسمان نازل شود و در عقب حضرت حجة الله نماز خواهد خواند
منجمله در فصل سیم بعضی علماء یهود گفته‌اند فصل چهارم
در اخیر نهم کتاب ملاخیت ترجمه عبارت او اینکه آخر زمانها
زمانی خواهد شد که چون تنور آتش گرم باشد و هم انکار کنندگان
و ستمکاران مثل ذره خواهد شد پس می‌فرماید که در این
روز ایشان خواهند سوخت بطریقی که نخواهد ماند از ایشان
ریشه و رگی و طلوع خواهد نمود بر مردم آفتاب عدالت و صداقت
که علاج و شفا در زیر بال وی خواهد بود مؤلف گوید عبارات ملاخی
دلالت دارد بر اخباریکه اهل سنت و شیعه نقل کرده‌اند بنوع
تواتر که حضرت مهدی ع کسانیکه ستمکاران بر انبیاء و اولیاء
و اجداد او بودند انتقام خواهد کشید و طلب خون شهدا
را خواهد نمود و کسانیکه انکار توحید حق سبحانه و تعالی و یا انکار
غیبت آنسرور و یا انکار امامت و را نمایند بقتل خواهد رسانید
و کسانیکه منکر اسلام میباشند ریشه کن و قلع و هلاك خواهد
نمود و آفتاب صداقت و واقعیت و عدالت بر روی زمین گسترده
خواهد شد و علاج و شفا که توبه و بازگشت باشد بسوی حضرت
در زیر بال یعنی علم امان آنسرور خواهد بود **منجمله** از کتاب
پاتنکل که از کتب اعظم کفره هند است اول در ایام مدت عالم
گوید که عمر دنیا چهار طور است و هر طوری چهار گور و هر گوری
چهار دور و هر دوری چهار هزار سال که عمر عالم جمعاً بر این قسم

قسم که گفته است دو صد و پنجاه و شش هزار سال باشد چون دور
دنیا تمام شود دنیا کهنه شود و بنده گردد و صاحب ملك تازه
ظهور کند از فرزند دو پیشوای جهان که یکی پیشوای پیغمبر آخر الزمان
و دیگری صدیق اکبر یعنی وصی بزرگتر که بشن نام دارد و ترجمه
کرده‌اند طایفه هنود بشن نام امیر المؤمنین ع است و می‌گوید نصاب
ملك و مملکت نامش راه نماست یعنی که هادی باشد پادشاه شود
و خلیفه رام حق باشد یعنی خلیفه خدا باشد که در لغت هنود هند
رام اسم خداست و آن پادشاه بجای پیغمبران چون ابراهیم و خضر
حکم راند و او را معجزه بسیار باشد و هر که پناه باو برد که دین پدران
او را اختیار کند سرخرو باشد در نزد رام که خداست و دولت او
بسیار کشیده باشد و عمر او هم از فرزندان ناموس اکبر زیاده باشد
و آخر دنیا هم باو تمام شود و از ساحل دریای محیط و سراندیب وقبر
بابا آدم و جبال القمر و شمال مبل الزهره تا سیف البحر قیانوس
را مسخر گردد و بتخانه سومنات را خراب کند و میان کابل و بتخانه
او را خراب کند و جکرنا که بت بزرگ است بفرمان او بسخن آید
و بخاك افتد پس او را بشکند و بدریای اعظم اندازد و هر بتی که
در تمام جهان است او بشکند **ومنجمله** در کتاب باسك
که یکی از صاحب شریعتان هندوستان است در کتاب خود گوید
از زمانیکه دور دنیا تمام شود پادشاهی ظاهر شود در آخر الزمان
دنیا که حق و راستی با او باشد و آنچه در دریاها و کوهها و زمینهای
دنیا باشد همه را بیرون آورد یعنی معادن دنیا را خارج کند
و از آسمانها و زمین ها خبر دهد مؤلف گوید روایات که در

کتب سنی و شیعه نقل نموده اند مطابق با این اخبار است **و منجمله**
در کتاب دیگر که طایفه براهمه این کتاب را آسمانی میدانند نوشته است
که پادشاهی در آخر الزمان ظاهر شود که پیشوای خلایق باشد و نام
او منصور است و تمام عالم را تصرف کند و هم خلق را بدین خود
در آورد و هر کس از مؤمن و کافر را می شناسد پس هر چه از خدا
طلب کند از برای او میسر شود **و منجمله** در مزمور صد و
بیست و یکم کتاب زبور می فرماید این عبارت هَشِمَش لا یلکا
و یارح بلایلاه یعنی آفتاب در روز نزند آنکسیکه آخر الزمان آید
و آثر باو ندهد و مهتاب در شب او را فرو نگیرد مؤلف گوید
مطابق روایاتست که از علمای اهل سنت و شیعه امامی است
در کتابهایشان نقل نموده اند **منجمله** حافظ ابو عبد الله
نعیم معروف حماد در کتاب عقد الدرر روایت کرده است از
سلیمان ابن عیسی که گفت بما رسیده مهدی ظاهر خواهد شد
در حالتی که ابر بر سر اوست و آفتاب باو نرسد و بدر دستیکه
دست مهدی ظاهر شود تابوت سکینه حمل می کند پیش روی
او در بیت المقدس پس هر زمانی که نظر می کند بسوی تابوت
یهود اسلام اختیار میکند **منجمله** در صحیفه شعیای پیغمبر است
فصل یازدهم در وصف حضرت مهدی می فرماید که لحقر ترجمه
او اکتفا میکنم که نور خدا بعدالت دیوان مساکین را خواهی کرد
و برای انتقام مظلومان را خواهی کشید ایمان کمربند تو خواهد
بود و عدالت میان بند تو و در زمان تو گرک و بره در یکجا ساکن خواهند
شد و پلنگ و بزغاله در یکمکان خواهند چرید و گوساله و شیر با

باهم خواهند بود و گوساله و خرس باهم خواهند دوید و شیر و گاو
پیش هم الف خواهند خورد و طفل شیرخواره دست در سوراخ مار
خواهد کرد مؤلف گوید تمام این خبر حضرت شعیا مطابق روایات مستفیضه
عامه و خاصه است چنانچه شیخ صدوق از حضرت امیر المؤمنین ع
روایت میکند که فرمودند ظهور مهدی فرزندم هر آینه عداوت
و خصومت از میان دلهای بندگان زایل میشود و درندگان
با حیوانات مصالحه میکنند و هر یک در مقام خود براسوده
متنعمند و چنان امنیت حاصل میشود که زنی با تمام زینت
از عراق بشام میرود و کسی متعرض او نیست و درندگان صحراها
باو ضرر نمیرسانند و شیر و پلنگ و گرگ و موذیات با حیوانات
گاو و گوسفند و غیر اینها باهم مخلوط اند و هیچ کدام بر دیگری ضرر
نمیرساند و ایضا در صحیفه شعیای پیغمبر در فصل بیست و ششم می
گوید کلماتی که ترجمه اینها این است که در آنروز که نور خدا ظاهر گردد
در زمین یهود بیت المقدس و حوالی آن تسبیح خدا خواهد گفت
و این کسی میباشد که شفاعت کننده ماهاست تا آنکه میفرماید
ای نور خدا اسم تو و یادداشت تو خواهش روح ماهاست و نفس
ما در شبها آرزومند ظهور تو بوده است و برای جهت روح ما از
برای تو در وقتی که صبح طلوع کند بیدار خواهد شد ای نور خدا
در وقتیکه دیوانهای خلق را در روی زمین بنمائی تعلیم خواهند
گرفت از تو ساکنین زمین عدالت را پس بعد از فقراتی میگوید
آنکسانیکه اهل جهنم اند رجعت نخواهند نمود ای نور خدا انچه
ما کشیدیم از ظالمان بسبب اعمال خود مان بود زیرا که عملهای

خود ما نزل خالص نکرده بودیم زمان ظهور نور ابتا خبر اند اختم
پس بعد از فقراتی گوید زنده شوند مردها و اموات تو برخیزند
وستایش نو کنند مسکن کران خاك که شبنم تو میباشد که شبنم
روشنائی و نور است مؤید مطلب است از اهل سنت اخبار
کثیره **منجمله** در صحاح سته که معتبرین کتابها است نقل نمود
که ظهور میکند مهدی که زمین را پر می کند از عدل وداد و قبول نمیکند
جزیه را و خراب میکند بیع و کنائس را معبد یهود و نصارا را و می
کشد نصارا را مگر کسیکه ایمان بیاورد با او که مسلمان شود و نیز
در فصل بیست و هفتم صحیفه شعیا فقراتی می فرماید که ترجمه
عبارات اوست که ای نور خدا در انروز که ظاهر شوی انتقام
خواهی کشید بشمشیر قوی و بزرك و سخت خود از کسانیکه انقلاب
کردند و دست برادری دادند بیك دیگر از برای خدعه و حیله
پس در انروز نور خدا طلب باغ خود را و بوستان خود را و صدق
خود را خواهد نمود مؤلف گوید این عبارت صحیفه مطابق است
با اخبار در کتب علماء امامیه مقتضی شرح از بیست و اصح آ
ایضا در فصل چهارم ایضا هم در کتاب ملاخیست و بعضی گفته
اند از ایه نهم در فصل سیم می فرماید آخر زمانها زمانی خواهد شد و
خواهد امد که چون تنور آتش گرم باشد و همه انکار کنندگان و
ستمکاران مثل ذره خواهند بود پس میفرماید در این روز ایشان
خواهند سوخت بطریقی که نخواهد ماند از ایشان ریشه و رگی
و طلوع خواهد نمود افتاب عدالت و صداقت که علاج و شفا
در زیر بال او خواهد بود و از صحیفه عفان ابن تنحاس که موافق با

تا حضرت صحیفه شعیا پیغمبر اخبار در زمان ظهور حضرت مهدی داده می فرماید روز انتقام

حرف الف می فرماید آتیا اومتا اومتا مزعزع بریاتا عابدا
هدمدتا بید بن امتا ترجمه نموده اند یهودان یعنی بعد
از این بیایند گروهی و طایفه که از جا بکنند و متزلزل سازند
عالم را و حرکت دهند بزیر دا و کرده شود خرابیها و خاموشیها
از پسر کنیز مؤلف گوید از اخبار وحی کودك دلالت دارد انکه از جا
بکند و متزلزل سازد عالم را مخصوص حضرت حجة است که همه
ملوك و سلاطین و ادیان مذاهب باطله را برطرف و نابود
کند و فقره که ترجمه کرده اند و کرده شوند خرابیها و خاموشیها
از پسر کنیزك مؤلف گوید انچه از اخبار و روایات عامه و خاصه
نقل شده است اینکه مراد از خرابیها و خاموشیها انستکه بعد از
ظهور حضرت حجة الله خراب خواهد نمود معبد یهود و نصارا را و
خانه ظالمین و منافقین را بنا و عمارات ظالمین و غاصبین را
در مکه و مدینه و عراق و عبادت خاموشیها انستکه اتش فتنه
و خونریزی سلاطین جابر را در اخر الزمان همه را خاموش نمود
و مبدل خواهد شد بعدل و سلطنت حقه و عبادت و نسبت
به پسر کنیزك مراد مادر جلیله انحضرت نرجس است ان کنیز است
که حضرت امام حسن عسکری خریدند و از او متولد شد وجود
اشرف خاتم الوصیین و مؤید این اخبار است نقل علماء
اهل سنت مثل ابو عبد الله کنجی شافعی و شیخ نور الدین مالکی
در کتاب فصول المهمه و شیخ محی الدین اعرابی حنبلی در کتاب
فتوحات مکیه مفصل احوالات حضرت امام عصر را ذکر نموده
اند که اقوال ایشان را بعد نقل خواهم نمود منجمله اقوال یهود است

از وحی کودك در اخر الزمان

کە مهدی آخر الزمان خروج میکند کسانیکە توریترا می توانند
بخوانند ومسلمان شده اند میگویند در توریتر در سفر انبیا نوشته
است کە ماشع از فرزندان مود مود است وترجمه نموده اند کە مود
مود اسم محمد مصطفی صلی الله علیه وآله است ظاهر خواهد شد
وحضرت مسیح از آسمان نازل خواهد شد وبعضی از یهودان قائلند
کە ماشع یعنی حضرت مهدی است ودجال را خواهد کشت ومنجمله اقوال
نصاری است کە مختلف میگویند فرقه داودی ویعقوبیه وجمعی از
فرنگیان پرتگالیه کە عیسوی مذهب هستند قائلند بوجود
حضرت مهدی وداودیها گویند حق است آخر الزمان ماهدی ظهور
میکند وعالم را خواهد گرفت وعیسویان آنکه دین او را منکر باشند
میکشد وپادریان وکشیشان وانانیکه دوغن بر پیشانی میمالند
همه را میکشد وجزیه هم از نصاری قبول نمیکند مگر آنکه اسلام
اختیار کنند واحوالات ائمه در انجیل داودی هست واکثر تاتاریان
از گرجیها وبلغاریها وحبش وفرنگان انگلیس والمان وپرتگال
قائلند بوجود شریف حضرت قائم ع وگویند بعضی از ایشان کە
حضرت مسیح هم خواهد آمد وبا او باشد ودجال را با لشکر شیطان
خواهند کشت منجمله اقوال مجوس در کتاب زند وپازند کە آن
کتاب را آسمانی میدانند وزردشت نبی میدانند احوالات حضرت
مهدی را ذکر میکنند ودر کتاب گوسب کە جوسب از پیغمبران است
وان کتاب از اوست واصل آن کتاب در دوازده هزار پوست
گاو نقش شده وان کتاب معدوم است فعلاً واز آن کتاب
چند ورقی در کتاب آزاد بخت نوشته شده ودر کتاب جاماسب

حکیم کە او را امیر لهراسپ ایلیا کە صحف باشد میدانند ووقایع وحوادث
گذشته وآینده در آنجا ثبت است واز آفرینش آسمانها وزمینها
را شرح میدهد تا آنکه احوال انبیا را وپادشاهان را میگوید کە
چندین نفر اند ودر چه زمان واقع بودند ودین ایشان چه بوده
ودر کجا بودند وهرچه بر سر ایشان می آمد تا آخر پیغمبر خاتم را اگر گوید
عربیست ودر آخر زمان میان کوههای مکه پیدا شود بر شتر سوار شود
وپابندگان خبر خورد وجمیع صفات وحالات پیغمبر خدا را گوید
تا آنکه گوید کتاب وهر کتاب آسمانیرا باطل کند وتا آنکه گوید
دولت عجم ودین مجوس وپهلوی را برطرف کند وحی گوید احوالات
ائمه را تا آنکه نوشته است از فرزندان دختر پیغمبر کە خورشید
جهان وشاه زنانست کسی پادشاه شود در دنیا بحکم یزدان
کە جانشین آخرین آن پیغمبر باشد در مکه طلوع کند ودولت و
پادشاهی او تا قیامت متصل باشد وبعد از پادشاهی او دنیا
تمام شود وآسمان بهم پیچیده شود وزمین بر آب فرو شود وکوهها
برطرف شود پس آهرمن بزرگ کە ضد ومخالف یزدان پاک است و
بنده عاصی اوست این پادشاه او را بگیرد ودر حبس کند وفرج
وچاپلق وقفقذ را بگیرد ومناسبند کە عبادت از ملائکه است
با او فرود آید وجمیع خلایق را به یزدان خواند ونام مذهب او
برهان قاطع باشد وحق با او باشد ودر خدمت او باشند
بشر وسروش وآسمان کە عبارت از جبرئیل ومیکائیل
وعزرائیل اینها هم نازل بر او باشند وفرشته موکل آسمان
وفرج موکل زمین وموکل بر گاوان وگوسفندان واز هر ملک

که روح القدس باشد هم در خدمت او باشند و زنده کرده اند
خلق را از بدان و خوبان خوبان را جزا دهد و بدان را سزا دهد و زنده
شوند از خوبان پیغمبران بسیار و پدر خضر و پدر الیاس و هرامس
ولقواس پدر ارسطاطالیس و آصف ابن برخیا و سام و نوح و
شماسون و سولان و شموئیل میگوید پیغمبران اگر اینها زنده شوند
تا آنکه میگوید حاضر شود نزد او سیمرغ از کوه قاف و سیمرغ عنقای
مغرب و از بدان گیتی و دشمنان یزدان و کافران هم زنده شوند
دستور بوس که بوده است او را با برع و قرع که فرعون و هامان
باشند بسوزاند و زنده کند سامر را بسوزاند مفصل است اشخاص
از کفار و قضات و مجتهدین کفار و کسانی که بدعتها گذاشتند
و مردم را گمراه کردند و کسانی که بدع بت پرستی را و شرک را میان
خلق جاری نموده اند هر یکرا با اسم و رسم می گوید که اینها را به
اقسام مختلف مجازات خواهد نمود مؤلف در این ورقه محض اختصار
قطع نمود و نقل ننمود خلاصه میگوید تا آنکه اینها که سبب فتنها
در دین جدش شدند اینها را هم یک بریک جزا دهد بعضی را
و در آتش سوزاند و باد را امر کند که خاکستر اینها را بدریای محیط
ریزد و میگوید تا آنکه گوید نام پادشاه عالمگیر بهرام باشد از خورشید
جهان و شاه زنان که دختر سین است که سین نام محمد است
بلغه پهلوی گوید ظهور او در آخر دنیا باشد و هنگام ظهور عمر او
هفت کرکس باشد و چون ظهور کند عمر او سی قرن باشد ان
زمانی ظهور کند که تازیان بر فارسیان غلبه کنند و شهرهای
ایشانرا بگیرند و شهرهای عمان خراب شود و بسیاری شهرها

جاماسب منجم نقل از کتاب احوال امام
است

بمدت سلطان تا دیر مدت دراز و بعد از ظهورش وجود دابکشد
که عبارت دجال باشد بعد کیفیت دجال و کوری و خر او و ادعای
خدائی و خروج او از کجاست تمام را نقل کند بعد گوید قسطنطنیه
را و هند و سند را بگیرد و علمهای ایمان و مسلمانیرا برپا کند
و عصای سرخ شبان ما هود را که از موسی باشد و انگشتر سلیمان
با او باشد و جن و انس و دیوان و مرغان و درندگان در فرمان
او خواهند بود و این بهرام از فرزندان یزدان که ابراهیم باشد
خواهد بود و ایزد کشب یعنی خداپرست است بعد صفات آنحضرت را
می گوید که پادشاه عظیم است شهنشاه است و او و یاران
مدت پانصد قرن امامت و بزرگی و پیشوائی خلق را نمایند تا
آخر زمین دنیا را مسلط شود و بگیرد و همه عالم او و همه دنیا بر
طرف شود منحصر باشد بدین او و پیغمبران که زنده میشوند
و عابدان و حکیمان و پیر یزدان و دیوان و مرغان و همه اقسام
جانوران و بادها و ابرها و مردان و سفید رویان هم در حد
او باشند و مطیع او بیند و از مغرب برگردد و تا ظلمات رود و
جزیره تنسانس را خراب کند و اسرافیل صاحب بوق نزد او آید مؤلف
گوید اکثر و اغلب عبارات از اخبارات و کیفیات امام زمان
را که جاماسب میگوید مطابق و موافق است بروایات و احادیث
منقوله از علماء مسلمین که حضرت رسول الله فرموده اند یا
ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین حالات حضرت بقیة الله را فرموده اند
و در کتابهای مسلمین از طرفین ثبت و درج است احقر اکثر احادیث
را از نقل علماء اهل سنت در کتاب تحفه اثنی عشریه نقل و

وجمع نموده ام بسیار موافقیت با اخبار کتب وصحایف متقدمین منجمله اتفاق چهار سال قبل دکتر نیکه دنیانی نصرانی مشهد مقدس امده نصرانی داعی مذهب عیسوی همراه او بود و بعضی کتابها بمسلمانان میداد محض دعوت نصاری بعضی ++ را بقیمت رخیص میفروخت کتابی بدست یکنفر احبا افتاده بود گرفتم ملاحظه نمودم زیرا طالب حق از کتب ضلال هم فائده میبرد عباراتی دراو ملاحظه نمودم که فعلا شاهد مقصد غرض اینجا است بعینه عبارت او را درج دراین ورقه مینمایم عبارت او اینکه در باب دوازدهم در سال سیم کورش در فصل نهم در اینست وچهارم روز پای دوم دانیال در قصر شوشان که در کشور عیلامست در خواب گوید دیدم که در نزد نهر اولایم و یک مرد ملبس بکتان که بالای آبهای ایستاده بود بمن گفت در زمانیکه میکائیل عظیمیکه برای پسران قوم تو ایستاده است خواهد برخواست و بدانکه چنان زمان تنگی خواهد شد که از هنگامیکه امتی بوجود آمده است تا امروز نبوده و دران هر یک از قوم تو که در دفتر مکتوب یافت شود رستگار خواهد شد و بسیاری از انانیکه در خاک زمین خوابیده اند بیدار خواهند شد اما ایشان بجهة حیات جاودانی و انان بجهة خجالت وحقارت جاودانی و عالمان وحکیمان مثل روشنائی افلاک خواهند درخشید و انانیکه بسیاری را براه عدالت رهبری مینمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابدالاباد اما تو ای دانیال کلام را مخفی دار وکتاب را تا زمان آخر مهر کن بسیار بسرعت تردد

خواهند نمود وعلم افزوده خواهد شد پس من دانیال نظر کردم واینک دو نفر دیگر یکی باینطرف نهر و دیگری بانطرف نهر ایستاده بودند یکی از ایشان بان مرد ملبس بکتان که بالای ابهای نهر ایستاده بود گفت انتهای اینعجایب تا بکی خواهد شد ان مرد ملبس بکتان بالای آبها بود شنیدم که دست راست وچپ خود را بسوی آسمان برافراشته بحی ابدی قسم خورد که برای زمانی و دو زمان ونصف زمان خواهد بود که چون پراکندگی قوم مقدس بانجام رسد انگاه همه این امور با تمام خواهد رسید واما من شنیدم و درک نکردم پس گفتم ای معلم اخر این امور چه خواهد بود او جواب داد که دانیال برو زیرا که اینکلام تا زمان اخرین مخفی وپنهان ومختوم است که بسیاری خلایق طاهر وسفید ومصفی خواهند گردید و بسیاری شریر شرارت خواهند ورزید و هیچکدام شریران نخواهند فهمید لیکن حکیمان وخوبان خواهند فهمید و از هنگام موقوف و برطرف شدن قربانی دائمی ونصب نمودن رجاست و ویرانی دنیا هزار و دویست و نود روز خواهد بود وخوشا بحال انکسانیکه انتظار کشند و بهزار وسیصد وسی وپنج روز برسند دانیال تو باعزت بروز یرا که مستریح خواهی بود مؤلف گوید خواب دانیال پیغمبر ع مطابق بروایات نبوی از فتن اخر الزمان است واحتمال دارد تعبیر شود بدین قسم انشخص مرد ملبس بکتان جبرئیل باشد وفرموده باشد بدانیال پیغمبر ع در زمانیکه امیر عظیمیکه برای پسران قوم تو ایستاده است خواهد برخواست

که ظهور خواهد نمود در چه وقت آنوقت را میگوید که زمان دوران
تنگی خواهد شد که از هنگامیکه هر امتی بوجود آمده چنین
ندیده اینعبارت مطابق با اخبار است که فتنه های آخر الزمان
فتنه روی فتنه برپا خواهد شد و بلا روی بلا پی در پی وارد
خواهد شد و میگوید بسیار که در خاک خوابیده اند بیدار
خواهند شد بعضی بجهة حیات جاودانی و بعضی بجهة خجالت
و حقارت جاودانی تعبیر اینکلام آشکار است خوبان محض
اینکه در دنیا بصدمات و اذیت و ظلم ظالمان گرفتار
بودند و بشکنجه تعدیات کفار و فجار و فساق مبتلا بودند
باید بنعیم و خصوص دنیوی برسند در رکاب فیض آثار
حضرت بقیة الله حجة ابن الحسن صلوات الله علیهما و اما بدان
و کافران و ظالمان و قاتلان باید از جهة خجالت و شرمساری
اعمال خودشان و حقارت که بذلت مبتلا شوند که حضرت حجت
طلب خون پیغمبران و اولیا و اجداد طاهرین خود و مؤمنین
شیعیان خود را بفرمایند و جزا دهد بر آنان مطابق اخبار و
احادیث وارده دیگر عبارت او که تعیین مینماید که چون پراکندگی
قوم مقدس بانجام رسد و این امور واقع خواهد شد پراکندگی
و سختی قوم مقدس تعبیر فرقه ناجیه حقه شیعه میباشد و عبارت
او که این امور و وقوع ظهور حضرت را گفته تا زمان آخر پنهان
و مخفی خواهد بود و مختوم است نظر به اخبار که احدی وقت زمان
ظهور حضرت را نمیداند حتی بر خود حضرت مخفی است تا آنکه امر
بظهور آنحضرت شود قیام فرمایند و عبارت کلام او که از

هنگام

هنگام موقوف و برطرف شدن قربانی و نصب نمودن نجاست
ویرانی دنیا هزار و دویست و نود روز خواهد بود خوشا بحال
کسانیکه انتظار کشند و بهزار و سیصد و سی و پنج روز برسند احتمال
دارد عبارت برطرف شدن قربانی و زمان نجاست و ویرانی
هزار و دویست و نود روز خواهد بود غرض شهادت حضرت
ابی عبد الله الحسین و زمان نجاست هم ایام خلفا بنی امیه
و بنی مروان و بنی عباس و خلفاء جائر الی زماننا هذا بوده
باشد که از آن تاریخ شهادت حضرت تا زمان ظهور حضرت
امام عصر یکهزار و سیصد و سی و پنج سال هجری باشد که
گفته است خوشا بحال کسیکه به این زمان برسد والله العالم
ظهور و علائم وجود اقدس امام زمان عج که نقل نمودم عبارات
ایشان را **فصل چهارم** در اثبات وجود شریف حضرت
خاتم الأوصیاء امام عصر و الزمان عجل الله فرجه اقوال و
عقاید اهل سنت است که قائل هستند بوجود شریف آنحضرت
و تولد آنسرور و غیبت آن بزرگوار که در کتب ایشان ضبط و
ضبط است جمعی از قائلین را وجود اقدس مرحوم مغفور حاج
میرزا حسین نوری نور الله مرقده در کتاب کشف الأستار
نقل فرموده اند مؤلف از همان کتاب ترجمه او را نقل میکنم
در این رساله با زیادتی اشخاصی از علماء اهل سنت که قائل
بوجود اقدس حضرت حجت با اسناد جمع و ضبط نموده ام در این رساله
نقل مینمایم **منجمله** اشخاص قائلین بوجود اقدس امام
زمان هستند محمد ابن طلحه شافعی میباشد در کتاب مطالب

فصل چهارم قائلین و معترفین بوجود شریف امام زمان و غیبت آنحضرت

مطالب السؤال در باب دوازدهم شرحی می گوید و با عتقاد
جازم و اصرار و بلیغ اثبات وجود حضرت حجة را نموده است و
مدح آنحضرت را نموده و گفته است او لاد حضرت حسن عسکری
است و زنده و باقیست از زمان غیبت او تا این زمان و آن
حجة منتظر متولد شده است در سر من رأی در بیست و سیم شهر
شعبان سنه ۲۵۵ و زنده است نمرده است پسر حسن الخالص پسر علی
المتوکل پسر محمد قانع پسر علی الرضا پسر موسی الکاظم پسر جعفر
الصادق پسر محمد الباقر پسر علی زین العابدین پسر حسین الزکی
پسر علی المرتضی پسر ابیطالب المهدی حجة الخلف الصالح المنتظر
از آن جمله معترفین بوجود حضرت حجة ابو عبد الله محمد ابن یوسف
گنجی شافعی میباشد که کتابی مستقل در خصوص حضرت مهدی
نوشته است مستند بر بیست و چهار باب و اثبات کرده است
وجود حضرت حجة الله را و غیبت آنسرور را و از جمله معترف
بوجود امام عصر شمس الدین ابو المظفر یوسف بن قزعلی بن عبد الله
بغدادی حنفی بوده است شرح مفصل از وجود امام زمان ع در
کتاب خود نقل می کند و منجمله قائلین بوجود حضرت مهدی عج
فرمود شیخ نور الدین علی ابن محمد ابن صباغ مالکی است
که در کتاب فصول المهمة فی معرفة الأئمة شرحی در آن کتاب خود
شرح وافی در احوال آنحضرت و اثبات امامت و مهدویت حجة
ابن الحسن العسکری بنحو امامیه نقل می کند و رد هم مذهبان
خود را که از اهل سنت اند می نماید و بعد احوالات تولد
آنحضرت را می نماید که والده آنحضرت تولد آنحضرت را مخفی نمود و امر

قائلین بوجود شریف محمد بن طلحه شافعی مؤلف
معترفین بوجود اقدس محمد ابن یوسف گنجی شافعی
منجمله معترفین بوجود شمس الدین بغدادی حنفی

او را ستر کرد بجهت صعوبت امر خلافت از خوف سلطان که طلب
میکرد شیعیان او و حبس میکرد ایشان را در فصول المهمة در فصل
دوازدهم می نویسد ابو القاسم حجة الخلف الصالح پسر ابی محمد الحسن
الخالص است و آن امام دوازدهم است و تاریخ ولادت آنحضرت
و دلایل امامت آنحضرت و ذکر اخبار آنسرور و غیبت و مدت
قیام دولت آنحضرت را می نماید و ذکر نسب و کنیه و لقب آنسرور
و ذکر ولادتش را مفصل می نویسد و میگوید حضرت مهدی حی و
زنده و باقیست از زمان غیبت الی الآن و منجمله معترفین
بوجود حضرت حجة ابن حجر ناصبی است در کتاب صواعق میگوید
ولادت قائم پسر حسن العسکری در شب پانزدهم شهر شعبان
بود در سال دویست و پنجاه و پنج هجری در بلده سامره در وقت
قران اصغر که قوس بوده است و آن رابع قران اکبر است طالع
ولادت آنحضرت در جدی بیست و پنجم از سرطان بوده است و
از جملهٔ معترفین وجود امام عصر شیخ العالم ابو محمد عبد الله
ابن احمد ابن الخشاب از فحول و رؤسا اهل سنت و در حق او مدح
می کند ابن خلکان و تمجید از او میکند در کتاب تاریخ موالید و
وفات اهل بیت تصریح نموده و بعد از ذکر امام حسن عسکری
گفته خلف صالح از ابی محمد الحسن ابن علی آن امام زمان و مهدی
امت است و اسم مبارک او م ح م د است کنیه او ابو القاسم
خروج می کند در آخر الزمان و نام مادر او نرجس است و در آخر
الزمان ظهور او است که ابری او را سایه انداز د از آفتاب که
را میرود و این ابر با او میرود و ندا می کند با واز فصیح که

منجمله قائلین بوجود امام عصر نور الدین مالکی است
منجمله معترفین بوجود امام عصر ابن حجر
منجمله معترفین بوجود اقدس حضرت شیخ العالم ابو محمد عبد الله ابن احمد ابن الخشاب است

مهدی است و از جمله معترفین بوجود امام زمان محیی الدین
ابن محمد ابن علی ابن محمد العربی الحاتم الطائی الاندلسی حنبلی
از جمهور فحول و رؤسای اهل سنت است که همه علمای اهل
سنت معترفند باوصاف او و غلو دارند در حال او و تعبیر
شیخ اکبر می کنند و صاحب لواقح الانوار و صفی الدین ابن
منصور و صفدی و سیوطی همه او را میخوانند بولایت کبری و خصائص
صلاح و علم و عرفان که در کتاب فتوحات مکیه در باب سیصد
و شصت و ششم ذکر می کند عین عبارت اوست که در کتاب
فتوحات نوشته از برای خداوند در زمین خلیفه می باشد که
بیرون خواهد آمد از عترت رسول و او از فرزندان فاطمه است
و اسم او موافق اسم پیغمبر است و جد او حسین ابن علی است و پدر
او حسن عسکری است پسر امام علی النقی پسر امام محمد تقی پسر امام
علی الرضا پسر امام موسی کاظم پسر امام جعفر صادق پسر امام
محمد باقر پسر امام زین العابدین پسر امام حسین پسر علی ابن
ابیطالب بیعت خواهند کرد مردم با او در حرم خدا میان
رکن یمانی و مقام ابراهیم تا میگوید سعادتمندترین مردم
بصحبت او خلق کوفه میباشند و خواهد خواند مردم را بدین
خدا بشمشیر و برطرف خواهد ساخت مذاهب مختلفه را و
باقی نخواهد ماند مگر یک دین و یک مذهب و همه دینها
و مذاهب از میان برود و انصار او مردانی باشند از جانب
خدا که یاری کنند در دعوت مردم بدین حق تقسیم میکند
آنحضرت مال را بالسویه و بعدالت رفتار می کند خروج می کند

از جمله معترفین [illegible]

دروقتی

در وقتی که دین هوا است می کنند خلایق و امر مردم را از مناهی
و معاصی باز میدارد و شب می کنند مردم در حالتی که جاهل
و ترسو و بخیل میباشند پس صبح میکنند در حالتی که عالم و شجاع
و کریمند در پیش روی او میرود نصرت که ملکی میباشد و او را
لشدید می کند هیچ یک او را نمی بینند متحمل میشود سختی را و اعانت
میکند ضعیف را و مساعدت می کند بر نوائب حق می گوید و می کند
آنچه را می گوید اصلاح میکند خداوند کار او را در یکشب فتح
میکند مدینه را به تکبیر با هفتاد نفر از مسلمین تا آنکه می گوید
و برپا میدارد دین جدش را و می دمد روح را در اسلام عزیز میکند
خداوند باو اسلام را بعد از ذلتش و زنده می کند او را بعد از
مردنش جزیه نمیگیرد و دعوت می کند با شمشیر پس هر کس امتناع
از دین اسلام کند میکشد او را و هر که با او منازعه و مجادله کند
مخذول میشود ظاهر میکند دین حق واقعی را حتی اگر رسول خدا
زنده باشد بهمان نحو حکم کند پس باقی نمیماند در دولت حقه
او مگر دین خالص مخالفت می کنند مذاهب علما که برای و
قیاس حکم میدهند و نقیض او میشوند بجهت آنکه اعتقاد آنها
آنستکه خدا [illegible] بعد از ائمه از بعد ایشان مجتهدی را باقی نمیگذارد
که اهل اجتهاد باشند و زمان مجتهد شدن انقطاع یافته است
و مجتهدی در عالم نیست مؤلف گوید این فقرات که شیخ محیی الدین
اعرابی گفته است علمای اهل سنت میباشند چونکه اهل سنت قائلند
بر اینکه مجتهد ختم شد بر چهار مجتهد که حنفی و حنبلی و شافعی و
مالکی باشند و دیگر مجتهد در عالم نخواهد بود بغیر این چهار نفر

ائمه که چهار مذهب باشد چهار مذهب باید پس مؤلف گوید -
اقوال و مطابق است با مذهب امامیه اثنی عشریه خلاصه ترجمه
عبارت محی الدین در کتاب فتوحات می گوید که نازل میشود
عیسی ابن مریم از آسمان در مناره بیضاء شرقی دمشق در حالتی که
تکیه کرده است بر دو ملک طرف راست و چپ پس حضرت مهدی
پیش میافتد و نماز میکند با مردم و عیسی عقب او نماز می ایستد
و نماز عصر می کند در روز جنگ بسنت جدش پیغمبر و میشکند
صلیب را و میکشد خوک را و میکشد سفیانی را که لشکر سفیانی
خسف میشوند در بیدا تا آنکه گفته است که رسیده است شما را
زمان او که در حال غیبت سایر اند اختر است بر شما هنگام او در
تحقیق که ظاهر شد در قرن چهارم ملحق سه قرن گذشته قرن
اول قرن رسولخدا قرن دویم قرن صحابه متصل بقرن اول آنگاه
قرن سیم فتراتی شد که پدید آید و منتشر شود هوسها و ریخته
شود خونها پس قرن چهارم از جهت غیبت مهدی که مخفی شد بماند
تا بیاید وقت معلوم پس میگوید شهداء حضرت بهترین شهداء
اند و امناء او و بهترین امناء می باشند و نیز گفته است که خدای
تعالی برای مهدی طایفه وزراء قرار داده است که پنهان کرده است
ایشان را در مکنون غیب خود که کشف و شهود آگاه کرده است
ایشان را بر حقایق و آنچه امر خدا تعالی است بر آن در میان بندگانش
و ایشان بر طبق مردانی هستند از صحابه که وفا کردند آنچه خدا
تعالی معاهده کرده بر آن و ایشان از عجم میباشند که نیست در میان
ایشان عربی ولیکن سخن می گویند بعربی بر ایشان حافظی است

از غیر جنس ایشان که هرگز معصیت خدا را نکرده اند و اخص
اعلم وزراست و شرحی در حکم حضرت مهدی و عصمت آنحضرت می گوید
و تشدید ملک او را داده است و در خصوص رفعت مقام و جلال
او ذکر میکند و بنوعی وصف حضرت نموده است که سبب تعجب است
منجمله از معترفین بوجود امام عصر شیخ عبد الوهاب ابن احمد ابن
علی الشعرانی است مشهور بعارف صاحب تصانیف و از مشاهیر
رؤساء اهل سنت است در کتاب یواقیت و جواهر در عقاید
اکابر در مبحث شصت و پنجم گفته که این مبحث در بیان علامات
قیامتست که شارع خبر داده است و حق است و لابد است که واقع بشود
همه اینها پیش از برخواستن قیامت واقع است خروج مهدی آنگاه
دجال آنگاه عیسی و خروج دابه و طلوع آفتاب از مغرب و برخواسته
شدن قرآن و باز شدن سد یاجوج و ماجوج تا اینکه اگر نماند
از دنیا مگر یک روز اینها خواهد شد و مهدی ظهور خواهد نمود
و می گوید بعضی خصوصیات آنحضرت را و گفته است بعد از
گذشتن قرن یازدهم و بعد از او مترقب است خروج مهدی را که فرزند
امام حسن عسکری است و مولد او شب نیمه شعبان سنه دویست و پنجاه
و پنج هجری گذشته بود و او باقی در حیات است تا اینکه مجتمع شود
با عیسی ابن مریم در اینوقت من که نهصد و پنجاه و هشت بعد از
هجرت است عمر آنحضرت میباشد هفتصد و سه سال منجمله کسانی
که اقرار دارند بوجود حضرت حجة الله و مدعی میباشند که در
حضور باهر النور آنحضرت نموده شیخ حسن عراقی میباشد که مدفونست
بالای تپه ریش مشرف است بر برکه رطلی در مصر و گفته است عمر

منجمله معترفین بوجود امام زمان ... شعرانی است

شریف حضرت در انوقت ششصد و بیست سال است که از عمر
من است هشتصد و هفتاد و پنج هجری و تمام کیفیت شرفیابی محضر
انور مولا را نقل میکند مؤلف بتمامه خبر را در کتاب تحفه تحریر
نموده ام مفصلا   و منجمله معترفین بوجود امام زمان نور الله
ملا عبد الرحمن جامیست که حنفی مذهب و نسبش منتهی میشود بمحمد ابن
حسن شیبانی که از پیروان ابو حنیفه است و دشمنی و عصبیت او
با فرقه امامیه سرآمد عصر خودش بود حتی در از زدن حضرت امیر
مومنان تیغ ثانی ابن ملجم بود با وجود این در کتاب شواهد النبوه
حضرت مهدی را امام دوازدهم شمرده است و شرح غرائب ولادت
ان حضرت مطابق اخبار امامیه نقل نموده است بالجمله اخبار
صریحه بر خلافت و مهدویت انحضرت روایت نموده است و
در همان کتاب شواهد النبوه روایت کرده است که حضرت مهدی
خلف حضرت امام حسن عسکری میباشد و انحضرت بعد از
ولادت تکلم نموده بایه شریفه و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا
و نزول جبرئیل و ملائکه رحمت و متولد شده ناف بریده و ختنه
کرده و در ذراع راست حضرت نوشته جاء الحق و زهق الباطل
الخ و بودن انجناب خلیفه بعد از امام حسن عسکری و فرستادن
خلیفه وقت معتضد چند نفر را بعد از وفات حضرت عسکری فرستاد
که بقتل برسانند انجناب را و می نویسد ظهور معجزه انحضرت را
که مامورین خلیفه در سرداب رفتند و مشاهده نمودند دریائی
دران سرداب و در اقصای ان دریا روی اب حصیری بود و حضرت
مهدی روی حصیر روی اب بنماز مشغول بود و دو نفر از انها خواستند

بروند او را بگیرند غرق شدند خلاصه تصریح می کند که انجناب
امام دوازدهم است و حی و زنده است و منجمله معترفین انحضرت
ولی الله محمد ابن محمد ابن محمود بخاری معروف بخاجه محمد پارسا
که اهل سنت قبر او را زیارتگاه دانند و نذورات و طلب
حاجات از او دارند خلاصه در کتاب فصل الخطاب خود در
مناقب حضرت مهدی گفته که صاحب الزمان غایب از نظر
خلائق است و موجود در هر زمان است و مجاهده می کند در راه
خدا حق مجاهده و ادراک میکند از زمان انقطار بلاد در زمان او
متیقن است و اصحاب خالص گرفته اند هدایت و طریقه او
را و راه یافتند از حق بسوی تحقیق او و باو ختم شده است خلافت
و امامت از انوقت که پدرش حسن عسکری ع وفات کرده تا روز
قیامت و عیسی ابن مریم نماز می کند بر عقب او و تصدیق می کند
او را و دعوت او و میخواند بسوی او و ملت او که ملت نبی باشد
و منجمله معترفین بوجود امام عصر شیخ عبد الحق دهلوی میباشد
صاحب تصانیف معتبره شایعه در میان اهل سنت مؤلف
کتاب جذب القلوب الی دیار المحبوب که تاریخ مدینه طیبه است
و تاکنون مکرر بطبع رسیده است در رساله مناقب و احوال
ائمه اطهار گفته است ملاحظه نمودم شرح مفصل از احوالات
ابو محمد حسن عسکری روایت می کند و مفصل شرح حال حکیمه
دختر امام محمد تقی جواد را و کیفیت نرجس والده ماجده حضرت
مهدی را که چون نصف شب شد از نصف ماه شعبان سنه ۲۵۵ حکیمه
خواست مرخص از خدمت حسن عسکری ع شود انجناب فرمود

عمه امشب را نزد ما باش و حکیمه توقف نمود و چون وقت فجر شد از
نرجس حضرت مهدی متولد شد بعد کیفیت مولود و ختنه بودن
او و ملاحظه نور عظیم بر روی و مشاهده و بعضی حالات کرامات
آنسرور را نقل میکند مؤلف محض اختصار تحریر ننمودم و میگوید
حکیمه بگرو در آمد و ندید مهدی را گفت ای مولای من امام منتظر چه شد
فرمود حسن عسکری او را سپردم بآنکسیکه مادر حضرت موسی ابن
عمران پسر خود را سپرد ملخص اینکه شرح حال شیخ عبد الحق دهلوی
آنستکه گفته اند علماء عاصر که تصانیف او بصد مجلد رسیده
و از فحول علماء شمرده اند و منجمله کسانیکه اقرار بوجود حضرت
بقیة الله دارند جمال الدین حسینی است مؤلف کتاب روضة الاحباب
در نزد اهل سنت معروف و موثق است و قاضی حسین دیاربکری
و ملا علی قاری و عبد الحق دهلوی و شاه ولی الله و عبد العزیز
دهلوی هر کدام در کتاب خودشان توصیف و تعریف او را می
نمایند که جمال الدین حسینی از مشایخ اجازه است خلاصه جمال
الدین حسینی در کتاب روضة الاحباب نوشته است که امام دوازدهم
مؤتمن محمد ابن الحسن عسکری تولد همایون آن درّ درج ولایت و جوهر
معدن هدایت بنقل اکثر روایات علمای خودمان در نصفه
شعبان سنه ۲۵۵ در سامره اتفاق افتاده و مادر آنعالی گهر ام ولد
بوده و نامیده شده بود بصیقل و یا سوسن و یا نرجس و آن امام
ذوی الاحترام در کنیت و نام با حضرت خیر الانام ص موافقت
دارد و مهدی منتظر و الخلف الصالح و صاحب الزمان در
القاب آنسرور است در وقت پدر بزرگوارش پنجساله بود

منجمله معترفین وجود امام زمان جمال الدین حسینی

که پدرش

که پدرش وفات نمود و حضرت واهب العطایا آن شکوفه گلزار
امامت را مانند یحیی و زکریا در حال طفولیت حکمت کرامت فرمود و
در وقت صبا بمرتبه بلند امامت رسید و صاحب الزمان یعنی
مهدی ع در دوران زمان معتمد خلیفه در سرداب سر من رای
از نظر فرق رعایا و برایا غایب شد و بعد بعضی کیفیات حالات
آنسرور را می نویسد در کتاب خود که صریح است با عقاید شیعه
و اشعاری هم میگوید منجمله اشعار اوست بیت بیا ای امام هدی
شعار که بگذشت حد از غم انتظار ز روی همایون بیفکن
نقاب عیان ساز رخسار چون آفتاب برون آی ز منزل
اختفا نمایان کن آثار مهر و وفا این کلمات اشعار او دلالت
دارد و صریح است بوجود آنحضرت و غیبت آنسرور منجمله
معترفین وجود شریف امام زمان عبد الرحمن صوفی در کتاب
مرآت الاسرار خود تالیف نموده است که ذکر میکنم آن آفتاب
دین و دولت و انهادی جمیع امم و ملت آن قائم مقام پاک احمدی
امام بر حق ابو القاسم محمد الحسن المهدی رضی الله عنه او امام
دوازدهم است از اولاد ائمه اهل بیت رسول الله مادرش ام ولد
بود نرجس نام داشت متولد شد شب جمعه پانزدهم ماه شعبان
سنه ۲۵۵ در سر من رای یعرف سامره و امام دوازدهم در اسم
و کنیت حضرت رسالت پناه ص موافقت دارد و القاب شریفش
مهدی و حجت و قائم و منتظر و صاحب الزمان و خاتم اثنی عشر است او
در وقت وفات پدرش امام حسن عسکری پنجساله بود که بر
مسند امامت نشست چنانچه حضرت یحیی ابن ذکریا در حال

منجمله کسانیکه اعتراف دارند بوجود حضرت حجت الله عبد الرحمن صوفی است

طفولیت حکمت کرامت فرمود و عیسی ابن مریم را در وقت صبا بمرتبه بلند رسانید همچنین این سرور را در صغر سن او را امام گردانید کرامات و خوارق عادات او نه چند است که در این کتاب گنجایش کند و بعد ذکر میکند که والده او نرجس اثر حمل نداشت و معجزات حضرت نقل می کند تا آنکه حکایت رسیدن خدمت آن سرور و اسمعیل هرقلی را مینویسد که خدمت امام زمان رسید دو سر من رای در سنه هفتصد و شفا یافت هاى او و حکایت دیگر از آنحضرت نقل میکند که مؤلف در کتاب تحفه مشروحا نوشته ام مجمله معترفین وجود مقدس حضرت حجة الله شیخ سعد الدین حموی است که در حق امام زمان کتابی تصنیف نموده که امام زمان هر وقت ظاهر شود ولایت مطلقه آشکار گردد و اختلاف مذاهب و ظلم و بدخوئی برطرف شود و تمام ربع مسکون را از ظلم و جور پاک سازد مذهب اسلام تجدید شود و تازه گردد و دجال که مخفی بود ظاهر شود و او را بکشد عیسی که بآسمان رفته بود ظهور مهدی آید و تقدیر الهی آشکار گردد و غرض اینست که معترفین بوجود حضرت حجة الله از علماء اهل سنت و مشایخ و عرفاء و صوفیه ایشان بسیار اند که مرحوم حاجی میرزا حسین نوری در نجم الثاقب و کتاب کشف الاستار تالیف و تصنیف فرموده اند و احقر اغلب آنها را از دو کتاب آنمرحوم نقل نموده ام بعضی را از کتاب دیگران و چنانکه بخواهم احوالات و کلمات هر یک را که معترف بوجود شریف حضرت بقیة الله میباشند در این ورق بنویسم کتاب با حجم خواهد شد

قائلین بوجود امام زمان ... میباشند

بنا علی ذلک بطریق فهرست اسامی ایشان را مینویسم اگر طالب حق خواسته باشد رجوع کند بکتاب تحفه اثنی عشریه که مفصل و مشروح است اسامی اشخاصی که معترف بوجود امام زمان میباشند اشخاص ذیل اند حافظ ابو الفتح محمد ابن ابی الفوارس است و حافظ احمد ابن ابراهیم ابن هاشم الطوسی است و شهاب الدین دولت آبادی است و نظر ابن علی جهفی نصری است و محدث فاضل ملا علی قاری است و قاضی جواد ساباطی است العالم الفاضل فضل ابن روزبهان شارح الشمایل الترمذی است ناصر بالله عباسی از خلفاء میباشد العالم العارف شیخ سلیمان ابن خواجه کلان الحسینی القندوزی البلخی صاحب کتاب ینابیع شیخ احمد جامی است شیخ ابراهیم القادری حلبی است شیخ صلاح الدین صفدی است شیخ عبد الرحمن بسطامی است شیخ عارف عامر ابن عامر البصری است مولوی اکبر مودی است ابو المعالی صدر الدین قونوی ملا جلال الدین رومی صاحب کتاب مثنوی سید نعمت الله ولی سید نسیمی شمس تبریزی سید علی ابن شهاب الدین همدانی شیخ محمد ابن الصبان المصری قاضی زکریا مؤلف گوید قاضی زکریا از رؤساء اهل سنت است حاشیه بر کشاف نوشته است در تفسیر آیه کریمه فنسی ادم فلم نجد له عزما میگوید رافضیه میگویند که مراد از این آیه که حضرت ادم فراموش کرده اند آنرا یا اینکه اقرار بظهور و وجود صاحب الامر نداشت ولیکن ما میگوئیم حق اینست که مراد از این آیه مهدیست و در قصه شجره دم آلهم

مختصری از اسامی جمعی از علماء اهل سنت که معترفین بوجود امام زمان میباشند

صاحب الامر را امام مفترض الطاعه می دانند و در این باب
غلو بسیاری دارند ولیکن ثابتست نزد ما که صاحب الامر عج بعد از
ظهور خواهد نمود چهار نفر از صحابه کبار را چون خلفاء ثلثه
و معویه باشند زنده میکند که از امراء آنحضرت باشند و منجمله
قاضی خرم است که در ذیل حاشیه بر کشاف گفته است که اجماع
جمیع مسلمانان و اهل حل و عقد است که شیخین افضل خلقند
از کجا که مهدی ایشان را زنده کند پس میگوئیم مهدی در این صورت
افضل از شیخین است مؤلف گوید متواتر روایات از خود علماء
عامه نقل شده است که مکرر ابوبکر میگفت اقیلونی اقیلونی فلست
بخیرکم و علی فیکم و میگفته است اتظنون انی اعمل بسنة رسول الله
اذا لا اقوم لها و بروایات اکثر علماء اهل سنت مکرر در مکرر
عمر بن الخطاب هر مسئله که وامیماند و نمیدانست و حضرت امیر
مؤمنان می فرمودند میگفت لولا علی لهلک عمر و حق و صواب همین است
که خلفاء اقرار هر یک ایشان را از روی حقیقت بوده است الانسان
علی نفسه بصیرة و **منجمله** معترفین وجود شریف امام عصر
قاضی جواد ساباطی است که عین عبارت کلام و تالیف او را
ترجمه اکتفا میکنم که در مقام رد نصاری از کتاب اشعیا نقل
کرده است بدانکه میباید از قیس الاسمی شاخه و بروید از عروق
او شاخه و ذرو است که مستقر شود بر او ارواح رب یعنی روح حکمت
و معرفت و روح عدل و روح علم و خشیت خداوند و میگرداند
او را صاحب فکر و وقار و مستقیم پس او حکم نمیکند از روی ظاهر
و مجرد شنیدن و بعد از ابطال قول یهود و نصاری که شرح

قاضی خرم معترف به وجود امام زمان است که مقام فضیلت شیخین اظهار مینماید

منجمله معترف و مقر به وجود امام عصر قاضی جواد ساباطی میباشد

نمبره داده

داده که بباید از قیس الاسمی شاخه شاخه حضرت خاتم الانبیاء است
و بروید از عروق او شاخه که متصف باوصاف مذکوره باشد نص
صریح است در مهدی قائم عج زیرا که مسلمین اتفاق و اجماع دارند
که حضرت مهدی رضی الله عنه صاحب اوصاف مذکوره است
و اوست که حکم نمیکند بمجرد سمع و ظاهر بلکه احکام او تمام از
روی باطن و واقع است و اتفاق نیفتاده از برای هیچیک از انبیا
و رسل و اوصیا هر یک بغیر وجود مهدی که حکم بباطن میکند نه بظاهر
بعد میگوید در خصوص اصحاب ما که اهل سنت و جماعت
میباشند گفته اند که مهدی مردی است از اولاد فاطمه دختر
رسول خدا اسم او اسم محمد است و متولد شده است در سنه ۲۵۵
از جاریه حسن عسکری که نامش نرجس است در سر من رای
زمان معتمد عباسی آنگاه غایب شد یکسال آنگاه ظاهر شد
آنگاه غایب شد و آن غیبت کبری است تا وقتی که خدای تعالی
خواهد ظاهر خواهد نمود مؤلف گوید این جماعت مذکور از علمای
و محدثین و عرفا و صوفیه از جمهور اهل سنت میباشند که همه
آنها معروفین و موثقین و معتمدین همه اهل سنت اند و همه اینها
مقر و معترف بوجود امام زمان میباشند که آن بزرگوار متولد
شده و فرزند امام حسن عسکری میباشد و امام دوازدهم است
و زنده است و غایب است و ظهور خواهد نمود به اوصاف
مذکوره که مطابق با روایات طرفین از مسلمین است پس در
در این صورت با ضمیمه آیات شریفه از قرآن و تفسیر آیات به
وجود شریف حضرت صاحب الزمان از عامه و خاصه روایات

متواتره از طرفین نص مخصوص بوجود مبارک آنحضرت و اخبار
انبیا و کتب و صحایف ایشان نصوص و تخصیصات بوجود اقدس
انور و نقل معترفین بوجود شریف آن بزرگوار با ادله عقلیه
و برهان قاطعه در مقدمات سابق الذکر از برای مسلمان بی
غرض بی مرض خالی از تعصب جای شبهه نیست و علاوه اشخاص
که اعتراف و اقرار دارند بوجود مبارک حضرت بقیة الله که بعضی
خدمت آنحضرت رسیده اند و بعضی معجزات از وجود مبارک امام
زمان مشاهده نموده اند بسیارند و وکلاء آنحضرت در زمان
غیبت صغرای آنحضرت و غیر وکلاء در غیبت کبری الی زماننا
هذا که درک حضور مهر ظهور باهر النور مولای خود را نموده اند
مؤلف در کتاب تحفه اثنی عشریه بسیار نقل نموده ام و در این ورقه بطریق فهرست
اسامی بکر را اکتفا می کنم عثمان ابن سعید عمروی محمد ابن عثمان حاجز بلالی عطار
و از کوفه عاصمی و از اهواز محمد ابن ابراهیم مهزیار و از اهل قم احمد ابن اسحق
و از اهل همدان محمد ابن صالح و از اهل ری بسامی و محمد ابن عبد الله اسدی
و از اهل آذربایجان قاسم ابن علاء و از اهل نیشابور محمد ابن محمد ابن شاذان
اینها وکلا بوده اند و از غیر وکلاء ابو القاسم ابن ابی حابس و ابو عبد الله کندی
و ابو عبد الله جنیدی و هرون قزاز دینلی و ابو القاسم دبیس و ابو عبد الله ابن
فروخ و مسرور طباخ آزاد کرده امام علی النقی و احمد ابن حسن و برادر
محمد و اسحق کاتب و از بنی نوبخت صاحب سیفها و صاحب صره مشهور
و از همدان محمد ابن کشمرد و جعفر همدانی محمد ابن حمدان محمد ابن هارون از
دینور حسن ابن هرون و احمد پسر برادر حسن و ابو الحسن از اصفهان
ابن بادشاله و از صیمره و زیدان و از قم حسن ابن نظر و محمد ابن محمد علی بن محمد

اسامی اشخاص صلحا که معترف اند بوجود امام زمان و در حضور انور مشرف نموده اند

ابن اسحق و پدرش و حسن ابن یعقوب و از اهل ری قاسم بن موسی
و پسر او و ابو محمد ابن هرون و صاحب سنک ریزه و علی بن
محمد و محمد ابن محمد کلینی و ابو جعفر رفوذکر و از قزوین مرداس
و علی ابن احمد و از قابس دو مرد و از شهرزور دو زپسر خالویه و
از فارس مجروح و از مرو صاحب هزار دینار و صاحب مال
و صاحب رقعه سفید و ابو ثابت و از نیشابور محمد بن شعیب
و از یمن فضل ابن یزید و حسن پسر او و جعفری و ابن عجمی
و شمشاطی و از مصر صاحب مولودین و صاحب بمکه
و ابو رجا و از نصیبین محمد بن رجنا و از اهواز حطینی شیخ
حسین ابن روح نوبختی ابی الحسن علی ابن محمد سمری حکیمه خاتون
نسیم خادم ابی نصر طریف کامل ابن ابراهیم بدر خادم
عجوزه قابله احمد بلال ماریه خادمه جاریه او ابو علی خیزرانی
ابو غانم جمعی از اصحاب حضرت عسکری ابو هرون معویة بن
حکیم محمد بن ایوب عمر اهوازی مرد فارسی محمد بن اسمعیل
ابو علی بن مطهر ابراهیم بن عبده نیشابوری خادم او رشیق
ماذرایی با دو نفر ابی عبد الله ابن صالح احمد ابن ابراهیم
جعفر پسر حضرت هادی مرد بی از جلاوزه محمد بن محمد بن خلف
یعقوب ابن منفوس ابو سعید غانم محمد بن شاذان کابلی
عبد الله سوری جعفر همدانی سعد ابن عبد الله قمی ابراهیم
ابن محمد ابن فارس علی ابن ابراهیم ابن مهزیار ابو نعیم انصاری
زیدی ابو علی محمد ابن احمد محمودی علان کلینی ابو الهشیم دیناری
سلیمان بن ابی نعیم ابو جعفر احول همدانی محمد بن ابی القاسم علوی

سی نفر جماعتی که در مسجد الحرام شرفیاب شدند جد ابی الحسن بن
وجناء ابو الادیان محمد ابن عبد الله قمی ابو الحسن محمد بن جعفر
حمیری با جماعتی از اهل قم ابراهیم بن محمد انصاری یوسف بن جعفر ابن احمد ابن عبید الله
هاشمی ابو الحسن عمری یعقوب ابن یوسف ضراب اصفهانی حسن بن عبد الله تمیمی زیدی
ابو سهل اسمعیل ابن علی نوبختی عقیده سبای نوبختی ابراهیم ابن محمد تبریزی بانده
نفر همراهان خادم حسن عسکری و مکه منزل داشت احمد ابن حسن ابن عبد الحمید
عبد الله سفیانی ابو الحسن حسینی محمد بن عباس قصری ابو حسن
و دو مرد مصری ام کلثوم دختر ابی جعفر رسول قمی سنان موصلی
احمد بن حسن حسین بن علی بن محمد بغدادی محمد بن حسن صیرفی
مرد بزاز قمی جعفر ابن احمد حسن بن وطاه در واسط احمد بن ابی
روح ابی الحسن خضر بن محمد ابی جعفر محمد بن احمد ضعیف دینوری
حسن بن الحسین اسباط مرد استرابادی محمد بن حصین
مرد مداینی کاتب علی ابن حسین موسی بن بابویه قمی والد محمد
علجمی ابو غالب احمد بن محمد بن سلیمان حسین بن همدانی احمد بن
سوره محمد بن حسن عبد الله تمیمی ابی طاهر علی بن یحیی رازی
احمد ابن ابراهیم بن مخله محمد بن علی بن اسود آدوی ابو محمد ثمالی
عفیف حامل حرم محمد بن احمد مروزی حسن بن جعفر قزوینی
مرد قاینی ابی القاسم حلبی نضر بن جناح احمد ابن محمد بن
سراج ابو العباس استاد محمد بن احمد بن جعفر قطان حسن
ابن احمد اشعری محمد بن جعفر وکیل مرد انی ابی طالب خادم مرد
مصری مرد ابن علی مردی از اهل ربض ابو الحسن ابن کثیر
محمد بن علی شلمغانی رفیق ابی غالب ضرادی ابن رئیش هرون

بن موسی بن عمران محمد بن یزداد ابو علی نیلی جعفر بن عمرو ابراهیم
بن محمد فرج ابو محمد سروی غزال کنیز موسی بن عیسی ضعیفه
صاحب حقه ابو الحسن احمد ابن محمد ابن محمد بن جابر علما اهل سنت احمد
محمد بن نظر احمد بن ابی صالح پسر خواهر ابی بکر بن نخالی صوری ابن
این جماعت اشخاصی هستند که در کتابها نامهای ایشان و وقایع
ملاقات حضرت و شرفیابی خدمت حضرت حجة الله بتمامه
نقل و درج در کتابها شده که درک حضور مهر ظهور نموده اند
و بعضی معجزات از انحضرت مشاهده نموده اند مفصل و شرح
احوالات این جماعت در کتابها ثبت و ضبط است و قضایا
و حکایات ایشان در کتب اصحاب بر اسانید مختلفه مذکور
و شایع است و حصول تواتر معنوی و تحقیق اثبات وجود فایض
الجود امام زمان و معجزات انحضرت احتمال کذب در جمیع حکایات
و احوالات و کیفیات نمیرود و علاوه خبر دادن عبد المطلب جد
حضرت رسول الله قبل از تولد انحضرت از خواب دیدن او و امر
نمودن عبد المطلب را کندن چاه زمزم در خانه
کعبه که روایت طولانیست غرض اشاره است که عبد المطلب
بر امر الهی چاه را کند تا انکه عمارت حضرت اسمعیل نمایان شد
اعتقاد نمود که بر اب رسیده است بعد دید از یکجا نسخه بوی
بدی وزید که او را ترسانید باز هم ثبات قدم کرد و دیگر کند
تا انکه بخیمه رسید که از ان بوی مشک ساطع گردید چون یکذرع
دیگر کند خواب او را ربود و در خواب دید که مرد بلند دست
خوش روی خوش موی نیکو جامه بر او گفت که باز هم بکن تا غنیمت

خبر دادن عبد المطلب از وجود امام زمان

یابی و انچه بیابی ذخیره منما و صرف خود کن و بدان که طلاها از ان
تو است لیکن شمشیرها از تو نیست بدانکه قدر تو از همه عرب بزرك
تر است و پیغمبر خاتم عرب از صلب تو بیرون اید و وصی و خلیفه
ان پیغمبر هم از تو بهم رسد و هر دو از نسل تو خواهند بود و از صلب تو
دوازده نفر امام خواهند بود و شمشیرها از ایشان خواهد بود
بعد شرحی مفصل در روایتست اوصاف و احوالات پیغمبر
اخر الزمان را میکوید و بعد شرحی و اوصافی از برای نسل دیکر
او که وزیر و امیر و وصی انحضرت است علی ابن ابیطالب ذکر میکند
تا انکه حضرت عبد المطلب از خواب بیدار میشود در امر خواب
خود متحیر و یك شب دیکر چاه را کند شاخها و سرهای اهوی طلا
پیدا شد و سیزده شمشیر چون بیرون اورد دید بر ان شمشیرها نقش است
لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله صاحب الامر خلیفة
الله پس چون عبد المطلب کند که بر اب رسید از چاه بیرون اورد
تا انکه مفصل روایت است که شیطان را بصورت ماری سیاه دید
شمشیر زد دم او را قطع نمود بعد خواست مخالف خواب خود کند
شمشیرها را برد در خانه نصب کند باز هم در خواب دید که خطاب
با و شد شیبة الحمد شکر کن پروردکار خود را زیرا که نام تو بلند
و از نسل تو است فرزندانی که همه خلایق پیروی انها خواهند نمود
و کروهی بسیار از مردان و اطفال را دید که نزد او امدند و کفتند
که ما فرزندان تو هستیم و در اسمان ششم ساکنیم دختری از بنی
مخزوم بکیر و این سیزده دانه شمشیر را بفرزندان ان دختر بده
امانت نزد او باشد و زیاده بر این بیان نمیکنم و بدان یکی از

این

ان شمشیرها از دست تو ناپیدا خواهد شد و در فلان کوه پنهان
خواهد شد و در وقتی ان شمشیر ظاهر خواهد شد که فرزند
سیزدهمی تو که قائم ال محمد است ظهور کند بدست او خواهد بود
پس عبد المطلب از خواب بیدار شد و شمشیرها را همراه داشت
ناکاه یك شمشیر که از همه نازك تر و لطیف تر بود ناپیدا شد و
در کوهی پنهان شد مؤلف کوید این روایت مفصل است در کتاب
تحفه نقل نموده ام غرض انستکه این وقعه هم یکقرن پیش از تولد
حضرت رسول الله واقع شده و شمشیر در کوه ذخیره بجهت حضرت
صاحب الامر است تا وقت معلوم که ظهور ان سرور شود و خدا
عالم است که در چاه زمزم چه قدر زمان بوده که این شمشیرها
ذخیره بوده است خلاصه دیکر حکایت رغیب از اصحاب حضرت عیسی
میباشد که شرح مبسوط مفصل دارد اجمال انکه صاحب کتاب سیر
الصحابه که از مورخین علمای اهل سنت است روایت کرده است
که فتح نهاوند در زمان عمر بن الخطاب واقع شد به سرکردکی
سعد ابن وقاص که رئیس جیش بود و چون لشکر اسلام بکوه ماوند
رسیدند در وقت عصر مؤذن سعد اذان کفت برای نماز عصر
چون مؤذن شروع نمود بکفتن اذان هر یك از فصول اذان را که
میکفت از میان کوه هم صدائی بلند می شد در تکبیر الله اکبر از
میان کوه صدا بلند شد این کلمه میباشد که اهل اسمانها و
زمینها او را میشناسند چون مؤذن کفت اشهد ان محمد رسول
الله از میان کوه صدا بلند شد که شهادت می دهم این نبی امی
عربی میباشد و تصدیق به پیغمبری او دارم مؤذن حیران شد

ادراک امام زمان علیه السلام و از اصحاب [illegible]

کفت صدای ترا میشنوم وشخص ترا نمی بینم قسم داد که از برای
ما ظاهر شو بحق انخدائی که اقرار داری پس انکوه شکافته شد و
از میان کوه شخصی بلند قامت پیدا شد که موی سرش سفید بود
و ریش و مویی بسیار انبوهی داشت مؤذن کفت ایمرد تو کیستی جواب
کفت منم رغیب از اصحاب و انصار و حواریین حضرت عیسی
بن مریم در زمان مسافرت عیسی با او بودم تا باینمکان رسیدیم
بمن فرمود اکر تو حاجت داری از من طلب نمائی از خدا بخواهم
برای تو چون چنین فرمود عرض کردم یا روح الله حاجت
من اینستکه شنیدم از وجود اقدس تو که میفرمودی بعد از انکه
خداوند وجود اقدس ترا باسمان برد و عروج نمودی باسمان بعد از ان
پیغمبر اخر الزمان مبعوث خواهد شد و بعد بشارت دادی که
در اخر الزمان بعد از طول زمانی امام دوازدهم که خلیفه و
امام دوازدهمی بعد از پیغمبر است ظهور خواهد نمود و اوصاف
انحضرت را فرمودی تا انکه توهم از اسمان نازل خواهی شد
با ملئکه و فرمودی که قدمی بزمین بر نمیداری مکر انکه باذن
پیغمبر اخر الزمان خواهی بود و زمین را صاحب الزمان پر از عدل
و قسط و داد خواهد نمود بعد از انکه پر شده باشد از ظلم و جور
و فرمودی که مردکان در زمان او زنده خواهند شد و همه دنیا دین
اسلام خواهد شد یا روح الله از تو سؤال میکنم که از خداوند
بخواهی که مرا زنده بدارد تا وقت ظهور مهدی خاتم الاوصیا
فرزند رسولخدا ص پس حضرت مسیح دست مرا کرفت و فرمود تو
ساکن باش در این کوه خداوند ترا مخفی میدارد از چشم خلایق تا

انکه زمانی که میرسند در اینمکان جیش لشکر اسلامیان تا انکه
همه احوالات ظهور حضرت صاحب الامر را ذکر میکند میکوید
علائم ظهور در انکه قائم ال محمد ص این نوع خواهد بود پیغام مرا
که بعمر بن الخطاب بکو که رغیب صحابه عیسی روح الله کفت شما
اورا دیدید با وصی پیغمبر ص خود علی ابن ابیطالب ع علی را بجا اورده
که احدی از امم سابقه بر این نحو بجا نیاورده بودند اباه با رجال امتی
که با وصی پیغمبر خود چنین مخالفت نموده است بعد از ان ذکر نمود
علامات بسیاری از اثار ظهور حضرت صاحب الامر را مؤلف
کوید راوی مفصل احوالات حضرت صاحب الزمان را ذکر نکرده
است معلوم میشود که این شخص رغیب بسیار علائم ذکر نموده است
و همین صاحب کتاب سیر الصحابه مینویسد پس سعد ابی وقاص
تفصیل این وقعه و کیفیت رغیب اصحاب مسیح از کوه بیرون امدن
تمام کفتکوهای او و پیغام او را بخلیفه می نویسد و چون کتاب سعد
و خط او رسید عمر بن الخطاب بالای منبر رفت و مضمون کتاب
سعد را میخواند برای مردم و کریه بسیاری میکند مردم و مسلمانان
نیز کریه می کنند بعد از ان عمر میکوید قسم بخدا که سعد حق نوشته
در رغیب اصحاب عیسی هم صدق کفته و عیسی ابن مریم هم راست فرموده
زیرا که براین واقعه خبر داد مرا رسولخدا ص پس مردی از جماعت مردم
برخواست و بعمر کفت ملحق بشو بپروردکار خود بتو بر و انا بر حق
را مر اهلش بر کردان مؤلف کوید اینحدیث را عبد القادر شهرزوری
و ابو سفیان دمشقی و ضیاء الدین شافعی در کتاب دلائل النبوه نقل
نموده که در اخر بنویسد عمر متغیر شد از منبر بزیر امد مؤلف کوید

خداوند چگونه را ویان این اخبار را علمای اهل سنت اند مجبور
نموده که از افتضاح رئیس خود را نوشته اند ختم الله علی قلوبهم و علی
سمعهم و علی ابصارهم غشاوة ولهم عذاب عظیم منجمله از کسانی
که قبل از تولد حضرت رسول الله خبر از وجود اقدس امام زمان
داده اند سطیح کاهن است که مرحوم بر سی رحمة الله در کتاب مشارق نقل
کرده است از کعب ابن حرث و مرحوم مجلسی هم می نویسد که اجلان
ملک حاضر نمود سطیح را و گفت خبر ده مرا از اموریکه بعد از این
واقع شود سطیح گفت ای ملک چون اخیار و خوبان نایافت شوند
واشرار و بدان بسیار گردند و تقدیرات الهی را انکار نمایند و چون
اموال و بارهای مردم که حمل و نقل می کنند بدزدی ببرند و مردم
نسبت ببد کاران کوچکی کنند و ترک رحم نمایند و طعام حرام را
مردم شیرین و گوارا شمرند و سخنان مردم اختلاف هم رسانند و عهد
و پیمانها را بشکنند و احترام بزرگان کم شود و ستاره دنباله دار
که عرب را مضطرب کند طلوع نماید و باران منقطع گردد و آبها
بعضی خشک شود و نرخها در اطراف عالم بالا گیرد و اهل بربر
با علمهای زرد در پشت اسبها رو آورده وارد مصر شوند و مردی
از اولاد صخر خروج کند و رایات سیاه را بسرخ بدل نماید و
محرمات را حلال نماید و زنان را در پستانها در آویزند و کوفه را
غارت نمایند و زنان سفید ساق و برهنه که سواران مردوشان اند
و شوهران ایشان را کشته اند در راه بسیار گردند و عجز و درماندگی
ایشان بسیار شود و فروج زنان را حلال نمایند در آن وقت مهدی
نام پسر محمد ظهور کند و این در وقتی باشد که کشته شود مظلومی

خبر دادن سطیح بوجود امام زمان

در مدینه و پسر عمش در حرم پس این امر مخفی ظاهر گردد با علاماتش
موافق شود در آنحال ظالمان رو آورند و اهل روم بیکدیگر حمایت
نمایند و بزرگان ایشان در آیند در آنحال کسوف آفتاب واقع شود
در حالتیکه لشکرها دو صف بسته باشند بعد از آن پادشاهی
از طرف یمن که نامش حسن باشد خروج کند و شدت فتنه ها را
و بر طرف نماید پس بعد از آن ظاهر شود مبارک و هادی و مهدی
که سید علویست و از فضل خدا مردم را فرج دهد و بنور او ظلمتها
برطرف شود و حق بعد از پنهانی آشکار گردد و اموال را بالسویه
با مردم قسمت دهد و شمشیرها در غلاف رود و خون ریزی موقوف
گردد و مردم با خوشحالی زندگانی کنند و با آب فتح صفا گرچشم روزگار
از خس و خاشاک پاک کرده غسل نمایند و بر اهل شهرها
و قریه ها حق واقع گردد در میان مردم ضیافت بسیار شود و با عدالت
خود ضلالت را بر دارد که گویا گمراهی غباری باشد که زایل گردد
آنگاه زمین را پر از عدل و قسط گرداند و روزها با خیر و برکت
کند بعد از آن گفت اینها را که گفتم علم قیامت بدون شک
و ریب واقع خواهد شد مؤلف گوید بمحض عدم تطویل احوالات
سطیح و بودن قبل از تولد حضرت رسول الله و اخبار پیش از
بعثت آنحضرت را مفصل می گوید مؤلف اکتفا نمودم باخبار حضرت
امام عصر ع و تمام اخبارات او مطابق است با اخبار نبوی که بما
رسیده است و این دلیل متقن است بر وجود امام زمان و از آن
جمله خبر دادن آن شخص نصرانی شمعون ابن جمون است که از نسل
حواریین حضرت عیسی ابن مریم شمعون ابن یوحنا بود و روایت

او مفصل است که حضرت امیر مؤمنان از جنگ صفین مراجعت
میفرمودند تفصیل او را سلیم ابن قیس هلالی در کتاب خود روایت
نموده است ماحصل روایت اینستکه شمعون چون بحضرت امیر
سلام میکند و عرض میکند که جدم باملاء حضرت مسیح نوشته است
که در کتابی که نزد من است احوالات پادشاهان که بعد از عیسی
خواهند آمد و بعد مبعوث شدن مردی از عرب از فرزندان اسمعیل
پسر ابرهیم خلیل بعد از آن میگوید احوالات حضرت رسول الله را
و تولد آنحضرت را در مکه و اسم مبارک ایشانرا احمد است و کشاده
چشمان و پیوسته ابرو بالای سر آنحضرت باشد و بعد سیر و سلوک و هجرت
آنسرور را میگوید و مدت حیات آنحضرت را تا آنکه میگوید کیفیت
وقایع بعد از رحلت آنسرور را تا آنکه اولادهای او را میگوید و
احوالات حجت امام عصر را که در آنوقت عیسی از آسمان فرود آید
و در آن کتاب نام سیزده نفر از فرزندان اسمعیل است که ایشان
بهترین خلایق اند بر روی زمین تا آنکه میگوید دشمنی ایشان دشمنی
با خدا است محبت با ایشان محبت با خدا است هر که مطیع ایشان
هدایت یافته است و مخالفت از ایشان گمراهیست و نامهای
هر یک و اوصاف هر یک ایشان را میگوید و مدت زمان زندگانی
هر یک را تا آنکه غیبت خاتم ایشان امام زمان را میگوید که
عیسی در عقب او نماز خواهد خواند و عیسی خواهد گفت که شما
امامان و هادیان و سزاوار نیست که احدی بر شما پیشی گیرد بعد
مفصل احوالات و جلالت پیغمبر را ذکر میکند و بعد ذکر اوصاف
حضرت امیر را مینماید و مقامات عالیه آنسرور را و تقرب آنحضرت

برسولخدا را بعد احوالات یک بیک ائمه را میگوید تا میرسد که
میگوید آنکسی که از ایشان غایب خواهد شد بعد از زمانی ظهور
خواهد نمود و زمین را پر از عدل خواهد کرد بعد از پر شدن ظلم
و کفر و مالک خواهد شد ما بین مشرق و مغرب را تا اینکه بر همه دین
جبابره غالب شود بعد میگوید که چون پیغمبر خدا از رحمت
خدا رود دوازده امام ضلال از قریش دشمن تو خواهند بود یا
علی و دعوای حق تو و فرزندان تو خواهند نمود و ایشانرا از حق خود
محروم خواهند نمود و ایشانرا خواهند ترسانید و نام هر یک امامان
ضلال و مدت پادشاهی ایشانرا مکتوب در کتاب بخط جدم با املاء و
فرموده عیسی ابن مریم است مؤلف گوید از نقل اجمال این روایت
که مقدم و مؤخر و وسط او را عبارات ساقط نمودم غرض خبر دادن
وجود اقدس امام عصر بود که در زمان حضرت امیر ع این شخص
نصرانی خبر میدهد بحضور امیر مؤمنان منجمله نص شهادت دادن
حضرت خضر پیغمبر ع که در اصول کافی روایت کرده از ابی هاشم
داود ابن ابی القاسم الجعفری از حضرت جواد الائمه ع که فرمود داخل
شد امیر المؤمنین ع مسجد الحرام را و با او بود حضرت امام حسن
و تکیه کرده بود بر دست سلیمان ناگاه روآورد بآنحضرت مردی
با هیئت خوشروئی و خوش موئی و لباس نیکوئی پس سلام کرد بر
امیر المؤمنین و نشست و گفت یا امیر المؤمنین از تو سه مسئله
میپرسم اگر جواب مسائل مرا تو دادی یقین دارم که مردم بر تو ظلم
کردند و در دنیا و آخرت خودشان مأمون نیستند آنحضرت فرمود
سؤال کن هر چه میخواهی پس آنمرد عرض کرد مسئله اول اینستکه

روح او بکجا میرود

شخص چون بخواب میرود مسئله دویم آنکه جهت فراموشی ایشان از چیزی و یاد آمدن چه چیز است مسئله سیم جهت شباهت اولاد ایشان بعمو و خالو چیست پس حضرت التفات بجانب امام حسن فرمودند که آنحضرت طفل بودند و کودک که دست او بدست سلیمان و تکیه نموده بود فرمودند یا ابا محمد جواب مسائل برادرم را بده پس حضرت حسن ع فرمود ای مرد اما سوال نمودی انسان چون بخواب میرود روح او بکجا میرود پس بدان که روح او بخته است بباد و باد او بخته است بر هواء و چون انسان بخواب میرود جذب کند هواء باد را و باد روح را تا وقتیکه انسان از جانب خدا بیدار شود پس اگر اراده کند خدا بعود آن روح بصاحبش پس جذب کند روح باد را و باد هوا را داخل بدن او کند و اگر اراده خدا تعلق بعود آن روح نگرفت پس روح او در هوا بماند و برنگردد تا روز قیامت و اما سوال نمودی از فراموش کردن چیزی و بعد بیاد و نظر آمدن آنچیز ای مرد بدانکه قلب انسان در حقه ایست و بر روی حقه طبقی است و سرپوشی میباشد و صاحب قلب نسیان پیدا کند اگر چنانچه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد پس بدانکه آن سرپوش از روی حقه برداشته میشود و بخاطر او خواهد آمد چیزی را که فراموش نموده است اما سوال سیم سوال کردی از جهت شباهت اولاد بعمو یا خالو پس بدانکه اگر جمع شود مردی با عیال خودش در حالتیکه قلب او ساکن و بدن او مضطرب نباشد قرار میگیرد آن نطفه در رحم مادر پس اولاد مثل پدر او شبیه بپدر و مادرش و اگر جمع شود با عیال خود بقلب متحرک و مضطرب و بدن مرتعش پس آن نطفه در رحم مادر مضطرب خواهد شد پس

اگر واقع شود بعرق عموی خود شبیه بعموی خود شود و اگر واقع شود بعرق خالوی خود آن طفل شبیه بخالوی خود شود آن طفل پس آن مرد جواب سه مسئله را که شنید گفت انک وصی رسول الله والقائم بالحجه و ثانیم بر این شهادت پس اشاره نمود بجانب امام حسن ع و گفت اشهد انک وصی ابیه و القائم بالحجه بعده و اشهد ان الحسین وصی ابیه و القائم بحجته بعدک و اشهد علی علی ابن الحسین انه القائم بامر الحسین ع بعده و اشهد علی محمد بن علی انه القائم بامر علی ابن الحسین و اشهد علی جعفر ابن محمد انه القائم بامر محمد ابن علی و اشهد علی موسی ابن جعفر انه القائم بامر جعفر ابن محمد و اشهد علی علی ابن موسی و انه القائم بامر موسی ابن جعفر و اشهد علی محمد ابن علی انه القائم بامر علی ابن موسی و اشهد علی علی ابن محمد و انه القائم بامر محمد ابن علی و اشهد علی حسن ابن علی و انه القائم بامر علی ابن موسی و اشهد علی رجل من ولد الحسن و لا یکنی و لا یسمی حتی تظهر فیملأ الارض عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا و السلام علیکم یا اهل بیت النبوه و رحمه الله و برکاته و برخواست و حرکت نمود و رفت پس حضرت امیر مومنان ع فرمود ای فرزند حسن برخیز برو بعقب این مرد و ملاحظه کن بکجا خواهد رفت پس حضرت امام حسن تعاقب نمود رفت و برگشت و عرض کرد ای پدر بزرگوار این مرد چون پای خود را از مسجد بیرون گذارد از نظرم غایب شد و بهیچ طرف نرفت حضرت امیر ع فرمود ای فرزند یا ابا محمد نشناختی او را عرض کرد خدا و رسول الله و خلیفه و امیر مومنان داناترند حضرت فرمود ای فرزند یا ابا محمد نشناختی او را عرض

عرض کرد خدا و رسول الله و خلیفه امیر مؤمنان دانا ترند حضرت فرمودند که حضرت پیغمبر بود که شهادت بحق امامت من و تو و برادرت و نه نفر فرزندان برادرت داد که هر یک از ایشان قائم بحجه زمان خود شان می باشند و شهادت بفرزندم حجت عصر داد که زمین را پر از عدل خواهد نمود بعد از انکه پر شده باشد از ظلم مؤلف گوید با کثرت اختلال و عدم توفق خود اثبات وجود شریف خاتم الاوصیا و الائمه صاحب الزمان و امام العصر حجة الله و خلیفة الله فی السموات و الارضین مولنا القائم الغائب المنتظر محمد بن الحسن العسکری صلوات الله علیهما و طول حیات و غیبت انسرور را نمودم از کتاب اسمانی توریة و انجیل و زبور و فرقان عظیم و اقوال انبیا و صحایف ایشان که خبر داده اند بوجود شریف انحضرت و اخبار قبل از تولد حضرت رسول الله خاتم الانبیاء صلعم و خبر دادن عبد المطلب و سطیح و اخبار متواتره متکاثره از حضرت رسول الله صلعم در کتابهای همه امت از عامه و خاصه و خبر دادن نصاری و یهودان در حضور حضرت سید کاینات و خبر دادن رغیب حواریین عیسی در خلافت عمر بن الخطاب و خبر دادن حضرت خضر در حضور امیر مؤمنان هر یک از اخبار مذکوره صراحت دارد بر امامت و وجود فایض الجود ساطع النور حضرت مهدی امام عصر عم و علاوه اقوال جمیع مخالفین که قایل بوجود شریف انحضرت می باشند با انضمام مقدمات و بیانات کافی و دلایل عقل و نقل که در این رساله متجره اقوال علماء اهل سنت نقل نمودم و نقل اقوال خاصه ذکر ننمودم مخصر انکه حجت قاطع و واضح بوده باشد و خصم و مخالفین

که شهادت می نمایند یا انکار میکنند که دیگر جای شبهه انکار نباشد از برای هر متعصب عنود لجوج و حمد و ثنا میکویم خالق متعال جل شانه را و کویم الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیر المؤمنین و اولاده سیما مولانا و سیدنا صاحب العصر و الزمان صلوة الله علیهم اجمعین پس بعد از این بیانات شبابیه کانیر شمایل و جود اقدس انحضرت را و خصایص امام زمان سلام الله علیه که شیعیان و محبان و منتظران معرفت ایشان کامل باشد بر امام زمان خود که لیلا و نهارا دائما مترصد بوده و انتظار فرج داشته باشند و اشک حسرت بریزند و از حضرت وهاب بی منت و فیاض بی خلت مسئلت تعجیل ظهور موفور السرور مولا و اقای خود را بنمایند در صحف ابراهیم صاحب خوانند و در زبور سید هم قائم است و در توریة بلغت ترکوم قیدمو و در توریة عبرانی ماشع است و در انجیل مهمید اخر در کتاب فرهکان مسیح الزمان و در کتاب زمزم زردشت شروش ایزد و در کتاب السیاق زند یازند بهرام امتا بعض زند پازند بنده یزدانیت که ترجمان عبد الله است در کتاب هزار نامه هندیان لندبطاوا و در کتاب ارماطس شماخیل است و در کتاب جاویدان خوانند و در کتاب کندرال فرنکیان خجسته و در کتاب مجوس خسرو و در کتاب شامکونی خدا شناس و در کتاب شعیای پیغمبر فیروز است و در کتاب اثوری پیغمبر میزان الحق و در کتاب بخشاد رکوکمات است و در کتاب برزین اذر فارسیان پرویز است و در کتاب فروس رومیان فردوس الاکبر است و در صحیفه اسمانی کلمة الحق و لسان صدق است و در کتاب بکندال صمصام الاکبر است

و دیگران عجم حضرت را کیقباد دوم خوانند فارسیان او را ایزد شناس و ایزد نشان گویند فادریا تنکل راه نما خوانند و در کتاب مار قین زند و قرین خوانند و در کتاب شامکون اپستا خدا شناس است و در کتاب دید براهم منصور نامند و در کتاب پرلسوموفا قائم خوانند و در کتاب دو هر بقیة الله و در کتاب قطره قاطع است و در کتاب انکلیون برهان الله و در قرآن مجید خداوند خطاب فرموده است اول سوره های قرآنی بلفظ قسم یاد کرده است — مثل و النجم و العصر و الفجر و اسم مبارک آنحضرت نهی شده است گفته شود بر اسم جد بزرگوارشان میباشد و القاب آنحضرت است حجة الله و بقیة الله و ولی الله و صاحب الزمان و قائم و مهدی و هادی و غایب و منتظر و غریم و حجب و منصور و خلف صالح و صاحب الامر و حافظ دین الله و صاحب العصر و امیر الامره و اذن سامعه و سر معطله یعنی امام که غایب شده است و باسط امت و بقیة الانبیاء و تالی و تابید و تمام و ثائر که مطالبه خون انبیاء و جدش حضرت حسین را بنماید و جمعه و جابر و جنب الله و حجت و جوار الکنس و حق دولتیست قل جاء الحق و دولت حقه است و حجاب و حمد و حامد و حاشر و خاتم الاوصیاء و خاتم الائمه و خازن و خلف و خنس و خلیفة الله و خلیفة الاتقیا و دابة الارض و داعی که در زیارت السلام علیک یا داعی الله گویند و رب الارض و سلطان المامول و سدرة المنتهی و ساعت و سید و شماطیل و صاحب الرجعه

و القاب و نام امام زمان علیه السلام

و صاحب الدار و صاحب الناحیه و صاحب الکرة البیضاء و صاحب الدولة الزهراء صمصام الاکبر و صبح مسفر و صدق و صراط و ضیاء ضحی و طالب التراث و قرة عین و غریم و غوث و غایة الطالبین و غایة القصوی و غوث الوری و فرج المؤمنین و فرج الاعظم و فتح و قابض و قسط و قیم و عدل و قوه و قیم الزمان و قاطع و کاشف الغطا و کمال و کلمة الحق و لواء اعظم و لسان صدق و فرقان الحق و کنیه حضرت حجة بن الحسن است و ابو القاسم - و ابو عبد الله و ابو جعفر و ابو محمد و ابو ابراهیم و ابو صالح و شمایل حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه از کتاب شیخ صدوق علیه الرحمه خبر نبوی صلعم ترجمه عبارت آن که حضرت فرموده اند مهدی فرزندم اشبه خلق است بمن در خلقت و خلق و شمایل و در روایتی فرموده است شبیه بمن و شبیه بحضرت موسی ابن عمران است و در روایت اهل سنت که فرموده است مهدی شبیه بحضرت عیسی ابن مریم است و اخبار در شمائل حضرت حجة ابن الحسن علیهما السلم اینست که بروایت علوی ع فرموده اند رنگ چهره سفید که بسرخی با و زردی باشند و در روایت حضرت صادق ع گندم گون که زردی از بیداری شب ظاهر شود ایضاً روایت علوی اینکه آنحضرت نیکو روی و نور رخسارش چنان درخشان است که مستولی شده بر سیاهی ریش و بروایت نبوی چهره مبارکش در صفا و بی عیبی مانند اشرفیست رخساره اش چون ماه درخشانست و بروایت نبوی ص مهدی طاوس اهل جنتست و بر طرف راست

و شبیه بحضرت صاحب الامر عج

و شمائل و وجود اقدس امام زمان عج

او خالی است سیاه که پنداری ستاره ایست درخشان و سر مبارک
آنحضرت مدور است و در روایت حضرت صادق ع است سر مبارک
او علامتی دارد و پیشانیش روشن میباشد و در روایت نبوی
آنکه پیشانیش پهن است روایت علوی ع است نیکو میباشد و
موهایش بر کتف مبارکش ریخته است و مثل الف در میان
دو واوین باشد موی سر مبارکش فاصله دارد از دو طرف و در روایت
حضرت باقر ع است میان دو ابرویش بلند است و میان دو
ابرویش گشاده است و چشمهای مبارکش گشاده و سیاه است و در روایت باقر ع
چشمهای مبارکش برآمدگی ندارد و در روایت صادق ع بینی مبارکش باریک و
دراز است روایت علوی که دندانهایش گشاده است و ریش مبارکش انبوه
و چشمهای مبارکش سرمه گون و گوشت روی مبارکش کم است و در روایت حضرت باقر ع
سینه مبارکش پهن است و کتفهای مبارکش فروهشته و میان آن پهن است و در روایت
علوی است استخوان سر کتف شریفش بزرگ است و در پشت مبارکش دو نشان
و دو علامت یکی به رنگ بدن شریفش و یکی علامتی که در کتف پیغمبر خدا بود
و در روایت علوی است که در کتف مبارکش علامت نبوی بود که
مهر نبوت گویند و در روایت علوی ع است شکم مبارکش بزرگ
و پهن است و در روایت صادق ع است ساق مبارکش باریک و
شکم و ساق پایش شبیه بجدش امیرالمؤمنین ع است و قامت
شریفش نه بلند و نه کوتاه است قامتش معتدل است و کف دست
مبارکش زبر و غلیظ و زانوهایش بزرگ است مؤلف گوید این
اجمالی بود که شمایل موزون نقطه دایره امکان حجة الله فی السموات
والارضین از اخبار و روایات بعرض اخوان دینی خود ذکر

و نقل نمودم ولی چگونه تواند شرح دهد احقر عاصی شمایل شریفی
را که خلاق عالم و مصور بنی آدم در خزینه قدرت کامله خود مخزون
کرده است و چنان عظمت و بزرگی و شئونات بوجود مبارک آنحضرت
عطا فرموده است که این چشمهای رمد دیده ناقابل معصیت کار نتوانند
تصور جمال عدیم المثال مولای خود نماید چگونه تواند وصف کند
چیزی را که عقول عاجز است و حقیقة معنی فتبارک الله احسن الخالقین
است که خداوند عزت عقد عزت و جلالت و عظمت را بر قامت
وجود شریف موزون آنسرور بسته است که کسی را یارای تقریر حقیقت
شمایل آن بزرگوار نیست بغیر آنچه آباء طاهرین آنحضرت فرموده اند
چنانکه احدی را یارای وصف نمودن شمایل جد بزرگوارش
حضرت رسول الله نبوده و نیست و با آنکه شمایل حقیقی آنحضرت
مشاهده کند کذلک فرزندش حضرت مهدی صلی الله علیه
و علی آبائه نتوان وصف نمود چگونه وصف اقدس آن
حضرت را بنماید کسیکه معرفت بآنسرور ندارد وصفا و
و کیفیت اجلال و بزرگی او و تقرب او عند الله بسیار است
چه از ابتداء نور آنسرور که انبیاء مثل حضرت آدم و حضرت
ابراهیم و حضرت رسول الله مشاهده نمودند و چه اخبارات که
انبیاء بوجود اقدس آنحضرت بیان نموده اند اما در خصوص خصایص
وجود اقدس امام زمان نسبت بخصایص جمیع انبیا و اولیا
و اصفیا گذشته بلکه بعضی خصایص وجود اقدس او نسبت
به آباء کرام و اجداد طاهرینش هم تخصیص دارد یعنی در تخصیصات
امامت مشترک میباشد در اوصافی که در امامت سابقا ذکر شد

لیکن شرح وبیان تخصیصات امام عصر عجّل الله فرجه بسیار است
علاوه بر اشتراک امامت وخصایص امامت با آباء عظام خودشان
زیراکه وجود مبارک آنسرور نتیجه خدمات جمیع پیغمبران و رسولان
وحجت های خداوند رحمن است وانتقام کشنده ظالمین وقاتلین
هریک پیغمبران میباشد ومعلوم است چنین ریاست کبری که حق
سبحانه وتعالی در خزینه قدرت کامله خود مخزون وتهیه نموده و
بهمه انبیاء از حضرت آدم ابو البشر تا خاتم الانبیاء ص خبر داده
وبشارت این وجود شریف را داده که چنین شخص معظم وگوهر
یکانه در خزینه کامله عظمت وکبریائی خود ذخیره نموده ام که در آخر
دور کارها و دنیا که انبیا و رسل و اوصیاء ایشان تبلیغ و
ارشاد وانذار واهداء خود فارغ شده اند وکفر ونفاق وظلمت
عالم را گرفت ومعصیت ومخالفت وحرج ومرج وظلم وجور عالم را
فرو گرفت این وجود شریف اختیار نموده خود را اظاهر نموده وحق را به
وجود او برپا میکنم ودنیا را بوجود اقدس او منزّه ومبرا از کفر و
جهالت وضلالت مینمایم واسم خود را بر روی زمین بلند
میکنم وهمه مخلوق خود را بوجود او وادار و موحد میکردانم که همه خلایق
پرستش مرا نمایند وشریک برای من ندانند پس مؤلف گوید نتیجه
خدمات جمیع حجت های خدا ظاهر سازد واین شغل عظیم و
خدمت بزرک را در خود انقامت اعلی خواسته واین موهبت کبری
موکول بوجود اقدس حجة الله وخلیفة الله وبقیة الله امام العصر
والزمان مقرر فرموده است پس معلوم است مقدار کم وکیف وقدر
ومنزلت وجاه وجلال وشأن وداجز خدائی که او را اعطا فرموده است

وامتیاز

وامتیازات واختصاصات داده است که کسی نتواند احصا نماید زیراکه اول امتیازات واختصاص
نور ظلّ وشبح آنحضرتست در عالم اظلّه بین انوار ائمّه طاهرین ع که ممتاز است
از انوار انبیاء ومرسلین وملئکه مقرّبین چنانکه از اخبار رسول ص
جمله در این رساله سبق الذکر شد وروایات اهل سنّت وشیعه
متواتر ومتکاثر است در جمیع کتابهای علماء محدّثین فریقین جناب
معراج حضرت رسول الله ونظر نمودن حضرت ابراهیم مذکور
شد که در عالم اظلّه نور وجود اقدس آنحضرت میان انوار ائمه
آباء راشدین آنحضرت اختصاصی داشته است روایتی چنان
درخشنده بود نور مهدی مثل ستاره درخشنده در روایتی فرموده اند
مهدی را دیدم آخر اوصیاء خود میان آب تنکی از نور بود که ایستاده
بود نماز میخواند وچنان می درخشید که گویا کوکب درخشنده بود
مختصر روایات بسیار است در خصوص وجود اقدس او ونور وجود
آنحضرت   دوّم اختصاص وجود اقدس آنحضرت من حیث
الشّرف والنسب که اکمل واتم بود نسبت با آباء کرام خود که یازده
نفر از ائمه معصومین پدران آن بزرگوار بودند واو خاتم الاوصیا
بود وعلاوه رسیدن نسبش از طرف مادر بقیاصره روم ومنتهی
نسب شریفش از جانب مادر بجناب شمعون الصّفا وصیّ حضرت
عیسی میباشند پس داخل شود سلسله بسیاری از انبیاء واوصیا
که شمعون بآنها میرسد سیم از خصایص آنحضرت است که بر حسب
روایات بردن آنسرور را بسرادق وسراپرده عرش الهی وخطاب
حق سبحانه وتعالی باو که مرحبا بتو ای بنده من برای نصرت دین من
واظهار امر من ومهدی بندکان من قسم خورده ام که بتو بگیرم

دوم: اختصاص وجود امام زمان

سوم: بعض خصایص امام عصر

وبتو بدهم وبتو بیامرزم وبتو عذاب کنم تا اخر حدیث چهارم از خصایص
آنحضرت که برای آنسرور در بیت الحمد است خانه ئیست که در آن
چراغی میباشد همیشه روشن است از روز تولدش تا روز ظهورش
خاموش نمیشود بر حسب روایت حضرت باقر ع پنجم از خصایص
آنسرور است که جمع شده اسم مبارک سید کاینات با کنیه آن
که از حضرت رسول نهی رسیده بغیر وجود اقدس این حضرت ششم
از خصایص آنحضرت است که نهی شده که باسم مبارک خوانده شوند
در زمان غیبت از روایات متعدده هفتم آنکه امامت و خلافت
بر روی زمین ختم شده بوجود اقدس آنسرور هشتم خصایص آن
حضرت است که از روز ولادت آنسرور سپرده شدند بروح
القدس و تربیت شدن در عالم نور و فضای قدس که هیچ جزوی
از وجود اقدس ملبث و ملوث بکثافت بنی ادم نشده و مؤانست
و مجالست آنسرور با ملاء اعلی و ارواح قدسیه بوده است نهم
از خصایص آنحضرت معاشرت ننمودن آنسرور با کفار و فجار
و خلفاء جور و زوجه اختیار نکردن آنحضرت از این جماعت
و تقیه ننمودن و نماز بر انها نخواندن و طبیعت از انها ننمودن
بهیچوجه من الوجوه ابدا دهم از خصایص آنسرور است که
علامت مهر نبوت و ختم وصایت در پشت کتف آنسرور است
~~یازدهم از خصایص آنحضرت است ذکر القاب متعدده او در~~
~~صحف سماوی و کتابهای اسمانی که نقل انهم محلست یازدهم~~
از خصایص آنسرور است ذکر القاب متعدده او در صحف سماویه
و تعم در کتاب های اسمانی توریه و انجیل و زبور و صحایف

چهارم خصایص حضرت حجت صاحب الامر ع
پنجم تخصیصات آنسرور
ششم تخصیصات حضرت حجت ع
هفتم تخصیص آنسرور
هشتم تخصیصات آنحضرت

وذکر علائم ظهور آنسرور را نموده است دوازدهم صیحه اسمانی
مقارن ظهور آنحضرت باسم مبارک آنسرور که ای مردم امیر و مهدی
قائم است ظاهر شد چنانکه حضرت صادق فرمودند که ایسمعون یوم
یسمعون الصیحه بالحق ذلک یوم الخروج که همه مردمان بزبان خودشان
ندا را میشنوند و حضرت باقر فرمودند ندای باسم قائم از اسمان
را از مشرق تا مغرب هر که خواب باشد بیدار میشود و همه خلایق
میشنوند و آن صدا از جبرئیل است و از محتومات است ندای
اسمانی زمان ظهور آنسرور سیزدهم خصایص وجود اقدس
اوست افتادن افلاک از سرعت و سیر و بطوء حرکت انها چنانکه
شیخ مفید از ابی بصیر روایت می کند که حضرت باقر ع فرمود در
سیر و سلوک حضرت قائم ع تا آنکه فرمود پس در زمان میکند
بعد از ظهور سلطنت روی زمین هفت سال که مقدار هر سالی
ده سال از سالهای ماها میباشد و فرمودند که امر میکنید
فلک را بدرنگ و بطوء حرکت خورشید و ماه و کواکب بر خلاف
قول زنادقه و حال آنکه پیغمبر ماه را بدو نیم فرمود و افتاب برگردید
بر یوشع ابن نون و خبر داده خدا از روز قیامت هر روز هزار سال آن
مؤلف گوید اخبار بسیار است زمان حضرت حجت امام زمان
که فلک در ظهور آنسرور بطی حرکت می کند و ماه ده ماه و سال
ده سال است چهاردهم خصایص آنحضرت قران که جدش
امیر المومنین جمع نموده است خواهد آورد و احکام الهی را مطابق
ان قران جاری می کند و روایتست از حضرت امیر المومنین ع
که فرمودند می بینم و گویا نظر می کنم بسوی شیعیان در ظهور فرزندم

نهم تخصیصات امام زمان
دهم تخصیص آنحضرت
یازدهم تخصیص آنحضرت
دوازدهم تخصیص آنحضرت سیزدهم
چهاردهم تخصیصات آنحضرت

که در مسجد کوفه خیمه ها برپا کرده اند و تعلیم می کنند مردم را بقرآن بر
نحویکه نازل شده بر پیغمبر خدا و اخبار در این باب بسیار است

پانزدهم خصوصیت امام عصر ع

پانزدهم خصایص آنحضرت سایه انداختن ابر سفید پیوسته و
همیشه بر سر مبارک آنسرور است چنانکه در کتاب های اسمانی ذکر
شده است و کتب علماء اهل سنت است در کفایة الاثر و بیان
گنجی و مناقب ابونعیم حافظ و کتاب ملاحم و عقد الدرر و فردوس
ابن شیرویه و ابوالعلاء در فتن و غیرهم هم نقل نموده اند ندای
اسمانی را بر اسم حضرت و ابر سفید بالای سر آن بزرگوار شانزدهم

شانزدهم خصایص آنحضرت

خصایص آنسرور این استکه ملئکه و جن در عسکر و جیش آنحضرت
در رکاب او حاضرند چنانکه اخبار از حضرت صادق ع است
مابین کوفه و نجف برای نصرت حضرت قائم چهل و شش هزار ملئکه
و شش هزار از جن در رکاب همایون آنسرور حاضر میشوند و روایت
دیگر سیزده هزار و سیصد و سیزده ملک حاضر رکاب آنسرورند

هفدهم خصایص حضرت حجة

و اینها ملئکه هستند که با حضرت نوح نبی در کشتی بودند و با
ابراهیم هنگام دخول او در آتش بودند و با عیسی ابن مریم بودند
زمانیکه بر آسمان رفت و دیگر ملئکه مسومین اند که با عمامه
زرد با پیغمبر بودند حاضر میشوند چهار هزار اند و ملئکه مردفین
اند سیصد و سیزده نفر ملک اند و چهار هزار ملک اند که بنصرت
حضرت ابی عبدالله الحسین بکربلا آمدند و در نزد قبر آنحضرت همیشه
گریه می کنند تا حضرت قائم ع ظهور فرماید در رکاب آنسرورند
هفدهم خصایص آنسرور است زنده شدن بعضی مردگان از
خوبان و بدان عالم در کتب انبیا سلف مذکور و نقل شده و اخبار

بسیاری هم میباشد منجمله شیخ مفید نقل کرده است که بیست و هفت نفر
از قوم موسی ابن عمران و هفت نفر اصحاب کهف و دیگر یوشع ابن نون و از
اصحاب حضرت رسول الله سلمان و ابودجانه انصاری و مقداد
و مالک اشتر اصحاب حضرت امیر ع و روایت دیگر از ظهر کوفه که نجف

هجدهم خصوصیت آنحضرت

باشد خداوند بعد از ظهور حضرت قائم ع هفتاد هزار صدیق مبعوث میشوند
صدای آنسرور را او زنده شده اصحاب و انصار او خواهند شد هجدهم
خصایص آنحضرت بیرون انداختن زمین گنجهای خود را و ظاهر شدن
جمیع معادن و جواهرات خاصه و عامه نقل نموده اند نوزدهم خصایص
آنحضرت که مزاج و قوآء و اعضاء آنحضرت که تاکنون هزار و هشتاد

خصایص مخصوصه نوزدهم

سال است و تا چه قدر که خدا داند طول عمر کند ابداً گردش لیل و
نهار و سیر فلک دوار و طول زمان عمر آنسرور علیه السلام را تصرف
در صورت و حالت و بنیه و قوه وجود نازنین آنسرور نخواهد نمود
که در اخبار متواتره است آنحضرت ظاهر خواهد شد بصورت مرد
چهل ساله و در بعضی اخبار به صورت مرد جوانی ظاهر خواهد

خصایص بیستم حجة ع

شد بیستم خصایص آنسرور است که در زمان ظهور او گرگ با
گوسفند حیوانات سبع درنده با کلاب و بزغاله و غیره الفت
انداخته و الف باهم میخورند و وحشت و نفرت از میان ایشان
میرود چنانکه در کتب و صحایف انبیا سلف است و اخبار
بسیار هم نقل شده است علاوه اخبار است که اطفال با مار و
عقرب بازی می کنند و اذیت بانها نمیکنند حیوانات موذی و حیوانات

خصایص بیست و یکم آنسرور

و طیور احادیث است که منقاد اصحاب حضرت قائم خواهند شد
بیست و یکم آنکه زیاد شدن باران و رویدن گیاهان در دریا

شدن نباتات و انواع میوه‌های درختان و انواع نعمتها بنوعی
زیاد شود که هرگز زمان از برای مردم چنین فراوان نعمت نبوده
است بیست و دویم خصایص وجود حضرتست که عقول مردم
تکمیل خواهد شد که آنحضرت دست مبارک بر سر مردم میگذارند
عقل ایشان زیاد میشود و کینه و حسد از میان ایشان می رود
و دشمنی و صفات ذمیمه بدست مبارک آنحضرت برطرف
میشود بیست و سیم آنکه بظهور حضرت برحسب حدیث از
حضرت امیرالمؤمنین علم قذف میشود در دلهای مؤمنین
پس محتاج نمیشود هیچ مؤمنی بعلمی که در نزد برادر اوست و در آن
وقت ظاهر میشود تاویل آیه شریفه یغن الله کلا من سعته بیست
و چهارم خصایص آنکه اصحاب آنسرور قوت خارج از عادات
در گوش و چشمهای اعضای ایشانست بنوعی که هر یک مرد
ضعیف قوت چندین شجاع هم رساند و چشم و گوش هر شخصی بقدر چهار
فرسخ می بیند می شنود که حدیث از حضرت صادق ع است
بیست و پنجم آنکه بحسب اخبار و احادیث خلایق زندگانی
و تعیش مینمایند مثل زندگانی ملوک و پادشاهان و در
ناز و نعمت الهی میباشند و جمیع شبهات و آفتها و بلاها
از ایشان رفع شده است مجملی از خصایص وجود اقدس حضرت
بقیة الله را مؤلف در این رساله نقل نمود و خصایص وجود
اقدس آنحضرت بسیار است و بدانکه علائم ظهور حضرت صاحب
الامر بسیار است که در کتاب تحفه اثنی عشریه بسیاری را نقل
نموده ام و در این رساله اگر موفق شوم بعضی از علائم ظهور را

خصوصیت بیست و دوم
خصوصیت بیست و سیم
خصوصیت بیست و چهارم
خصوصیت بیست و پنجم

خواهم تحریر نمود انشاء الله تعالی فصل سیم در ثواب فضیلت
منتظر فرج بودن زمان غیبت و بیان چیزهائی که در زمان
غیبت شیعیان را سزاوار است که دارا بوده باشند که در حقیقت
منتظرین فرج آقای و مولای خود بوده باشند حدیث اول مجلسی ره
در سیزدهم بحار نقل کرده از شیخ صدوق ره در خصال در حدیث
الخمس ذکر نموده که حضرت صادق فرمودند که در این امت و
شیعه ایشان کسی باشد که ورع و عفت و صلاحیت داشته
باشد و آن انتظار فرج بودن است حدیث دویم شیخ مذکور در
کتاب عیون بسه سند از حضرت رضا ع روایت کرده که آن حضرت از
پدرانش روایت نموده است که رسولخدا فرمود که بهترین عملهای
امت من منتظر بودن است برسیدن فرج از جانب خدای تعالی
حدیث سیم در کتاب خرایج از ابی حمزه ثمالی و او از ابی
خالد کابلی و او از امام زین العابدین ع روایت نموده است که آن
حضرت فرمودند یا ابا خالد بدرستیکه غیبت ولی خدا امام
دوازدهم که او وصی رسولخدا ص و وصی سایر ائمه است بعد از
رسولخدا ص امتداد می یابد یا ابا خالد بدرستیکه اهل زمان
غیبت او که قائل اند بر امامت او و ظهور شر امنتظرند از اهل
هر زمانها افضل اند زیرا که خدای تعالی از عقل و فهم و معرفت
آنقدر بر ایشان داده است که زمان غیبت در زمان ایشان
بمنزله زمان حضور مشاهده کردیده و گردانیده ایشان را در این
زمان بمنزله کسانی می باشند که در پیش روی حضرت رسول
خدا ص بشمشیر جهاد کرده اند ایشانند مخلصان حقیقی

فضیلت منتظرین فرج امام زمان ع
حدیث اول
فضیلت منتظرین

وشیعیان ما که متشیع صدق وصفا دارند وایشان دعوت کنند کان خلایق اند بدین خدا در پنهانی واشکارا و منتظر فرج بودن بزرگتر فرجیست **حدیث چهارم** شیخ صدوق در علل الشرایع وجامع الاخبار از مظفر علوی باسناد تا برسد بابی بصیر روایت کرده که حضرت صادق فرمودند که طوبی طوبی لهر کسیرا که در ایام غیبت قائم ما بر امر ما چنگ زند ودلش بعد از هدایت یافتن از ما بر نگردد یعنی منتظر فرج آل محمد بوده باشد عرض کردیم فدای تو شوم طوبی چیست فرمودند که درختی است در بهشت که بیخش در خانه علی ابن ابیطالب ع است وهیچ مؤمنی نیست مگر انکه شاخی از شاخهای ان درخت در قصر وی می باشد اینست معنی قول خدای تع‍ طوبی لهم وحسن مآب **حدیث پنجم** از کتاب مذکور مجلسی نقل میکند از ابن عبدوس بر اسناد خود تا انحضرت باقر ع و او از اباء کرام خود روایت نموده است که حضرت رسولخدا فرمود که انتظار فرج از سایر عبادات افضل است **حدیث ششم** در کتاب مذکور باسناد خودش تا منتهی میشود بحماد بن عمرو که او از حضرت صادق ع وان حضرت نیز از پدرانش روایت فرموده که رسولخدا بعلی ع فرمودند که یا علی بدان کسانی که یقین ایشان درخصوص عقاید دینیه بیشتر است قومی الله که در اخر الزمان باشند ایشان چنانند که پیغمبر را نمی بینند و حجت خدا هم از ایشان غائب میشود با وجود این بمحض دیدن سیاهی در روی سفیدی یعنی بمحض دیدن ایات واحادیث که در کتابها که نوشته شده ایمان می اورند **حدیث هفتم**

ونیز در کتاب مذکور از همدانی از علی او از پدرش او از لسطا ابن مره او از عمر بن ثابت روایت کرده که او گفته که حضرت سید الساجدین فرمودند که هر که در ایام غیبت قائم در ولایت و دوستی ما ثابت قدم باشد هر اینه خدای تع عطا میکند باو اجر هزار نفر شهید را که مانند شهدا بدر واحد باشند **حدیث هشتم** در محاسن از سندی او از جدش روایت نموده که او گفته که بخدمت حضرت صادق ع عرض کردم که چه می فرمائی درخصوص کسیکه بانتظار و آرزوی این امر وفات می یابد فرمودند که او مانند کسی است با رسولخدا ص باشد در زیر خیمه که وقت ظهور برای آنحضرت برپا شود این را فرموده واندک زمانی سکوت نموده بعد از ان فرمودند و بمنزله کسی است که با رسول خدا باشد **حدیث نهم** در کتاب مذکور باسناد از علی ابن سنان روایت کرده که او گفته که حضرت صادق فرمود که از شما بانتظار این امر وفات نماید مانند کسی میباشد که در خیمه قائم ما باشد **حدیث دهم** شیخ طوسی ره در کتاب غیبت بر اسناد معتبر صحیح تا ابن معویه وهب از حضرت صادق ع روایت نموده که رسولخدا ص فرمود که خوشا بحال کسیکه قائم اهل بیت مرا دریابد در حالتیکه پیش از قیامش دوست او را دوست میداشته و دشمنش را دشمن و ائمه هدی را که هم پیش از او بوده اند معتقد واین گونه مردم رفقای و دوستان من اند وگرامی ترین امت من اند در نزد من رفاعه گوید که فرمود گرامی ترین خلق خدا هستند در نزد من مؤلف

کوید هنیئاً لارباب النعیم خوشا بحال اشخاصی که تشکر نمایند باین فیض عظمی و موهبت کبری که خداوند رؤف برای ایشان عطا فرموده است و بگویند الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة محمد و اهل بیته الطاهرین احقر بهمین چند خبر اکتفا نمودم بجهة اختصار کتاب و عدم تطویل مقال و طلب اجر و مسئلت ثواب از حضرت ایزد متعال و قادر ذو الجلال میخواهم که بفضل و کرم خود در حق عاصی معمول فرموده عقاید دین و ایمان جامع مذنب را حفظ فرماید بحق محمد و آله الطیبین الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین

بیان علائم ظهور بعضی حتمیه بعضی معلقه

خاتمه در بیان بعضی از علائم ظهور حضرت حجة الله علی العباد علیه الصلوة و السلام است

بدانکه علائم ظهور آن حضرت بعضی از آن حتمیه است و بعضی معلقه و بعضی علائم عامه است و بعضی خاصه است و بدانکه فواید و ثمرات و نقل و ذکر علامات امام زمان از برای اخوان مؤمنان بسیار است زیرا که اینهمه علائم که نقل از خانواده عصمت و طهارت ائمه هدی علیهم السلام شده دلایل قاطع و براهان ساطعست بر حقیت امامت و حقیت طریقه امامیه اثنی عشریه و اعجاز است که معجزه امامت تالی معجزه رسالت است و کاشف از حقیت امامت ایشان است سیما مشاهده میکنیم اکثر علامات واقعه که یکهزار سال متجاوز است که ائمه بوقوع آن خبر داده اند و بعد از هزار و زیاده در صفحه خارج فرمایشات ایشان بحقق و وقوع یافته و اینها

از معجزات و خارق عادات است که دلیل بر امامت و حقیت ایشان خواهد بود و اعظم فوائد و ثمرات این علامات که فرمودند اینستکه مؤمنین چون مطلع شوند بر وقوع انچه که موالیان دین و حجج الله فی الارضین پیشوایان ایشان بایشان خبر داده اند از علائم ظهور آن نور الهی متحرک و وسوسه شیاطین انس بضلالت و گمراهی واقع نگردند که غیبت آن حضرت امتحان خلوقات که مشحون فتنه ها و بدعتها و دعاوی باطله است و از هر گوشه و کناری صدائی بلند است و ابداع مذهبی و طریقه جدیدی یا دعوی امامت و نیابت خاصه و امثال آن مینمایند باید که مؤمنین مطالعه و ملاحظه اخبار و احادیث و ذکر اینها را نمایند که روح ایمان ایشان تازه کردد و بر تشهیات نفوس شریره مبتلا نشوند که فرقه فرقه از جاده شریعت مطهره و دین حضرت ختمی مرتبت خارج شده و از برای خود رئیس و مرشد کامل قرار داده و امامی واجب الطاعه و نایب خاص حضرت ولی الله پیدا نموده اند و از کثافت نفوس شقیه هر کو سالة حیات و ممات و عیش دنیای خود و غنی و فقر و عزت و ذلت خود را مستند باو می نمایند بلکه هر یک که صاحب منصب و زخارف دنیویه خود را منتسب بوجود کثیف ایشان میدانند و از طریق مستقیم هادیان راه یقین از آل طه و لیس و حجج الله رب العالمین ائمه دین که از جانب خداوند واهب العطایا منصوبند چشم پوشیده و از خصوصیات هر یک از ایشان از اصول و فروع و احکام از عقودات و مناکحات و معاملات و غیره و عبادات و نشر علوم

وتفسیر قرآن و رموزات آن و قواعد و قوانین حضرت سید المرسلین
که همه آنها از طریق رشد و هدایت ائمه اطهار علیهم السلام که در
میان خلایق نشر گردید دست کشیده اند خداوند همه مؤمنین
را از راه لطف و فضل و کرم خود حفظ فرماید **و اما**
علائم حتمیه که ائمه دین علیهم السلام بآن اخبار فرمودند که البته
تخلف نخواهد نمود یکی خروج دجال علیه اللعنة می باشد که
خروج او نزدیک بظهور حضرت بقیة الله واقع خواهد شد و
آن ملعون آنچه از اخبار مستفاد میشود اول ادعاء نبوت می کند
و هرج و مرج و فتنه و خونریزی در عالم واقع خواهد شد و اخبار در این
خصوص بسیار است مؤلف زیاده از چند خبر از انقل نمیکنم
مجلسی ره از کتاب محاسن از طالقانی و اسناد معتبره از ابن
سبره روایت نموده است که او گفت حضرت امیر المؤمنین ع
خطبه ادا فرمودند که اول حمد و ثنای الهی را بجای آوردند
پس بعد از آن تا سه بار فرمودند سلونی ایها الناس قبل
ان تفقدونی یعنی هرچه را که میخواهید از من بپرسید پیش از
آنکه مرا نیابید در آنحال صعصعة بن صوحان برخاسته
عرض کرد یا امیر المؤمنین کی قائم خروج خواهد نمود فرمودند
بنشین و بعد فرمودند که این امر را پاره علاماتست که مانند
آمدن نعل بجای نعل و دیگر پی هم دیگر میایند که اگر خواسته
باشی از آنها بتو خبر می دهم عرض کرد آری یا امیر المؤمنین بفرمائید
حضرت فرمودند یاد گیر که آن علامتها اینست **حاصل**
ترجمه کلام بلاغت نظام مفاد فقرات فصاحت آیات آن

اول علامات ظهور حضرت حجت عجل الله فرجه خروج دجال میباشد

حضرت علیه السلام اینست که فرمودند در وقتیکه خلایق نماز
را بمیرانند و امانت را ضایع کرده باشند و دروغ را حلال دانسته
اند و ربا خورند و رشوه گیرند و قطع ارحام نمودند و تابع خواهش
های نفس شدند و خونریزی را سهل انگاشتند و حلم در میان
ایشان ضعیف شد یعنی حلم و حوصله آنها از جهت ضعف و
قدرت نداشتن آنها باشد و جور و ستم را فخر دانند و امرا و فجار
و وزراء ستمکار گردند و کسانیکه کفیل امورات قبایل و عشایر
اند نسبت بر ایشان خیانت نمودند و قاریان قرآن ها را
زینت دادند و مسجدها را منقش کردند و منارها را بلند کردند
و اشرار مکرم گردیدند و صفهای نماز جماعت ایشان با صفها
جنگ و قتال از دحام بهم رسانید و خواهشهای خلایق باهم
اختلاف بهم رسانید که مختلف الرأی باشند و عهد و میثاق
ها را شکنند و بلاها نیکه وعده کرده نزدیک گردید و زنان
را از راه حرص و طمع مال دنیا با شوهران خود در تجارت شریک
گردیدند و صدای فاسقان بلند شد یعنی در میان خلایق
مشهور و معروف و مقبول القول گردیدند که سخنان ایشان را
شنیدند و اطاعت نمودند و اراذل رئیس خلق شدند و از
فاجر بسبب ترسیدن از شرش تقیه نمودند و دروغگو را
تصدیق نمودند و خائن امین شمرده گردید و چنگی و بازیگر الات
لهو و لعب مانند عود و طنبور نگاه داشته آخرین این امت بر
اولین ایشان لعنت نمودند و زنان بر زینها سوار شدند و
زنان و مردان بهم دیگر شبیه شدند و شاهد بی آنکه شهادت

[illegible]

از علائم حتمیه خروج دجال

شهادت از او طلبند شهادت داد و شاهدی دیگر بملاحظهٔ
مراعات دوستی و مراعات محبت با رفیق خود شهادت ناحق و
باطل دهد و مسائل دینیه را برای غرض فاسد خود یاد گیرند
و علم دنیا را بر آخرت مقدم دارند و پوست گوسفند بر بدنهای
گرگان پوشیده اند یعنی ظاهر خود را مثل گوسفند و در باطن شان
گرگ باشند و حال آنکه دلهای ایشان گندیده تر است از
مردارها و تلخ تر است از صبر تلخی که مسهلیت دارد پس در آن
وقت تعجیل کنید تعجیل کردنی که بهترین مساکن در آن روز بیت
المقدس است هر آینه خلایق را میاید زمانی که در آن زمان آرزوی
میکنند که از ساکنان آنجا باشند چون کلام معجز نظام سید
اولیاء و منبع غرایب عجایب الهی باینجا رسید و منتهی شد
اصبغ ابن نباته از جای خود برخواسته عرض کرد یا امیر المؤمنین
دجال کیست حضرت فرمودند که آگاه باشید که دجال صائد ابن
صید است و شقی آنکسی است که او را تصدیق میکند و سعید
کسی است که او را تکذیب می کند و در بلده که نام آن اصفهان
است از دهیکه مشهور بیهودیه است خروج می کند و چشم راستش
از اصل خلقت نشده است بطوریکه گودی حدقه هم ندارد و
یکچشم در پیشانی او می باشد که مانند ستاره صبح می درخشد
و در چشمش مانند پاره گوشت چیزی که گویا با خون ممزوج
است و میان دو چشمش لفظ کافر نوشته شده که همه کس آنرا
میخوانند خواه نویسنده و خواه نانویسنده و بدریاها داخل میشود
و آفتاب با وی سیر می کند و در پیش رویش کوهیست از دود

و در پشت

ذکر علائم ظهور آنحضرت علیه السلام

و در پشت سرش کوه سفیدی می باشد که خلایق چنین می پندارند
که طعام است و در ایام قحط شدیدی خروج می کند و بر درازگوش سبز
یا خاکستری رنگ سوار می شود و گام خران یکمیل راه می باشد
و زمین زیر پایش پیچیده می گردد و هیچ آب نمیگذرد مگر آنکه
کشیده میشود بطوری که جای آن تا روز قیامت خشک می ماند
و بآواز بلند ندا می کند بنوعیکه همه جن و انس و شیاطین که
مابین مشرق و مغرب اند میشنوند چنین ندا می کند که ایدوستان
من بنزد من آئید که منم که مخلوقات را خلق نموده ام و
ایشانرا در محکم نمودن ترکیبشان با هم مساوی گردانیده ام
و اندازه صورت و هیئت های ایشانرا تعیین نموده ام و اسباب
معیشت و روزی ایشانرا مهیا کرده ام و ایشانرا بدین و معرفت
و توحید خودم هدایت نموده ام و منم آن پروردگار شما که بر همه اشیاء
قادرم و بدانید که این دشمن خدا اینها را دروغ می گوید زیرا
که او مرد یست که طعام میخورد در بازار که راه می رود و پروردگار
شما کور نیست و طعام نمیخورد و راه نمیرود و از مکان بمکانی
دیگر منتقل نمیشود آگاه شوید بدرستیکه بسیاری از تابعان
او در آن روز اولاد زنا و صاحبان طیلسان سبز می باشند و آن
پارچه است که مانند ردا بر سر و دوش انداخته میشود و
خداوند عز و جل او را در شهر شام در بالای تلی که معروفست
بتل افیق سه ساعت از روز جمعه گذشته بدست کسیکه
مسیح ابن مریم در پشت سرش نماز می کند آن ملعون را به
قتل می رساند آگاه باشید که بعد از آن طامه کبری واقع

خواهد شد عرض کردند یا امیر المؤمنین طامّه کبری چیست فرمود
که خروج دابّه است از زمین از نزد صفا انگشتر سلیمان و عصای
موسی در نزد او می باشد که انگشتر را بر روی هر مؤمن می گذارد
و در جایش هذا المؤمن حقّاً نوشته می شود و نیز بر روی هر کافری
میگذارد نوشته میشود هذا کافر حقّاً در انحال مؤمن صدای
می کند که وای بر تو ای کافر و کافر ندا می کند که ای مؤمن کوارا
باد بر تو دوست می داشتم که در امروز مثل تو می بودم تا اینکه به
فیض عظیم میرسیدم بعد از ان دابّة الأرض بعد از طلوع افتاب
از مغرب سر خود را بالا می کند که همه خلایق در ما بین مشرق
و مغرب اند او را می بینند و در اینوقت توبه بر داشته میگردد
که نه توبه قبول میشود و نه عمل و نه ایمان هیچکس را از و به
او نفع می رساند اگر چه بیشتر از ان وقت ایمان آورده بود و لیکن
در ایّام ایمانش عمل خیری کسب نکرده بود و بعد از ان فرمود
که از من میرسید که بعد از خروج دابّة الأرض چه واقع خواهد
شد زیرا که حبیب من رسولخدا با من عهد و پیمان نمود که ایه
غیر از عترت و اولاد خود بکسی نگویم در انحال نزال بن سبره صعصعه
گفت که حضرت امیر المؤمنین ع از اینکلام اعجاز نظام چه اراده
فرموده است صعصعه گفت یا ابن سبره کسی که عیسی ابن مریم
در پشت سرش نماز می کند امام دوازدهم است از طبقه نهم
از اولاد حسین ابن علی که اوست افتابی که از مغرب طلوع خواهد
نمود و در میان رکن و مقام ظاهر میشود و روی زمین را از
کفر و فسق و اعتقادات باطله پاک می کند و میزان عدل

وانصاف را میان مردم میگذارد و هیچ کس بهیچکس جور و ستم نمیکند
و امیر المؤمنین ع خبر داد که حبیبش رسولخدا ص با او عهد و پیمان
نموده که خبر ندهد انچیزها که بعد از ان روز واقع شدنیست
مگر با نه از اولاد خود که عترت او باشند **دویم** از علامات
حتمیه خروج سفیانیست از وادی یابس یعنی بیابانی خشک
بی اب و علف که در ما بین مکه و شام است و ان ملعون از
احادیث وارده مردی ابله روی و بد صورت و چهار شانه
و ازرق چشم است و خروج ان ملعون از حتمیاتست که اخبار
بسیار اعلام بان نموده اند که البته باید واقع شود و اسم
او عثمان بن عنبسه است که از اولاد یزید ابن معویه علیهما اللعنه
والعذابست و انملعون پنج شهر بزرگ را متصرف میشود که
دمشق و حمص و فلسطین و اردن و قنسرینست پس از ان لشکر
بسیار اطراف می فرستد و بسیاری از لشکر او بسیعد او و کوفه
خواهند امد و قتل و غارت و بیحیائی بسیار در ان صفحات مینمایند
و در کوفه و نجف قتل مردان بسیار واقع شود و فتنه انملعون
در اطراف بلاد عظیم گردد خصوصاً نسبت بدوستان و
شیعیان علی ابن ابیطالب زیاد قتل و غارت نمایند حتی انکه
منادی انملعون ندا می کند هر که سر یک نفر از دوستان علی را
بیاورد هزار درهم بگیرد پس مردم بجهت دنیا از حال هم دیگر
خبر می دهد از شیعیان علی و اولاد علی ع بالجمله قسمتی از
لشکرهای انملعون بجانب مکه روند چون بزمین بیدا برسند
که ما بین مکه و مدینه است حقتعالی ملکی را در آن زمین می فرستد

دویم از علامات حتمیه خروج سفیانی است

[illegible]

فریاد می‌کشد ای زمین ایشان را بخود فرو بر پس جمیع آن لشکر
که سیصد هزار نفر می‌رسند با اسباب و اسلحه بزمین فرو
می‌روند مگر دو نفر که با هم دیگر برادراند از طایفهٔ جهینه که
ملائکه صورتهای ایشان را بر می‌گردانند و یکی از آن دو که نامش
بشیر است میگویند برو بمکه و بشارت بده بحضرت صاحب
الامر بهلاک لشکر سفیانی و دیگری که نام او نذیر است میگویند
برو بشام و سفیانی را خبر ده و بترسان او را ایشان آن دو نفر بطرف شام
و مکه می‌روند چون سفیانی این خبر بشنود از شام بجانب کوفه
حرکت می‌کند و در آنجا خرابی بسیار وارد آورده قتل مردان و
تصرف در زنان بسیار کند تا آنکه حضرت قائم ع بکوفه وارد
شوند آن ملعون فرار کند بشام بر گردد پس حضرت لشکر عقب او
فرستند و او را در صخرهٔ بیت المقدس بقتل آورند و سر آن
ملعون را ببرند روح پلیدش بجهنم واصل گردد و در خصوص
سفیانی اخبار و احادیث از حضرت رسول ص و ائمهٔ طاهرین
بسیار وارد شده و در کتاب اکمال الدین باسناد تا
آنکه از معلی ابن خنیس و او از حضرت صادق ع روایت نموده
که آنحضرت فرمودند خروج سفیانی از جملهٔ علامات محتومه است
یعنی که از قضای الهی گذشته است **علامت سیم** فرو رفتن
لشکر سفیانیست در بیدا که حضرت صادق ع فرمودند که
فرو رفتن لشکر سفیانی در مابین مکه و مدینه که معروف است
بزمین بیدا که در احادیث سابقاً نقل شد که از محتومات است
که تغییر تبدیل در او راه ندارد **چهارم** از علائم حتمیه

علامت سیم حتمیه فرو رفتن لشکر سفیانی در بیدا است

خروج سید حسنی است و آن جوان خوش صورتیست که از طرف دیلم
و قزوین خروج نماید و بصوت بلند فریاد کند که بفریاد برسید
آل محمد را که از شما یاری می‌طلبد و این سید حسنی ظاهراً از
اولاد حضرت امام حسن مجتبی ع میباشد و دعوی بحق می‌کند
نه نیابت و مهدویت و دعوی بر نفس خود نکند بلکه از شیعیان
خالص ائمه اثنی عشر و تابع دین حق است و دعوی نیابت و مهدویت
نکند ولیکن مطاع و بزرگ امت و رئیس خواهد بود و در گفتار
و کردار مطابق است با شریعت مطهرهٔ حضرت خاتم النبیین
و در زمان خروج او چون کفر عالم را فرو گرفته باشد و مردم از دست
ظالمان و فاسقان در ایذاء باشند و جمعی از مؤمنین نیز متحد شده
از برای دفع ظلم ظالمین که در آنحال سید حسنی استغاثه نماید آن
برای نصرت ذریه آل محمد پس مردم او را اعانت نمایند خصوصاً
گنج های طالقان که از طلا و نقره نباشند بلکه مردان شجاع
و قوی دل مسلح و مکمل که بر اسبان اشهب سوار باشند مطابق
بعض اخبار و احادیث معتبره دور او جمع می‌گردند و جماعت او
زیاد شود و او چون سلطان عادل در میان ایشان حلم و سلوک
نماید و حکم بر اهل ظلم و طغیان غلبه کند و از جا و مکان خود
زمین را از لوث ظالمان و کافران پاک می‌کند و چون با اصحاب
خود وارد کوفه شود بر او خبر می‌دهند که حضرت حجة الله مهدی
آل محمد ظهور نموده است و از مدینه بکوفه تشریف آورده اند
پس سید حسنی با اصحاب خود بخدمت آنحضرت مشرف می‌گردد
و از آنحضرت مطالبه دلایل امامت و مواریث انبیا را

از علائم حتمیه خروج سید حسنی است

در خراسان

مینماید پس حضرت صادق ع فرمودند که بخدا قسم که اخوان آن
حضرت او را می شناسد و میداند که او بر حق است ولی مقصودش
اینست که حقیقت او را بر مردم و اصحاب خود ظاهر گرداند پس
آنحضرت دلایل امامت و مواریث انبیاء را از برای او ظاهر مینمایند
دران وقت سید حسنی و اصحاب او با آنحضرت بیعت خواهند
نمود مگر آنکه قلیلی از اصحاب که چهار هزار نفر از زیدیه باشند
که مصحفها و قرآنها در گردن ایشان حمایل است آنچه مشاهده
نمایند از معجزات آنحضرت و دلایل امامت حمل بر سحر نمایند
پس حضرت آنچه موعظه و نصیحت نماید ایشان را اثر نکند و تا سه
روز ایشان را مهلت میدهند پس چون دیدند که موعظه در ایشان
اثر نمیکند و حق را قبول نمیکنند امر میفرماید که دستهای ایشان را
بزنند و حال ایشان بسیار شبیه است بحال خوارج نهروان در
لشکر حضرت امیرالمؤمنین ع در جنگ صفین **پنجم** از
علامات حتمیه قتل نفس زکیه است که حضرت صادق علیه السلام
فرمود یکی از علامات کشته شدن از آل پیغمبر پسری که نامش
محمد ابن حسن نفس زکیه است و در خبر دیگر است که فاصله
میان نفس زکیه و ظهور حضرت صاحب الامر بیشتر از پانزده روز
نخواهد بود و در خبر دیگر این نفس زکیه از اصحاب حضرت حجة
ابن الحسن است و آنحضرت او را قبل از ظهور خود میفرستند
که مردم را بشارت دهد بظهور آنجناب و در مکه اظهار دارد
ظهور موفور السرور آنحضرت را پس اهل مکه او را در میان رکن
و مقام بکشند و محتمل است که این نفس زکیه یکی از آن چهل نفر

ششم علائم حتمیه صیحه آسمانی میباشد

پنجم علائم حتمیه قتل نفس زکیه است

ابدال

ابدال زمین باشد که قیام مینماید باوامر و خدمت گذاری مولای
خود حضرت صاحب الامر و در اکمال الدین صدوق از اهوازی
و او از ابن عمیر روایت نموده که او گفت از حضرت صادق ع شنیدم
که میفرمود پیش از قیام قائم پنج علامت محتومند که تغییر نخواهد
یافت خروج یمانی و خروج سفیانی و صیحه آسمانی و قتل نفس زکیه
و فرو بردن زمین بیداء لشکر سفیانی را **ششم** از علائم
حتمیه صیحه ندای آسمانی است که اخبار و احادیث بسیار از
حضرت رسول و ائمه هدی وارد شده و در روایات بسیار است
که این صدا از حتمیات است که واقع شود و در حدیث مفضل
ابن عمر است از حضرت صادق ع روایت کرده است که آنحضرت
فرمودند قائم ع در مکه داخل شود و در جانب خانه کعبه ظاهر
گردد و چون آفتاب بلند شود از پیش قرص آفتاب منادی حق
از آسمان ندا کند که همه اهل زمین و زمان شنوند میگوید ای
گروه خلایق آگاه باشید که این مهدی آل محمد است بنام و کنیه
جدش او را ندا کند و یک یک پدران آنحضرت را از حضرت
عسکری تا بحضرت علی ابن ابیطالب ع میرساند و چنان نسب
آن بزرگوار با اسامی کرام آباء طاهرین او را بیان کند که همه مردم
از مشرق تا بمغرب عالم میشنوند پس میگوید که با آنحضرت بیعت
نمائید تا هدایت یابید و مخالفت حکم او را منمائید که گمراه
میشوید پس ملائکه و نقباء انس و نجباء جن گویند لبیک ای
خواننده بسوی خدا شنیدیم و اطاعت کردیم پس از آن خلائق
چون آن ندا را بشنوند از شهرها و قریه ها و دریاها و صحراها

از مشرق تا مغرب عالم روی بمکه آرند که بخدمت آنحضرت رسند
وچون قریب بغروب آفتاب شود از طرف مغرب شیطان فریاد
نماید که ایگروه مردمان پروردگار شما در وادی یابس وارد
شده است واو عثمان ابن عنبسه است واز فرزندان یزید ابن
معویه ابن ابی سفیانست با او بیعت نمائید مخالفت او را ننمائید
که گمراه میشوید پس ملئکه ونقبای انس وجن او را تکذیب نمایند
ومنافقان واهل تشکیک وضلال وگمراهان بآن ندا گمراه
شوند وبدانکه از اخبار ظاهر میشود که ندای دیگر هم از آسمان
ظاهر میشود که آن قبل از ظهور حجة الله قائم است که آنهم در عداد
علائم حتمیه است که البته واقع میشود وآن ندا هم در شب ۲۳
ماه رمضانست که همه ساکنین از مشرق تا مغرب عالم آن ندا
را خواهند شنید وآن نداکننده جبرئیل امین است که همه کس را
میشود الحق مع علی وشیعته ودر وسط روز شیطان صدا کند
در بین زمین وآسمان که همه کس از او می‌شنود که الحق مع عثمان و
شیعته ودر کتاب الغیبه محمد بن ابراهیم حدیثی روایت میکند که
از حضرت صادق ع برای ابو بصیر علائم ظهور را می فرماید تا آنکه
آخر خبر است که می فرماید قائم خروج نمیکند تا در وقتیکه در
شب جمعه بیست وسیم از ماه رمضان ندا باسم وی ندا کرده
از آسمان کرده شود ابی بصیر گوید عرض کردم یا ابن رسول الله بچه
چیز ندا کرده میشود فرمودند که نامش ونام پدرش بدین نهج گفته
میشود که آگاه باشید ای گروه خلایق بدرستیکه فلان ابن فلان
قائم آل محمد است پس سخن وی را بشنوید وامر وی را اطاعت کنید

دران وقت ذی روحی نمیماند مگر آنکه آن صدا را میشنود ودر آن
اثنا کسیکه خوابست بیدار میشود وبصحن خانه خود بیرون می آید
بطرف صدا، ونیز دختران باکره از پس پرده عصمت در می آیند
بجهت آن صدائی که حضرت قائم خروج میکند وآن صدای جبرئیل
است **ودر اکمال الدین** از حضرت صادق ع روایت کرده است
باسناد خود از حرث ابن مغیره که آنحضرت فرمودند که صیحه از
امورات حتمیه است که در شب جمعه ۲۳ صیام واقع میشود
ودر اکمال الدین از معلی ابن خنیس از حضرت صادق ع
روایت کرده است که آنحضرت فرمودند که صدای جبرئیل از
آسمان می آید وصدای ابلیس از زمین وشما بصدای اول
تابع شوید وحذر کنید از دومی از آنکه فریفته شوید **ومحمد
ابن ابراهیم** در کتاب غیبه از ابن عقده باسناد از ابی
بصیر واو از حضرت صادق ع روایت نموده که آنحضرت فرمود
در وقتیکه آتش بزرگی از جانب مشرق دیدید که سه روز یا هفت
روز از افق مشرق طلوع نمود وبالا می آید در آن وقت منتظر فرج
آل محمد باشید که انشاء الله فرج رسیده است بدرستیکه خدای
تعالی صاحب قهر وغلبه وحکمت است پس فرمودند که صیحه واقع
نمیشود مگر در ماه رمضان که ماه خداست وصدا صدای جبرئیل است
بسوی خلایق بعد از آن فرمود که نداکننده از آسمان بنام قائم
است که صدا میکند وهمه اهل مشرق تا مغرب آن صدا را
میشنوند وهیچ خوابیده نمیماند مگر آنکه بیدار میشود وهیچ
سرپا ایستاده را نمیماند مگر آنکه فرو می نشیند همه اینها

بسبب اضطرابیستکه از این صدا حادث میشود خدا رحمت کند
آن بنده را که باین صوت اعتنا نماید زیرا که صوت اول صوت
جبرئیلست وآن حضرت فرمودند که وقوع آن صدای در شب جمعه
٢٣ ماه صیام است پس بشنوید واطاعت نمائید ودر آخر
آن روز صدای ابلیس علیه اللعنة است که ندا میکند آگاه باشید
بدرستیکه فلان شخص یعنی عثمان با ظلم وستم کشته شد تا آنکه
شک وریب در دلهای مردم بیندازد وایشانرا فریب دهد
چه بسیار خواهد شد در آن روز کار شکاک ومتحیر که بسبب شک
داخل در جهنم میشود وقتیکه در ماه رمضان آن صدا را شنیدند
شک مکنید در آن که آن صدای جبرئیل است وعلامتش این است
که بنام قائم وبدرش ندا میکند حتی آنکه دختر باکره در پس پرده
آن صدا را میشنود وپدر وبرادرش را به بیرون رفتن تحریص میکنند
تا آنکه از آن صوت خبری بیاورند وباز فرمود که پیش از خروج
قائم از این دو صدا ناچار است که واقع خواهد شد یکی از آسمان
میرسد وآن صدای جبرئیل است ودیگری از زمین وآن از ابلیس
لعین است واو ندا میکند بنام عثمان که با ظلم وستم کشته شد مراد
از این کلام احداث فتنه است در میان خلایق پس شما بصوت
اول تابع باشید وحذر کنید از صوت دوم **هفتم از علامات**
حتمیه است ظاهر شدن کف دستی در نزد چشمه خورشید
حدیث از **حضرت صادق** ع که فرمودند خروج سفیانی
وقتل نفس زکیه وکف دستی که در آسمان ظاهر میشود همه اینها
از محتومات است **هشتم** از علائم حتمیه است کسوف آفتاب در نصف

هفتم از علامات حتمیه ظاهر شدن کف دستی
هشتم از علامات حتمیه کسوف آفتاب در نصف ماه رمضان

ماه رمضانست وخسوف ماه در آخر آن چنانچه از اخبار واحادیث
مستفاد میشود واز غیبت شیخ طوسی ره نقل شده که حضرت باقر ع
فرمودند که پیش از قیام قائم دو علامت ظاهر میشود که از وقت هبوط
آدم تا آن زمان بر روی زمین مانند اینها واقع نشده است یکی کسوف
شمس در نیمه رمضان ودیگری خسوف قمر در آخر آن در آنحال مردی
عرض کرد یابن رسول الله قاعده چنانست که آفتاب در آخر ماه
وماه در نیمه آن گرفته شود حضرت فرمودند که بر آنچه میگوئی دانا
هستم ولی اینها دو علامت وآیتی است که از وقت فرود آمدن حضرت
آدم ع بزمین تا بحال واقع نشده است **بروایتی** بعد از این دو
علامت بحساب منجمین باطل میشود **نهم** از علامات حتمیه آنست
سه ندا در ماه رجب از آسمان میرسد از برای اهل زمین چنانکه
شیخ صدوق بسند خود از حضرت رضا علیه السلام
روایت کرده است که آنحضرت فرمودند که ناچار است شیعیان
را فتنه عظیمی وآن در وقتی است که امام ایشان غایب گردد و
اهل آسمان وزمین بر او بگریند وچون ظهور او نزدیک شود
ودر ماه رجب سه ندا از آسمان بگوش مردم میرسد که همه خلایق
آن صدا را بشنوند ندای اول الا لعنة الله علی الظالمین ندای
دویم ازفت الآزفة یعنی نزدیک شد امری که روز بروز وقت آن
نزدیک میرسد واز سیم آنکه بدنی در پیش روی قرص
آفتاب ظاهر میشود وندا میکند که اینست امیر المؤمنین ع که بر
دنیا برگشته برای هلاک کردن ستمکاران پس در آنوقت فرج
مؤمنان در رسد **دهم** از علائم حتمیه خروج یمانی است که در

نهم از علامات حتمیه سه ندا از آسمان در ماه رجب
دهم از علامات حتمیه خروج یمانی

کمال الدین به اسناد خود از ابی عمیره ابن حنظله روایت نموده است
که او گفت که از حضرت صادق ع شنیدم که می فرمودند پیش از
قیام قائم پنج علامت حتمی‌اند که تغییری نخواهند یافت خروج
یمانی خروج سفیانی و صیحه آسمانی و قتل نفس زکیه و فرو بردن
لشکر را در بید مؤلف گوید که از بسیاری از روایات معتبر مستفاد
میشود که علامت حتمیه چهار است خروج دجال و سفیانی و صیحه آسمانی و قتل
نفس زکیه است و اما علامات بسیاری از احادیث و اخبار و
روایات نقل در کتب علماء اعلام شده از حضرت رسول خدا
و ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین که بسیاری از آنها بعرصه ظهور
و بروز رسیده است الی زماننا هذا که ۱۳۲۹ سنه هجری میباشد و
ان علامت بسیار است و در این کتاب مؤلف اقتصار می کنم بچند
خبر و روایات معتبره نقل از بحار الانوار مجلسی ره رسیده و اکمال
الدین و کتاب غیبت طوسی و غیرهما حدیث اول مجلسی ره
در کتاب روضه کلینی نقل کرده که بسند روایت می رسد به ابن ابی
عمیر و حمران که از افاضل اصحاب حضرت صادق ع میباشند آنحضرت
فرمود با شخصی که از آنحضرت سؤال نموده بود که این جماعت تا کی
سلطنت می کنند و تا کدام وقت ما را از اذیت و آزار ایشان در
راحت میشویم و فرج ما می رسد آنحضرت فرمودند باو که هر وقت که
چون دیدی حق را که مضمحل شد و اهل حق از میان رفتند و ظلم و جور
تمام شهرها را فرو گرفت و قرآن را دیدی که کهنه شد و کسی باحکام آن عمل
ننمود و مردم به هوای نفس توجیه و تأویل آن نمودند و دین را منقلب
کردند و دیدی فسق را که ظاهر شد و مردان بمردان اکتفا مینمایند

حدیث دوم در ذکر علامات ظهور
مینمایند
و کان

و زنان بزنان و دیدی که سخن مؤمن مقبول نخواهد بود و فاسق
مفتری و دروغگو مقبول القول شده‌اند و امردان مید هند این
چیزی را که زنان می دهند یعنی مفعول واقع میشوند و مردی را دیگر
که مال خود را در غیر راه خدا صرف می کنند و شرابها در آشکار
خورده میشود و کسیکه امر بمعروف میکند ذلیل شود و راه حج
منقطع شود و راه بیت الله مسدود گردد که حاج ترک زیارت
آن نمایند و مردان غذای مقوی میخورند که با مردان عمل قبیح
نمایند و معیشت مردان از پس ایشان و معاش زنان از پیش
ایشان شد بزنا و فجور مردان روی خود را شانه زنند و زینت
کنند مانند زینت کردن زنان و شانه کردن زنان موهای
خود را برای شوهران خود و دیدی که اهل دنیا از اهل دین
عزیزتر شدند و مردم رباخوار شدند و در میان مردم رباخوردن
آشکار گردید و مردم بشهادت دروغ گویان اعتماد نمایند و
مؤمنین را که دیدی قدرت ندارند بر انکار قبایح مگر در دل
خود و حکام را که دیدی که اهل کفر را مقرب نمودند و حکام را
دیدی که مال بسیار می دهند که حکومت را بگیرند و دیدی
که مردم وطی محارم نمایند و دیدی که مردم را بمقاربت
زنان سرزنش نمایند و گویند که چرا با مردان بعمل لواط مرتکب
نمیشوی و با زنان مقاربت میکنی و دیدی زنان را که بر شوهران
غلبه نمایند و عمل نمایند بآنچه که شوهر ایشان راضی نباشند
و سوگند خوردن بخدا از راه دروغ بسیار شود و قمار بازی
ظاهر و آشکار شود و لهو و لعب بسیار گردد و مردم بر آن بلند نرند

وکسی منع ان نکند و زنان را که خود شان با هل کفر می دهند و همسایکان را دیدی که بر همسایه خود اذیت می کند و دیدی که حدود الهی معطل ماند و دیدی مساجد را که با طلا و غیر ان نقش کنند و سخن چینی را دیدی که اشکار اکردید و غیبت را دیدی که اشکار اکردید و غیبت را دیدی که ملیح شمرده میشود و مردم را دیدی که در معیشت خود بکم کردن ترازو ها کذرانیده میشود و لباسهای مردم در نماز بر غیر وجه ان باشد که یا نجس یا غصبی باشد و عقوق پدر و ما در اشکار اکردید و پادشاه را دیدی که غلات را جمع کند و نکاه می دارد تا بقیمت اعلا بفروشد و خمس و مال امام را با هل کذب و تزویر میدهند که مان احوال قمار میبازند و شراب میخورد و مال یتیمان را حلال می دانند و از تقوی و صلاح خود بمردم خبر میدهند و قضاة نیز در حکم نمودن رشوه میکیرند و حکام شرع را دیدی که اموال موارث بدست قیم فاسق میسپارند و دیدی خلایق را که بر اوقات نماز واجب استخفاف نمایند و زمانیکه دیدی که همه اینها ئیکه ذکر شد ظاهر کردید با حذر باش و از خدای عز وجل طلب نجات کن زیرا که خلایق در ان وقت مستوجب غضب الهی میباشند و تو در دین خود سعی و تلاش کن **حدیث دویم** در کتاب مذکور به اسناد خود تا از عبدالله ابن سلیمان اوا از حضرت صادق ع روایت کرده است که ان حضرت فرمودند که حضرت امیرالمومنین ع فرمودند که هر اینه زمانی میاید بخلایق که در ان زمان بفاجر مال بسیار داده میشود و کسیکه لا ابالی و بی باک است مقرب می کردد و صاحب

حدیث دوم

انصاف ضعیف می باشند راوی کوید که در ان اثنا با نحضرت کفته شد که این امر کی واقع میکردد فرمودند وقتی که زنان و کنیزان صاحب تسلط و اقتدار و طفلان صاحب امر و حکم باشند **حدیث سیم** از فتنه های اخر الزمان شیخ محمد علی ابن خزاز در کتاب کفایه به اسناد خود در باب نص بر دوازده امام از جابر انصاری او از حضرت رسولخدا ص روایت کرده که ان حضرت فرمودند که مهدی از ما ست و بدانکه در وقتی که دین هرج و مرج کردید و فتنه ها پشت بهم دیکر کردند قوت یافتند و راه ها بسته شد و بعضی اموال بعض دیکر را غارت کردند و بزرک کوچک را رحم نکند و کوچک نیز بزرک را تعظیم و توقیر نکند در ان وقت خدای تعالی مهدی ما را که نواده نهم است از حسین بر می انکیزاند که قلعه های ضلالت و دلهای قفل شده را فتح میکند و در اخر الزمان در میان رکن و مقام قیام می کند چنانکه من قیام نمودم در اول زمان و زمین را پر از عدل میکند هم چنانکه پر از ظلم کردیده باشد **حدیث چهارم** در کتاب مذکور به اسناد خود از علقمه ابن قیس روایت نموده از حضرت صادق ع علیه السلام که امیرالمومنین ع در منبر کوفه خطبه لؤلؤ را بما ادا می فرمودند در اخر خطبه این فقره را بیان فرمودند که اکاه شوید که من در همین نزدیکی سفر اخرت خواهم نمود و بعالم غیبت خواهم رفت پس بفتنه بنی امیه و سلطنت کسر قیصر و مضمحل نمودن چیزی یعنی دین اسلام که خدای تعالی انزا بما نموده است و بر پا داشتن یعنی بدعت که خدای تعالی انرا مضمحل کرده است منتظر باشید و

حدیث سیم

حدیث چهارم

وخانهای خود را صومعهٔ خود قرار بدهید و آتش درخت قضا را
که تا چهل روز میماند که خاموش نمیشود بزیر دندان بگیرید یعنی
مشقت شدید را قبول کنید وخدا را بسیار ذکر نمائید زیرا که
ذکر خدا اگر بدانید که از همه چنین بزرکتر است بعد از آن فرمود
که در میان دجله و دجیل و فرات شهری که بآن زوراء گویند
بنا میشود ومراد از آن بغداد است وقتیکه دیدید آنشهر را که
با گچ و آجر محکم شده است و در حالتیکه با طلا و نقره ولاجورد
و مرمر خام که آن نوعی است از سنگ که بعضی جاپش سرخ و بعضی
جایش زرد و بعضی دیگر نیز سفید میشود و درهای عاج و
آبنوس وجوهر دار و قبه های و ستاره ها منقش و مزین شده و
نقش شده و درخت ساج و عرعر و صنوبر تازه لبسیا باشد و پا قصرها
محکم کردیده و پادشاهان که بنی عباس بیست و چهار نفر باشند بر ایجای
هم بکر آمدند که از جملهٔ ایشان سفاح و مقلاص و جموع و خدوع
و مظفر و مؤنث و نظار و کبش و مهتور و عثار و مصطلم و مستصعب
و علام و رهبانی و خلیع و سیار و مترف و کدید و اکتب و مترف
و اکلب و وسیم و صلام و غیوم و غیوق است و قبه خاکستر رنگ
در بیابان سرخ رنگ بنا شده میشود و در عقب اینها قائم بحق
در میان اقالیم از روی نقاب غیبت را بر می دارد و مانند ماه
درخشنده میشود در میان ستاره کان در ری آگاه شود که بدرستی
که برای خروجش ده علامت است که اول اینها طلوع ستاره دم
دار است در حالتی که بستاره جدی نزدیک است پس در آن وقت
هرج و مرج و فتنه و شر واقع میشود و اینها علامت از زانی نرخها

و از علامات

و از علامات تا بعلامتی دیگر امور عجیبه است پس در وقتی که این
ده علامت گذشتند در اینوقت ماه نو ما یعنی قائم ظاهر میشود کلمه
اخلاص در مقام توحید برای خدا تمام میشود علی عموم التصدیق
کنند و تکذیب غلبه بنمایند **حدیث بیست و پنجم** در بصائر
الدرجات از محمد ابن حسن صفار تا از سکونی و او از حضرت صادق
روایت نموده که آن حضرت فرمودند که حضرت رسول خدا فرمودند
که زمانی بر امت من می آید که از آن زمان خبث باطن ایشان ظاهر
از راه طمع بدنیا خوب و زیبا می باشد یعنی کارهای ایشان از راه ریا
محض میشود و در آن حال عذاب خداوند عالم همه ایشانرا فرا می
گیرد و هر قدر یکه بدعا غریق دعا می کنند مستجاب نمیشود **حدیث
بیست و ششم** صدوق در کتاب ثواب الاعمال باسناد خود از حضرت
صادق علیه السلام روایت نموده که گفت فرمود رسولخدا ص که بعد
از این زمانی می آید بر امت من که در آنزمان از قرآن باقی نمیماند
مگر رسمی و از اسلام باقی نمیماند مگر اسمی که خود شان را بران اسم می
نامند و مساجدشان معمور میشود و حال آنکه از جهت هدایت خراب است
فقهای ایشان بدترین فقهای زیر آسمان اند و فتنه از ایشان
سر می زند که بخود شان آن فتنه بر میگردد صدق یا رسول الله **حدیث بیست و هفتم**
در کتاب اکمال الدین باسنا خود از حضرت صادق علیه السلام
روایت می کند که آن حضرت گفت از پدرانش که حضرت رسول
خدا فرمود که اسلام در اولش غریب بوده پس بعد از این هم غریب
خواهد شد پس طوبی باد بر غربا اسلام که ایمان خود را نگه دارند
در میان خلایق **حدیث بیست و هشتم** در کتاب مذکور از اعصام

او از کلینی ره باسناد خود تا از محمد ابن مسلم روایت نموده است
که از حضرت باقر شنیدم که می فرمودند قائم منصور است برعب
و مؤید است بنصر در روی زمین و در وقت راه رفتن زمین در زیر پای
او پیچیده میشود و خزاین و دفاین زمین برای وی آشکار می گردد
و سلطنت مشرق و مغرب زمین را فرا میگیرد و بسبب وی
خداوند عالمیان دین خود را ظاهر میگرداند و بر همه ادیان
غالب میشود و در روی زمین خرابه نمیماند مگر آنکه تعمیر کرده
میشود حضرت روح الله فرود می آید و در پشت سرش
نماز میکند باز عرض کردم یا بن رسول الله قائم شما کی خروج
میکند فرمودند در وقتی که مردان بزنان و زنان بمردان شباهت
بهم رسانند مردان بمردان و زنان بزنان اکتفا نمایند و زنان بر روی
زین سوار شوند و شهادتها و دروغ و بهتان مقبول شود و شهادت عدول
مردود گردد و خلایق ریختن خون یکدیگر را سهل بدانند و ارتکاب
زنا و خوردن ربا را سهل انگارند و از بدان بسبب نرسیدن
از سخنان زشت ایشان تقیه کرده شود و سفیانی از شام و یمانی
از یمن خروج مینماید و فرو بردن زمین لشکر را در بیدا واقع
گردد و جوانی محمد بن الحسن نام را از آل محمد که نفس زکیه است
در میان رکن و مقام کشته گردد و صدائی از آسمان برسد که
حق با قائم و شیعه او است و در آن وقت خروج نماید قائم ما که
پشتش را بدیوار خانه کعبه داده تکیه مینماید و سیصد و سیزده
نفر مرد در خدمت جمع میشوند و اول کلامی که بآن نطق
میکند این آیه کریمه است بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین

یعنی

یعنی باقی مانده خدا در روی زمین از حجتهای خود خوبتر است
اگر با او ایمان بیاورید بعد از آن می فرماید که منم باقی مانده
خدا در روی زمین پس در وقتیکه ده هزار مرد در خدمتش جمع
شدند آنوقت خروج میکند و بیمن وجودش خدای عزت معبودی مانند
صنم و بت و غیران باقی نمیگذارد مگر آنکه آتش بآن میرسد و آن
را میسوزانند و این خروج بعد از غیبت طولانیست برای آنکه
خدای تعالی امتحان مینماید خلایق را که در حال غیبت او ایمان
دارند و بر امرش طاعت میکنند **حدیث نهم** در اکمال

حدیث نهم

باسناد خود از سلیمان ابن خالد روایت کرده است که او گفته
از حضرت صادق شنیدم که می فرمودند که پیش از ظهور قائم
دو نوع مرگ بخلایق میرسد که یکی موت احمر و یکی موت ابیض
است که خلایق را بنوعی تمام میکنند که از هر هفت نفر پنج
نفر هلاک میشود موت احمر با شمشیر کشته میشوند و موت
ابیض طاعون است **حدیث دهم** در کتاب مذکور باسناد

حدیث دهم

خود از ابی ایوب و از ابی بصیر او از حضرت صادق علیه السلم
نقل نموده که آن حضرت فرمود که این امر ظاهر نمیشود تا وقتی
دو ثلث مردم از دین خود شان بر گردند مرتد شوند پس بآن
حضرت گفته شد وقتی که دو ثلث مردم از دین بدر روند
چندان باقی نمیماند فرمود که آیا راضی نمیشوید که شما در
آن ثلث باشید که باقی مانده اند **حدیث یازدهم**

حدیث یازدهم

مجلسی ره از محمد بن ابراهیم نقل کرده است که حضرت صادق
علیه السلم فرمود که پیش از قیام قائم ع ناچار است از قحطی

شدن شد بکه که خلایق از ان گرسنگی و تنگی هلاک می
شوند و میرسد ایشانرا بیم شدیدی و بعد از انحضرت استشهاد
فرمودند باین آیه شریفه ولنبلونکم بشیء من الخوف والجوع ونقص من
الاموال والانفس الخ باین مضمون در تفسیر آیه شریفه بسیار
نقل شده حدیث دوازدهم از علامات واقعه خراب شدن
مسجد براثا است وان مسجدیست که بعد از جنگ نهروان
راهبی بخدمت حضرت امیر ع رسید و بامر ان حضرت بنا نمود
ان مسجد را واسم او حباب بود که بدست مبارک انحضرت
اسلام اورد وان مسجد را بامر ان حضرت باسم معمارش براثا
نام نهاد وانحضرت فرمود بان راهب که در جنب این مسجد
شهری بنا میشود که ظالمان وجابران در ان بسیار میشوند تا
انکه در هر جمعه هفتاد هزار زفاف واقع گردد وقتی که بدکرداری
ایشان شدت نمود راه مسجد را می بندند وان خراب نمیکنند
مگر کافری که ان خراب می کند و بعد از ان سه سال راه حج را باز
داشته می شود مؤلف گوید بجهت راه اهن از کاظمین ببغداد
عجیبه راه اهن مسجد را خراب نمود و بعد هم سه سال بود که راه
مکه را ممنوع بود از جهت اغتشاش وجنگ بین جمال التحدید
سیزدهم مجلسی ره از ارشاد شیخ مفید نقل کرده از حضرت باقر
در تفسیر آیه شریفه ان نشأ ننزل علیهم من السماء آیة فظلت
اعناقهم الخ فرمود که خدای تعالی این علامت را خدا بر ایشان
نازل خواهد نمود عرض کردم که ایشان کیانند فرمودند بنی
امیه واتباع انها عرض کردند که این آیه و علامت چیست

حدیث دوازدهم

حدیث سیزدهم

فرمود که ایستادن وحرکت ننمودن خورشید است در وسط السماء
از وقت ظهر تا وقت عصر ونمایانیدن صورت وسینه مردی
در روی جرم افتاب در حالتیکه او را خلایق بحسب نسبش می شناسند
واین علامت در زمان خروج سفیانی واقع میشود حدیث
چهاردهم مجلسی در کتاب محاسن برقی روایت کرده که حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلم از برای اصحاب خود چون اصبغ ابن نباته و
صعصعة بن صوحان بیان می فرمودند که از انجمله فرمودند
که طلوع می کند افتاب برخلاف عادت که از مشرق طلوع می کرد
واز احادیث واخبار بسیار ظاهر میشود که این از علائم ظهور
حضرت قائم است حدیث پانزدهم روایت کرده است محمد بن
مسلم از حضرت صادق علیه السلم که خروج می کند شخص مغربی و
بسیاری از شهرها را متصرف شود و بسیاری از مردم را می کشد
بعد سفیانی بر او غلبه می کند واموال مردم را از انها میگیرد حدیث
شانزدهم از احادیث مستفاد می شود ونقل شده که جنگ
بسیاری در روی زمین واقع گردد خصوصا در سمت مغرب
زمین واختلاف رایات که یکدیگر را می کشند خصوصا در شام
که صد هزار نفر در ان شهر کشته میشود مؤلف گوید که در سابق
جزء دیگر خبری نقل شد حدیث هفدهم مجلسی ره از غیبت
طوسی از محمد بن حنفیه روایت می کند که زندیقی از قزوین در زمان
رخ خیزد که پرده های ناموس اهل انرا پاره کند و بزرگان ایشان
را کم نام کند وهر که با وی مقابله کند کشته گردد وهر که تابع
وی گردد کافر شود واهل انجا دو فرقه شوند خرقه بر دین خود گریه

حدیث چهاردهم

حدیث پانزدهم

حدیث شانزدهم

حدیث هفدهم

کنند و فرقه بر دنیای خود بگریند و نیز از غیبت طوسی ره نقل کرده
که رسول خدا ص فرمود که خروج می کند از قزوین مردی زندیقی که هم نام
با یکی از پیغمبران است و مردم به اطاعت وی شتاب خواهند نمود
و مؤمنان و مشرکان از ترس او فرار می کنند بقسمی که کوه ها از ایشان
پر میشود **و مؤلف گوید** خدا عالم است که آن زندیق معهود خروج
نموده که مردم دو فرقه شده بر دنیای خود والله اعلم **حدیث هیجدهم**
مجلسی ره از کتاب طوسی ره باسناد از حضرت صادق علیه السلام
نقل کرده که آنحضرت فرمودند که سلطنت سالها از میان مردم
برداشته میشود پیش از ظهور حضرت قائم و سلطنت سال و
ماه و روز طول می کشد یعنی مدت سلطنت بسال نمیکشد راوی
عرض کرد که وقتیکه سلطنت بماه و روز طول می یابد ظهور حضرت
فرمودند **حدیث نوزدهم** مجلسی ره از غیبت طوسی باسناد
خود از بشیر ابن جذلم روایت کرده که بخدمت حضرت علی ابن الحسین
علیه السلام مشرف شدم و عرض کردم که خروج مهدی از برای من وصف
نمائید و علامات آن را بمن بشناسانید فرمودند که پیش از
خروج مهدی مردی که معروف است بعوف سلمی در سر زمین جزیره خروج میکند و
منزلش در تکریت است و بعد از آن سفیانی از وادی یابس خروج
می کند **حدیث بیستم** محمد ابن ابراهیم در کتاب غیبت خود
برفع اسناد از حضرت باقر ع روایت کرده که وقتی که صاحب
در شام مخالفت نماید آیتی از آیات خدا در آنجا ظاهر شد عرض کردند
که آن آیت چیست فرمود که زلزله ایست که در شام واقع میشود به
نوعی که زیاده از صد هزار نفر بسبب آن هلاک میشوند و خدا آن

از برای مؤمنان رحمت و برای کافران عذاب و نقمت گرداند بعد از
آن مغربی با رایات سیاه داخل شام میشود که جزع اکبر و موت احمر
که کشته شدن با شمشیر باشد واقع می گردد بعد از آن قریه که
از آخرستا گویند در نواحی دمشق فرو رود بعد از آن پسر زن جگرخوار
یعنی سفیانی خروج کند در وقتیکه این امور واقع شد بخروج مهدی
منتظر باشید **حدیث بیست و یکم** مجلسی ره از تفسیر محمد ابن
ابراهیم باسناد خود از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که
فرمودند وقتی که آتش بزرگی در جانب مشرق دیدید که سه روز
یا هفت روز در طرف مشرق طلوع نموده بالامر در انوقت منتظر
آل محمد بوده باشید که فرج می رسد بدرستیکه حق تعالی صاحب
قهر و غلبه است **حدیث بیست و دوم** ایضا از کتاب غیبت
محمد ابن ابراهیم برفع اسناد از حضرت امیر المؤمنین ع نقل
نموده که فرمود قائم ما خروج نمیکند تا وقتیکه چشم دنیا کور گردد
یعنی اوضاع عالم منقلب شود و اعلام ظلم و ستم برافراخته
گردد و نیز سرخی در آسمان ظاهر و هویدا شود و این سرخی از
اشک چشم حاملان عرش الهیست که بر احوال اهل زمین گریه
میکنند و او قیام نمیکند مگر وقتی ظاهر شود در میان اهل
زمین قومی را که ایشان را از خیر بهره و نصیبی نباشد **حدیث
بیست و سیم** مجلسی ره از کتاب غیبت محمد ابن ابراهیم برفع
سند از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که آنحضرت
فرمودند میان بنی عباس و آل مروان در قرقیسیا جنگی واقع
خواهد شد که طفل خورد سال از هول آنجنگ پیر خواهد شد و

حدیث بیست و چهارم

وخدای تعالی بمرغان هوا و درندگان زمین امر می کند که از گوشتهای ظالمین سیر شوید بعد از ان سفیانی خروج می کند حدیث بیست و چهارم مجلسی ره باسناد خود در بحار الانوار از حضرت باقر ع روایت کرده که طایفه ناجیه اند ترک الخ مؤلف گوید یعنی از شیعه خروج کند و در عقب هرج و مرج اهل روم واقع گردد و برادران ما که از طایفه ترک اند روی میاورند تا انکه در رمله فرود می ایند و دران سال در همه سرزمین از نواحی مغرب اختلاف بسیار است مؤلف گوید که احتمال دارد خروج ترک شیعه و بعد هرج و مرج و خروج اهل روم و اختلاف در همه سرزمین واقع شود اینچند ساله اخیره حالیه بوده باشد والله اعلم حدیث بیست و پنجم در بحار از ابی بصیر روایت کرده است به اسناد خود که حضرت صادق ع فرمود که ناچاریم از دیدن لشکر اذربایجان که هیچ کس طاقت موافقت و مقاتله با ایشان را ندارد مؤلف گوید که محتمل است که مراد بترک در حدیث قبل همان اذربایجانیها باشند و رمله موضعیست در نزدیکی مصر مراد انحضرت عثمانیها باشد حدیث بیست و ششم منسوب بحضرت امیر المؤمنین است این اشعار بنی اذا ما جاشت الترک فانتظر ولایة مهدی یقوم و یعدل وذل ملوک الارض من ال هاشم وبویع منهم من یلذ و یهزل صبی من الصبیان لا رای عنده ولا عنده جد و لا هو یعقل فثم یقوم القائم الحق منکم وبالحق یاتیکم و بالحق یعمل سمی نبی الله نفسی فدائه فلا تخذلوه یا بنی و عجلوا مؤلف گوید ظاهر مراد از خطاب

حدیث بیست و هفتم

نبی خطاب انحضرت بعلویین از اولاد نسبی خود باشد بفتح با و کسر نون و اضافه بسوی یا متکلم است بقرینه خطابات بعد لفظ منکم و یاتیکم که بلفظ جمع بیان فرموده است و ترجمه فرمایش انحضرت اینکه ای فرزندان من در وقتیکه بهیجان اید ترک پس منتظر باشید ولایت حقه حضرت مهدی را که قائم بعدل می باشد ذلیل شده باشند پادشاهان روی زمین از ال هاشم مؤلف گوید که محققین از علماء تطبیق کرده اند بسلاطین صفویه که از سادات علویین از ال هاشم بوده اند که بسیاری از ملوک و سلاطین در زمان سلطنت ایشان ذلیل و خار بوده اند در وقتیکه بیعت کرده شد از ان ملوک ارض و از ان سلاطین هاشمی کسیکه از اهل لذاید و لهو و لعب و لغو باشد محتمل اشاره باشد بضعف سلطنت در اواخر که سبب انقراض دولت ایشان شده باشد و شاید مراد از سلطانی صبی باشد که بعد از زمان سلطنت صفویه بوده باشد که طفلی باشد از اطفال که قائم بسلطنت شود که مردم اورا سلطان خود قرار دهند که در نزد ان طفل رای و عزم و عقل و درایت و مهمی نباشد این اثار که ظاهر شد انگاه قیام می کند قائم بحق حضرت مهدی از شما ال هاشم که بحق بجانب شما می اید و بحق عمل مینماید که هم نام پیغمبر است جانم فدای او باد پس دران وقت ای فرزندان مخذول ننمایید اورا در نصرت او کوتاهی نکنید حدیث بیست و هفتم از بعضی خطب حضرت امیر المؤمنین هم چنین نقل در کتب علما شده است که ان حضرت فرموده الا ان لخروجی علامات

عشره اولها تخریب الزایات فی ازقة الکوفة وتعطیل المساجد و
انقطاع الحاج وخسف وقذف بخراسان وطلوع کواکب المذنبة و
اقران النجوم وهرج ومرج وقتل ونهب فتلک علامات عشره
ومن العلامة الی العلامة عجیب فاذا تمت العلامات قام
قائمنا **اول** فرمایش حضرت خروج را نسبت بوجود مبارک خود
میدهد واخر برای فرزند خود حضرت قائم شاید چون خروج
حضرت قائم همان خروج حضرت امیر المؤمنین است فی الحقیقة
که قائم مقام انحضرت وخلیفة الله است وهم ایشان از نور
واحد میباشند اولهم واخرهم معنی فرموده انحضرت این است که
اول ان ده علامت سوزاندن علمها است در کوچه های
کوفه بسبب اختلاف رایات وغلبه بعضی بر بعض دیگر **دوم**
تعطیل مساجد است شاید مراد بعض مساجد ها باشد که معو
ومعطل مانده است **سیم** منقطع شدن حاج است از بیت الله
بجهة بسیاری خوف وبیم وجنگ در راه ها ودر بعضی روایات
است که سه سال راه حج بسته خواهد شد که فعلا چنین واقع
شده است **چهارم** خسف در خراسان **پنجم** قذف خراسان
شاید مراد خرابی باشد وخراسان احتمال بسیار دارد **ششم**
بیرون امدن ستاره های دنباله دار است از اسمان که
انهم مشاهده شد **هفتم** اجتماع واقران کواکب است بالکدیگر
کانهم واقع گردیده است **هشتم** هرج ومرج در دنیا که انهم چند
سال است واقع شده است که کسی بخاطر ندارد این هرج ومرج
عمومی در دنیا را **نهم** قتل بسیار که انهم ظاهر واشکار است

چند سال است که در همه دنیا واقع است **دهم** غارت اموال انهم که
اظهر من الشمس است در این زمان فرمودند انحضرت چون ان
علامات ده گانه ظاهر شد در انحال قیام مینماید قائم ما
حضرت حجة الله **حدیث بیست وسیم** از جمله خطبات
انحضرت است ع اذا صاح الناقوس وکبس الکابوس وتکلم
الجاموس فعند ذلک عجائب وای عجائب انار النار بنصیبین
وظهرت رایة عثمانیة بواد سود واضطربت البصرة الی اخر الخطبة
ملخص ترجمه حضرت امیر ع فرمودند در وقتی که صیحه کشد و
فریاد نماید ناقوس ظاهرا مراد ان حضرت از ناقوس نصاری است
که فعلا در بلاد اسلام بلند است وکلیسا ها ساخته اند در
اکثر بلاد مسلمین ومعبد بنا نموده اند وفریاد ناقوس بلند است
خلاصه فرمودند در وقتیکه صیحه کشد وفریاد نماید ناقوس
ومردم بتخیلات واهیه نفسانیه سر بلند کنند یا انکه از برای
ایالت وسلطنت برخیزند وشخص عظیم الجثه قوی شوکتی
سلطنت نماید که امر او با شد ویا مراد حضرت مرد احمقی است
که بدعتها در دین بگذارد ومردم قبول کنند انچه را که او
بگوید پس در این هنگام عجیبست وکیف عجائب اتشی در میان
شام وعراق خواهد سوخت اتش فتنه وفساد شاید مراد
ان حضرت این باشد که بلاهای اسمانی باشد که وارد شود
خلاصه فرمودند حضرت که مضطرب وخراب شود بصره
وهر طایفه با طایفه دیگر در مقام قهر وغلبه کشتن یکدیگر
باشند تا انکه چندین علائم دیگر از اختلاف اراء وهرج ومرج

حالات پلیس و یکی علائم بظهور است

و ریختن مردم بر یکدیگر از اعراب غیر ایشان و ابیات فرموده اند
که چون اعتقاد نماید هرقل که قیصر روم است در قسطنطنیه بر آ
بطارقه که یکی از امرای لشکر سفیانی است با جماعت و در انبیاد
او در آن وقت متوقع ظهور آنکسی باشید که سخن گوینده بود
با حضرت موسی ابن عمران در کوه طور مراد حضرت شاید نیستکه
نوری که در شجره طور بود و تکلم نمود با حضرت موسی ابن عمران همان
نور آل محمد و یا نور ولایت و یا نور حضرت حجة ابن الحسن بوده است
حدیث بیست و نهم شیخ طوسی ره از کتاب الغیبه از فضل ابن
ابن محبوب او از بطایحی او از ابی بصیر او از حضرت صادق روایت
کرده که آن حضرت فرمودند که در پیش از ظهور حضرت قائم
قحط سالی واقع گردد که خرماهای نارسیده در سر درخت خورده
شود حدیث سی ام مجلسی ره از کتاب الغیبه روایت نموده
که اهل حبش بیت الله را تغییر می دهند و از اخراب میکنند
و حجر الاسود را از جایش برداشته گردد و در مسجد کوفه منصوب
میشود حدیث سی و یکم محمد ابن ابراهیم در کتاب الغیبه باسناد
خود از حضرت صادق ع روایت کرده است که فرمودند ظهور
حضرت قائم ع از کجا می گردد و حال آنکه فلک استقرار نکرده است
تا آنکه گفته شود که او مرده یا هلاک گردیده و بکدام بیابان بوده
راوی عرض کرد یا ابن رسول الله مراد از استقرار فلک چیست
فرمود که اختلاف شیعیان حدیث سی و دوم مجلسی ره
باسناد خود مذکور از یعقوب ابن سراج روایت کرده و گفته
که بخدمت حضرت صادق عرض کردم که فرج شیعه کی خواهد شد

حدیث ۲۹ — حدیث ۳۰ — حدیث ۳۱ — حدیث ۳۲

فرمودند وقتی که بنی عباس با هم مخالفت کردند و تسلط ایشان
کم شد و بسلطنت و اموال طمع نمود کسیکه اینگونه طمع نکرده
بود هرگز در حق ایشان و عریان جلو را از سرشان بر کندند
یعنی از اطاعت بدر رفتند و هر صاحب شاخ شاخ خود را
بلند نمود یعنی هر صاحب قوت قوت خود را اظهار کرده و سفیانی
و یمانی ظهور نمودند و حسنی حرکت کرد آن وقت صاحب این امر از مدینه
بمکه با میراث رسول خدا بیرون می رود عرض کردم میراث رسول
خدا بیرون می رود عرض کردم میراث رسول خدا ص چیست فرمود
که شمشیر و پیراهن و عمامه و لباس و چوب دستی که عصا باشد و زره
و اسب او است با اسباب و زینش حدیث سی و سوم در کتاب
مذکور مجلسی ره نقل می کند باسناد معتبر از ابی الجارود که
گفته که از حضرت ابی جعفر ع شنیدم که فرمودند وقتی که ظاهر
شدن بیعت نمودن خلایق بطفلی همراهیند در آن وقت هر صاحب
قوه و استعدادی با جمعیت خود برخیزد و لوای داعیه را افرازد
حدیث سی و چهارم در کتاب الغیبه از ابن عقده باسناد
خودتا از هشام ابن سالم او از ابی عبدالله روایت کرده است
که آن حضرت فرمودند که این امر واقع نمیشود تا وقتی که نماند
هیچ صنف از اصناف خلایق مگر آنکه آنها والی و حاکم می شوند
تا آنکه نگویند که اگر ما والی و صاحب اختیار می شدیم همراهیند
با عدالت رفتار می نمودیم بعد از آن قائم با حق و عادل خروج
میکند حدیث سی و پنجم ارشاد مفید ره از حضرت
صادق ع روایت می کند که آنحضرت فرمودند قبل از قیام قائم

حدیث سی و سیم — حدیث سی و چهارم — حدیث سی و پنجم

باران شدیدی میبارد که مانندان دیده نشده پس بسبب خدای
ان باران کوشتهای ابدان مؤمنان را در قبرهای ایشان میرویاند
کویا ایشانرا می بینم که از سمت جهینه می ایند در حالتی که موهای
خود را می تکانند که کرد و غبار پاک شود و در بعضی روایات مالك
اشتر نیز نقل کرده اند حدیث شیخ مفید در ارشاد روایت
کرده است از وهب ابن حفص از ابی بصیر از حضرت باقرع در تفسیر
ایهٔ شریفهٔ ان نشأ ننزل علیهم من السماء ایة فظلت اعناقهم لها خاضعین
فرمودند که مراد از ایشان بنی امیه اند و مراد از ایه ایستادن افتاب است
از وقت ظهر تا عصر و نمایان شدن رو و سینه مردی در روی جرم
افتاب در حالتیکه مردم او را بحسب و نسب میشناسند و در بعضی
روایات مستفاد میشود که حضرت امیرالمؤمنین است حدیث
سی و هفتم از محدث کاشانی در صافی از علی ابن ابراهیم قمی ره
از ابن عباس روایات کرده که حضرت رسول آمد در مکه حلقه در کعبه
را کرفته متوجه ما شده فرمودند ایا خبر دهم شما را بعلامات
واشراط ساعت پس نزدیکترین مردم بانحضرت سلمان فارسی
ره بود عرض کرد که اری یا رسول الله ص فرمود که از اشراط ساعت
ضایع کردن نمازاست و متابعت شهوات و هوای نفسانیست و تعظیم
وتکریم صاحبان مال و فروختن دین بدنیا است پس در انوقت دل
مؤمن کداخته میشود و اندرون ان مانند نمك در اب از انسبب
که منکر را ببیند و نتوانند نهی و امر بمعروف کنند سلمان عرض کرد
که این امر خواهد شد یا رسول الله ص فرمود اری بحق انکسی که جانم
در دست اوست یا جابر در انوقت والی کردد بر مردم امیران جابر و

حدیث ۳۶

حدیث ۳۷

و بعضی علما را است که سلطان ... مقلدان زنده خواهند شد و از اصحاب حضرت قائم خواهند بود

وزیران فاسق و عرفای ظالم و امناء خائن پس سلمان عرض کرد که این
خواهد شد حضرت فرمود اری بحق انکسیکه جانم در دست اوست یا سلمان
پس در انوقت منکر معروف و معروف منکر خائن امین و امین خائن
دروغکو را تصدیق کنند و راستکو را تکذیب نمایند باز سلمان
عرض کرد این شدنیست یا رسول الله فرمود بلی بخدا انکه جانم در ید
اقتدار اوست یا سلمان در انوقت خواهد بود امیری با زنان و
مشورت با کنیزان و نشستن کودکان بر روی منابر و دروغ را ظرافه
دانند و زکوة را غرامت برند و فیئ را غنیمت دانند و بپدر و مادر
را جفا کنند و صدیق را برنجانند و ستاره دنباله دار طلوع کند
سلمان کفت این امر خواهد شد یا رسول الله ص فرمود بلی بخدائی که
جان من در ید اوست یا سلمان پس در انوقت مشارکت نماید زن
با مرد در تجارت و باران در غیر وقت اید و مردمان کریم را ناقص
شمارند و مردمان فقیر را حقیر نمایند و بازارها کساد شود چنانچه
~~یکی کوید یکه~~ در انوقت والی در امور ایشان شوند کسانیکه اگر مردم
بخواهند که تکلم کنند ایشان را بکشند و اگر سکوت نمایند عرض
و مال ایشانرا مباح کنند تا انکه فیئ ایشانرا ببرند و حرمت ایشان
را پامال کنند و خون ایشانرا بریزند و قلوب ایشانرا پر از خوف
نمایند پس نمی بینی مکر خائف و هراسان باز سلمان عرض کرد
این امر خواهد شد یا رسول الله ص فرمودند بلی بخدا انکه جانم در دست
اوست یا سلمان در انوقت اورده شود چیزی از مشرق و چیزی از
مغرب که امت مرا کمراه کند پس وای بر امت من بضعفاء از ایشان
و وای بر ایشان از خدا رحم نکنند صغیری را و نیز احترام ننمایند

کبیری را عفو نکنند تقصیر کاری را بدان ایشان سیدن انسان
ماند و قلوب ایشان بقلوب شیاطین سلمان عرض کرد که این
امر خواهد شد یا رسول الله فرمودند بلی یا سلمان بحق آنخداوندی
که جان من در قبضه اقتدار خداوندی که اوست یا سلمان در آن
وقت مردان بمردان اکتفا نمایند و زنان بزنان و بر پسران امرد
چنان غادت برند که بر دختران و کنیزان در خانه نظر نکنند
و مردان بزنان شبیه شوند و زنان بمردان شبیه گردند و زنان
با شبها زین دار سوار شوند بر ایشان باد لعنت خدا سلمان عرض
کرد که این خواهد شد یا رسول الله فرمود آری بحق کسیکه جان
من در دست اوست یا سلمان در انوقت مسجدها را طلا کاری کنند
مانند بیع و کنایس و قرانها را زیور نمایند و منارها را بلند
کنند و صفوف جماعات بسیار و دلهای ایشان پر از بغض و
زبانهای ایشان مختلف سلمان عرض کرد که این امر خواهد شد
یا رسول الله فرمود بلی بحق آنکسیکه جان من در دست اوست
یا سلمان در انوقت مردان امت بطلا زینت کنند و حریر و
دیباج بپوشند و پوست پلنگ بکار برند سلمان عرضکرد
که این امر خواهد شد یا رسول الله فرمود بلی بحق کسیکه جان من
در دست اوست یا سلمان در انوقت ربا ظاهر شود و رشوه شایع
گردد و دین پست شود و دنیا بلند گردد یا سلمان در انوقت
طلاق بسیار داده شود و برای خدا اقامت حدی نشود و بخدا
ضرری نرسانند در انوقت اغنیا حج کنند برای نزهت و فقراء
حج کنند برای ریاء و سمعه و شهرت و در انوقت باشند اقوامی

که قرآن را از برای غیر خدا بیاموزند و آنرا مزمار گیرند و بوده باشند
که تفقه کنند از برای غیر خدا و اولاد زنا بسیار شود و قرآنرا بصوت
غناء خوانند و بدنیا تعاقب کنند سلمان گفت این امر خواهد شد
یا رسول الله فرمود آری بحق آنکسیکه جان من در دست اوست یا
سلمان در انوقت محارم را هتک کنند و معاصی را کسب نمایند و
اخیار بر اشرار مسلط شوند و دروغ فاش شود و لجاجت ظاهر گردد
و فاقه بسیار شود و ملباس مباهات کنند و در غیر وقت باران
آید و آلات لهو و لعب را نیکو شمارند و امر بمعروف و نهی از منکر را
انکار کنند تا آنکه مؤمن در انزمان از عبد ذلیل تر باشد و قاریان
قرآن یکدیگر را ملامت کنند پس ایشانی باشند که در ملکوت آسمان
ها ایشانرا ارجاس انجاس نامند یا سلمان در انوقت رحم نکنند
غنی بر فقیر که بنوعی شود که سائل در میان دو جمعه از مردم سؤال
نماید و نیابد کسیرا که در کف دستش چیزی گذارد سلمان
عرض کرد که این امر خواهد شد یا رسول الله فرمودند آری بحق آن
کسیکه جان من در دست اوست یا سلمان در انوقت بیضه تکلم
کنند سلمان عرضکرد که بیضه چه چیز است یا رسول الله پدر
و مادرم فدای تو باد فرمودند که تکلم کند در امر عموم مردم کسیکه
تکلم نمیکرد پس درنگ نکنند مگر قلیلی که زمین صدا کند صدا
کردنی پس هر طایفه گمان کنند که از ناحیه ایشان بوده است پس
مکث نمایند انقدر که خدای خواهد پس در مکث خود مکث
نمایند پس ببیند از دا از برای ایشان زمین فلزهای جگر خود را
که از طلا و نقره باشد پس اشاره نمود بسوی ستونها کرده و فرمودند مانند

خاتمة الطبع

اینها و دوان روز سودی نکند طلا ئی و نه نقره امنیست معنی قول خدای
تعم فقد جاء اشراطها الامر قد فرغت من التألیف فی شهر شعبان
المعظم سنه ١٣٣٩ ه

الحمد لله المنقذ عن الحیرة و الغوایه المرشد الی سبیل الصواب
و الهدایه و جعل محمد خاتم رسله علی کافة البریه وصلی الله
علیه و علی الاطائب من عترته البرره فبعد بحول الله و قوته
و فضله و کرمه قد فرغت من هذه الرسالة المختصرة المنجزه بالادلة
القطعیة العقلیه و براهین الساطعة النقلیه من کتب العلماء
و المحدثین المذاهب الاربعة و مخالفین المذهب الحقه
الامامیه فی اثبات الامامة و الخلافة الائمة
العترة الطاهرة الهادیه و اذهاق المذاهب
الضالة الهالکة و اثبات الوجود
الشریف خاتم الاوصیاء و غیبته
و طول عمره الشریف و الغنی
و صنفنی فی المدة
القلیله
قبل التشرف بیت الله و المدینة الطیبه و لسئل الله ان جعلنی
من التابعین و الناصرین الحجة عجل الله تعالی فرجه و حشرنی فی یوم
القیامة و یوم الحسرة و الندامة مع حضرته و ابائه و اجداده صلوات
الله علیه و علی ابائه حرره فی العاشر من شهر الصیام سنه تسعه
و ثلاثین و ثلاث مائة بعد الالف من الهجرة النبویه سنه ١٣٣٩ ه

سال ١٣٤٨ خورشیدی
بازبینی شد

تقریظ

حضرت مستطاب سید العلماء و العالمین و زبدة الفقهاء و المجتهدین آیة الله فی الارضین حجة الاسلام آقای حاجی سید ... دام ظله العالی دستخط مبارک

بسم الله الرحمن الرحیم

حمداً لمن خص بالفضل العلماء و رجح مدادهم علی دماء الشهداء
و الصلوة و السلام سید انبیائه و افضل سفرائه محمد و علی
اوصیائه و خلفائه الائمة الهادین علیهم صلوة المصلین ما
دامت السموات و الارضین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین
ابد الابدین و بعد فقد نظرت و تاملت فی ما الفه و صنفه
الجناب المستطاب السید السند و الرکن المعتمد العالم الفاضل
و النحریر البدل الکامل غواص بحار المعارف فی مدونات المخالفین
و المؤالف مشید احکام الدین و ناشر آثار الائمة الهداة المهدیین
مولی الحاج سید محمد علی الملقب المشهور بکلستانه غصن شجرة
الفاطمیه من اسباط و الاحفاد میر علاء الدین محمد ابن میر ابو تراب
ابن میر ابو المعالی ابن میر مرتضی بن میر غیاث الدین بن میر عبد العزیز
بن میر نظام الدین بن میر اسمعیل بن میر شرف الدین صدر ابن
میر عماد الدین بن حسن شرف شاه عماد الدین ابن علی ابن الحسین الحسنی
الرئیس ابن القاسم ابن محمد البطحائی ابن القاسم ابن الحسن بن زید بن الحسن
المجتبی ابن علی ابن ابیطالب و رایت تالیفا لطیفا شریفا و تصنیفا
بلیغا قد بالغ فی سعیه و افرط فی جهده حتی استظهر بعبارات رائقه
و حجج فائقه ردا علی کل طائفه بلسانهم و خاصمهم باخبارهم و احتج
مشتملا علی اثبات المذهب الحقه و اثبات الوجود الشریف الامام

خاتمة الطبع

الثاني عشر الحجة القائم المنتظر وغيبته عجل الله تعالى فرجه وسهّل
مخرجه وسمّاه برسائل في اثبات الحق واذهاق الباطل نفعه عام
وبركاته تام جزاه الله عن الاسلام افضل الجزاء وحباه الله من
الأئمة اجزل العطاء من الاحقر علي ابن الحسين النجفي

محمد خادم ترشیز
حجة الاسلام مدظله

شایع نمود

جناب المستطاب السيد السند والركن المعتمد العالم

العامل الفاضل الكامل المولى الحاج

سید محمد علی الملقب بگلستانه

پکمودیا اسٹریت نمبر ۲ بمبئی

در مطبعه جلیس مطلع مظفری

واقعه در نمبر ۱۴۶ میرزا علی

استریت عمر کهادی بمبئی بمباشرت

آقا میرزا احمد شیرازی

بحلیه طبع

در آمد

کتبه شیخ جواد ابن

عبد الغنی جهرمی

سال ۱۳٤۸ خورشیدی
بازبینی شد